

جغرافیای سیاسی شیعیان منطقه خلیج فارس

نویسنده: متقی زاده، زینب

زبان: فارسی

تعداد جلد: ۱

ناشر: شیعه شناسی

مکان چاپ: قم

سال چاپ: ۱۳۸۴ ه. ش

نوبت چاپ: اول

۱۲۳۴۳ جغرافیای سیاسی شیعیان منطقه خلیج فارس ؛ ص ۷

ص: ۷

فهرست مطالب

مقدمه علی اصغر محمدی سیجانی ۱۳

مقدمه مؤلف ۱۷

الف) علت وجودی ۲۰

ب) سرزمین ۲۰

ج) مرز ۲۰

د) ناحیه ۲۰

ه) جمعیت ۲۱

فصل اول: تشیع؛ اندیشه‌ها و باورها؛ شعب و گستره

مقدمه ۲۷

تشیع ۲۷

فرقه‌های تشیع ۲۹

الف) کیسانیه ۳۰

ب) زیدیه ۳۰

ج) اسماعیلیه ۳۲

د) غلاة ۳۴

ه) امامیه اثنی عشریه ۳۴

اندیشه‌های انقلابی و فرهنگ سیاسی ۳۵

پراکندگی تاریخی - جغرافیایی تشیع ۴۲

نتیجه‌گیری ۴۶

فصل دوم: جغرافیای سیاسی منطقه خلیج فارس

مقدمه ۴۹

اهمیت استراتژیک منطقه خلیج فارس ۵۰

الف) وضع طبیعی و موقعیت جغرافیایی خلیج فارس ۵۲

ب) ذخایر عظیم نفت و گاز ۵۴

جدول شماره ۱: پیش‌بینی موازنه عرضه و تقاضای جهانی نفت تا سال ۲۰۱۰ ۵۸

ص: ۸

جدول شماره ۲: سناریوی پیش‌بینی ظرفیت تولید کشورهای خلیج فارس در سال ۲۰۱۰ ۵۹

جدول شماره ۳: ذخایر گاز طبیعی در ایران، قطر، امارات، عربستان ۶۰

ج) بازار مصرف ۶۰

د) نقش فرهنگی اهمیت ایدئولوژیکی ۶۳

حضور قدرت‌ها در منطقه خلیج فارس ۶۶

جغرافیای سیاسی عربستان ۶۸

جغرافیای سرزمین و ویژگی‌های فیزیکی آن ۶۸

اهمیت استراتژیکی عربستان ۶۹

الف) اهمیت جغرافیایی ۶۹

ب) اهمیت فرهنگی و اعتبار بین المللی ۷۰

ج) منابع طبیعی ۷۲

د) بازار مصرف ۷۳

حضور قدرت‌های خارجی ۷۵

جغرافیای سیاسی و مرزهای بین المللی ۷۸

جغرافیای سیاسی و عوامل جمعیتی ۷۹

جغرافیای سیاسی و نظام اجرایی ۸۰

شبکه‌های ارتباطی ۸۱

- مطبوعات ۸۱

- بندرها ۸۱

- راه آهن ۸۲

- جاده‌ها ۸۲

ارتباط با موضوع مورد بحث ۸۲

جغرافیای سیاسی عمان ۸۳

جغرافیای سیاسی سرزمین و ویژگی‌های فیزیکی آن ۸۳

جغرافیای سیاسی مرزهای بین المللی ۸۵

جغرافیای سیاسی و عوامل جمعیتی ۸۶

جدول شماره ۴: جدول جمعیتی عمان ۸۶

شبکه‌های ارتباطی ۸۷

جغرافیای نظام اجرایی ۸۸

جغرافیای سیاسی امارات متحده عربی ۸۹

جغرافیای سیاسی سرزمین و ویژگی‌های فیزیکی آن ۸۹

ابوظبی ۹۰

دبی ۹۰

جغرافیای سیاسی مرزهای بین المللی ۹۱

ص: ۹

جغرافیای سیاسی و عوامل جمعیتی ۹۲

جدول شماره ۵: جدول جمعیتی امارات متحده ۹۳

ابوظبی ۹۳

دبی ۹۳

شارجه ۹۴

رأس الخیمه ۹۴

عجمان و ام القوین و فجیره ۹۴

شبکه‌های ارتباطی ۹۵

جغرافیای سیاسی نظام اجرایی ۹۶

جغرافیای سیاسی قطر ۹۶

جغرافیای سیاسی سرزمین و ویژگی‌های فیزیکی آن ۹۶

جغرافیای سیاسی مرزهای بین المللی ۹۸

جغرافیای سیاسی و عوامل جمعیتی ۹۹

جدول شماره ۶: جدول جمعیتی قطر ۱۰۰

شبکه‌های ارتباطی ۱۰۱

جغرافیای سیاسی و سیستم اجرایی ۱۰۲

جغرافیای سیاسی بحرین ۱۰۳

جغرافیای سیاسی سرزمین و ویژگی‌های آن ۱۰۳

جغرافیای سیاسی مرزهای بین المللی ۱۰۵

جغرافیای سیاسی و عوامل جمعیتی ۱۰۶

جدول شماره ۷: جدول جمعیتی بحرین ۱۰۶

شبکه‌های ارتباطی ۱۰۷

جغرافیای سیاسی سیستم اجرایی ۱۰۹

جغرافیای سیاسی عراق ۱۰۹

جغرافیای سیاسی سرزمین و ویژگی‌های فیزیکی آن ۱۰۹

جغرافیای سیاسی مرزهای بین المللی ۱۱۱

جغرافیای سیاسی و عوامل جمعیتی ۱۱۲

جدول شماره ۸: جدول جمعیتی عراق ۱۱۳

شبکه‌های ارتباطی ۱۱۵

جغرافیای سیاسی سیستم اجرایی ۱۱۶

جغرافیای سیاسی کویت ۱۱۶

جغرافیای سیاسی سرزمین و ویژگی‌های فیزیکی آن ۱۱۶

جغرافیای سیاسی مرزهای بین المللی ۱۱۸

جغرافیای سیاسی و عوامل جمعیتی ۱۱۹

ص: ۱۰

جدول شماره ۹: جدول جمعیتی کویت ۱۲۰

شبکه‌های ارتباطی ۱۲۱

سیستم اجرایی ۱۲۲

نتیجه‌گیری ۱۲۳

فصل سوم: جغرافیای سیاسی شیعیان خلیج فارس

مقدمه ۱۲۷

شیعیان عمان ۱۲۹

شیعیان عربستان ۱۳۳

الف) فرقه وهابیت ۱۳۳

ب) وضعیت شیعیان ۱۳۵

شیعیان بحرین ۱۴۰

شیعیان عراق ۱۴۴

شیعیان قطر ۱۵۳

شیعیان امارات متحده عربی ۱۵۴

شیعیان کویت ۱۵۵

مراکز شیعه‌نشین منطقه خلیج فارس ۱۵۷

نتیجه‌گیری ۱۶۳

## فصل چهارم: رستاخیز شیعی

مقدمه ۱۶۷

جغرافیای سیاسی شیعیان خلیج فارس و جنبش‌های شیعی ۱۶۷

الف) تغییر حاکمیت سیاسی ۱۷۰

ب) احیای ارزش‌های اسلامی بر مبنای رهنمودهای ائمه اطهار ۱۷۱

ج) بهبود وضعیت اقتصادی شیعیان منطقه ۱۷۱

د) آمادگی برای ظهور منجی که تقریباً تمامی جنبش‌های شیعی قائل بدان هستند ۱۷۱

الف) عقیده به غصب خلافت الاهی ۱۷۲

ب) فاجعه کربلا ۱۷۲

ج) چشم‌انتظار فرج و ظهور مهدی موعود (عج) ۱۷۲

د) اجتهاد در فقه ۱۷۳

سیر تاریخی جنبش‌های شیعی ۱۷۳

جنبش‌های شیعی عراق ۱۷۵

جنبش‌های شیعی عربستان ۱۸۴

جنبش‌های شیعیان بحرین ۱۸۸

جنبش‌های شیعی در قطر، عمان، امارات متحده و کویت ۱۹۲

تشیع، رویاروی غرب ۱۹۴

نتیجه‌گیری ۱۹۹

خاتمه ۲۰۱

خلاصه و نتیجه‌گیری ۲۰۱

منابع ۲۰۵

الف. فارسی ۲۰۵

۱. کتاب‌ها ۲۰۵

۲. مقالات ۲۰۹

ب. انگلیسی ۲۱۰

فهرست اعلام ۲۱۱

### مقدمه [علی اصغر سیجانی]

اصحاب و پیروان علی بن ابی طالب علیه السلام که بعدها به شیعه علی علیه السلام نامیده شدند، در زمان حیات پیامبر بزرگ اسلام صلی الله علیه و اله در مدینه النبی صلی الله علیه و اله نیز متمایز و مشخص بودند . آن‌ها درباره پیامبر صلی الله علیه و اله و فرمان های او، هم چون علی علیه السلام فکر می کردند و معتقد بودند که باید نسبت به همه دستورها و اوامر پیامبر صلی الله علیه و اله مطیع و منقاد باشند . در حالی که اصحاب سالخورده‌تر و مسن‌تر پیامبر صلی الله علیه و اله تحت نفوذ فکری ابو بکر و عمر، در اوامر و نواهی او پرس و جو کرده، دستورات الهی را از دستورات نبوی صلی الله علیه و اله تفکیک می‌کردند، اصحاب جوان‌تر ایشان، تحت تأثیر شخصیت علی علیه السلام پیروی مطلق از پیامبر صلی الله علیه و اله داشته و مطیع همه دستورات پیامبر بودند.

این گروه پس از فوت پیامبر صلی الله علیه و اله و تسلیم اکثریت اهالی مدینه به تصمیم سیاسی شورای سقیفه بنی ساعده در زمینه خلافت ابو بکر، هم‌چنان به علی بن ابی طالب علیه السلام به عنوان وصی منصوب پیامبر صلی الله علیه و اله وفادار مانده و به عنوان اقلیت خاموش ولی معترض به حیات خود ادامه دادند . در دوره خلافت کوتاه علی بن ابی

طالب علیه السلام پیروان و مریدان مشی او، نه تنها در مدینه، بلکه در دیگر سرزمین های اسلامی از قبیل یمن، شامات، عراق و ایران نیز ظاهر بودند.

شورش معاویه بن ابی سفیان، والی شام در دولت امام علی علیه السلام و سپس استیلای نامشروع او بر اریکه خلافت که سلسله موروثی امویان را به دنبال آورد، مصیبت ها و دردهای بسیاری را بر خانواده، اصحاب و پیروان امیر مؤمنان علیه السلام در پی داشت که اوج آن در خانه نشینی امام حسن بن علی علیه السلام و شهادت مظلومانه امام حسین بن علی علیه السلام و اسارت خانواده او به چشم می خورد. پس از غائله کربلا، شیعیان علی علیه السلام و اولاد او، همواره در معرض تعقیب و آزار و شکنجه حاکمان و والیان منصوب اموی و سپس عباسی بوده، از این رو تلاش می کردند تا به مناطقی کوچ کنند که تا حدی از تعقیب و دسترسی حکومت مرکزی، دور باشند.

ص: ۱۴

گروهی به شمال آفریقا رفته و گروهی دیگر راه هند را در پیش گرفتند . تنی چند از بزرگ ترین داعیان شیعه - از فرقه های مختلف آن - به ایالت های مختلف ایران سفر کردند و طولی نکشید که مراکز مختلف تجمع شیعه را سامان دادند. در این میان، سواحل خلیج فارس نیز که در آن روزگار مناطق دور افتاده و غیر قابل توجهی به شمار می رفت، پذیرای گروه های مختلف شیعه گردید . حاصل آن شد که هر دو سوی خلیج فارس، رفته رفته به محل استقرار شیعیان مبدل گشت. از «بصره» که به طور مداوم با کوفه و دیگر ایالت های عراق در ارتباط بود بگذریم، «بحرین» مهم ترین منطقه تمرکز شیعیان به شمار می رفت. بحرین تاریخی، فراتر از جزیره کنونی بود و تقریباً تمام مناطق شرقی عربستان سعودی را دربر می گرفت که تا هم اینک نیز اکثریت ساکنان آن شیعه می باشند. این سوی خلیج فارس نیز عموماً از فضای داخلی ایران تأثیر می پذیرفت.

اما گویی تقدیر الهی سرنوشت دیگری را برای شیعیان رقم زده بود . این مناطق دور افتاده، رفته رفته به مرکز قدرت شیعی تبدیل شد. فاطمیان از آفریقیه - تونس فعلی - برخاستند تا بر مصر به عنوان بزرگ ترین ایالت اسلامی مسلط شوند و دستگاه عظیم خلافت فاطمی را شکل دهند؛ همان که دیرزمانی در برابر خلافت مخوف و امنیتی عباسی پایداری نمود. گرچه خلافت فاطمیان چندان که باید به طول نینجامید، ولی فرهنگ غنی شیعه را در ساختار فرهنگی مصر چنان استوار به کار گرفت که نشانه های مختلف آن تا هم اکنون بر جای مانده است . برخی از مصرشناسان بر آن اند که خون اسلام شیعی فاطمی، امروز نی ز هم چنان در هیکل فرهنگی اهل بیت دوست مصریان جریان دارد؛ همان هیكلی که استخوان هایش فرعون و پوسته اش اسلام سنی است.

از شمال ایران، علویان طبرستان و آنگاه شیعیان آل بویه برخاستند تا با بسط سیطره خود، دستگاه خلافت عباسی را نیز برای چندی به کنترل درآورند. ایران زمین گرچه به دلیل سیاست های خلافت عباسی از اکثریت سنی نشین برخوردار بود، ولی رفته رفته به مرکز شیعیان تبدیل شد و در این میان، سلسله عارفان و صوفیان مرید علی علیه السلام نیز پای به عرصه نهاد و معنویت و ولایت باطنی علوی را تداوم بخشید.

ص: ۱۵

با گسترش دریانوردی در قرون اخیر، مناطق ساحلی کشورها و ازجمله منطقه خلیج فارس به دلیل موقعیت ژئوپولیتیک آن، جایگاه ویژه‌ای یافت. پیدایش نفت و اهمیت این ماده حیاتی در زندگی جدید بشر که در کارگاه های صنعتی مدرن مورد استفاده بود، موجب شد که ناگهان خلیج فارس به یک ی از حیاتی ترین مناطق جهان تبدیل شود . جالب این که نواحی نفت خیز این مناطق، عمدتاً شیعه نشین بوده و به طور تاریخی، جزء سرزمین های آباء و اجدادی آن ها به شمار می‌رود. ولی حاکمان سنی دست نشانده کشورهای حاشیه خلیج فارس، نه تنها حقوق ویژه شیعیان را به رسمیت نشناختند؛ بلکه برای سرکوب و نادیده انگاشتن آنان، به توجیهات دینی و سیاسی گوناگونی تمسک جستند . این چنین است که شیعیان در تاریخ معاصر منطقه، هم چنان در مظلومیت و ستم دیدگی تاریخی خود به سربرده و به لحاظ سیاسی - اجتماعی، جزء محروم ترین طبقات اجتماعی آن کشورها به شمار می‌آیند.

پیروزی انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷، فصل جدیدی را در تاریخ ملت های منطقه گشود که به «عصر خمینی رحمه الله» معروف گردید. با طلوع خورشید عالم تاب آن امام بزرگوار، شیعیان عزت خویش را دوباره یافتند و در پرتو نورافشانی آن رادمرد، احساس قدرت کردند و به عنصری تأثیرگذار در تحولات منطقه ای و جهانی مبدل شدند. نهضت حزب الله لبنان، تجلی عینی اندیشه های سیاسی خمینی بزرگ رحمه الله بود که نخستین پیروزی مسلمانان و اعراب را در برابر اسرائیل غاصب محقق ساخت و بدین ترتیب، راه پیروزی را به همه مسلمانان نم ایانده و نشان داد که تعالیم روح بخش تشیع علوی، می تواند همیشه راهگشا باشد. با پیروزی حزب الله لبنان، شیعیان دیگر نقاط نیز در معادله قدرت جهانی حضور یافتند؛ حضور مؤثری که توجه بلوک های سلطه جهانی را به خود معطوف داشت، به گونه ای که جایگاهی ویژه در عرصه مناسبات بین المللی برای آنان در نظر گرفته شد . اما این همه از نتایج سحر است ... نفوذ راهی که امام خمینی رحمه الله آغاز نمود، آن چنان گسترده و دراز مدت است که به یقین در آینده نقش مؤثرتری را برای شیعیان به ارمغان خواهد آورد. همه به روشنی می دانیم که تحولات امروز عراق، نقش برجسته مرجعیت شیعه آن کشور، و موقعیت برتر شیعیان آن کشور، همه و همه مرهون آموزه هایی است که از مرحوم امام رحمه الله، تجربیات جمهوری اسلامی

ص: ۱۶

ایران و مبارزات شیعیان مجاهد عراقی مقیم ایران، در مبارزه با حکومت مستبد و مستکبر صدام حسین بر جای مانده است. بدان امید که با حضور قدرتمند شیعیان عراق در حکومت آن کشور، نقش شیعه در جهت گیری کلی اوضاع منطقه بیش از پیش قوی تر و نیرومندتر گردد.

کتاب حاضر که حاصل زحمات سرکار خانم زینب متقی زاده می باشد، از نظر انتخاب موضوع، بدیع بوده و در پردازش آن تلاش فراوانی صورت گرفته است. مؤسسه محترم شیعه شناسی و رئیس ارجمند آن جناب حجة الاسلام و المسلمین آقای دکتر محمود تقی زاده داوری، با توجه به اهمیت شیعیان عرب خاورمیانه به انتشار آن همت گمارده اند. حقیر ضمن آرزوی توفیق روزافزون برای مؤلف محترم و دست اندرکاران مؤسسه ارزشمند شیعه شناسی، بر این باور است که این، نخستین گام در مسیر غنی تر شدن آگاهی های عمومی در مورد شیعیان غیر ایرانی می باشد. لازم است تأکید شود که مطالعه این کتاب برای این جانب بسیار مفید بوده و تصور می کنم برای دیگر دانش دوستان و علاقه مردان به امور شیعیان کشورهای حاشیه خلیج فارس نیز سودمند خواهد بود.

علی اصغر محمدی سیجانی ۲۸ دی ماه ۱۳۸۳

هنگامی که سخن از شیعه و شیعه شناسی به میان می آید، بیش تر تلاش ها، در راه آشنایی با عقاید و آموزه های مذهبی (بعد معنوی) تشیع صورت می گیرد و کم تر اتفاق می افتد که به مؤلفه های فیزیکی جوامع شیعی نیز توجه شود. بر این اساس، جای این گونه مباحث، در میان کتاب های علمی، به ویژه کتاب های زبان فارسی که مدعی است بیش ترین خدمت را به تشیع عرضه داشته، خالی به نظر می رسد.

برای مثال، موضوعی چون «جغرافیای سیاسی شیعیان»، از موضوعاتی است که هم جای کار بسیار دارد و هم کم تر بدان توجه شده است، به ویژه آن گاه که در مورد شیعیان منطقه خلیج فارس سخن می گوئیم؛ منطقه ای که یکی از استراتژیک ترین مناطق جهان به شمار می رود و بیش تر جمعیت آن را شیعیان تشکیل می دهند. بر این اساس، نگارنده می کوشد با ارائه طرحی کلی از جغرافیای سیاسی شیعیان خلیج فارس، به ویژه شیعیان کشورهای عرب منطقه، راهی به سوی این گونه مباحث باز نماید، تا جرقه ای باشد برای ارائه طرح های جامع تر از سوی صاحب نظران و نویسندگانی که می توانند در این زمینه قلم فرسایی کنند.

از این رو، کتاب حاضر در راستای پاسخگویی به این سؤال اصلی که «با توجه به جایگاه جغرافیایی، سیاسی و اقتصادی شیعیان منطقه، نقش آنان در حاکمیت سیاسی چیست؟» سعی در بررسی جغرافیای سیاسی شیعیان کشورهای عرب منطقه دارد.

برای ورود به بحث، آشنایی با مفاهیمی چون «جغرافیای سیاسی» و «ژئوپولیتیک» ضروری است که در ذیل، به طور کلی به آن ها اشاره می کنیم.

جغرافیای سیاسی، با تأکید بر مؤلفه های ثابت جغرافیایی، به تجزیه و تحلیل متغیرهای سیاسی می پردازد. گرچه این حوزه مطالعاتی، از دیرباز مورد توجه بوده و اندیشمندان بزرگی چون هیپوگراتوس، افلاطون، ارسطو، ابن خلدون و ... در آثار خود به بررسی نقش متقابل جغرافیا و سیاست نیز پرداخته اند، ولی شاید بتوان اوج شکوفایی این علم بین رشته ای را، به قرن نوزدهم میلادی و پس از آن مربوط دانست؛ زمانی که راتزل با ارائه تز «فضای حیاتی»، پایه های مکتبی را بنا نهاد که به مکتب فضایی معروف شد و بعدها سند توجیه اعمال هیتلر گردید. او که تحت تأثیر دارونیسیت های اجتماعی قرار داشت، دولت را هم چون موجودی زنده تلقی می نمود که برای زنده ماندن باید رشد کند.

راتزل کشور را به عنوان موجود زنده ای فرض کرد که از هر لحاظ وابسته و متکی به زمین عمل می کند. وی عقیده داشت که هر کشوری برای ادامه حیات خود، به فضای کافی نیاز دارد و با افزایش فضای مورد نیاز، کشور نیز رشد می کند و



دربر دارد. نکته قابل توجه آن است که در مطالعات جغرافیای سیاسی، بررسی عواملی چون علت وجودی، سرزمین، مرز، ناحیه، جمعیت، حکومت، هویت، احزاب و ...، ضروری است. در این جا به مهم ترین آن ها اشاره می کنیم:

ص: ۲۰

#### الف) علت وجودی

علت وجودی، یکی از مهم ترین مباحث مورد مطالعه جغرافیای سیاسی است که در آن، به مطالعه عامل پیدایش و یکپارچگی گروه انسانی مورد مطالعه می پردازیم. این عوامل، مادی است و یا معنوی؛ برای مثال، گاتمن این عوامل را عوامل معنوی می داند و آن ها را در باورها و اعتقادات مردم خلاصه می کند، در حالی که هارتشون افزون بر عوامل معنوی، عوامل مادی، به ویژه ایده کشوری یا ناسیونالیسم را مهم ترین علت وجودی برمی شمارد. از این رو، تأکید شیعیان خلیج فارس بر اندیشه های شیعی، مهم ترین دلیل موجودیت آن ها است که به عنوان عاملی معنوی، مهم ترین علت وجودی آنان به شمار می رود.

#### ب) سرزمین

یکی دیگر از مهم ترین مباحث مورد مطالعه جغرافیای سیاسی، سرزمین است.

سرزمین را می توان چهره افقی یا فیزیکی کشور تعریف کرد؛ مفهومی جغرافیایی که با توجه به مفهوم حک و مت، جنبه ای سیاسی پیدا می کند و با توجه به آن مفهوم و مفهوم «علت»، پدیده سیاسی - جغرافیایی «کشور» را واقعیت می بخشد.<sup>۹</sup>

#### ج) مرز

انسان برای مشخص ساختن پیرامون فعالیت خود، آن گونه که با گستره فعالیت همسایه تداخل پیدا نکند، ناچار به تعیین خطوطی قراردادی در بخش پایانی و پیرامونی محیط زیست یا قلمرو خود است. گونه گسترش یافته این مفهوم، خط پیرامونی است که بخش پایانی گستره فعالیت یک ملت را مشخص می سازد و جنبه ای سیاسی پیدا می کند که «مرز» خوانده می شود.<sup>۱۰</sup>

#### د) ناحیه

جغرافیای ناحیه ای، تفاوت ها و شباهت های میان دو بخش از محیط انسانی را مورد

ص: ۲۱

<sup>۹</sup> (۱). پیروز مجتهدزاده، پیشین، ص ۳۸.

<sup>۱۰</sup> (۲). همان، صص ۴۱ و ۴۵.

مطالعه قرار می‌دهد و در تکاپوی یافتن پاسخی به دلایل این گونه تفاوت‌ها، از راه مطالعه مجموعه عواملی است که آن ناحیه را از دیگر نواحی متمایز می‌سازد. در این مطالعات، بررسی اوضاع و شرایط محیطی ناحیه بسیار کوچکی چون یک روستای کوچک یا یک شهر، می‌تواند مورد توجه قرار گیرد. چنین مطالعه‌ای را «میکرو جیوگرافی» گویند. مطالعه نواحی گسترده مانند خلیج فارس، جنبه ماکرو دیویژن ها به خود می‌گیرد. جغرافی دانان ناحیه‌ای، مطالعه بخش‌های درونی ماکرو دیویژن‌ها را بر اساس مطالعه ویژگی‌های فرهنگی کوچک درونی آن‌ها پی‌گیری می‌کنند. این مطالعات ممکن است شامل تقسیم یک ماکرو دیویژن به چند ناحیه برخوردار از ویژگی‌های فرهنگی جدا از هم باشد.<sup>۱۱</sup>

برای مثال، مطالعه نواحی شیعی خلیج فارس، بخشی از ناحیه گسترده خلیج فارس است که بر اساس مطالعه ویژگی‌های فرهنگی آن‌ها پی‌گیری می‌شود.

گاه حدود این نواحی کاملاً ذهنی است و چون از سوی حکومت به رسمیت شناخته نمی‌شود، روی نقشه جغرافیایی نیز ترسیم نمی‌گردد. بهترین نمونه این وضع، وجود محله های اقلیت مذهبی است که از شخصیت فرهنگی ویژه خود برخوردارند.<sup>۱۲</sup>

همانند محله نخاوله در مدینه یا محله کرخ در بغداد و امثال آن‌ها در کشورهای عرب خلیج فارس که از اکثریت شیعی برخوردار بوده و ویژگی‌های فرهنگی خاص خود و متفاوت از فرهنگ عمومی داشته‌اند.

#### ه) جمعیت

اگرچه بحث «جمعیت» از مباحث جغرافیایی سیاسی انسانی و جغرافیای جمعیت است، اثربخشی سیاسی آن باید در جغرافیای سیاسی بررسی شود ... [به عبارتی دیگر] دامنه مطالعات جغرافیای سیاسی در دوران مدرن و پست مدرن، جنبه‌های فراوانی از رفتار سیاسی انسان را در محیط جغرافیایی شامل می‌شود. این مطالعات،

ص: ۲۲

مواردی را در بر دارد؛ از جمله «جابه‌جایی جمعیت» که گاه جنبه سیاسی دارد، گاه اقتصادی و گاه طبیعی؛ «ارتباطات» زمینی، دریایی، هوایی و به ویژه در عصر تکنولوژی پیشرفته ارتباطی چون اینترنت که اثر ژرفی در زندگی سیاسی و اقتصادی انسان می‌گذارد .... دامنه‌های مطالعات جغرافیایی سیاسی، حتی به بررسی نقش سیاسی - اقتصادی زن و مرد در محیط جغرافیایی می‌پردازد. هم از نظر تفاوت‌های جنسی در چارچوب «جغرافیای سیاسی جنسیت» که حتی به مطالعاتی در «جغرافیای فمینیسم» کشیده شده است، و هم از دیدگاه تفاوت‌های دینی و نژادی در چارچوب «جغرافیای سیاسی دینی و نژادی».<sup>۱۳</sup>

مفهوم دیگری که ارتباطی تنگاتنگ با جغرافیای سیاسی دارد، مفهوم «ژئوپولیتیک» است.

<sup>۱۱</sup> (۱). همان، صص ۴۹ و ۵۰.

<sup>۱۲</sup> (۲). همان، ص ۵۱.

<sup>۱۳</sup> (۱). همان، صص ۲۸ و ۲۹.

این مفهوم که به نوعی مکمل جغرافیای سیاسی است، همواره در کنار آن به کار می رود و در واقع این دو مفهوم از هم جدانشدنی‌اند، به گونه‌ای که گاه جغرافیای سیاسی را اعم از «ژئوپولیتیک» می‌دانند. بنابراین، هر جا از جغرافیای سیاسی سخن به میان می‌آید، به ناچار ژئوپولیتیک آن نیز بررسی می‌شود.

پس از جنگ جهانی اول و در اوایل قرن بیستم، به دلیل سوءاستفاده از مفهوم سیاست قدرت، از اهمیت جغرافیای سیاسی کاسته و اندک اندک این مفهوم به سمت مفهوم ژئوپولیتیک کشانده شد.

ساده‌ترین تعریفی که جغرافی دانان از جغرافیای سیاسی و ژئوپولیتیک کرده‌اند، این است که «جغرافیای سیاسی، اثر تصمیم‌گیری‌های سیاسی انسان را روی چهره و اشکال جغرافیایی مربوط به محیط انسانی، هم چون حکومت، مرز، مهاجرت، ارتباطات، توزیع، نقل و انتقال و غیره را مطالعه می‌کند»؛ در حالی که «ژئوپولیتیک، به مطالعه اثر عوامل جغرافیایی روی سیاست‌های دگرگون‌شونده جهانی می‌پردازد». در این برخورد است که به نظر می‌رسد ژئوپولیتیک، عمده توجه خود را روی اشکال دگرگون‌شونده سلسله مراتب قدرت در جهان، که خود دستاورد بازی‌های سیاسی جهانی قدرت است، تمرکز می‌دهد. به گفته دیگر، ژئوپولیتیک از جهتی عبارت است از مطالعه ترتیب و

ص: ۲۳

توالی قدرت در جهان سیاسی تقسیم شده و ازهم گسیخته؛ مطالعه‌ای که هم شکل جهانی، ترتیب و توالی را در نظر دارد، و هم اشکال منطقه‌ای آن را بررسی می‌کند.<sup>۱۴</sup>

با این مقدمه، طرح پیش‌رو در قالب عناوین زیر ارائه گردیده است:

فصل اول با عنوان «تشیع؛ اندیشه‌ها و باورها؛ شعب و گستره» برای بررسی یکی از مهم‌ترین شاخص‌های جغرافیای سیاسی شیعیان منطقه، یعنی «علت وجودی» آنان تدوین شده است.

در فصل دوم، کلیات جغرافیای سیاسی منطقه خلیج فارس بررسی می‌شود تا آگاهی کلی‌ای از اهمیت و جایگاه ژئوپولیتیک منطقه و جنبه‌های جغرافیای سیاسی این منطقه به‌دست آید.

در فصل سوم نیز با طرح جغرافیای سیاسی شیعیان منطقه، وارد موضوع اصلی شده و وضعیت اقتصادی-سیاسی، اجتماعی و جغرافیایی شیعیان منطقه، تجزیه و تحلیل می‌شود. سرانجام در فصل چهارم و به عنوان حسن ختام، به طور گذرا به بحث رستاخیز شیعی می‌پردازیم که در آن، جنبش‌ها و نهضت‌های شیعی منطقه بررسی می‌شود.

اما از آن‌جا که این نوشته، از نخستین تلاش‌هایی است که درباره جغرافیای سیاسی شیعیان منطقه صورت گرفته، به یقین معایب فراوانی دارد، به ویژه آن‌که در مورد وضعیت شیعیان کشورهای عرب منطقه، اطلاعات محدودی در اختیار است. از این‌رو، نگارنده ضمن پوزش فراوان از محضر استادان و صاحب نظران محترم، چشم به راه انتقادات، پیشنهادها و راهنمایی‌های گران‌قدر شما عزیزان است. امید آن‌که در پرتو الطاف الهی، گام‌های مؤثر و ارزشمندی در این خصوص برداشته شود.

<sup>۱۴</sup> (۱). پیروز مجتهدزاده، ایده‌های ژئوپولیتیک و واقعیت‌های ایرانی، صص ۶۲ و ۶۳.

در پایان، از همه کسانی که به نوعی در تهیه و تدوین این کتاب مؤثر بودند، استادان محترمی چون استاد دکتر مصطفی ملکوتیان و استاد دکتر عبد القیوم سجادی که با راهنمایی های ارزنده شان چراغ را هم بودند، و نیز استاد دکتر محمود تقی زاده داوری، استاد دکتر علی اصغر محمدی و استاد دکتر حسن الحکیم که با انتقادات سازنده شان، بر عمق و غنای مجموعه افزودند، مسؤولان محترم مؤسسه آموزش عالی باقر العلوم و مؤسسه

ص: ۲۴

شیعه شناسی، و هم چنین تک تک اعضای خانواده ام، به ویژه علی و غلامرضا متقی زاده و تمامی دوستان و آشنایان که با دعای خیرشان بدرقه و پشتیبانی ام نمودند، سپاس گزاری می کنم. هم چنین به استناد سخن آن حکیم که فرمود: «استاد من کسی است که به من فکر کردن آموخت و نه فکرها را»، از سروران گرامی ام خانم پروانه حقیقتی، آقای قربانعلی نصیری بروجنی و آقای سید محمد تقی سید آل غفور تشکر و قدردانی می کنم.

زینب متقی زاده، قم، جمعه ۱۳ آذرماه ۱۳۸۳

ص: ۲۵

## فصل اول تشیع؛ اندیشه ها و باورها؛ شعب و گستره

ص: ۲۷

### مقدمه

به عنوان مقدمه ورود به بحث، آشنایی اجمالی با مکتب تشیع، اندیشه های انقلابی و فرهنگ سیاسی آن، هم چنین زمینه ها و سیر تاریخی پیدایش آن در منطقه خلیج فارس، امری ضروری است؛ چرا که تمامی این مؤلفه ها، می تواند بستر مناسبی را برای اعتراض و شورش شیعیان منطقه فراهم آورد.

منظور از فرهنگ سیاسی شیعه، نوع نگرش و طرز برخورد شیعه «با سیاست و قدرت سیاسی است که تحت تأثیر مبادی نظری و عقاید و باورها و سنت های شیعه، در متن تاریخ و حیات جمعی شیعیان شکل گرفته و تعیین کننده الگوهای کنش و رفتار سیاسی آنان در پذیرش یا نفی حکومت ها می باشد».<sup>۱۵</sup> به واقع باید گفت سیر تاریخی شکل گیری اندیشه و آموزه های آن، می تواند تأثیر شگرفی بر رفتارهای جمعی پیروان آن داشته باشد.

مذهب، عقاید، ارزش ها و نمادهای مذهبی و فرهنگ سیاسی ناشی از آن، ممکن است مروج و الهام بخش رفتارهای سیاسی و انقلابی و ستیزه جو باشد و حرکت های سیاسی و نهضت های انقلابی را تشدید و یا تسهیل نماید.<sup>۱۶</sup>

<sup>۱۵</sup> (۱). ید الله هنری لطیف پور، فرهنگ سیاسی شیعه و انقلاب اسلامی، ص ۲۷.

<sup>۱۶</sup> (۲). همان، ص ۵۱.

با این توضیح، برای فهم بیش تر موضوع اصلی بحث، ارائه کلیاتی از این مذهب، به ویژه فرهنگ سیاسی آن ضروری است تا بدین وسیله، ذهن را آماده ورود به بحث‌های اساسی بنماییم.

## تشیع

شیعه که در لغت به معنای پیرو است، در اصطلاح به پیروان حضرت علی علیه السلام و خاندانش گفته

ص: ۲۸

می‌شود که به جانشینی بلافصل ایشان بعد از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله معتقدند. اکنون ببینیم شیعه، چرا و چگونه شکل گرفت؟

پس از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، بر سر جانشینی آن حضرت در میان مسلمانان اختلاف افتاد و نقطه جدایی، از سقیفه بنی ساعده آغاز شد. در آن هنگام که اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله مشغول غسل و کفن (تجهیز) آن حضرت بودند، عده‌ای در سقیفه بر سر جانشینی ایشان به بحث و مجادله پرداختند. انصار که بانیان اصلی این جلسه بودند، از رهبری سعد بن عباد خزرجی حمایت می‌کردند. این گروه در صدد بودند فردی را از میان خویش به جانشینی برگزینند، ولی در نهایت، این عمر بود که ابتکار عمل را در دست گرفت و با ابو بکر به عنوان جانشین پیامبر بیعت نمود و بدین ترتیب، جلسه با پیروزی مهاجرین به پایا ن رسید. اما گروهی از بزرگان که در سقیفه حضور نداشتند، با اصل سقیفه به مخالفت پرداختند. آنان، علی علیه السلام را تنها فرد شایسته برای جانشینی پیامبر می دانستند و معتقد بودند پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در مناسبت های مختلف، با نص صریح ایشان را به عنوان جانشین خویش معرفی کرده است.

البته آن‌ها دلایل متعددی برای ادعای خویش ارائه می دادند. برای مثال، حدیث غدیر خم در سفر حجة الوداع پیامبر، یکی از سندهای استدلال ایشان بود و بر این اساس، حکومت خلفا را فاقد مشروعیت دینی دانسته، آن را از بنیاد باطل می‌دانستند.

در هر حال برخی معتقدند:

انگیزه اصلی و نخستین این اختلاف «سیاسی» بود که بعدها به مذاهب فقهی و کلامی مختلف تبدیل شد و با گذشت روزگاران، فرقه‌های بسیاری از درون آن مذاهب پدید آمدند.<sup>۱۷</sup>

در مقابل گروهی دیگر، ظهور شیعه و اهل سنت را یک ظهور سیاسی ندانسته و با این تعبیر شدیداً مخالفت می‌ورزند. این گروه، اختلاف موجود را اختلافی معرفتی و تاریخی دانسته، معتقدند:

ص: ۲۹

<sup>۱۷</sup> (۱). دایرة المعارف تشیع، «تشیع سیری در فرهنگ و تاریخ تشیع»، ص ۲۷۳.

منازعه اساسی این دو مذهب، از ابتدا جنبه اصولی داشته و از تفاوت فهم بعضی اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله از فلسفه نبوت، تداوم رسالت و حقیقت شریعت ناشی می‌شود.<sup>۱۸</sup>

با این تلقی، آن گروه از مسلمانان که تداوم رسالت پیامبر را در امامت معصوم دانسته و امامت را دنباله نبوت می‌دانند، «شیعه» نامیده می‌شوند؛ در حالی که عده‌ای دیگر

چنین رویه‌ای را نپذیرفتند و تداوم هدایت الهی بعد از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله را، بر مبنای اجتماع و اجماع تعدادی از نخبگان امت کافی دانسته و قیاس و استحسان را، برای تطبیق قوانین شریعت با حقیقت حیات اجتماعی و فردی انسان تا قیام قیامت توانا یافتند. این عده در تاریخ اسلام به «اهل سنت» شهرت دارند.<sup>۱۹</sup>

تلقی و مفروض نگارنده در این مجمعه آن است که این اختلاف، اختلافی معرفتی است؛ چرا که پرداختن به مسأله رهبری و مرجعیت مسلمانان بعد از پیامبر و تعیین شرایط و ویژگی‌های چنین رهبری و هم چنین چگونگی مشروعیت بخشیدن به آن، «یک بحث معرفت‌شناسانه از حقیقت شریعت است، نه یک بحث صرفاً سیاسی».<sup>۲۰</sup>

در یک تعریف کلی می‌توان گفت:

شیعه، نام عمومی تمامی فرقه‌هایی است که قائل به امامت و خلافت بلا فصل حضرت علی علیه السلام پس از پیامبر صلی الله علیه و آله بوده و اعتقاد دارند که امامت، از اولاد وی خارج نمی‌شود. تمام فرقه‌های شیعی معتقد به وجوب تعیین و تنصیب امام از جانب خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله بوده و انبیا و امامان را از گناهان مبری و معصوم می‌دانند و به تولی و تبری اعتقاد دارند.<sup>۲۱</sup>

### فرقه‌های تشیع

شیعیان، در ابتدا به سه گروه تقسیم شدند:

ص: ۳۰

الف) گروهی که در زمان حیات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، به حضرت علی علیه السلام، گرایش نشان می‌دادند و از همان زمان به آن‌ها شیعه می‌گفتند؛ زیرا این نام را پیامبر بر آن‌ها نهاده بود و بعدها آن‌ها را شیعه اولی نامیدند.

ب) گروهی که به تفضیلی مشهور بودند، در حالی که به فضیلت‌های حضرت علی علیه السلام و برتری ایشان در برابر صحابه معترف بودند، ولی خلافت ابو بکر را نیز جایز می‌دانستند و سکوت علی علیه السلام را به عنوان دلیل اقامه می‌کردند.

<sup>۱۸</sup> (۱). مظفر نامدار، رهیافتی بر مبانی مکتبها و جنبش‌های سیاسی در صد ساله اخیر، ص ۵۸.

<sup>۱۹</sup> (۲). همان، ص ۵۸.

<sup>۲۰</sup> (۳). همان، ص ۶۲.

<sup>۲۱</sup> (۴). دایرة المعارف تشیع، پیشین، ص ۶۲.

ج) گروهی که علی علیه السلام را برتر از همه صحابه می‌دانند و معتقدند که او وصی بلافصل پیامبر صلی الله علیه و آله است و مخالفان او را کافر می‌دانند و همواره خلفای سه‌گانه را لعن و نفرین می‌کنند.

دیگر فرقه‌های شیعه، از این سه فرقه منشعب شده که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از:

کیسانیه، زیدیه، اسماعیلیه، غلاة، امامیه و ....

#### الف) کیسانیه

تمامی شیعیان به امامت سه امام اول، یعنی حضرت علی علیه السلام، حسن بن علی علیه السلام و حسین بن علی علیه السلام معتقدند و تا زمان این سه امام، هیچ انشعابی در مذهب تشیع صورت نگرفت. پس از شهادت امام حسین علیه السلام، تقریباً بیش‌تر شیعیان به امامت امام سجاد علیه السلام قائل شدند و تنها اندکی از آن‌ها منشعب شده و امامت «محمد بن حنفیه» را پذیرفتند. این گروه معتقدند:

محمد بن حنفیه، پیشوای چهارم و همان مهدی موعود است که در کوهستان های یمن، در موضعی به نام «شعب رضوی» اقامت دارد و روزی با ظهور خود، زمین را پر از عدل و داد خواهد کرد.<sup>۲۲</sup>

#### ب) زیدیه

پس از رحلت امام سجاد علیه السلام، اکثریت شیعه به امامت فرزندش امام محمد باقر علیه السلام

ص: ۳۱

معتقد شدند و اقلیتی به زید شهید - پسر امام سجاد - گرویدند و به «زیدیه» موسوم شدند.<sup>۲۳</sup>

زید بن علی بن حسین علیه السلام، در دوران هشام بن عبد الملک به سال ۱۲۱ ق خروج کرد و مردم در کوفه با او بیعت کردند. زید، امیر المؤمنین علی علیه السلام را بر سایر اصحاب پیامبر برتر می‌دانست. در عین حال، به خلافت ابو بکر و عمر گردن می‌نهاد و می‌پنداشت که تنها باید علیه فرمانروایان ستمگر قیام کند. هرچند او مدعی امامت، به مفهوم شیعی آن نبود، لذا خود را هم‌تا و رقیب برادرش امام باقر علیه السلام و فرزند ایشان امام جعفر صادق علیه السلام نمی‌دانست، اما پس از او، گروهی از شیعیان از امامت امام صادق علیه السلام روی برتافته و پس از شهادت زید، به امامت فرزندش یحیی معتقد شدند.<sup>۲۴</sup>

او نیز همانند پدر، در برابر خلیفه اموی ولید بن یزید قیام کرد و پس از وی محمد بن عبد الله و ابراهیم بن عبد الله را که آنان نیز بر خلیفه زمان خویش شوریده بودند، به عنوان امام خویش پذیرفتند.

<sup>۲۲</sup> (۱). محمد جواد مغنیه، شیعه و تشیع، ص ۴۹.

<sup>۲۳</sup> (۱). علامه طباطبائی، شیعه در اسلام، ص ۶۵.

<sup>۲۴</sup> (۲). دایرة المعارف تشیع، پیشین، ص ۲۷۶.

به عقیده زیدیه، هر فاطمی نژاد عالم، زاهد، شجاع و سخی که به عنوان قیام به حق خروج کند، می تواند امام باشد.<sup>۲۵</sup>

این گروه نیز به فرقه های متعددی تقسیم می شوند که با وجود تمام تفاوت های مطرح شده، می توان اصول زیر را از عقاید عمومی سیاسی و اساسی آنان دانست:

۱. پس از پیامبر، ابو بکر و عمر، خلیفه مسلمانان می باشند و درباره عثمان توقف دارند. امام علی علیه السلام افضل صحابه بود و از نظر رتبه معنوی از دیگران ممتاز بود، اما جایز است که گاهی مفضل بر افضل مقدم شود؛ ۲. از امامی باید اطاعت کرد که دارای شرایط لازم باشد، از جمله از فرزندان علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام، قائم بالسیف، عادل، مجتهد، پرهیزگار و ... باشد؛ ۳. تقیه حرام است؛ ۴. قیام مسلحانه علیه ستمکاران واجب است؛ ۵. لازم است حکومت با رهبری امامی از آل علی علیهم السلام ایجاد شود. از آن جا که زیدیان آزادی اراده (اختیار) را از معتزله

ص: ۳۲

قبول کرده بودند، آزادی خواهی، انقلابی گری و ستم ستیزی آنان، از یک پشتوانه کلامی و ایدئولوژیکی نیز برخوردار شد.<sup>۲۶</sup>

برخی از متأخرین این فرقه، در اصل اول تجدید نظر کرده، امامت را از امام علی علیه السلام آغاز می کنند. افزون بر این، آنان معتقدند پس از امام حسین علیه السلام، انتخاب امام به عهده شورا است.

هرکس دارای پنج شرط باشد، از طرف شورا به امامت برگزیده خواهد شد: ۱. فرزندان حضرت فاطمه زهرا علیها السلام باشد؛ ۲. عالم به شریعت باشد؛ ۳. زاهد باشد؛ ۴. شجاع باشد؛ ۵. مردم را با شمشیر به دین خدا دعوت نماید.<sup>۲۷</sup>

سه فرقه اصلی زیدیه، جارودیه، سلمانیه و تبیری هستند. جارودیه معتقدند جانشینی علی علیه السلام براساس نص صریح پیامبر نیست؛ بلکه آن حضرت با بیان ویژگی های جانشین پس از خود، به صفات خاصه حضرت علی علیه السلام اشاره کرده است. سلمانیه به طور کلی تعیین جانشین از سوی پیامبر را منکر شده اند و خلافت خلیفه اول را می پذیرند. تبیری نیز همانند سلمانیه، خلافت خلیفه اول و دوم را پذیرفته و در مورد عثمان توقف کرده اند.

داشتن دیدگاه هایی این چنینی، باعث شده که گروهی، زیدیه را فرقه ای جدای از تشیع و آن را نه جزء تشیع و نه جزء تسنن بدانند. در هر حال دیدگاه معروف، زیدیه را فرقه ای از فرقه های تشیع دانسته و در کتاب های مختلف، این فرقه به عنوان یکی از فرقه های مهم تشیع بررسی شده است.

ج) اسماعیلیه

<sup>۲۵</sup> (۳). شیعه در اسلام، ص ۶۷.

<sup>۲۶</sup> (۱). دایرة المعارف تشیع، پیشین، صص ۲۷۷ و ۲۷۸.

<sup>۲۷</sup> (۲). محمد جواد مغنیه، پیشین، ص ۵۲.

پس از امام صادق علیه السلام، بیش تر شیعیان از فرزند ایشان، امام موسی کاظم علیه السلام پیروی کردند، ولی امام صادق علیه السلام فرزند دیگری داشت به نام اسماعیل که قبل از امام درگذشته و مورد علاقه ایشان نیز بوده است .  
عده‌ای به استناد همین مسأله و این که اسماعیل زمانی به عنوان جانشین پدر معرفی شده بود، وی را امام دانسته و معتقدند که او نمرده و روزی به امامت خواهد رسید.

ص: ۳۳

طبق نظر اسماعیلیه، درست مانند شیعه اثنی عشری، تنها حکومت بر حق، حکومت دینی است که امام در رأس آن قرار دارد و رهبری از جانب خداوند به امام تفویض شده است . در تفکر اسماعیلیه، رستگاری نوع بشر، منوط است به تصدیق این اصل که عبارت است از معرفت یافتن به امام و بیعت با او؛ کسانی که امام را به امامت نشناسند، در حالت گناه به سر می‌برند. آنان معتقدند که تنها حاکم بر حق تمامی حوزه های نشر دعوت در جهان، همان امام است . جهاد در اسماعیلیه، حتما باید به اذن امام و یا نماینده موثق او باشد. هر امامی یک وکیل عمده دارد که به او «باب» می‌گویند. او میانجی بین امام و محفل درونی داعیان است . تقیه بر امام و امت در شرایط واجب است . تا زمان قدرت یافتن فاطمیان، اسماعیلیه نیز مانند سایر فرقه های شیعه، بی تابانه در انتظار ظهور مهدی بودند که صلح و سعادت و برکت را به جهان ارزانی دارد. پس از استقرار فاطمیان، مفهوم و مصداق مهدی مشخص، یعنی «قائم» تغییر کرد. خلفای فاطمی هر کدام لقب قائم یافتند و بدین سان، عقیده به مهدی در امامت منحل شد.

بدین ترتیب، می‌توان گفت که اندیشه ها و باورهای سیاسی اسماعیلیان دیرین، مانند اصل نیاز به امامت، لزوم تشکیل حکومت دینی، نصب امام به وسیله خداوند، لزوم معرفت امام و این که شرایط رستگاری اعتقاد به امام و شناخت او و اطاعت از اوست، موکول بودن جهاد به اذن امام یا نماینده او، مبارزه با ظالمان و غاصبان، وجوب تقیه به طور کلی، وجود نمایندگی و واسطه بین امام مستور و مردم، تقریبا با شیعیان یکسان است . البته اعتقاد به مهدویت نیز تا مقاطعی هم‌پای شیعه جلو آمده است، اما شورش گری‌های حاد و مسلحانه آنان در یک دوران طولانی، اسماعیلیان را از امامیان دور کرد و به زیدیان نزدیک ساخت . محور بنیادین اندیشه سیاسی اسماعیلیان، اما م و معرفت امام و پیروی محض و بی‌قید و شرط از اوست.<sup>۲۸</sup>

اسماعیلیان هم معتقدند که زمین، هرگز از وجود حجّت خدا خالی نمی ماند و این حجّت، به دو صورت ناطق و صامت است. از دیدگاه آنان، ناطق «پیامبر» و صامت، «ولی و امام» است.

اساس حجّت، پیوسته روی عدد هفت می چرخد. به این ترتیب که یک نبی مبعوث می شود که دارای نبوت (شریعت) و ولایت است و پس از وی، هفت وصی دارای

ص: ۳۴

<sup>۲۸</sup> (۱). دایرة المعارف تشیع، پیشین، صص ۲۷۸ و ۲۷۹.

وصایت بوده و همگی دارای یک مقام می باشند، جز این که وصی هفتمین، دارای نبوت نیز هست و سه مقام دارد : نبوت، وصایت و ولایت.<sup>۲۹</sup>

اسماعیلیان نیز به فرقه های متعددی تقسیم شده اند که مهم ترین آن ها، عبارت اند از نزاریه یا آقاخانیه، مستعلیه، دروزیه، مقنعه، باطنیه، قرامطه، مبارکیه و ....

#### د) غلاة

این گروه، افرادی بودند که در خصوص امامان و پیامبر صلی الله علیه و آله غلو می کردند و راه افراط را در پیش گرفته بودند و گاهی آنان را به مرحله خدایی می رساندند. حتی برخی از آنان، قرآن را تحریف شده می دانند و معتقدند در قرآنی که توسط عثمان جمع آوری شده، برخی آیات مربوط به امام علی علیه السلام حذف گردیده است.

با این که از همان آغاز، اندیشه های غالبانه درباره امام علی علیه السلام پیدا شد، اما شاید بتوان نخستین ظهور غالی گری را در ابو الخطاب (م ۱۳۸ ق) و تعلیم او دانست. فرقه خطاییه، در پیوند با او پدید آمد. او درباره امام صادق علیه السلام دچار غلو شد و مقام الوهیت برایش قائل گردید. او در زمان منصور دوانیقی (۱۵۸ ق) در کوفه قیام کرد و سرانجام همراه یارانش کشته شد، اما غالی گری ادامه و عمدتاً در جریان سیاسی اسماعیلیان و قرمطیان و شاخه های مختلف آن بروز و ظهور یافت. شلمغانی (م ۳۲۳ ق) نمونه دیگر آن است که در روزگار غیبت صغری امام دوازدهم شیعی روی داد. نمونه دیگر، فرقه د روزیه است که در ربع اول قرن پنجم هجری از اسمعیلیه (اسماعیلیان) منشعب شد، خلیفه فاطمی الحاکم را خدا می دانسته و به صورت فرقه علیحده از غلاة درآمد و در واقع دین مستقل التقاطی ابداع کرد. فرقه دیگر غالی، نصیری (انصاریه، علویه) است که منصوب به ابن نصیر بوده و در نیمه دوم قرن پنجم از شیعه امامیه منشعب شده است.<sup>۳۰</sup>

#### ه) امامیه اثنی عشریه

این گروه که بیش تر جمعیت شیعیان را تشکیل می دهد، به امامت امام علی علیه السلام و یازده

ص: ۳۵

فرزندش معتقدند و به آنان شیعه جعفری نیز می گویند. آنان بر این عقیده اند که امامان، از طرف خداوند منصوب می شوند و امام دوازدهم در غیبت به سر می برد تا روزی که شرایط ظهور ایشان فراهم گردد. اثنی عشریه، حکومت اسلامی و مرجعیت را حق اهل بیت می دانند و معتقدند که

خلافت اسلامی که البته ولایت باطنی و پیشوایی معنوی، لازم لا ینفک آن است، از آن علی و اولاد علی علیه السلام است که به موجب تصریح خود پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله و سایر ائمه، اهل بیت دوازده تن می باشند و [می گویند]

<sup>۲۹</sup> (۱). علامه محمد حسین طباطبائی، پیشین، ص ۶۸.

<sup>۳۰</sup> (۲). دایرة المعارف تشیع، پیشین، صص ۲۷۹ و ۲۸۰.

تعلیمات ظاهری قرآن که احکام و قوانین شریعت می‌باشند، در عین حال که به حیات معنوی کامل نیز مشتمل اند، دارای اصالت و اعتبارند.<sup>۳۱</sup>

شیعه معتقد است در درجه اول، افراد جامعه باید وظایف انسانی خود را بشناسند و به تعالیم اسلام و دین عمل کنند و در مرحله بعد، حکومت اسلامی و دینی باید نظم اسلامی را در جامعه برقرار کرده و بستر را برای عدالت و آزادی فراهم سازد و فقط امام معصوم می‌تواند در رأس این حکومت قرار گیرد و او از مفاسد فرمانروایی مصون است.

### اندیشه‌های انقلابی و فرهنگی سیاسی

اگر مجموعه اندیشه‌های شیعی را صرف نظر از هر فرقه‌ای که باشد، در مسایل سیاسی در نظر بگیریم، این اندیشه‌ها جنبه انقلابی دارد؛ آموزه‌هایی چون انتظار و موعودگرایی، اجتهاد و مرجعیت، ولایت و ولایت فقیه، شهادت و ...، دارای روح انقلابی هستند و حتی مفهوم «تقیه» که به ظاهر محافظه‌کارانه است، یکی از تاکتیک‌های انقلابی تشیع به شمار می‌آید.

همان‌گونه که اشاره کردیم، آنچه انشعاب شیعه را از بیش تر مسلمانان پدید آورد، اعتقاد آنان به نامشروع بودن حکومت غیر معصوم است که جوهره این اعتقاد، روح انقلابی را در اذهان پیروان این فرقه می‌پروراند. اعتقاد به غاصبانه بودن تمام حکومت‌ها جز حکومت معصوم، موضعی تدافعی به شیعیان می‌دهد که نیروی انقلابی‌گری آنان را افزایش می‌دهد.

ص: ۳۶

در واقع مکتب فقهی اقلیت، همواره انقلابی، مبارز و جهادگر و مدعی جای‌گزینی حقیقی و مشروع بوده که سایر حاکمیت‌ها بلااستثنا به جز ولایت معصوم یا نایبان خاص و یا عام آن‌ها را از اساس غاصبانه، استبدادی و طاغوتی دانسته و مشروعیت آن‌ها را نفی و نهی می‌کردند.<sup>۳۲</sup>

به عبارت دیگر،

نظریه امامت شیعه، بر مبنای وصایت و نصب بنیان نهاده شده و اصلی که از آن نشأت می‌گیرد (نفی غیر مشروع بودن دیگر حکومت‌ها) موجب تداوم روحیه انقلابی و آمادگی نسبی شیعیان برای انقلاب در طول تاریخ شده است.<sup>۳۳</sup>

این آموزه در طغیان شیعیان علیه حکومت‌های غیر معصوم نقش اساسی داشته است:

عقیده به امامت که شیعه بدان سخت ایمان داشت، آنان را به انتقاد و اعتراض به هیأت‌های حاکم و بالاخره به جبهه‌گیری در برابر آن‌ها وامی‌داشت و این حقیقت، در سرتاسر تاریخ شیعه مشهود است. به عقیده آن‌ها، هر حکومتی به هر شکل و در هر قالبی که باشد، غاصب و ظالم است، مگر آن‌که امام معصوم یا نایب آن زمام حکومت را در دست گیرد. به همین

<sup>۳۱</sup> (۱). علامه محمد حسن طباطبایی، پیشین، ص ۷۳.

<sup>۳۲</sup> (۱). علیرضا صدرا، «ویژگی‌های فقه سیاسی شیعه»، فصلنامه علوم سیاسی، مؤسسه آموزش عالی باقر العلوم، ش ۴، تابستان ۱۳۸۰، ص ۴۵.

<sup>۳۳</sup> (۲). روح الله حسینیان، تاریخ سیاسی تشیع تا تشکیل حوزه علمیه، ص ۱۸.

دلیل بوده که شیعیان به طور مداوم، در قلب جریان انقلابی مستمر به سر می بردند؛ نه آرام می گرفتند و نه آنان را رها می کردند.<sup>۳۴</sup>

بنابراین، یکی از اساسی ترین امور در حیات اجتماعی شیعه، سیاست و حکومت است که شیعه آن را یکی از امور خاص ائمه می داند و همین اعتقاد، به این انجامیده که از هرگونه مدارا و سازشکاری در برابر حاکمیت های جور پرهیزد و همواره در موضع اعتراض به سر برد.

اما به رغم این اندیشه که عدالت تنها در سایه حاکمیت معصوم تحقق می یابد، شیعه در طول تاریخ، همواره شاهد حکومت حاکمیت های جور بوده و این روند تاریخی، آموزه انتظار را در اذهان پیروان این فرقه تقویت و پررنگ ساخته است. انتظار برای صلح و منجی جهانی، آنان را به نوعی امیدواری به آینده سوق می دهد.

ص: ۳۷

شیعه، تمام آرمان ها و آرزوهای خویش را تا رسیدن موعود، دست نیافتنی می داند و بنابراین، همواره از وضع موجود ناراضی است و امید به ظهور مصلح جهانی، آن ها را همواره در حالتی آماده باش قرار می دهد و روحیه ای فعال به منتظران می دهد؛ به گونه ای که هر قدر انتظار بیش تر باشد، آمادگی قوی تر خواهد بود. در واقع، انتظار عاملی محرک است که انسان را به تلاش و تکاپو وا می دارد.

آقای محسن مهاجرنیا، در مقاله خود در مورد «حیات سیاسی شیعه در عصر غیبت» می نویسد:

فراروی شیعه، گفتمانی شکل می گیرد که در آن، همواره منتظر ظهور امام علیه السلام هستند، به طوری که بی توجهی و عدم معرفت امام عصر علیه السلام، مرز بین اسلام و جاهلیت معرفی شده است. در روایات، انتظار برترین اعمال و منتظر به عنوان مجاهد و شهید و پولادین تن و قوی الایمان و الیقین و برترین انسان ها در همه زمان ها وصف شده است.<sup>۳۵</sup>

وی در ادامه بیان می دارد:

در دعای عهد، منتظر واقعی، انسان خودساخته ای است که شمشیر از نیام کشیده و نیزه در دست، آماده همراهی با امام عصر علیه السلام معرفی شده است .... چنین انسانی، معتقد است حیات بشری و آبادانی بلاد و رفع همه نابسامانی ها و فساد و خرابی ها و احقاق حقوق انسان ها و یاری همه ستمدیدگان و اجرای اوامر الهی و سنت پیامبر اسلام صلی الله علیه و اله، تنها در سایه حکومت جهانی حضرت علیه السلام امکان پذیر است.<sup>۳۶</sup>

به اعتقاد او برطرف شدن دلایلی که سبب غیبت امام زمان علیه السلام شده، ظهور منجی را ممکن می سازد. وی، سه عامل اصلی را مطرح می کند که عبارت است از: عدم بلوغ سیاسی، تعلل خواص و حاکمیت جور. به اعتقاد شیعه، عامل

<sup>۳۴</sup> (۳). همان.

<sup>۳۵</sup> (۱). محسن مهاجرنیا، «حیات سیاسی شیعه در عصر غیبت»، فصلنامه تخصصی شیعه شناسی، ش ۲، تابستان ۱۳۸۰، صص ۴۴ و ۴۵.

<sup>۳۶</sup> (۲). همان.

سوم که مورد بحث ما نیز می باشد، از مهم ترین دلایل غیبت و رفع آن، کارسازترین شرط ظهور منجی است؛ البته لازمه آن، قیام بر ضد

ص: ۳۸

حکومت جور و شور انقلابی می باشد و محو فساد و ظلم در عالم، جز با جهاد بر ضد کفر و ظلمت تحقق نمی یابد. از اساس،

یکی از مهم ترین وظایف شیعیان که در لسان پیشوایان از آن به «افضل عبادتها» تعبیر شده، انتظار ظهور امام غایب است.<sup>۳۷</sup>

اما تا ظهور منجی، شیعه با واقعیت عصر غیبت روبه روست و در این راستا، یکی از اساسی ترین امکاناتی که در اختیار شیعه قرار می گیرد تا بر اساس آن زندگی اجتماعی و سیاسی خویش را با شرایط روز و مقتضیات زمان وفق دهد، اصل اجتهاد است. اجتهاد، نه تنها امکان استخراج احکام شرعی را از منابع به فقهای جامع الشرایط می دهد؛ بلکه تنها در زمینه های تخصصی فقهی و شرعی خلاصه نشده و به نوعی در مسایل فرعی و درجه دوم، اجتهاد آزادانه فردی را شاهدیم که امکان ابراز عقیده آزاد را برای تک تک افراد قائل است.

بنابراین، این اصل، روح اعتراض و انتقاد را در برابر حاکمیت های غیر منعطف تقویت می کند.

به علاوه، شیعه از مجرای مرجعیت، به نوعی رهبری اجتماعی دست می یابد که در مواقع لزوم، می تواند نیروها و اقشار مختلف جامعه را سازمان دهی و آماده جهاد کند.

به واقع باید گفت:

پویایی، که از خصیصه های بارز این مکتب در تجزیه و تحلیل اجتماعی و هم آوردی با چالش های زندگی مسلمانان است، هیچ گاه مذهب شیعه را از جوهره سیاست و پرداختن به معضلات اجتماعی مردم دور نساخت و بنیاد اساسی این پویایی مذهب شیعه را نیز باید در عنصر اجتهاد و نقش ولایت در سامان دهی حیات اجتماعی شیعیان جستجو کرد. بی تردید، اجتهاد در طول تاریخ، همواره شیعه را از اسارت در چنبر جهود و واپس گرایی حفظ کرده و جذابیت های لازم را برای هم سازی معرفت دینی با دستاوردهای دانش بشری در حوزه های گوناگون سیاست، اجتماع، اقتصاد، فرهنگ و علوم ایجاد کرده است.<sup>۳۸</sup>

ص: ۳۹

یکی دیگر از آموزه های انقلابی تشیع، تقیه است که به رغم ظاهر محافظه کارانه اش، کاملاً انقلابی است؛ زیرا به کمک آن، می توان با پنهان داشتن اعتقاد و ایدئولوژی خویش در انجام فعالیت های زیرزمینی و مخفیانه به گونه ای موفق عمل کرد.

<sup>۳۷</sup> (۱). ید الله هنری لطیف پور، پیشین، ص ۷۵.

<sup>۳۸</sup> (۲). مظفر نامدار، پیشین، ص ۸۰.

این بهترین تاکتیکی است که در موقع ضعف نیروها و فقدان آمادگی، می تواند کارساز باشد و یکی از عاقلانه ترین شیوه های مبارزاتی است و به عنوان

یک تمهید سیاسی - تشکیلاتی از سوی امامان معصوم علیهم السّلام و سایر رهبران و علمای شیعه تجویز شده است و هدف از آن، حفظ و نگهداری نیروها و امکانات شیعیان در راه تقویت مبانی دین و مبارزه با دشمنان بوده است. بنابراین، حد و مرز تقیه را شرایط و موقعیت زمان، مشخص می نموده است.<sup>۳۹</sup>

تقیه در معنای اصطلاحی،

پنهان نمودن اعتقاد باطنی و کتمان در برابر مخالفان، به خاطر گریز از زیان های دینی و دنیوی است و در اصطلاح سیاسی، آن حکم عالمانه خردمندانه ای است که براساس قاعده عقلی دوران انقلاب بین اهم و مهم، انسان آگاه و هوشمند در عرصه رفتار اجتماعی، موضوع اهم را انتخاب و از زیان های ناشی از حکم مهم جلوگیری می کند.

فضای مفهومی تقیه و مفاهیم همسو، نشان دهنده آن است که تقیه [آمده تا] مسلمان، موانع را از سر راه بردارد، اسرار را کتمان کند و با مدارا و مسامحه با دشمن، از خسارت های جانی و مالی اجتناب کند و با جلب نظر آن ها، در شرایط مناسب حق را اظهار نماید. تبارشناسی ادبیات به کار رفته در تقیه، گفتمان انقلابی و خردمندانه ای را سامان داده است که با عنایت به جهت گیری آن، تقیه از مفاهیم بسیار انقلابی است که با آن، استعدادها و نیروها و عقده ها و دغدغه های متراکم ذخیره می شود و از ائتلاف فرصت ها و تهدیدها کنترل می شود تا در شرایط متناسب انقلاب صورت بگیرد.<sup>۴۰</sup>

در حقیقت، «تقیه» شعار اهل بیت و ائمه اطهار علیهم السّلام بود تا بدین وسیله، خطر ضرر را از خود و از پیروان خود دفع کرده و خونشان را حفظ نمایند و آن چه صلاح وضع مسلمین و موجب تجمع پراکندگی و از هم پاشیدن آن هاست، فراهم سازند .... پرواضح است که

ص: ۴۰

۴۱

### ۱۲۳۴۳ جغرافیای سیاسی شیعیان منطقه خلیج فارس ؛ ص ۴۰

شیعه امامیه و پیشوایان، در همه زمان ها همواره در میان توفان های حوادث و گرفتاری ها بودند، به طوری که هیچ طایفه و امتی همانند آنان در محدودیت و فشار به سر نمی برد. به ناچار در بسیاری از مواقع، لازم بود از راه تقیه وارد شده و با

<sup>۳۹</sup> (۱). ید ا... هنری لطیف پور، پیشین، ص ۸۰.

<sup>۴۰</sup> (۲). محسن مهاجرنیا، پیشین، ص ۴۹.

<sup>۴۱</sup> متقی زاده، زینب، جغرافیای سیاسی شیعیان منطقه خلیج فارس، ۱ جلد، شیعه شناسی - قم، چاپ: اول، ۱۳۸۴ ه.ش.

مخفی ساختن خود و عقاید و اعمال اختصاصی خویش، خود را از خطرات دشمن حفظ کنند؛ و گرنه دچار ضربه های دینی و دنیوی می شدند.<sup>۴۲</sup>

از سوی دیگر، نگاه شیعیان به مرگ در راه دین که از آن به شهادت یاد می کنند و آن را یکی از کلیدهای ورود به ملکوت می دانند، اصلی ترین و روشن ترین عنصر مبارزاتی است.

اگرچه مفهوم شهادت، ارزش مشترکی برای همه مسلمانان به حساب می آید؛ مع ذلک این ارزش مشترک، در تشیع اهمیت و منزلت خاصی کسب کرده است .... شهادت، در واقع درجه و مرتبه ای است که یک مجاهد خالص فی سبیل الله پس از ایثار و جانبازی در راه هدف بلندش، به آن نائل می گردد .... این ارج و اعتبار در فرهنگ شیعه، زمانی جایگاه ویژه ای به خود گرفت که با واقعه عاشورا و شهادت جانگداز امام حسین علیه السلام، سومین پیشوای معصوم شیعه پیوند یافت. از آن پس، هرگونه یادکرد و بزرگداشت خاطره شهادت امام حسین علیه السلام، نوعی یادآوری و تعظیم عنصر و ارزش شهادت نیز به شمار آمد. از این رو، ارزش و مفهوم شهادت، تأثیری پایدار بر فرهنگ شیعه در سیر تاریخی آن نهاده است.<sup>۴۳</sup>

هنگامی که از آموزه شهادت سخن به میان می آید، نمادی ترین واقعه، شهادت امام حسین علیه السلام است که در تشیع، این حادثه مظهر و الگوی تمام عیاری برای شهادت شمرده می شود.

مسأله شهادت امام حسین علیه السلام، به عنوان خود را فدای امت ساختن، باعث تحکیم شدید هدف مبارزه جویانه شیعه شد.<sup>۴۴</sup>

شیعه، اوج پرواز انسان را به بالاترین درجه قرب الهی در شهادت می داند و در این امر، از امام حسین علیه السلام الگوگیری می کند. حتی انتظار آمدن منجی، بعد از شهادت امام حسین علیه السلام در

ص: ۴۱

میان شیعیان شدت یافت. تلقی آنان از این چنین مرگی، پیروزی است؛ چه دشمن را نابود کنیم و چه شهید شویم، در هر حال پیروزیم. این تفکر، ترس از مرگ را که مهم ترین مانع و بازدارنده حرکت مبارزاتی است، به چالش می کشد.

ازجمله آموزه های دیگر، تولی و تبری بوده که جزو فروع دین و اصول مذهب تشیع است و به مفهوم دوستی با دوستان خدا و پیوستگی با اهل حق و دشمنی با دشمنان خدا و گسستگی از اهل باطل می باشد .... این نفی و اثبات، جریانی است هم درونی و هم برونوی. جریان درونی، به معنای کوشش برای کسب آمادگی های روحی و معنوی به عنوان

<sup>۴۲</sup> (۱). محمد رضا مظفر، مسایل اعتقادی از دیدگاه تشیع، ترجمه محمد محمدی اشتیهادی، ص ۱۱۳.

<sup>۴۳</sup> (۲). روح الله حسینیان، پیشین، ص ۷۷.

<sup>۴۴</sup> (۳). حمید عنایت، اندیشه سیاسی در اسلام، ص ۳۱۲.

پشتوانه‌ای برای جریان بیرونی است که در واقع، جهاد عملی و پی گیر در مسیر عینیت بخشیدن به ولایت ائمه طاهرین علیهم السّلام به شمار می‌رود. دوست داشتن، یعنی اثبات ولایت اولیای دین و نفی هر ولایتی که معارض با آن‌هاست.<sup>۴۵</sup>

یکی دیگر از معتقدات و مبادی نظری تشیع که به عنوان یک مبنای قوی اعتقادی برای تهییج روح انقلابی گری قابل بررسی است، موضوع جهاد است که در مذهب شیعه، به عنوان یکی از فروع دین مورد تأکید می باشد .... همین زمینه اعتقادی و ایمانی و سابقه و سرنوشت تاریخی، بستر مناسبی را برای تقویت روح مبارزه و انقلابی گری در میان شیعه، به ویژه در دوران معاصر فراهم ساخته است. در واقع، جهاد با همه ابعاد و شرایط آن، از مؤلفه های اساسی فرهنگ سیاسی شیعه به شمار می‌رود.<sup>۴۶</sup>

هم چنین،

امر به معروف و نهی از منکر، از عناصر اساسی فرهنگ سیاسی شیعه است که در چارچوب آن، مشارکت سیاسی در امر حکومت و نظارت همگانی بر هیأت حاکم تحقق می یابد و سلامت جامعه، در ابعاد مختلف تضمین می گردد و در سایه این مشارکت و نظارت همگانی، همه فرایض دینی اقامه می شود و عمل به آن، ضامن بقا و استمرار حکومت و نظام اسلامی صالح و عادل خواهد بود.<sup>۴۷</sup>

افزون بر آموزه‌های انقلابی تشیع که در اعتقادات مذهبی آن‌ها ریشه دارد، رویکرد رهبران

ص: ۴۲

شیعی در حفظ استقلال خویش در مقابل حکومت‌ها، قابل توجه است؛ از جمله، آنان «برای حفظ استقلال مالی، خمس را که امری متروک بود، احیا کردند»<sup>۴۸</sup> و با هدف استقلال قضایی، از مراجعه شیعیان به دستگاه های قضایی حکومت‌ها جلوگیری نموده، آن را منع می‌کردند.

استقلال قضایی، موجب بی نیازی شیعه از دستگاه حکومتی شد و احساس بی نیازی، شیعه را در مقابل حکومت‌ها به بی‌اعتنایی و تنفر وامی داشت که چنین حالتی، از زمینه های روحیه انقلابی گری در برابر حکومت‌هاست که تشیع در دل خود پرورش می داد. استقلال قضایی به حدی گسترش یافت که رهبران شیعه، به شیعیان اجازه دادند شخصا قوانین جزایی را درباره زیردستان و فرزندان‌شان اجرا کنند. رهبران شیعه برای جلوگیری از فروپاشی اقلیت شیعه، مانع جذب شیعیان به دستگاه حاکم شدند و به شیعیان، اجازه جنگیدن، حتی جنگ مقدس بر ضد کفار را ندادند و شرط جواز جهاد را، رهبری عدل قرار دادند ....<sup>۴۹</sup>

<sup>۴۵</sup> (۱). ید ا ... هنری لطیف‌پور، پیشین، صص ۸۶ و ۸۷.

<sup>۴۶</sup> (۲). همان، صص ۸۵ و ۸۶.

<sup>۴۷</sup> (۳). همان، ص ۸۲.

<sup>۴۸</sup> (۱). روح ا ... حسینیان، پیشین، ص ۱۵.

<sup>۴۹</sup> (۲). همان، صص ۱۵ و ۱۶.

آنچه گذشت، چکیده‌ای بود از آموزه‌های انقلابی تشیع که در راستای رویکرد انقلابی آنان مؤثر خواهد بود. هنگامی که سخن از نیروی انقلابی تشیع به میان می‌آید، توجه به این زمینه‌های فکری و اعتقادی، امری ضروری است.

### پراکندگی تاریخی - جغرافیایی تشیع

در بررسی زندگی اجتماعی - سیاسی شیعیان منطقه خلیج فارس، آنچه در ابتدا ذهن را به تحرک وامی‌دارد و کنجکاوی انسان را برمی‌انگیزد، طرح این پرسش است که شیعه، چگونه به قلب مردم این مناطق راه یافته و سینه‌به‌سینه به نسل‌های بعدی انتقال داده شده است.

برای پاسخگویی به این پرسش، مرور تاریخچه کشورهای این ناحیه ضروری است.

متأسفانه تاریخچه کشورهای حاشیه خلیج فارس، به ویژه کشورهایی که شیعیان در آن جا اقلیتی به شمار می‌آیند، بیش‌تر به دست غیر شیعیان نگارش یافته و بنابراین، در آثار به جای

ص: ۴۳

مانده از تاریخ‌نگاری‌ها، توجه چندانی به زندگی این گروه اقلیت نشده است. از این‌رو، نقاط ابهام بسیاری وجود دارد و گاه یک حادثه تاریخی، به چندین روایت و به گونه‌های مختلف مطرح شده است. اما با وجود تمام تردیدها، در بیش‌تر این کشورها، نقطه آغاز این شکوفایی عقیدتی، روشن است.

برای مثال،

آغاز تشیع عراق، مربوط به زمانی قبل از هجرت امام علی علیه السلام به این منطقه است؛ زمانی که قبیله همدان و بنی نخع از جنوب جزیره العرب به عراق مهاجرت کردند. آنان از سال آخر حیات پیامبر صلی الله علیه و اله و امام علی علیه السلام را می‌شناختند و به دست وی مسلمان شده بودند. همین شیعیان عراق بودند که در جریان تحت فشار قرار دادن خلیفه سوم در سال ۳۵ هجری، به مدینه آمده و به همراه دیگر یاران پیامبر خدا صلی الله علیه و اله، زمینه حکومت امام علی علیه السلام را فراهم کردند. مهم‌ترین این شیعیان، مالک بن اشتر نخعی، کمیل بن زیاد و کسان دیگر بودند که همگی در جریان جنگ برض دناکین و قاسطین و نیز خوارج، در کنار امام علی علیه السلام ماندند و بسیاری‌شان به شهادت رسیدند.<sup>۵۰</sup>

با هجرت امام علی علیه السلام به عراق، گرایش به ایشان گسترش یافت، به ویژه آن که ایشان در طول پنج سال حکومت بر این منطقه، عراق را از عدالت خویش بهره‌مند ساخته بود. پس از آن، واقعه عاشورا رخ می‌دهد و شیعیان که در زندان‌های عبید الله به سر می‌بردند، پس از آزادی، با رهبری مختار به خون خواهی از امام حسین علیه السلام قیام می‌کنند. همین روح علوی حاکم بر عراق بود که باعث شد عباسیان با شعار خون خواهی امام حسین علیه السلام به حکومت دست یابند و تا سالیانی طولانی، شاهد حکومت‌های شیعی در این منطقه هستیم.

<sup>۵۰</sup> (۱). رسول جعفریان، جغرافیای تاریخی و انسانی شیعه در جهان اسلام، ص ۵۰.

پدید آمدن سلطنت‌ها، دولت‌ها و امارت‌های شیعی در عراق، به رشد و پیشرفت تشیع در این سرزمین مدد می‌رساند، از قبیل: سلطنت آل بویه، و امارت بنی مزید در حله و نیل، و بنی شاهین در بکایح، و بنی حمدان و آل مسیب در موصل و نصیبین، و دولت و حکومت مغول امثال سلطان محمد خدابنده و پسرش ابو سعید، و نیز مانند حکومت جلائری ها که شیخ حسن جلائری (یکی از فرماندهان مغول و خواهرزاده محمود

ص: ۴۴

غازان و سلطان محمد خدابنده ) آن را بنیاد کرد و بغداد پایتخت حکومت او بوده است، و هم چنین دولت و حکومت صفویه که از تشیع حمایت کرده و به طرق مختلف، به نشر آن در سرزمین‌های اسلامی همت می‌گمارد.<sup>۵۱</sup>

در مورد بحرین هم روایت شده است که

بذر تشیع در این خطه، توسط ابان بن سعید بن العاص که از دوستان علی بن ابی طالب علیه السلام بود و از جانب پیامبر به بحرین فرستاده شده، افشاند. در زمان حکومت علی علیه السلام، تشیع در این منطقه پیشرفت شایانی کرد.<sup>۵۲</sup>

پس از آن و در قرن چهارم، با غلبه قرامطه بر این سرزمین و تشکیل حکومت شیعی اسماعیلیه، نفوذ شیعه در این سرزمین افزایش یافت. سپس دولت آل بویه که آنان نیز دوستدار اهل بیت بودند، حکومت را در دست گرفتند . با روی کار آمدن سلسله صفویه در قرن شانزدهم، گرایش به تشیع در این منطقه تقویت شد.

شواهد حاکی از آن است که شیعیان، از دیرباز در عمان به سر می برده‌اند و در پی درگیری با خوارج، از این منطقه مهاجرت کرده‌اند.

به گفته بسیاری از مورخان، عمان یکی از سرزمین‌هایی بوده که پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و اله، از پرداخت زکات به خلیفه نخستین سرباز زده [است]. اگر بپذیریم که واقعه «ردّه» - بنا به اصطلاح مورخان - در اصل نه ارتداد و بیگشتن از دین، بلکه به قول امام شرف الدین، مولود تلقی خاصی از اوضاع جاری بوده است و اگر جریان مالک بن نویره با خالد بن ولید را نیز در نظر آوریم، به روشنی ثابت می شود که خودداری عمان - به ویژه بخش‌های شمالی آن - از پرداخت زکات، ناشی از پای بندی به وصیت پیامبر صلی الله علیه و اله درباره علی علیه السلام و وفاداری به آن حضرت بوده است .... از همین جا می توان دریافت که در آغاز کار، تا چه اندازه تشیع در روح عمانی‌ها نفوذ کرده بود. از علل آن که تشیع پس از آن در عمان رو به ضعف نهاد، مهاجرت بسیاری از سران و اندیشمندان شیعه از آن سرزمین بوده است. گو این که اگر این مهاجرت به اقامت دایم و بی بازگشت

ص: ۴۵

بدل نمی گشت، ممکن نبود اثری در وضع تشیع در عمان بگذارد؛ ولی در نتیجه آن، شیعیان عمان تضعیف گردیدند.<sup>۵۳</sup>

<sup>۵۱</sup> (۱). محمد حسن مظفر، تاریخ شیعه، ترجمه: دکتر سید محمد باقر حجتی، ص ۱۴۳.

<sup>۵۲</sup> (۲). همان، ص ۲۵۶.

و از تعداد آنان کاسته شد و فقط عده کمی در سواحل عمان باقی ماندند.

در مورد شیعیان عربستان باید گفت که حجاز، از همان اوایل، مهد تشیع به شمار می آمده و این منطقه، همواره شاهد حضور شیعیان امامی و زیدی بوده است.

جزیره العرب، از مناطقی است که زمانی تشیع در آن گسترده بود. در قرن اول و دوم هجری، ائمه شیعه در مدینه زندگی می کردند و این خود می تواند دلیلی بر حضور تشیع امامی در این دیار باشد. زیدیان نیز که در سال ۱۴۵ هجری در مدینه قیام کردند، نمونه دیگری از حضور فکر شیعی در مدینه هستند. نفس زکیه، همراه با تعداد زیادی از یاران خود در این قیام کشته شد. در ۱۶۹ هجری، قیام ح سین بن علی معروف به شهید فخر در مکه رخ داد و آن نیز به سرنوشتی نظیر قیام نفس زکیه منجر شد. به مرور با ضعف بنی عباس، قدرت شیعیان و به خصوص زیدیان در جزیره العرب رو به فزونی نهاد تا این که بالاخره در اواخر قرن سوم و چهارم، تشیع نسبتاً گسترده ای در حجاز به وجود آمد. با قدرت یافتن فاطمیان مصر، مدت ها مکه و مدینه نیز تحت سلطه آنان قرار گرفته و خطبه به نام آن ها خوانده می شد. در این میان، بیشترین نفوذ را زیدی ها داشتند که در حجاز و نقاط دیگر، شورش های مسلحانه ای به راه انداخته بودند. ابن حزم در قرن چهارم، مدینه را به خاطر وجود شیعه در آن مورد نکوهش قرار داده است.

تشیع در حرمین هم چنان به صورت گرایش زیدی باقی مانده و نوعاً سادات حسینی بر آن حکمرانی می کردند. هم چنین گفته شده که در حجاز، برخی از قبایل شیعی در برخی از مناطق کوهستانی زندگی می کنند. شیعیانی نیز در مدینه منوره وجود دارند.<sup>۵۴</sup>

در هر حال، به طور کلی، قرن یازدهم، نقطه عطفی برای تاریخ تشیع به شمار می آید. در این قرن، شیعیان برای نخستین بار به گونه ای گسترده، کنترل سرزمین های جهان عرب را در دست گرفته و بسیاری از سلسله های شیعی، در مناطق مختلف آن عرض اندام کردند.

فاطمی ها، حکومت مصر را در اختیار گرفتند، شیعیان امامی، بعلبک را تسخیر کردند و

ص: ۴۶

قرمطی ها نیز بر بحرین مسلط شدند، تا این که اهل سنت بار دیگر بر مسند حکومت نشستند و دوران سرکوبی و فترت آغاز شد.

شیعیان برای گریز از حملات اهل سنت، به مناطق کوهستانی پناه بردند. چیزی که امروزه برای مثال با نام کوه دروز، کوه علوی، کوه زیدیه و غیره وجود دارد، از آن زمان شکل گرفته است. به تدریج در طی تقریباً دو قرن، اکثریت فرق شیعه در خود محبوس شدند و از طرف قدرت سیاسی اهل سنت، به دور از مناطق مورد تهدید تبعید شدند.<sup>۵۵</sup>

<sup>۵۳</sup> (۱). محمد عرب، آشنایی با مذهب اباضی، صص ۸۱ و ۸۲.

<sup>۵۴</sup> (۲). رسول جعفریان، جغرافیای تاریخی و انسانی شیعه در جهان اسلام، صص ۴۲ و ۴۳.

<sup>۵۵</sup> (۱). فرانسوا توال، ژئوپولیتیک شیعه، ترجمه دکتر علیرضا قاسم آقا، ص ۲۵.

این روند در انزوا قرار دادن تشیع هم چنان ادامه دارد. گرچه در قرن شانزدهم و با تشکیل سلسله صفویه، وضع شیعیان ایران و سرزمین‌های متعلق به آن بهبود یافت، ولی در مناطق دیگر، همواره شیعیان، گروه اقلیت طرد شده ای بودند که از سوی اهل سنت مورد آزار و اذیت قرار می‌گرفتند.

### نتیجه‌گیری

براساس آنچه در این فصل ارائه شد، شیعه هم به لحاظ نحوه شکل‌گیری، هم از بعد اعتقادی و آموزه‌های مذهبی و هم از حوزه روند تاریخی، همواره انقلابی، محرک و ناراضی از وضع موجود بوده است. از یکسو محتوا و پیام سیاسی بر حرکت و قیام تأکید دارد و از سوی دیگر، شیعه از بدو تولد، ماهیتی انقلابی داشته و سیر تاریخی حوادثی که برای آن رخ می‌دهد، همواره این روحیه را تقویت نموده است. هرچند سال‌هاست که این مذهب اقلیت، طرد شده و در انزوا نگاه داشته شده، ولی ظرفیت‌های موجود، آنان را چون آتشفشان خاموشی نگاه داشته که هرآن، امکان فوران آن می‌رود؛ گو آن‌که شعله‌های هشداردهنده این فوران قریب الوقوع را در جنبش‌های شیعی که هراز چندگاهی رخ می‌نماید، می‌توان مشاهده کرد.

ص: ۴۷

### فصل دوم جغرافیای سیاسی منطقه خلیج فارس

ص: ۴۹

#### مقدمه

با توجه به این که بحث ما در خصوص شیعیان خلیج فارس است، برای بررسی جغرافیای سیاسی آنان، ناچار در ابتدا جغرافیای سیاسی منطقه را بررسی می‌کنیم. در واقع باید وضعیت شیعیان را در متن منطقه خلیج فارس بررسی نمود؛ چراکه شیعیان، بخشی از جمعیت و به عبارت صحیح‌تر، اکثریت منطقه را تشکیل می‌دهند و بسیاری از مسایل مربوط به آنان، در وهله اول، به منطقه مربوط می‌شود. از این‌رو، بررسی جغرافیای سیاسی خلیج فارس، به عنوان مقدمه‌ای اساسی و لازم برای ورود به بحث جغرافیای سیاسی شیعیان مطرح می‌گردد، به گونه‌ای که اگر بدان پرداخته نشود، درک بسیاری از مباحث مرتبط با آنان نیز ناممکن خواهد بود.

با این توضیح، در این فصل به بررسی جغرافیای سیاسی منطقه می‌پردازیم تا پس از آن و در فصل آینده، به صورت گسترده‌تر وضعیت شیعیان را در این خصوص مورد مطالعه قرار دهیم و به گونه‌ای خاص‌تر، مسأله را بررسی کنیم. از آن‌جا که بحث خلیج فارس، به دلیل اهمیت و جایگاه استراتژیکی که دارد و نقشی که در معادلات بین‌المللی ایفا می‌کند، بسیار مفصل بوده و ذکر تمامی آن‌ها برای درک عمیق‌تر مسأله ضروری است، این فصل حجم گسترده‌تری از مباحث را در برمی‌گیرد که به اعتقاد نگارنده، ذکر تمامی این مباحث لازم است.

توضیح دیگر آن‌که وقتی از جغرافیای سیاسی منطقه ای سخن به میان می‌آوریم، بررسی چهار مسأله باید در دستور کار قرار گیرد:

الف. اهمیت استراتژیک منطقه؛

ب. حضور قدرت‌های بزرگ خارجی در منطقه؛

ص: ۵۰

ج. منابع موجود در منطقه؛

د. جغرافیای سیاسی منطقه به تفکیک کشورها.

بر مبنای این چارچوب، در این جا بحث جغرافیای سیاسی منطقه خلیج فارس را مطرح می‌سازیم.

### اهمیت استراتژیک منطقه خلیج فارس

پیشروی آب اقیانوس هند و دریای عمان در شیار هلال گونه‌ای در جنوب زاگرس، دریای نیمه بسته خلیج فارس را به وجود آورده است. این محدوده، در حد فاصل کشورهای ایران، عراق، کویت، عربستان، قطر، بحرین، امارات متحده و عمان قرار دارد و بخشی از منطقه خاورمیانه به شمار می‌آید.

مدخل آن در تنگه هرمز، با حدود ۸۵ کیلومتر و بخش پایانی آن در رأس خلیج فارس، با حدود ۳۲۰ کیلومتر بوده و بیش‌ترین عرض آن، شامل ۳۲۵ کیلومتر است. مساحت این خلیج، ۲۲۶ هزار کیلومتر مربع و ژرفای متوسط آن ۳۵ متر ثبت شده است که در پاره‌ای نقاط، به نود تا صد متر نیز می‌رسد. بنابراین، برخلاف بحر احمر یا خلیج العربی که در آن سوی جزیره العرب واقع است، دریای کم‌عمقی به شمار می‌آید.

خلیج فارس در منطقه ای فرو رفته است که در جنوب آن، فلاتی لم یزرع و در شمال آن، فلات دیگری با نمایی از کوهپایه‌های زاگرس قرار گرفته است.<sup>۵۶</sup>

به گونه‌ای که تمامی خلیج فارس، یک فلات قاره را تشکیل می‌دهند.

به لحاظ زمین‌شناسی، این منطقه

از پدیده‌های دوران سوم زمین‌شناسی است و حدود سی میلیون سال قبل به وجود آمده است.<sup>۵۷</sup> و آن گونه که زمین‌شناسان مطرح می‌کنند، وسعت آن تقریباً دو برابر وسعت فعلی بوده که بر اثر تحولات زمین رسوبات رودخانه‌ای، پسرفت نموده است.

ص: ۵۱

<sup>۵۶</sup> (۱). ناصر تکمیل همایون، مسایل خلیج فارس، ص ۱۱.

<sup>۵۷</sup> (۲). همایون الاهی، خلیج فارس و مسایل آن، ص ۱۰.

اهمیت این منطقه، در گذشته‌ای با پیشینه چند هزار ساله ریشه دارد؛ چراکه محل برخورد تمدن‌های بزرگ باستان بوده و قرار گرفتن در چهار راه ارتباطی سه قاره، اهمیت آن را در قرون میانه بیش از پیش آشکار می‌کرد. گذشتن راه‌های مهم تجاری از این منطقه، عاملی در گسترش تجارت بود، به ویژه تجارت مروارید که اهمیت ویژه‌ای داشت. اندک‌اندک با ورود استعمار و رقابت‌های جهانی، این منطقه به عرصه تاخت و تاز قدرت‌های جهانی تبدیل شد و قدرت‌های پرتغالی، هلندی، فرانسوی، بریتانیایی، روسی و آمریکایی، به ترتیب شانس خویش را در چپاول اقتصاد جوامع آن به بوته آزمایش گذاشتند تا این که در نیمه قرن بیستم، با اکتشاف نخستین چاه‌های نفت، در بحبوحه جنگ‌های جهانی، توجه بیش از پیش کشورهای صنعتی به این منطقه جلب شد.

در سده بیستم با اکتشاف نفت، این منطقه به عنوان گذرگاه شصت درصد ذخایر جهانی نفت، نگاه نیازمندان جهانیان را به سوی خود کشانده و س‌رزمین‌های پیرامون خویش را به تب‌نوسانات اقتصادی - سیاسی جهان پیوند داده است. کشورهای این منطقه در درون مرزهای زمینی خود کانسارهای پرمایه نفت و گاز دارند، در زیر گستره ۲۲۰ هزار کیلومتر مربعی آب‌های خلیج فارس کانسارهای بزرگ نفت و گاز غنوده است و همین خود پرسم‌ان، «فلات قاره» و «دریای سرزمینی» و در پی آن موضع‌گیری‌های اقتصادی و سیاسی و نظامی در پیوند با این پرسمان را به میان می‌کشد.<sup>۵۸</sup>

آری، آن‌چه خلیج فارس را به شاه‌رگ حیاتی جهان تبدیل نمود، کشف طلای سیاه بود؛ کالایی که پس از گذشت قرن‌ها، با وجود پیشرفت علم و فناوری هنوز جای‌گزین مناسبی برای آن یافت نشده است. اما اهمیت این منطقه، صرفاً در وجود منابع گسترده معدنی آن خلاصه نمی‌شود و نقش سیاسی منطقه خلیج فارس، با توجه به اهمیت ایدئولوژیکی، ارتباطی، ژئواکونومیک و ژئواستراتژیک آن متبلور و آشکار می‌شود. در واقع، برای بررسی و تحلیل اهمیت استراتژیک منطقه خلیج فارس، بررسی و مطالعه مؤلفه‌های ذیل امری ضروری می‌نماید:

ص:۵۲

الف) وضع طبیعی و موقعیت جغرافیایی خلیج فارس؛

ب) ذخایر عظیم نفت و گاز؛

ج) بازار مصرف؛

د) نقش فرهنگی و ایدئولوژیکی.

الف) وضع طبیعی و موقعیت جغرافیایی خلیج فارس

خلیج فارس به لحاظ وضع طبیعی و موقعیت جغرافیایی، از دیر زمان حائز اهمیت بوده است.

<sup>۵۸</sup> (۱). لواء فیلی رودباری، کویت (کتاب سبز)، صص ۱۵ و ۱۶.

از یک طرف، این منطقه حلقه ارتباطی میان شرق و غرب بوده و از سوی دیگر، به دلیل داشتن تنگه هرمز که یکی از استراتژیک‌ترین تنگه‌های جهانی است، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده است.

در واقع:

خلیج فارس محور ارتباط بین اروپا، آفریقا، آسیای جنوبی و جنوب شرقی است و از نظر استراتژیک، در منطقه خاورمیانه، به عنوان بزرگ‌ترین و مهم‌ترین مرکز ارتباطی بین سه قاره است و بخشی از یک سیستم ارتباطی را که دو دریای مدیترانه و سرخ و دو اقیانوس هند و اطلس را به هم می‌پیوندد، تشکیل می‌دهد. به همین جهت، این موقعیت از روزگاران پیشین مورد توجه قدرت‌های جهانی بوده است و تجار و بازرگانان، کالاها را از شرق و جنوب آسیا به خلیج فارس حمل می‌کردند و از آن‌جا به سواحل مدیترانه و اروپا و بالعکس می‌برند.<sup>۵۹</sup>

در حقیقت تا قبل از کشف آمریکا، یعنی سال ۱۴۹۲ میلادی، کالاهایی چون مروارید، ابریشم، چینی، ادویه و ... از دو راه به غرب حمل می‌شد و آن دو راه مهم عبارت‌اند از:

۱. راه زمینی معروف به جاده ابریشم

۲. راه دریایی معروف به راه ادویه

دو راه حیاتی فوق، از خلیج فارس و سواحل شرقی مدیترانه می‌گذشته‌اند .... با کشف دماغه امیدنیک، اهمیت خلیج فارس از نظر ارتباطی کاسته نشد؛ زیرا به واسطه دوری

ص: ۵۳

مسیر دریایی، از دیرباز خلیج فارس یک چهار راه ارتباطی دریایی محسوب می‌شده است و از این رو، بنادر خلیج فارس لنگرگاه مناسبی برای کشتی‌ها بوده است. در حقیقت، کشتی‌ها خلیج فارس را ایستگاه دریایی مناسبی برای دریافت خدمات دریایی و تبادل کالا می‌دانستند.<sup>۶۰</sup>

اما نکته قابل توجه آن که بحث اهمیت استراتژیک خلیج فارس، بدون بررسی مسایل تنگه هرمز کامل نخواهد بود؛ زیرا این تنگه، به عنوان مدخل خلیج فارس، تأثیر ویژه‌ای بر حوادث منطقه دارد.

این تنگه، با طول حدود ۱۵۸ کیلومتر و عرض حداقل ۵۶ و حداکثر ۱۸۰ کیلومتر و عمق ۱۱۵ متر، یکی از استراتژیک‌ترین گذرگاه‌های جهان به شمار می‌آید

که خلیج فارس را از راه دریای عمان (مکران) اقیانوس هند و خطوط کشتی رانی بین المللی دریای آزاد پیوند می‌دهد. این آبراه به علت موقعیت خاص استراتژیک، شاه‌رگ حیات اقتصادی جهان به حساب می‌آید.<sup>۶۱</sup>

<sup>۵۹</sup> (۱). بهادر زارعی، «جغرافیای سیاسی خلیج فارس»، رسالت، ۱۴ شهریورماه ۱۳۷۸، ص ۱.

<sup>۶۰</sup> (۱). عبد الله رفیعی، «بازنگری جایگاه استراتژیک خلیج فارس و جزایر ایرانی»، نشریه ابرار، ۲۰ آذرماه ۱۳۸۱، ص ۱.

و به عنوان راه ورودی و خروجی خلیج فارس، از موقعیت ژئواستراتژیکی برخوردار است. از آنجا که روزانه حدود چهل درصد نفت مصرفی جهان از این تنگه عبور می کند، احاطه و سلطه بر این گذرگاه، امکان کنترل عبور و مرور نفتکش ها را در منطقه فراهم می آورد.

این آبراه، نقش بسیار حساس و بی چون و چرایی در توازن اقتصاد، مالی و تجاری کلیه کشورهای صنعتی و کشورهای ساحلی منطقه ایفا می کند و هر رخدادی که سلامت و امنیت دریانوردی را در این ناحیه تهدید نماید، به همان نسبت منافع این کشورها را در معرض خطر قرار خواهد داد.<sup>۶۲</sup>

هم چنین تنگه هرمز، راه ارتباطی کشورهای ساحلی خلیج فارس به اقیانوس هند بوده و بنابراین، همواره به صورت منطقه ای عملیاتی در استراتژی های نظامی مورد توجه بوده است.

ص: ۵۴

### (ب) ذخایر عظیم نفت و گاز

مهم ترین عامل استراتژیک خلیج فارس، وجود منابع عظیم نفت و گاز است، به گونه ای که این منطقه را «مخزن نفت جهان» نام نهاده اند.

با وجود تحولات تکنولوژیک دهه های اخیر و تلاش برای جایگزین کردن انرژی های آب، باد، خورشید، اتم و ...، هم چنان نفت به عنوان انرژی برتر و اصلی ترین ماده اولیه تولیدی صنایع، اهمیت خویش را حفظ کرده است و روزه روز بر ارزش آن افزوده می شود. در واقع نفت، «کالای استراتژیک»<sup>۶۳</sup> به شمار می آید که از راه های گوناگون بر سیاست های جهانی تأثیرگذار است و هرگونه تغییر و تحولی در صادرات آن، پیامدهای یکسانی بر کل جهان دارد و عدم ثبات بهای نفت، تهدیدی جدی است که همواره بازارهای نفتی را با بحران مواجه می کند.

نفت در طی قرن بیستم، در حقیقت عامل بسیار مهمی در تحولات نظامی سیاسی و اقتصادی جهان بوده و برای سال های قابل پیش بینی نیز چنین خواهد بود. در این میان منطقه خلیج فارس، به علت تسلط بر ذخایر عظیم و قدرت تولید و توان صادراتی قابل توجه، در حقیقت مرکز این تحولات و وقایع مهم بوده و هست و تقریباً همه کشورهای جهان، کم و بیش وابسته به این حوزه می باشند و حیاط اقتصادی و نظامی - سیاسی بسیاری از این کشورها، به خصوص کشورهای صنعتی غرب و ژاپن، به ادامه بی وقفه جریان نفت از حوزه خلیج فارس وابسته است.<sup>۶۴</sup>

<sup>۶۱</sup> (۲). همان.

<sup>۶۲</sup> (۳). مصطفی دولتیار، رژیم حقوقی تنگه های بین المللی با تأکید بر مسایل حقوقی تنگه هرمز، ص ۱۰۰.

<sup>۶۳</sup> (۱). کالای استراتژیک: (LAIRETAM CIGETARTS) هر نوع ماده خام یا اولیه که از نظر استراتژی با ارزش، و برای دفاع ملی و پیشبرد جنگ مدرن ضروری باشد. اگر در یک کشور عرضه واقع ی یا بالقوه کالاهای استراتژیک کم تر از مقداری باشد که برای شرایط اضطراری پیش بینی شده است، قبل از پدید آمدن چنین شرایطی، اقدام به ذخیره سازی (GNILIPKCOTS) می گردد. فرهنگ علوم سیاسی و نمایه انگلیسی فارسی، ص ۳۲۹.

<sup>۶۴</sup> (۲). همایون الاهی، پیشین، ص ۱۱۳.

بنابراین، خلیج فارس از مهم ترین مخازن انرژی جهان به شمار می آید که در تأمین انرژی آینده جهان، نقشی اساسی بر عهده دارد. نیاز روزافزون کارخانجات صنعتی به نفت و غیر

ص: ۵۵

قابل جایگزین بودن آن توسط انرژی های دیگر، به منطقه خلیج فارس «جایگاه ژئواکونومیکی» خاصی بخشیده است. در واقع، منطقه خلیج فارس افزون بر موقعیت ژئوپولیتیک، موقعیت ژئواکونومیکی نیز دارد و آن چه از همه بر احرارز چنین موقعیتی تأثیرگذارتر بوده، مسأله نفت و گاز است.

تحولات نظام بین الملل، بیانگر آن است که در هزاره سوم میلادی، قدرت برتر از آن کسی خواهد بود که بر انرژی جهانی، به ویژه نفت و گاز تسلط یابد و بنابراین، جای تعجب نیست که خلیج فارس به عنوان بزرگ ترین مخزن انرژی جهان، کانون توجه جهانی قرار گرفته است.

این منطقه، دارای ذخایر نفتی جهانی بسیار بالایی است و از این نظر، برای کشورهای صنعتی شاهرگ حیاتی به شمار می آید که چرخه اقتصاد را به گردش درمی آورد. کشورهای خلیج فارس، ۶۲ درصد از مجموع نفت مصرفی بازارهای جهان را تولید می کنند.<sup>۶۵</sup>

به علاوه، عمق کم این خلیج، امکان بهره برداری از منابع نفتی و هم چنین منابع دریایی آن را به سهولت و ارزانی فراهم می آورد و هزینه های پایین استخراج نفت و گاز، توجه کشورهای صنعتی را به خود جلب کرده است. . اکتشاف نفت، باعث درآمیختن خلیج فارس با اقتصاد جهانی شده، به ویژه آن که استخراج نفت از این منطقه، بسیار به صرفه تر از دیگر مناطق جهان برآورد می شود.

به طور کلی، عرضه کنندگان نفت در جهان دو گروه هستند: اعضای اوپک و کشورهای غیر اوپک. البته بیش ترین تولید، از آن کشورهای عضو اوپک است، که بیش تر آن ها، از کشورهای حوزه خلیج فارس هستند.

تفاوت اصلی میان مخازن کشورهای اوپک و غیر اوپک در این است که دسترسی به مخازن غیر اوپکی ها مشکل تر است، به ویژه در میان مدت هزینه تولید بیش تر می شود. در بسیاری از کشورهای غیر اوپک، به دلیل کوچک بودن میادین نفتی و «نسبت کم میانگین تولید»، هزینه تولید بیش تر است.<sup>۶۶</sup>

ص: ۵۶

با توجه به مطالعات توماس استوفر<sup>۶۷</sup> تحلیلگر آمریکایی نفت، تولید هر بشکه نفت خشکی در ایران، ابوظبی، عراق، کویت و عربستان سعودی، یک تا چهار دلار هزینه در بر دارد. این رقم که با توجه به بازده چاه برآورد شده، شامل هزینه های اکتشاف، ارزیابی و توسعه و نرخ بازگشتی حدود ده تا پانزده درصد می باشد. در مقابل، این هزینه ها در

<sup>۶۵</sup> (۱). لواء فیلی رودباری، پیشین، صص ۱۶ و ۱۷.

<sup>۶۶</sup> (۲). نفت در آستانه قرن ۲۱، سیاست و تعامل نیروهای بازار، ترجمه داود علمایی، ص ۴۳.

<sup>۶۷</sup> (۱). reffuat samoh T.

دریای شمال دوازده تا بیست دلار در هر بشکه، در غرب تگزاس هفده تا نوزده دلار و در کانادا بیش از نوزده دلار می‌باشد. در عین حال، هزینه ایجاد یک بشکه ظرفیت تولید اضافه، در شش کشور عضو اوپک، در منطقه خلیج فارس (ایران، عربستان، عراق، کویت، امارات متحده عربی و قطر) بسیار کم‌تر از هر نقطه دیگری در جهان است. برای نمونه، این هزینه در عراق کم‌تر از پنج هزار دلار در هر بشکه، و در ایران در حدود شش هزار دلار می‌باشد. در کل، این هزینه در خلیج فارس حدود سه هزار دلار برای هر بشکه ظرفیت تولید اضافی است که در مقایسه با سایر تولیدکنندگان اصلی غیر اوپک، نظیر دریای شمال و آمریکای شمالی، بسیار کم‌تر است.<sup>۶۸</sup>

افزون بر این،

پیش‌بینی می‌شود، سهم منطقه خلیج فارس در تولید جهانی نفت، از ۷/۲۵ درصد در سال ۱۹۹۶، به ۹/۴۰ درصد تا سال ۲۰۲۰ افزایش یابد. بر این اساس، احتمالاً در آغاز هزاره جدید، وابستگی اقتصادهای آسیا، اروپا و آمریکا به تولیدات نفتی خلیج فارس، البته در سطوح مختلف افزایش خواهد یافت.<sup>۶۹</sup>

به علاوه، عمر متوسط ذخایر نفتی کشورهای خلیج فارس، در برخی نقاط به صد سال نیز می‌رسد؛ در حالی که عمر نفت در دیگر نقاط جهان، به‌طور متوسط هجده سال است.

با ورود بازارهای نفتی جدید و مصرف کنندگان نوظهور، تقاضای جهانی برای نفت افزایش می‌یابد و با رشد تقاضا، رقابت در این بازار گسترش یافته، به افزایش قیمت‌ها خواهد انجامید.

در واقع، رقابت در بازار نفت، نقش مهمی را در تثبیت قیمت‌های بالاتر خواهد داشت.

ص: ۵۷

اقتصادهای بزرگ آسیا نظیر چین، کره جنوبی و هند، به حجم معتناهی انرژی، به ویژه نفت نیاز خواهند داشت که با احتمال زیاد، باید از منطقه خلیج فارس و هم‌چنین دریای خزر تأمین شود. ضمناً پیش‌بینی می‌شود که آمریکای شمالی ۲۰٪، اروپای غربی ۳۱٪ و آسیا ۸۶٪، از نیازهای نفتی و انرژی خود را از دو منطقه مزبور تأمین کنند.<sup>۷۰</sup>

با وجود آن‌که با گذشت زمان، روزه روز بر تعداد مصرف کنندگان نفت خلیج فارس افزوده می‌شود، سیاست‌های نفتی کشورهای عمده صنعتی، در درازمدت به سود تولیدکنندگان نفت نخواهد بود؛ به ویژه سیاست ذخیره سازی انرژی که از سوی بیش‌تر این کشورها دنبال می‌شود، اهمیت و نقش کشورهای تولیدکننده و اوپک را در سیاست قیمت گذاری کم‌رنگ خواهد کرد.

---

<sup>۶۸</sup> (۲). علی امامی مبینی و مرتضی بهروزی‌فر، «قدرت اوپک در بازار جهانی»، ماهنامه اطلاعات سیاسی-اقتصادی، ش ۱۶۶-۱۶۵، سال ۱۳۸۰، ص ۱۴۶ و ۱۴۷.

<sup>۶۹</sup> (۳). جودت بهجت، «امنیت نفت در هزاره جدید، ژئواکونومی در برابر ژئواستراتژی»، ترجمه: قدیر نصری مشکینی، ماهنامه اطلاعات سیاسی-اقتصادی، ش ۱۶۵-۱۶۶، سال ۱۳۸۰، ص ۱۷۰.

<sup>۷۰</sup> (۱). جعفری کمپ، «خلیج فارس منطقه‌ای همیشه استراتژیک»، ترجمه و تلخیص: غلامرضا عباسان، سلام ۴، ۶ و ۸ اسفندماه ۱۳۷۷.

پیش‌بینی می‌شود که تقاضای جهانی انرژی تا سال ۲۰۲۰ در مقایسه با سال ۱۹۷۰، تا سه برابر افزایش یابد و تقاضای انرژی از سوی کشورهای صنعتی تا سال ۲۰۱۰، تا بیش از دو برابر افزایش خواهد یافت. در نتیجه، تقاضاهای جهانی از ۷۱/۶ میلیون بشکه در روز، به بیش از ۱۱۵ میلیون بشکه تا سال ۲۰۲۰ خواهد رسید.

البته برخی تحولات پیش‌بینی نشده، می‌تواند روند پیش‌بینی تقاضا را برای انرژی تغییر دهد. در این میان، می‌توان از مواردی نظیر رکود اقتصاد جهانی، تغییر سیاست‌های یارانه‌ای یا مالیات‌بندی در کشورهای مصرف‌کننده و فناوری‌های مقرون به صرفه نام برد.<sup>۷۱</sup>

براساس پیش‌بینی‌های به عمل آمده، از سال ۲۰۱۰، یگانه تولیدکنندگان عمده نفت جهان، کشورهای حاشیه خلیج فارس، به ویژه ایران، عراق و عربستان خواهند بود و به لحاظ ویژگی‌های منحصر به فرد نفت این منطقه، ازجمله هزینه تولید پایین، ظرفیت تولید بالا، کیفیت مطلوب نفت و ... روزه‌روز بر اهمیت آن افزوده می‌شود.

ص: ۵۸

به طور خلاصه به لحاظ ذخایر نفتی، مزیت خلیج فارس در برابر دیگر نقاط جهان، به شرح ذیل است:

الف) منابع نفتی فراوان منطقه (۶۴ درصد کل ذخایر جهان، در کشورهای حوزه خلیج فارس قرار دارد).

ب) سهولت استخراج

ج) هزینه تولید پایین (هزینه تولید اوپک، بین یک تا سه دلار در مقایسه با هزینه شش تا ده دلار برای هر بشکه تولیدکنندگان غیر اوپک می‌باشد)

د) مازاد ظرفیت تولید، به طوری که این کشورها، دارای مصرف بسیار محدود بوده و اصولاً جهت صادرات و اقدام به تولید و استخراج نفت می‌نمایند. کل کشورهای اوپک، دو درصد و کشورهای حوزه خلیج فارس، کم‌تر از یک درصد مصرف جهانی نفت را دارند.

ه) کیفیت بالای نفت خام منطقه

و) سهولت حمل و نقل

ز) توان تولید زیاد چاه‌های نفت (در حوزه خلیج فارس، از هر حلقه چاه نفت، حدود ۲۵۰۰۰۰ تن نفت در سال می‌توان استخراج کرد، درحالی که حجم قابل مقایسه در آمریکا، فقط ۱۰۰۰ تن در سال است)

ح) امکان کشف ذخایر جدید نفتی وسیع در این منطقه، در مقایسه با سایر مناطق جهان.<sup>۷۲</sup>

---

<sup>۷۱</sup> (۲). همان، ص ۲.

<sup>۷۲</sup> (۱). همایون الاهی، پیشین، ص ۱۱۷.

[تصویر]<sup>۷۳</sup> جدول شماره ۱: پیش‌بینی موازنه عرضه و تقاضای جهانی نفت تا سال ۲۰۱۰

(بر مبنای میلیون بشکه در روز)

ص: ۵۹

[تصویر]<sup>۷۴</sup> جدول شماره ۲: سناریوی پیش‌بینی ظرفیت تولید کشورهای خلیج فارس در سال ۲۰۱۰

(بر مبنای میلیون بشکه)

یکی دیگر از منابع پراهمیت انرژی، گاز طبیعی است. مصرف این انرژی به لحاظ زیست محیطی، کم‌خطرتر از دیگر انرژی‌های متداول، چون نفت و زغال سنگ بوده، آلودگی کم‌تری به همراه خواهد داشت. از این رو، تلاش برای جای‌گزین کردن گاز طبیعی به جای نفت خام در مصارف سوختی، هر روز بیش‌تر و بیش‌تر می‌شود.

میزان قابل توجهی از این انرژی، در منطقه خلیج فارس یافت می‌شود. تحقیقات نشان می‌دهد که

بیش‌ترین رشد در ذخایر گاز جهان، مربوط به دو ناحیه اتحاد شوروی سابق و کشورهای حاشیه خلیج فارس و خاورمیانه بوده است. پس از روسیه، جمهوری اسلامی ایران، قطر، امارات متحده عربی و عربستان، به ترتیب دومین، سومین، چهارمین و پنجمین ذخایر بزرگ گاز را در دنیا در اختیار دارند. ذخایر این منطقه، مخازن گازی شمال قطر و میدان پارس جنوبی ایران را دربر می‌گیرد.<sup>۷۵</sup>

به دلیل بالا بودن هزینه‌های بهره‌برداری، تولید، انتقال و توزیع گاز طبیعی، صنعت گاز منطقه خلیج فارس، عمدتاً توسعه نیافته است و صرفاً طی سال‌های اخیر، شاهد حرکت برخی از این کشورها به سمت اکتشاف و توسعه گاز هستیم.

ص: ۶۰

[تصویر]<sup>۷۶</sup> جدول شماره ۳: ذخایر گاز طبیعی در ایران، قطر، امارات، عربستان

با وجود این، منطقه خلیج فارس به صورت بالقوه، ذخایر عظیم گاز طبیعی دارد. برای نمونه، کشوری چون ایران، به تنهایی با در اختیار داشتن بیش از ۱۴٪ گاز طبیعی جهان، استعداد فراوانی را برای تبدیل شدن به یک تولیدکننده مهم گاز دارا می‌باشد.

<sup>۷۳</sup> (۲). ماهنامه اطلاعات سیاسی-اقتصادی، ش ۱۶۵-۱۶۶، سال ۱۳۸۰، ص ۱۵۷.

<sup>۷۴</sup> (۱). همان.

<sup>۷۵</sup> (۲). جودت بهجت، پیشین، ص ۶۲.

<sup>۷۶</sup> (۱). ماهنامه اطلاعات سیاسی-اقتصادی، پیشین، ص ۱۵۷.

رویکرد سیاست گذاران این کشورها، هم چنین سیاست هایی که در راه کنترل مصارف داخلی به عمل آمده و سرمایه‌گذاری‌های اخیری که برای استخراج بیش تر گاز منطقه صورت گرفته، به احتمال زیاد، آینده روشنی را برای صنعت گاز منطقه خلیج فارس رقم خواهد زد.

### ج) بازار مصرف

کشورهای حاشیه خلیج فارس که بیش تر از شمار کشورهای جهان سوم هستند، در اوایل قرن نوزدهم و با اکتشاف نفت، به درآمدهای بادآورده کلانی دست یافتند که هیچ گونه تلاشی برای کسب آن انجام نداده بودند. از سویی دیگر، به دلیل ساختار غیر دموکراتیک حاکمیت در این منطقه، بیش تر حاکمان، مقبولیت چندانی در بین افکار عمومی داخلی نداشتند و با علم به این واقعیت، حرکت به سمت سیاست های رفاه عمومی را آغاز کردند، بی آنکه اقتصاد این کشورها از زیرساخت‌های مناسب برخوردار باشد. کم‌کم فرهنگ مصرف‌گرایی در میان اقشار جامعه رواج یافت و دولت مجبور بود برای پاسخ به تقاضاهای مصرفی، هرروز بیش‌ازپیش به واردات کالاهای لوکس خارجی بپردازد.

ص: ۶۱

هم‌چنین در حوزه سرمایه‌گذاری‌های صنعتی، از آن جا که توانایی جذب سرمایه‌های کلان را نداشتند، به جای گسترش صنایع مادر، به توسعه صنایع موتناژ اکتفا کردند و بدین ترتیب، هرروز بیش‌ازپیش به واردات خارجی وابسته شدند.

اسراف در مصرف، تمایل زیاد به واردات و افزایش بی حساب هزینه‌های نظامی، موجب برگشت قسمت زیادی از درآمدهای نفتی به غرب گردید و بیش تر ممالک عضو اوپک، برای پرداخت قروض خارجی خود، ناگزیر به گرفتن وام‌های سنگین از سازمان‌های مالی بین‌المللی شده‌اند.<sup>۷۷</sup>

ذخایر ارزی فراوان و بالا رفتن قدرت خرید، این امکان را به وجود آورده است که هر کالایی را به هر قیمتی که شده، از هر نقطه دنیا، از ریودوژانیرو گرفته تا توکیو، و نیویورک تا سنگاپور تهیه کنند. مقامات دولتی برای خشنودی مردم، بدون آینده‌نگری، هر آن چه را با پول می‌توان به‌دست آورد، خریداری می‌کنند و تلاش دارند که کمبودها را با واردات جبران کرده، اشتباهات خود را پوشیده نگاهدارند. بدین ترتیب، درآمدهای کلان نفت، مانع ظاهر شدن نارسایی‌ها و مشکلات موجود حاصله از اعمال سیاست‌های غلط کشاورزی و صنعتی می‌شود.<sup>۷۸</sup>

این کشورها، حتی برای تهیه مواد غذایی نیز نیازمند بازارهای خارجی شده، و در حوزه کشاورزی نیز که عموماً تا قبل از آن صادرکننده بودند، نیازمند واردات از خارج شده‌اند. در واقع، مصرف‌گرایی بیماری جدیدی است که اقتصاد کشورهای حاشیه خلیج فارس را فلج نموده و بیش‌ازپیش به محصولات خارجی وابسته ساخته است. گویی تولید و استخراج نفت، بیش از آن که به نفع تولیدکنندگان باشد، در راستای منافع کشورهای سرمایه داری است. درآمدهای بادآورده نفت، توان خرید این کشورها را بالا برده و به تبع، میزان واردات آن‌ها را افزایش داده است و به این ترتیب، دلارهای نفتی، بار دیگر به ممالک صنعتی بازگردانده می‌شوند.

<sup>۷۷</sup> (۱). امیر باقر مدنی، اوپک اثرات تخریبی تطبیق قیمت نفت، ص ۲۲۲.

<sup>۷۸</sup> (۲). همان، ص ۱۴۹.

از سویی دیگر، اختلافات مرزی و ایدئولوژیکی و تنش‌های موجود در منطقه، عامل

ص: ۶۲

محركی برای تمایل کشورهای این حوزه به خرید اسلحه و تجهیزات نظامی است، به گونه‌ای که در سال‌های اخیر

صدور اسلحه و تجهیزات مدرن جنگی به کشورهای حوزه خلیج فارس، بیش از کالاهای دیگر رونق گرفته است ....  
تخصیص قسمتی از درآمدهای نفت به خرید اسلحه، علاوه بر هدر دادن ذخایر ارزی، موجب افزایش نفاق، دشمنی، عدم  
اعتماد و همکاری‌های منطقه‌ای شده است.<sup>۷۹</sup>

دیگر کشورهای منطقه نیز، بودجه‌های کلانی را به خرید تسلیحات نظامی اختصاص می‌دهند که همه این درآمدها، به  
جیب سهام‌داران کارخانجات تسلیحاتی می‌رود.

در این میان، سیاست‌های مالی بی‌برنامه و سرمایه‌گذاری‌های بی‌اساس، این کشورها را با کسری پرداختی مواجه ساخته  
که لزوماً برای پرداخت قروض خارجی خویش، مجبور به گرفتن وام‌های کلان از مؤسسات مالی و بانکی بین‌المللی  
شده‌اند. این رویکرد، عامل دیگری برای وابستگی دوباره آنان و خروج ذخایر ارزی از این کشورها می‌شود. به تعبیر  
دیگر،

اقتصاد کشورهای صادرکننده نفت، قدرت جذب سرمایه‌های کلان را نداشت. رهبران اوپک (کشورهای حاشیه خلیج  
فارس، اندونزی و ...) قسمتی از ذخایر ارزی خود را صرف سرمایه‌گذاری‌های مستقیم و یا خرید سهام و اوراق بهادار  
کردند. قسمتی دیگر هم به صورت وام در اختیار مؤسسات مالی بین‌المللی و بانک‌های بزرگ گذاشته شد تا بعد از  
اتمام منابع، مورد استفاده قرار گیرد.<sup>۸۰</sup>

به طور کلی می‌توان گفت:

جمعیت حدود یک صد میلیونی حوزه خلیج فارس که مشمول درآمدهای نفتی می‌شود، بازار مصرف جویی برای  
کشورهای صنعتی غرب‌اند. در نتیجه، بر سر تصرف این بازار و جذب دلارهای نفتی آن، بین قدرت‌های اقتصادی غرب،  
چون آمریکا، انگلیس، فرانسه، آلمان و اخیراً روس‌ها رقابت‌هایی وجود دارد. سالیانه میلیاردها دلار پول‌های بادآورده  
نفتی، خرج سلاح‌های جنگی غربی‌ها می‌گردد.<sup>۸۱</sup>

ص: ۶۳

و به دلیل کمبود نیروی انسانی ماهر و متخصص در زمینه نظامی و صنایع، این منطقه، از مهم‌ترین بازار فروش خدمات  
به شمار می‌آید.

---

<sup>۷۹</sup> (۱). همان، ص ۱۵۰.

<sup>۸۰</sup> (۲). همان، ص ۱۷۲.

<sup>۸۱</sup> (۳). بهادر زارعی، پیشین، ص ۲.

## (د) نقش فرهنگی اهمیت ایدئولوژیکی

به گواه تاریخ، منطقه خلیج فارس، همواره گهواره تمدن های درخشان بشری بوده است و اقوام بسیاری چون ایلامی ها، سومری ها، کلدانی ها، آشوری ها، بابلی ها، مصری ها، کتانی ها و فنیقی ها، فرهنگ خویش را از راه خلیج فارس به دیگر نقاط جهان صادر می کردند. گویی آنان «از خلیج فارس به عنوان کانون صدور پیام تمدن خود استفاده می نمودند».<sup>۸۲</sup> به علاوه، این منطقه نه تنها جا یگاه تمدن های بزرگ بوده، بلکه خاستگاه پیامبران بزرگ الهی نیز بوده است؛ به ویژه، زادگاه پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله آخرین پیامبر الهی، در این منطقه قرار دارد.

دین اسلام در قرن هفتم میلادی با ظهور پیامبر بزرگ آن، حضرت محمد بن عبد الله صلی الله علیه و اله، در شبه جزیره عربستان و در حقیقت در سرزمینی که تا آن زمان بستر حوادث و درگیری های بزرگی بود، به وجود آمد. این تفکر الهی، به سرعت گسترش یافت و قلمرو عظیمی را از اقیانوس اطلس تا کرانه های غربی اقیانوس آرام در برگرفت.

در حال حاضر، مجموعه عظیم جغرافیای جهان اسلام، سرزمینی را به طول یازده کیلومتر و به عرض بیش از پنج هزار کیلومتر، با ترکیبی بسیار متنوع از نظر انسانی و طبیعی شامل می شود.<sup>۸۳</sup>

که همه این مجموعه عظیم، تحت رهبری ایدئولوژیکی مرکز آن، یعنی خلیج فارس قرار دارد، به گونه ای که این منطقه، امروز به عنوان قلب جهان اسلام، هدایت تمام جریان های اسلامی را بر عهده گرفته است و خطه دهنده تمامی حرکت های سیاسی - مذهبی و اسلامی سراسر جهان به شمار می آید.

از آن جا که تحولات بزرگ سیاسی مذهبی جهان اسلام از این منطقه آغاز شده است، از

ص: ۶۴

ابتدای پیدایش قدرت های جهانی و شکل گیری سیستم های بین المللی، به این منطقه توجه ویژه ای صورت گرفته است؛ به خصوص حوزه خلیج فارس که حکم قلب منطقه را بازی می کند. این توجه، روز به روز ابعاد گسترده تری به خود گرفته است، تا جایی که گستره آب های خلیج فارس و دریای عمان، به عنوان محور استراتژی های جهانی در قرن بیست و یکم مورد تأکید قرار گرفته است.<sup>۸۴</sup>

پس از فروپاشی شوروی در سال ۱۹۹۱ و تضعیف کمونیسم، اسلام به عنوان نیروی سوم که همواره در تقابل لیبرال - دموکراسی ظاهر شده، مورد توجه بیش از پیش نظام سرمایه داری قرار گرفته است. از یکسو خاطرات سال ها استعمار سرزمین های اسلامی و از سوی دیگر، بنیان های اندیشه دینی - اسلامی، مردم کشورهای این حوزه جغرافیایی را در رویارویی با هجوم فیزیکی و معنوی غرب به تحرک وامی دارد. مکتب اسلام که از اساس با لیبرال دموکراسی غرب

<sup>۸۲</sup> (۱). همایون الهی، پیشین، ص ۱۸.

<sup>۸۳</sup> (۲). عزت الله عزتی، جغرافیای سیاسی جهان اسلام، ص ۳۱.

<sup>۸۴</sup> (۱). همان، ص ۳۳.

جمع‌ناشدنی است، یگانه رغیب پر قدرت ایدئولوژیکی آن به شمار می‌آید که در رویارویی با فرهنگ و تمدن غربی به پا خواسته است. این حقیقتی است که اندیشمندان غربی نیز بدان معترف‌اند و در پی چاره‌جویی از آن برآمده‌اند.

زی‌بیگنیو برژینسکی در کتاب خارج از کنترل می‌نویسد:

اسلام در مقام یکی از مهم‌ترین مذاهبی که گرایش به آن شدید است، اگرچه از دیرباز بیش از مسیحیت به تسلیم پذیری در برابر تقدیر متمایل بوده است، ولی در عصر حاضر، به نیروی محرکی تبدیل شده است که نابرابری را از طریق انکار نوگرایی غربی طرد می‌کند؛ زیرا از نظر اسلام معاصر، نوگرایی غربی اساساً فاسد است و از فرهنگ تسلیم سریع به هوای نفس نشأت می‌گیرد. در عصر حاضر، متفکران اسلامی از دستاوردهای تکنولوژیکی تمدن غربی منهای مفاسد فرهنگی آن بهره‌مند شوند. در این تلاش، اندیشمندان اسلامی، فصلی از تاریخ گذشته اسلامی را نجوا می‌کنند که در آن دوران، جهان اسلام پیشرو علم و دانش خلاق در جهان بوده است. در این مسیر، تلاش متفکران اسلامی در نوگرایی فلسفی-اجتماعی، با تلاش برای خنثی کردن چیزی که از نظر بسیاری از مسلمانان در مقایسه با برتری غرب شرایط نابرابر سیاسی و فرهنگی تلقی می‌شود، همراه است.

ص: ۶۵

در واقع، در جهان اسلام که از گرایش‌های مذهبی جامع‌تر و قاطع‌تری برخوردار است، یک نظریه تدافعی در حال رشد است که نفوذ تباہ‌کننده غرب را نفی می‌کند، در حالی که تجدید حیات و نوگرایی تمدن به خواب رفته طولانی مدت مسلمانان را نیز ترغیب می‌نماید. بنابراین، مذهب و سیاست هر دو برای فراهم ساختن یک راه حل اسلامی که در آن نوگرایی تکنولوژیکی و نه فرهنگی در داخل نظام ارزشی مبتنی بر معیارهای مذهبی جذب شده، درآمیخته‌اند. در تحقق این هدف، اسلام شرایطی را که در آن حاکمیت فرهنگ بیگانه‌ای که از نظر فلسفی فاسد و از نظر اقتصادی مخرب و از نظر سیاسی امپریالیستی است، نفی می‌کند.<sup>۸۵</sup>

این واقعیت که تنها اسلام قابلیت مواجهه با تمدن غرب را دارد، نظریه پردازانی چون هانتینگتن را واداشته تا با ارائه «دکترین برخورد تمدن‌ها» آشتی ناپذیری این دو گفتمان فرهنگی را تشریح کنند.

آقای مظفر نامدار در کتاب خود، از قول «سینالد لوتیس» می‌نویسد:

مواجهه بعدی، یقیناً از ناحیه اسلام خواهد بود .... ما با روحیه و حرکتی فراتر از سطح مسائل و سیاست‌هایی که دولت‌ها به دنبال آن هستند، روبه‌رو هستیم. این اوضاع، چیزی جز برخورد تمدن‌ها نیست. ممکن است این مسأله غیرمنطقی تصور شود، ولی بی تردید یک واکنش تاریخی است که رقیب دیرینه ما [اسلام] برضد میراث یهودی-مسیحی و سکولاریزم ما، و هم‌چنین گسترش جهانی این دو پدیده از خود نشان می‌دهد.<sup>۸۶</sup>

<sup>۸۵</sup> (۱). زی‌بیگنیو برژینسکی، خارج از کنترل اغتشاشات جهانی در طلوعه قرن بیست و یکم، ترجمه دکتر عبد الرحیم نوه ابراهیم، صص ۲۰۵ و ۲۰۶.

<sup>۸۶</sup> (۲). مظفر نامدار، پیشین، ص ۱۱.

آری، هراس غرب از نفوذ فرهنگ ملّتی است که پس از سال ها چپاول اقتصاد و فرهنگ، در حال بیداری است . احیای تفکر اصیل اسلامی، زنگ خطری است که فرهنگ غرب را به چالش خواهد کشید، آن گونه که برژینسکی می گوید:

ممکن است آمریکا با خطر رویارویی فرهنگی - فلسفی با جهان اسلام روبه رو شود؛

ص: ۶۶

جهانی که غرب به طور قابل توجه ای از گرایش های عقیدتی و بنیادگرایانه آن در هراس است و در عین حال، به شدت در پی تحقیر آن نیز برآمده است.<sup>۸۷</sup>

دنیای اسلامی که در هفتاد - هشتاد سال گذشته، هم چون غولی به خواب رفته بود، امروز دوباره بیدار گردیده است . حرکت یک مذهب که هم راه مردمی و اجتماعی و هم جهت سیاسی یک انسان را برنامه ریزی می نماید، شروع شده است.<sup>۸۸</sup>

این در حالی است که رهبری و هدایت مسلمانان جهان، در منطقه خلیج فارس قرار دارد؛ منطقه ای که خاستگاه دین اسلام بوده و مقدس ترین مکان های مذهبی مسلمانان در آن واقع است . از یکسو با پیروزی انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۹۷۹، الگویی عینی برای حرکت های اسلامی به ویژه جنبش های شیعی شکل گرفته و باور مبارزه با غرب در ذهن مسلمانان تقویت شده است و جمهوری اسلامی ایران را به عنوان خطه دهنده حرکت های اسلامی به جهان اسلام معرفی نموده است و از سویی دیگر، نگاه جهان اسلام به عربستان سعودی دوخته شده، کشوری که زادگاه پیامبر و م کان های مقدسی چون مکه و مدینه (قبله مسلمانان و مرقد مطهر پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله ) در آن قرار دارد و داعیه دار رهبری جهان اسلام به ویژه جهان عرب به شمار می آید. از این رو، تحولاتی که در این منطقه رخ می دهد، هرچند کوچک و جزئی، تأثیری ژرف بر جهان اسلام خواهد داشت و جای تعجب نیست که کشورهای غربی، به رویدادهای منطقه حساس بوده و همواره از خود واکنش نشان می دهند.

### حضور قدرت ها در منطقه خلیج فارس

حدود سال ۱۵۰۶ م بود که پرتغالی ها با کشف دماغه امیدنیک، به آب های اقیانوس هند و پس از آن، به آب های دریای عمان و خلیج فارس راه یافتند و این نخستین استیلای یک قدرت خارجی بر این منطقه بود . پس از آن، هلندی ها و سپس فرانسه، بریتانیا و روسیه به این منطقه گام نهادند . طولی نکشید که این منطقه، جزو منافع حیاتی انگلستان شمرده شد و

ص: ۶۷

این کشور، روزبه روز بر نفوذ خود افزود، به ویژه پس از جنگ اول جهانی و با کشف نفت، حرص قدرت های خارجی در چنگ انداختن بر خلیج فارس افزایش یافت . در پایان جنگ جهانی دوم، انگلستان که بیمار جنگ بود و با مشکلات

<sup>۸۷</sup> (۱). زی بیگنیو برژینسکی، پیشین، ص ۲۲۵.

<sup>۸۸</sup> (۲). ویلهلم دیتل، جهاد در راه خدا، ترجمه: دکتر جواد کرمانی و سکینه کرمانی، ۱۳۷۶، ص ۲۰.

پس از آن دست به گریبان، جایگاه خود را در منطقه به آمریکا سپرد. این گونه بود که آمریکا، جای پای خویش را محکم ساخت و به حاکم بی چون و چرای خلیج فارس تبدیل شد.

حوادث دو جنگ خلیج فارس یعنی تجاوز عراق به ایران و کویت، باعث گردید که آمریکا بیشترین قدرت نظامی خود را در منطقه متمرکز نماید.<sup>۸۹</sup>

افزون بر آن، به بهانه خلع سلاح عراق در سال ۲۰۰۳ و با لشکرکشی به این کشور و سرنگونی حاکم آن، تسلط خویش را در منطقه تثبیت نمود.

آنچه گذشت، سیر تاریخی تسلط قدرت‌های خارجی بر منطقه، از سال ۱۵۰۶ تا ۲۰۰۴ میلادی است که به اختصار بیان شد. گرچه هرکدام از این کشورها، سالیانی طولانی، ویرانی و مصیبت با خود به ارمغان آور دند، ولی بیان آن‌ها در این مجموعه ضروری نیست. اینک که در سال ۲۰۰۴ میلادی به سر می‌بریم، آمریکا و متحدانش، مهم‌ترین قدرت‌های امپریالیستی هستند که در منطقه ایفای نقش می‌کنند.

ایالات متحده آمریکا، همانند سایر قدرت‌های جهانی در جستجوی بهره‌گیری از امکانات خلیج فارس و به ویژه «نفت» آن، پا به منطقه گذاشت.<sup>۹۰</sup>

منطقه‌ای که هم به لحاظ ژئوپولیتیکی و هم ژئواکونومیکی اهمیت دارد.

از دیدگاه دستگاه سیاست‌گذاری ایالات متحده، منافع این کشور، از جمله امنیت کشورهای میانه رو عرب و هم چنین خروج آزادانه نفت از منطقه، از سوی منابع گوناگون مورد تهدید است. از این رو، آمریکا به حضور نظامی خود در منطقه شرقی مدیترانه، خلیج فارس و اقیانوس هند هم‌چنان ادامه خواهد داد.<sup>۹۱</sup>

ص: ۶۸

۹۲

۱۲۳۴۳ جغرافیای سیاسی شیعیان منطقه خلیج فارس؛ ص ۶۸

جغرافیای سیاسی عربستان

<sup>۸۹</sup> (۱). عبد الله رفیعی، پیشین، ص ۲.

<sup>۹۰</sup> (۲). شمس الدین صادقی، «نقش منافع ژئوپولیتیکی ممالک نافذ خارجی در برخورد با مسایل خلیج فارس»، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، ش ۲، ص ۸، تابستان ۱۳۸۰، ص ۱۱۶.

<sup>۹۱</sup> (۳). همان، ص ۱۲۸.

<sup>۹۲</sup> متقی زاده، زینب، جغرافیای سیاسی شیعیان منطقه خلیج فارس، ۱ جلد، شیعه شناسی - قم، چاپ: اول، ۱۳۸۴ ه.ش.

## جغرافیای سرزمین و ویژگی‌های فیزیکی آن

کشور عربستان سعودی با مساحتی حدود ۲۲۴۰۰۰۰ کیلومتر مربع، بین عرض جغرافیایی ۱۶ درجه الی ۳۲ درجه شمالی قرار دارد و بخشی از شبه جزیره عربستان به شمار می‌آید.

از شمال به اردن و عراق، از جنوب به جمهوری یمن و عمان، از شرق به کویت، بحرین، قطر و امارات عربی متحده، و از مغرب به دریای سرخ محدود می‌شود. طول مرزهای عربستان سعودی، ۴۵۳۲ کیلومتر مربع می‌باشد که با عراق ۸۰۸ کیلومتر، اردن ۷۴۲ کیلومتر، کویت ۲۲۲ کیلومتر، عمان ۶۷۶ کیلومتر، قطر ۴۰ کیلومتر، امارات متحده عربی ۵۸۶ کیلومتر و با یمن ۱/۴۵۸ کیلومتر مربع مرز مشترک دارد.<sup>۹۳</sup>

از نظر جغرافیایی، عربستان را می‌توان به چهار منطقه تقسیم کرد:

۱. جبال سروات؛

۲. نجد؛

۳. احسا؛

۴. صحراهای شن‌زار؛ که خود به سه قسمت صحراهای نفوذ در شمال، صحراهای دهنه و صحراهای ربع الخالی تقسیم می‌شود.

در تقسیم‌بندی دیگری،

کشور عربستان از لحاظ وضع اَهمواری‌ها، به مناطق زیر تقسیم می‌گردد:

۱. منطقه حجاز و العسیر در باختر عربستان؛ این بخش از خاک کشور عربستان، از لحاظ پوشش نباتی بسیار غنی تر از سایر بخش‌هاست. بنادر جده و جیزان در این منطقه قرار دارد.

۲. منطقه نجد؛ این منطقه در خاور منطقه حجاز و العسیر قرار گرفته و وجود ارتفاعات صخره‌ای و بیابان‌های شنی، از ویژگی‌های آن است. این منطقه در گذشته از لحاظ انسانی و اجتماعی، هسته مخالف زدایی برای دولت مرکزی بوده است.

۳. قلمرو کویرها و صحاری؛ این منطقه، وسعت قابل ملاحظه‌ای را به خود اختصاص

ص: ۶۹

<sup>۹۳</sup> (۱). رقیة السادات عظیمی، عربستان سعودی (کتاب سبز)، ص ۱.

داده است. مهم‌ترین کویبرهای این بخش عبارت اند از: صحرای الدهنا، صحرای نفوذ و صحرای ربع الخالی. این صحرا، بزرگ‌ترین صحرای عربستان است و وسعتی را معادل پانصد و شصت هزار کیلومتر مربع اشغال کرده است.<sup>۹۴</sup>

به لحاظ آب و هوایی، منطقه عربستان بسیار خشک و سوزان بوده و عموماً با وزش بادهای خشک، تلهایی از شن به این سو و آن سو در حرکت است. بارش باران نیز کم بوده و نواحی ساحلی گرم و مرطوب می‌باشد.

آب و هوای این کشور، در تابستان بسیار گرم و در زمستان معتدل است. بارندگی به مقدار کم صورت می‌گیرد، به جز در مناطق شرقی که سالیانه ۴۰۰ میلیمتر بارش دارد.<sup>۹۵</sup>

پایتخت عربستان، شهر ریاض است که به لحاظ سیاسی اهمیت دارد و به لحاظ موقعیت استراتژیکی هم، از آن جا که در نزدیکی منطقه شرقی و سواحل خلیج فارس - مهم‌ترین مراکز نفت خیز عربستان - قرار گرفته، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

### اهمیت استراتژیک عربستان

#### الف) اهمیت جغرافیایی

قرار گرفتن عربستان در میان دو آبراه مهم جهان - خلیج فارس و دریای سرخ - به این کشور موقعیت ژئوپلیتیکی خاصی بخشیده است، ولی

استفاده از هر دو آبراه فوق‌الذکر مساوی است با عبور از تنگه هرمز و تنگه باب‌المندب که اولی تحت نفوذ ایران و دومی تحت نظر جمهوری یمن است. در راستای همین مسأله، عربستان سعودی در پی یافتن مسیرهایی جهت جای‌گزین نمودن تنگه هرمز برای صدور نفت بود؛ چرا که این کشور روزانه ده میلیون بشکه نفت از این راه صادر می‌نماید. در پی این موضوع، از سال ۱۹۷۵، این کشور سه طرح ساختمان خط لوله

ص: ۷۰

نفتی را برای این منظور اعلام و هم‌زمان، مبادرت به سرمایه‌گذاری کلان در طرح گسترده تأسیس پایگاه نظامی در سواحل خلیج فارس در «قطیف» نمود.<sup>۹۶</sup>

و به این وسیله، عربستان سعودی به عنوان پل ارتباطی، دسترسی کشورهای خلیج فارس را به دیگر نقاط جهان از راه زمینی میسر می‌سازد.

#### ب) اهمیت فرهنگی و اعتبار بین‌المللی

---

<sup>۹۴</sup> (۱). عزت‌الله عزتی، پیشین، ص ۹۳.

<sup>۹۵</sup> (۲). رقیة السادات عظیمی، پیشین، ص ۴.

<sup>۹۶</sup> (۱). همان، ص ۱۱.

گذشته از موقعیت جغرافیایی ویژه، عربستان به لحاظ فرهنگی نیز اهمیت شایانی دارد.

برخاستن دین مبین اسلام از شبه جزیره عربستان و قرار داشتن بیت الله الحرام در مکه و مرقد مطهر حضرت محمد صلی الله علیه و اله در مدینه، کشور فعلی عربستان را، از نظر تاریخی، در موقعیتی قرار داده است که در نظر بسیاری از مسلمانان جهان، به خصوص مسلمانان خارج از منطقه خلیج فارس، جلوه گاه اسلام واقعی بوده و سردمداران رژیم سعودی، به شکل پرده داران خانه کعبه و جانشینان پیامبر اسلام تظاهر می کنند. در سراسر سال، میلیون ها نفر از مسلمانان جهان، این اماکن متبرکه را زیارت می کنند. حکام سعودی ضمن این که سالانه مبالغ هنگفتی از این بابت به دست می آورند، نقش میزبان مسلمانان و نگهبان امین حرمین شریفین را نیز بازی کرده، از این طریق برای خود و رژیمشان اعتبار و امتیاز تحصیل می کنند.<sup>۹۷</sup>

این کشور می تواند از این بزرگ ترین عامل ژئوپولیتیکی، به عنوان یک منبع تمام نشدنی تبلیغی، به هر شکلی که بخواهد بهره برداری نماید.<sup>۹۸</sup>

و با بهره گیری از تبلیغات گسترده در میان مسلمانان، از پرستیژ بین المللی مناسبی برخوردار گردد. برای مثال، ملک فهد در مراسمی، خویش را به عنوان خادم حرمین شریفین معرفی نمود. این گونه برنامه های تبلیغی، به حاکمان سعودی این امکان را می دهد تا در راستای جلب نظر مسلمانان و نیل به نقش رهبری جهان غرب موفق تر عمل کنند.

ص: ۷۱

حضور زائران خانه کعبه در این مکان، از یکسو به لحاظ مادی مبالغ هنگفتی را به خزانه دولت وارد می سازد و از سوی دیگر، از نظر فرهنگی، احتیاج کشورهای مسلمان به این مکان مقدس از دیدگاه مذهبی، بینشی همراه با احترام برای عربستان سعودی به ارمغان آورده است.<sup>۹۹</sup>

به علاوه، دسترسی به درآمدهای کلان نفتی، این امکان را به عربستان می دهد تا با دست و دلبازی، به کشورهای فقیر، به ویژه کشورهای اسلامی و عرب کمک کند.

این قدرت عظیم مالی، امکانات اقتصادی گسترده ای در اختیار رژیم عربستان قرار داده و این کشور با جمعیت به نسبت کم خود، تاکنون توانسته است مبالغ هنگفتی در سال صرف کمک به کشورهای دیگر و نهادهای بین المللی کند و از این طریق، بر نفوذ و اعتبار سیاسی و اقتصادی خود بیفزاید.<sup>۱۰۰</sup>

<sup>۹۷</sup> (۲). نصرت الله آشتی، ساختار حکومت عربستان سعودی، ص ۱۸.

<sup>۹۸</sup> (۳). عزت الله عزتی، پیشین، ص ۹۷.

<sup>۹۹</sup> (۱). رقیة السادات عظیمی، پیشین، صص ۱۱ و ۱۲.

<sup>۱۰۰</sup> (۲). نصرت الله آشتی، پیشین، ص ۲۱.

این گونه گشاده دستی ها از سوی حاکمان سعودی، از یکسو پیروی کشورهای فقیر منطقه را از سیاست های عربستان سعودی در پی دارد و از سوی دیگر، به نوعی حکومت پادشاهی سعودی را که از پشتوانه مردمی محروم است، تثبیت و تضمین می کند.

حاکمان عربستان با ارائه این کمک ها، ضمن این که توان اقتصادی خود را به نمایش می گذارد، به جلب و جذب حکومت های کوچک و بعضاً فقیر منطقه می پردازد، به طوری که در برخی از موارد، وابستگی اقتصادی رژیم های کم درآمد به عربستان، تبعیت سیاسی و نظامی آن ها را هم در پی دارد.<sup>۱۰۱</sup>

این گونه کمک ها به ویژه به کشورهای عرب منطقه و برخورداری از عواملی چون اشتراکات قومی، نژادی، فرهنگی و زبانی با این کشورها، نفوذ هرچه بیش تر در جامعه عرب را برای عربستان فراهم آورده است.

به علاوه، اهدای وام های کلان به کشورهای دیگر، حتی کشورهای صنعتی و خرید سهام کارخانجات صنعتی که در واقع گامی است در جهت منافع غرب، برای عربستان، اعتبار بین المللی خاصی به ارمغان می آورد.

ص: ۷۲

#### ج) منابع طبیعی

عامل مهم و اساسی دیگری که اهمیت استراتژیک عربستان را آشکار می کند و مهم ترین مؤلفه ژئوپلیتیکی آن نیز به شمار می آید، وجود ۲۵٪ منابع نفت کل جهان در این کشور است، به گونه ای که عربستان می تواند روزانه ۱۲ میلیون بشکه نفت تولید کند و به این وسیله، بازار نفت جهان را در اختیار گیرد

این قدرت تولید، در سطح منطقه ای و جهانی به این کشور امکان داده است که در قیمت گذاری نفت و به طور کلی تولید، توزیع و مصرف آن، نقش خاصی را ایفا کند.<sup>۱۰۲</sup>

همان گونه که بیان شد، عربستان سعودی با دسترسی به دو آبراه مهم بین المللی، یعنی خلیج فارس و دریای سرخ و نزدیکی با کشورهای نفت خیز، راه ارتباطی زمینی منطقه با دیگر نقاط جهان می باشد که با عبور لوله های نفت این کشورها به بنادر خود، امکان مانور استراتژیک خاصی را برای خویش فراهم آورده است.

با احداث خط لوله انتقال نفت از ساحل خلیج فارس به دریای سرخ، اهمیت استراتژیک عربستان در زمینه صدور نفت بیش از پیش افزایش یافته است.<sup>۱۰۳</sup>

به علاوه، بیش تر نفتکش ها و هم چنین کشتی های تجاری که از تنگه عبور می کنند، هدفشان لنگر انداختن در بنادر عربستان است. به واقع این کشور، موقعیتی مرکزی دارد.

---

<sup>۱۰۱</sup> (۳). همان، ص ۴۰.

<sup>۱۰۲</sup> (۱). عزت الله عزتی، پیشین، ص ۹۷.

<sup>۱۰۳</sup> (۲). نصرت الله آشتی، پیشین، ص ۲۶.

این کشور قادر است روزانه تا ۱۲ میلیون بشکه نفت استخراج نماید و در صورت لزوم، می تواند آن را تا ۱۶ میلیون بشکه افزایش دهد. در این صورت، به واسطه افزایش ذخایر، باید ده سال دیگر مجبور به کنترل ذخایر خود باشد .... ذخایر نفت عربستان، حدود ۱۶۰ میلیارد بشکه تخمین زده شده است که شامل ۴/۱ ذخایر موجود دنیا و بیش از ۱/۳ کل اپک می شود. بعضی از بررسی های دیگر، ذخایر نفت این کشور را ۲۵۰ میلیارد بشکه برآورد کرده است.<sup>۱۰۴</sup>

ص:۷۳

هم چنین دایره المعارف انکارتا میزان ذخایر تثبیت شده نفت عربستان را ۲۶۰ میلیارد بشکه تخمین زده است.

ذخایر تثبیت شده نفت عربستان سعودی، متجاوز از ۲۶۰ میلیارد بشکه، بیش از ۴/۱ ذخایر کل جهان می باشد. تولیدات سالانه در اواخر دهه ۱۹۸۰، به مقدار ۲ میلیارد بشکه نفت بود که بعد از حمله عراق به کویت در ۱۹۹۰ افزایش یافت. در سال ۱۹۹۹، عربستان سعودی ۳/۱ میلیارد بشکه نفت تولید کرد که بیش ترین تولید نفت توسط یک کشور در جهان محسوب می شد.<sup>۱۰۵</sup>

گسترش مصرف نفت این کشور در بازارهای جهانی، امروزه به نحوی ثابت کرده است که می تواند در بازارهای جهانی نفت، تغییراتی به وجود آورده و با افزایش یا کاهش تولید خود، نقش عمده ای را در داخل و خارج اوپک ایفا نماید. این کشور، بعضاً با سرازیر نمودن نفت اضافی در بازارهای جهانی، باعث سقوط شدید قیمت و یا بر عکس، موجب افزایش بهای آن شده است.<sup>۱۰۶</sup>

عربستان سعودی هم چنین مقادیر قابل توجهی گاز طبیعی تولید می کند. این تولید در سال ۱۹۹۹، ۴۶/۲ میلیارد (mvc) یا (۶/۱ تریلیون (tfvc)) بود.<sup>۱۰۷</sup>

#### د) بازار مصرف

درآمدهای کلان به دست آمده از فروش نفت، توان این کشور را برای خرید کالاهای مصرفی غرب بالا برده، به گونه ای که عربستان را یکی از مهم ترین بازارهای محصولات خارجی می دانند.

رژیم عربستان که حدود شصت درصد از نفت صادراتی خود را به غرب و ژاپن می فروشد، بالغ بر شصت درصد کالای وارداتی خود را نیز از غرب و ژاپن تأمین می کند و از نظر نظامی و فنی، به طور کامل وابسته به غرب و به خصوص آمریکاست.

<sup>۱۰۴</sup> (۳). امیر باقر مدنی، پیشین، ص ۷۳.

<sup>۱۰۵</sup> (۱) ۲۰۰۳. atracN.E. dc.

<sup>۱۰۶</sup> (۲). عزت الله عزتی، پیشین، ص ۹۹.

<sup>۱۰۷</sup> (۳) ۲۰۰۳. atracN.E. dc.

این رژیم، در راه نیل به هدف های فوق، در عمل به صورت ایزاری در دست سرمداران غرب و خاصه آمریکا عمل می‌کند. در شرایطی که رژیم عربستان و اکثر رژیم‌های وابسته منطقه خلیج فارس، در عمل چاره‌ای جز فروش نفت خود به غرب

ص: ۷۴

ندارد و وجود قراردادهای استعماری و تحمیلی غرب، قدرت هر نوع تغییر و ابتکار در هر زمینه و خاصه در مورد تولید و صدور نفت را از این رژیم‌ها گرفته است. تنها منبع تهیه تجهیزات نظامی و صنعتی و کالاهای مصرفی آن ها نیز در اغلب موارد غرب است، به ویژه آن که کل تأسیسات نظامی، اقتصادی و صنعتی این کشورها، در اساس غربی و متکی به تکنولوژی غرب می‌باشد.<sup>۱۰۸</sup>

شاهد مثال آن، سیاست های رفاهی است که پادشاهان سعودی در پیش گرفته و با وجود دلارهای به دست آمده از فروش نفت، بهترین بازار فروش کالا برای کشورهای صنعتی را فراهم آورده اند. از یکسو، کالاهای مصرفی و پر زرق و برق غربی در جامعه مصرفی عربستان جایگاه ویژه ای یافته است و از سوی دیگر، تسلیحات نظامی و تجهیزات ج نگی، ارج و قرب پیدا کرده‌اند.

هم‌چنین پیچیدگی های سیستم های تسلیحاتی و تجهیزات خریداری شده و عدم پرسنل آموزش دیده در این زمینه، عربستان را به استخدام کارشناسان خارجی ناچار می سازد که خود یک بازار گسترده فروش خدمات برای آنان به شمار می آید.

از نظر نیروی انسانی، این کشور به دلیل جمعیت به نسبت کم خود و هم چنین فرهنگ خاص کار که در جامعه عرب حاکم بوده، به گونه‌ای است که جامعه عرب، عموماً کارهای خدماتی را پست و ناچیز می شمرد و کم‌تر اقدام به انجام آن می‌نمایند، این کشور همواره به ورود نیروی کار از کشورهای دیگر نی ازمند بوده است و نه تنها خرید خدمات کارشناسان، بلکه حتی خرید کارگران خارجی نیز به طور گسترده‌ای ادامه دارد. بنابراین، در این کشور

شاهد حضور گسترده کارگران و کارشناسان خارجی هستیم که در بخش های مختلف صنعت نفت و نظامی فعال هستند. بدین‌گونه، کمبود نیروی انسانی، عربستان را یک کشور مهاجرپذیر نموده که برای گردش چرخ های اقتصادی، نظامی، اداری، خدماتی خود، به نیروهای خارجی نیازمند است.<sup>۱۰۹</sup>

ص: ۷۵

که به طور کلی از کارگران ساده تا کارشناسان زبده را دربر می‌گیرد. در واقع، حدود «چهار میلیون کارگر خارجی، نقش مهمی را در اقتصاد عربستان سعودی بر عهده دارند».<sup>۱۱۰</sup>

<sup>۱۰۸</sup> (۱) . نصرت الله آشتی، پیشین، ص ۸۳.

<sup>۱۰۹</sup> (۲) . رقیة السادات عظیمی، پیشین، ص ۱۲.

<sup>۱۱۰</sup> (۱) . dc ,salta dlroW, ۲۰۰۳.

تمامی آن‌چه به عنوان مؤلفه‌های استراتژیکی عربستان مطرح شد، از دلایل اهمیت این کشور برای غرب و تلاش برای گسترش نفوذ در این کشور است. از یکسو، قرار گرفتن در منطقه خلیج فارس که خود به تنهایی حائز اهمیت فراوان است و از سوی دیگر، ذخایر عظیم نفت و گاز و موقعیت خاص آن در منطقه، در راستای منافع غرب و کشورهای صنعتی بوده و بر اهمیت آن افزوده است.

پس از جنگ اعراب و اسرائیل در سال ۱۹۷۳ و به دنبال آن، تحریم نفتی اسرائیل و آمریکا و کمرنگ شدن نقش رهبری مصر در خاورمیانه در جریان قرارداد صلح کمپ دیوید (۱۹۷۸) و طرد این کشور در جوامع اسلامی، اهمیت عربستان به عنوان مهم‌ترین صادرکننده نفت جهان و بزرگ‌تر اعراب بیش‌ازپیش آشکار گردید که می‌توانست نقش رهبری آنان را به عهده گیرد.

هم‌چنین با پیروزی انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۹۷۹ و شکست سیاست «دو ستونی» آمریکا در خاورمیانه و ناکامی طرح ژاندارمی منطقه، فاکتور مثبت دیگری به عربستان افزوده شد و روزه روز، ارزش و اعتبار عربستان برای دولت‌های غربی بیش‌تر گردید. گرچه این کشور قبل از وقوع این حوادث نیز به دلیل قرار گرفتن بر سر راه سه قاره آسیا، آفریقا و اروپا و موقعیت ژئوپولیتیکی، از اهمیت شایانی برخوردار بود، ولی در حال حاضر

به دلیل وجود منابع عظیم نفتی و هم‌چنین ایجاد سدّی در برابر نفوذ ایران در کشورهای منطقه و جلوگیری از به خطر افتادن منافع آنان، دارای ارزش می‌باشد. دول غربی در جهت مقابله با پیشروی افکار مذهبی - انقلابی در منطقه و تا قبل از فروپاشی شوروی، مقابله با خطر کمونیسم، با فروش آواکس‌های آمریکایی و تسلیحات بسیار

ص: ۷۶

پیشرفته، سعی نمودند تا خلأ ناشی از حذف قدرت ایران را در منطقه جبران نمایند.

عربستان سعودی به علت م‌شابه بودن ساختارهای سیاسی و اقتصادی کشورهای عرب حوزه خلیج فارس با آن و آسیب‌پذیر بودن این حکومت‌ها از دیدگاه این دولت، سعی نمود با تجمع آنان در شورای همکاری خلیج فارس و عقد قراردادهای امنیتی با آنان، نفوذ خود را هر چه بیش‌تر در منطقه حفظ نماید و نهایتاً، عربستان سعودی با در دست گرفتن نقش رهبری منطقه و جهان عرب، سعی نمود دولت‌های ضعیف منطقه را زیر چتر حمایتی خود قرار دهد.<sup>۱۱۱</sup>

اما مهم‌ترین فاکتور حائز اهمیت برای غرب که بیش‌از عوامل دیگر مورد توجه دولت‌های صنعتی قرار گرفته، وجود منابع نفتی است.

<sup>۱۱۱</sup> (۱). رقیة السادات عظیمی، پیشین، ص ۱۰.

امروزه نه فقط جهان غرب، بلکه کشورهای صنعتی متعدد غرب نیز، مانند ژاپن و کشورهای صنعتی کوچک جنوب شرقی آسیا، به نفت این کشور نیازمندند و چه بسا در آینده، چین هم بیش از زمان حاضر برای نزدیک شدن به عربستان از خود تمایل نشان دهد.<sup>۱۱۲</sup>

البته واقعیت آن است که

در عمل وابستگی عربستان به نظام اقتصادی غرب، به مراتب بیش تر از وابستگی غرب به نفت عربستان است. علت این وضع نیز آن است که برای دولت های غربی، همواره تا حدود زیادی منابع جایگزین برای تهیه نفت در خارج از منطقه خلیج فارس وجود دارد، در حالی که در عمل، برای رژیم عربستان، تنها راه ارتباط اقتصادی با جهان، شرکت های نفتی غرب و تنها تأمین کننده تسلیحات و کالاهای مصرفی و صنعتی آن نیز غرب است.<sup>۱۱۳</sup>

در هر حال،

صادرات این کشور در سال ۲۰۰۲، ۷/۷ میلیارد دلار و واردات آن ۷/۳۶ میلیارد دلار بود .... ژاپن و ایالات متحده، بهترین خریداران نفت عربستان محسوب می شوند

ص: ۷۷

که کشورهای کره جنوبی، سنگاپور، فرانسه و هند نیز از آنان پیروی می کنند. واردات اصلی این کشور شامل تجهیزات حمل و نقل، ماشین آلات، فلزات مهم، پارچه، محصولات شیمیایی، فرآورده های غذایی و فرآورده های حیوانی است.<sup>۱۱۴</sup>

از طرف دیگر، عربستان بازار بزرگی برای تسلیحات و تجهیزات نظامی، کالاهای مصرفی و صنعتی و خدمات غرب و ژاپن است.<sup>۱۱۵</sup>

تجهیز این کشور به سلاح های پیشرفته، افزون بر این که دلارهای نفتی را به جیب سهام داران کارخانجات غربی برمی گرداند، در راستای منافع غرب در منطقه نیز می باشد.

در واقع، سیاست غرب به گونه ای طراحی شده که ثبات منطقه برای صدور نفت، آن گونه که موردنظر و به نفع کشورهای صنعتی است، با هزینه های خود کشورهای منطقه به ویژه عربستان تحقق یابد و در این راستا، کشورهای نظیر آمریکا، خطه دهنده اصلی نظامی گری در منطقه می باشند و به گونه ای عمل می شود که مداخلات این کشورها در منطقه، زیر پوشش محافظت از ثبات و امنیت منطقه، امنیت انرژی و ... از سوی بیش تر کشورهای منطقه پذیرفته می شود.

<sup>۱۱۲</sup> (۲). عزت الله عزتی، پیشین، ص ۹۹.

<sup>۱۱۳</sup> (۳). نصرت الله آشتی، پیشین، ص ۸۳.

<sup>۱۱۴</sup> (۱). atracN. ۲۰۰۳. dc.

<sup>۱۱۵</sup> (۲). نصرت الله آشتی، پیشین، ص ۲۸.

خلاصه مطلب آن که عربستان سعودی، به جهات مختلف استراتژیکی، اقتصادی و سیاسی، برای قدرت های صنعتی و به ویژه آمریکا اهمیت دارد. در یک جمع بندی کلی، اهدافی را که آمریکا و کشورهای متحد آن در منطقه و به ویژه در عربستان دنبال می کنند، به قرار زیر است:

۱. دستیابی به ذخایر عظیم نفت این کشور، با کمترین قیمت و هزینه ممکن؛

۲. در اختیار گرفتن و کنترل بازار مصرف و خدمات این کشور و وابسته کردن هرچه بیش تر آن به غرب، برای تداوم صدور نفت از این کشور؛

۳. احداث دیوار امنیتی - استراتژیکی در برابر افکار انقلابی - اسلامی کشورهایی چون ایران، و ایجاد سدّی در برابر تحرک جنبش های انقلابی - مردمی، با توجه به قدرت اقتصادی و فرهنگی عربستان و موقعیت خاص آن در میان کشورهای عرب؛

ص: ۷۸

۴. برخورداری از پایگاه های نظامی در این کشور، در راستای کنترل هرچه بیش تر منطقه خلیج فارس و فروش تسلیحات نظامی و به ویژه تجهیزات از رده خارج کارخانجات تسلیحاتی خویش برای گسترش سیاست نظامی گری خود در منطقه.

البته به دلیل تحولات اخیر، رابطه عربستان سعودی و آمریکا رو به تیرگی می رود و بنابراین، کم کم کشور قطر برخی از این نقش ها را به عهده گرفته و جای گزین عربستان شده است.

### جغرافیای سیاسی و مرزهای بین المللی

کشور عربستان به دلیل موقعیت خاص جغرافیایی خود، با کشورهای زیادی مرز مشترک دارد. هم چنین از دو سمت با خلیج فارس و دریای احمر دارای مرز مشترک است که این آبراه ها، هر دو به دلایل استراتژیک از اهمیت بالایی برخوردارند و کشور عربستان، در هر صورت در مسیر اهداف این استراتژی ها قرار دارد. گرچه این کشور سعی کرده است از طریق مذاکره، مسایل و اختلاف های مرزی خود را با همسایگانش تا حدی متعادل سازد، ولی هنوز اختلافات زیادی وجود دارد.<sup>۱۱۶</sup>

این اختلافات عبارت اند از:

۱. خطوط مرزی عربستان و یمن جنوبی هنوز مشخص نشده است. در سال های اخیر، تماس هایی در این خصوص بین دو کشور به عمل آمده، لیکن هنوز نتیجه ای قطعی حاصل نگردیده است.

<sup>۱۱۶</sup> ( ۱ ). عزت الله عزتی، پیشین، ص ۹۵.

۲. اختلافات مرزی عربستان و امارات عربی متحده و عمان که به درگیری های بوریمی در اوایل دهه ۱۹۳۰ (زمان حضور انگلیسی ها در منطقه) برمی گردد. به رغم ارجاع مسأله به دیوان داوری بین المللی و سازمان ملل متحد و حتی تهیه طرح موافقت نامه ای در سال ۱۹۷۴، هنوز حل نشده است.

۳. مرزهای عربستان و قطر نیز نامشخص و مورد اختلاف است و عربستان مدعی است مالک ۲۳ میل از سواحل جنوب شرقی قطر است. در سال ۱۹۶۵ نیز طرح موافقت نامه ای برای تعیین حدود آبی و خاکی دو کشور تهیه شد که به خاطر مخالفت انگلستان به اجرا در نیامد و هنوز میان قطر، عربستان و امارات (ابو ظبی)، در مورد مرزهای مشترک اختلاف وجود دارد.

ص: ۷۹

۴. بین عربستان و بحرین نیز پیش از این ها بر سر مسئله بهره برداری از منابع طبیعی منطقه «قشت ابو صفا» اختلافاتی وجود داشت که در سال ۱۹۵۴، طرفین بر سر تقسیم این منطقه توافق کردند. با این حال، در مورد حدود فلات قاره هنوز بین دو کشور توافقی به دست نیامده است.

### جغرافیای سیاسی و عوامل جمعیتی

بافت اجتماعی کشور عربستان به صورت قبیله ای است و بیش تر جمعیت آن در روستاها زندگی می کنند.

جامعه عربستان، بر پایه روابط قبیله ای استوار است. وجود تعصب و علقه نیرومند قبیله ای به علاوه مذهب، شکل دهنده کلی فرهنگ جامعه می باشد. این ساختار جامعه عربستان، مانع از به وجود آمدن فرهنگی یگانه شده است.<sup>۱۱۷</sup>

نژاد مردم عربستان سامی است که به زبان عربی سخن می گویند و حدود ۴۰۰۰ قبیله در این کشور وجود دارد که هر یک به نوعی وابسته به خاندان سعودی می باشند.<sup>۱۱۸</sup> وجود اقلیت های مذهبی که همیشه احساس می کنند مورد ستم و ظلم قرار گرفته اند و هم چنین وجود کارگران فراوان خارجی و تأثیری که به طور آرام، ولی مستمر بر فرهنگ و اقتصاد این کشور می گذارند.<sup>۱۱۹</sup>

یک بافت ناهمگون اجتماعی به وجود آورده است. این کارگران خارجی که در پی کمبود نیروی کار به این منطقه مهاجرت کرده اند، مردم این کشور را با افکار و عقاید جدید و انقلابی مناطق دیگر آشنا نموده و فرهنگ های غیر بومی را به این کشور وارد می کنند. ورود این فوہنگ ها، دو گروه اجتماعی را رودرروی یکدیگر قرار می دهد: عده ای که پای بند به سنت ها هستند و گروهی که تحت تأثیر فرهنگ های ورودی، به ویژه فرهنگ غرب قرار می گیرند. این گروه اغلب از جوانان و نسل جدید هستند.

ص: ۸۰

<sup>۱۱۷</sup> (۱). رقیة السادات عظیمی، پیشین، ص ۱۹.

<sup>۱۱۸</sup> (۲). عزت الله عزتی، پیشین، ص ۱۴.

<sup>۱۱۹</sup> (۳). همان، صص ۹۹ و ۱۰۰.

به لحاظ مذهبی، بیش تر مردم عربستان را وهابی ها تشکیل می دهند. این مذهب که یکی از فرقه های متعصب اهل تسنن است، هیچگونه انعطافی در برابر مخالفان خود نشان نمی دهد و بنابراین، اقلیت هایی چون شیعیان که عموماً در مناطق شرقی عربستان و حوالی مکه و مدینه زندگی می کنند، به دلیل نفوذ گسترده اندیشه های وهابی، در تنگنا قرار دارند.

به طور کلی، جامعه عربستان را می توان به چهار زیرفرهنگ اصلی تقسیم نمود.

در این کشور، چهار ملیت و قبیله با سنت های متفاوت حضور دارند:

۱. نجدی ها که در مرکز عربستان قرار دارند و خاندان سعودی هم از همین منطقه هستند.

۲. حجازی ها که اهالی شهرهای مکه، مدینه و جده را شامل می شوند. به اعتقاد خاندان آل سعود، حجازی ها به لحاظ این که بازمانده های زوآر عتبات عالیات هستند، شایستگی پذیرش مسئولیت های دولتی را ندارند و به همین علت، کم تر در ارکان دولتی صاحب مقام و منصب هستند.

۳. شیعیان که بیش تر در مناطق شرقی و مراکز تولید و صدور نفت، مثل قطیف سکونت دارند. این گروه، به رغم قلت تعدادشان که ۳۰۰ هزار نفر را شامل می شود، [بر طبق آمار دایرة المعارف اینکارتا و اطلس جهانی این میزان چهار درصد جمعیت را تشکیل می دهد که بین ۶۴۷۰۶۷ تا ۵۲ / ۸۶۰۱۸۴ نفر را شامل می شود] همیشه خطری جدی برای حکومت سعودی بوده اند و بیش تر جنبش ها و حرکت های مخالف در طول تاریخ علیه حکام جور، از این ناحیه نشأت گرفته است و قیام گسترده شیعیان در ماه محرم ۱۴۰۰، نمونه ای از این روشنگری است.

۴. آسوری ها که اقلیتی ناچیز را تشکیل می دهند و بیش تر در حوالی مرز یمن و در منطقه کوهستانی جنوب غربی سکونت دارند.<sup>۱۲۰</sup>

### جغرافیای سیاسی و نظام اجرایی

عربستان سعودی، به لحاظ نوع کنترل سیستم اجرایی، یک سرزمین مستقل به شمار می آید و از سیزده ایالت یا استان تشکیل شده که در رأس هر کدام از آن ها، یکی از شاهزادگان

ص: ۸۱

سعودی حکومت می کند و از اختیارات تام نیز برخوردار است. در این کشور، در رأس حکومت مرکزی پادشاه قرار می گیرد که ریاست قوه مجریه را نیز بر عهده دارد.

ظاهراً به دلیل وجود شاهزادگان سعودی در نقش امیری استان های مختلف، میزان کنترل حکومت مرکزی بر تمام سرزمین عربستان تا حدی یکسان است. به ویژه آن که در این کشور، از هرگونه فعالیت سیاسی مخالفان به شدت جلوگیری می شود.

<sup>۱۲۰</sup> (۱). داوود آقایی، سیاست و حکومت در عربستان سعودی، ص ۶۸.

## - مطبوعات

در کشور عربستان، مطبوعات زیر نظر دولت می‌باشد. آنان در واقع بازگوکننده خط فکری و سیاست حاکم بر کشور بوده و خط مشی دولت را تبلیغ می‌نمایند. روزنامه‌ها و دیگر جراید نیز وضعیتی مشابه دارند؛ چنان که نویسندگان آن‌ها نیز خط مشی خود را از دولت گرفته و به وسیله آنان تغذیه می‌شوند.

روزنامه‌های عربی زبان عربستان عبارت اند از: الجزيرة، الرياض، المدينة المنورة، عكاظ، اليوم، البلا د، الندوة، المسایه، الشرق الاوسط و الحیات. (الشرق الاوسط و الحیات با سرمایه عربستان در لندن چاپ می‌شود).

روزنامه‌های انگلیسی زبان عربستان عبارت‌اند از: عرب نیوز، سعودت گازت، ریاض، دلی، سعودی ریویو.<sup>۱۲۱</sup>

رادیو و تلویزیون نیز زیر نظر مستقیم دولت اداره می‌شود و عموماً به تبلیغ سیاست‌ها و خط مشی دولت می‌پردازد.

## - بندرها

مهم‌ترین بنادر عربستان جدّه، دمام، ینبع، جیزان و الجبیل، و بنادر صنعتی ملک فهد جبیل، ینبع و بندر نفتی رأس تنوره می‌باشد. علاوه‌براین بنادر بزرگ، این کشور تعدادی بنادر کوچک نیز دارد که شامل کوریه، حاجی، دیبا، یملیوج، فاراسان، القامه در ساحل دریای سرخ و الکبار، ضیقف، یاقاری، دارین، رأس الخفیجی در خلیج

ص: ۸۲

فارس، به اضافه رأس الحیشاب است. در سال ۱۹۹۲، بندری جدید گشایش یافت که بندر غرب شهر تبوک بوده و در شمال شرقی عربستان سعودی قرار دارد. این بندر، از زائران اروپا و شمال افریقا پذیرایی می‌نماید.<sup>۱۲۲</sup>

## - راه‌آهن

نخستین شبکه راه‌آهن سعودی، در سال ۱۹۵۱ افتتاح گردید. این شبکه، به طول ۵۷۱ کیلومتر با عبور از شهرهای ظهران، بقیق، هفوف، حرص و خرج، بندر دمام را به ریاض متصل می‌نماید. در سال ۱۹۸۵، از مسیر فوق در شهر هفوف خط انشعابی دیگری به طول ۳۳۲ کیلومتر احداث گردید و تا ریاض امتداد یافت ....<sup>۱۲۳</sup>

## - جاده‌ها

---

<sup>۱۲۱</sup> (۱). رقیة السادات عظیمی، پیشین، ص ۳۷.

<sup>۱۲۲</sup> (۱). همان، ص ۶۳.

<sup>۱۲۳</sup> (۲). همان، ص ۶۴.

شبکه راه‌های آسفالته عربستان سعودی، جده به مکه، جده به مدینه، مدینه به ینیع، طائف به مکه، ریاض به الخرج و دمام به هفوف است. در سال ۱۹۸۰، ساختن جاده‌های دیگری نیز تعهد گردید و به علاوه توسعه راه ریاض به مدینه، تمامی شاهراه عربستان که به دمام، ریاض، طائف، مکه و جده متصل هستند، در سال ۱۹۶۷ کامل گردید. علاوه بر جاده‌های فوق، یک جاده سنگفرش که عربستان سعودی را به بحرین متصل می نماید در سال ۱۹۸۶ افتتاح گشت. یک شاهراه ۳۱۷ کیلومتری هم ریاض را به قصیم متصل نموده است. در خلال طرح توسعه ای ۸۵-۱۹۸۰، طول جاده‌ها به طور متوسط سالانه ۸/۱۵ درصد توسعه پیدا نمود.<sup>۱۲۴</sup>

### ارتباط با موضوع مورد بحث

شاید این پرسش به ذهن بیاید که چرا بحث عربستان به طور مفصل مطرح شده است یا ارتباط آن با موضوع اصلی چیست.

از یکسو آشنایی با نفوذ سیاسی، اقتصادی و مذهبی عربستان بر منطقه، حاکی از آن است

ص:۸۳

که هرگونه رویکرد حاکمان این کشور در قبال شیعیان، می تواند خط‌دهنده دیگر کشورهای منطقه باشد و از آن جا که مذهب وهابیت تعیین کننده خط مشی های سیاست‌گذاران عربستان است و این مذهب به لحاظ ایدئولوژیکی بیش ترین تعارض را با تشیع دارد، بسیاری از سیاست‌های منطقه‌ای بر ضد شیعیان می‌باشد. از سوی دیگر، عربستان بیش از دیگر کشورهای منطقه به جنبش های شیعه واکنش نشان می دهد، به دلیل آن که نگران است این ناآرامی به مناطق شیعه نشین عربستان و به ویژه استان های شرقی سرایت کند. بنابراین، سعی در کنترل جنبش های شیعه از خارج مرزها، از جمله عراق و بحرین دارد.

هم چنین،

ترس از تجزیه امت عربی و تلاش برای رهبری جهان عرب، عربستان را بر آن داشته است تا حمایت خود را از رژیم‌های عرب حاشیه خلیج فارس اعلام دارد و از گسترش حرکت های اسلامی تندرو یا حرکت های اصلاحی دموکراتیک جلوگیری کند.<sup>۱۲۵</sup>

### جغرافیای سیاسی عمان جغرافیای سیاسی سرزمین و ویژگی‌های فیزیکی آن

عمان با وسعتی حدود سیصد هزار کیلومتر، متشکل از دو بخش شمالی و جنوبی است که بخش شما لی را شبه جزیره المسندم، و بخش جنوبی آن را سرزمین اصلی عمان تشکیل می‌دهند. این کشور سلطنت‌نشین،

<sup>۱۲۴</sup> (۳). همان، ص ۶۵.

<sup>۱۲۵</sup> (۱). مرتضی بحرانی، جنبش‌های سیاسی - اجتماعی بحرین، ص ۱۴۷.

در منتهی الیه شرق و جنوب شرقی شبه جزیره عربستان، بین منطقه جغرافیایی ۱۶/۴۰ و ۲۶/۲۰ درجه عرض شمالی و ۵۰/۱۵ و ۵۹/۴۰ درجه طول شرقی واقع شده است. سرزمین عمان، به صورت یک کمر بند ساحلی در حد فاصل بین «ربع الخالی» و دریای عرب قرار گرفته است.<sup>۱۲۶</sup>

از سمت شمال غربی و مغرب، با امارات متحده عربی و عربستان همسایه بوده، از شمال شرقی در مجاورت دریای عمان و عرب می باشد و از جنوب غربی نیز با یمن هم مرز می باشد.

ص: ۸۴

به دلیل قرار گرفتن در منطقه حاره (۰ - ۲۷ / ۲۳) این کشور جزء مناطق گرم سیر است و میزان بارندگی در سواحل، بسیار ناچیز، ولی در ارتفاعات قابل ملاحظه می باشد.

کوه های «حجر» که از شبه جزیره مسندم شروع شده و به سمت جنوب و جنوب شرقی پیش می رود، از مسقط گذشته، در نزدیکی «رأس الحد» خاتمه می یابد. این کوه ها نزدیک به ششصد کیلومتر طول دارند. این سلسله جبال، در امتداد شمالی و جنوبی به نام های متعدد ذیل خوانده می شوند: «رئوس الجبال، جبل الخضیر، الظاهره، حجر شرقی و الشرقيه».<sup>۱۲۷</sup>

به لحاظ استراتژیک، وجود سواحل به طول ۱۷۰۰ کیلومتر در مرزهای شرقی و شمالی این کشور و محصور شدن در میان سه آبراه بین المللی، دریای عرب و عمان و خلیج فارس، این کشور را از یک موقعیت مرکزی ویژه ای برخوردار کرده است. به روایتی دیگر، عمان

به دلیل قرار گرفتن در گذرگاه استراتژیک هرمز، دارای ارزش استراتژیک می باشد. از آن جا که این کشور در منطقه خلیج فارس قرار گرفته، از منابع انرژی این حوزه از جمله نفت متأثر می باشد. از طرف دیگر، در مسیر آبراه های حمل و نقل انرژی و کالاهای تبدیلی آسیا - اروپا قرار دارد و دارای نقش ارتباطی است و از این جهت، مورد توجه اهداف استراتژی قدرت های بزرگ، از جمله ایالات متحده آمریکا می باشد.<sup>۱۲۸</sup>

البته نیاز این کشور به تنگه هرمز، تنها در برقراری رابطه تجاری با کشورهای ساحلی این منطقه محدود می شود و شرایط جغرافیایی در جزیره المسندم و موقعیت کوهستانی این ناحیه، امکان تمرکز نیرو و کنترل مناسب بر آن را فراهم نمی آورد.

کشور عمان که به صورت دو واحد جغرافیایی مجزا از هم تشکیل شده است، ساحل جنوبی تنگه هرمز را در کنترل خود دارد. این گسستگی ارضی در سرزمین عمان، باعث شده است که عمان از حیث کنترل سرزمینی و نیز عملیات نظامی و

<sup>۱۲۶</sup> (۲). عباس یگانه، عمان، (کتاب سبز)، ص ۱.

<sup>۱۲۷</sup> (۱). همان، ص ۳.

<sup>۱۲۸</sup> (۲). عزت الله عزتی، پیشین، ص ۱۰۱.

کنترل منطقه تنگه هرمز، دچار مشکلات باش؛ زیرا بخش شمالی عمان، یعنی شبه جزیره المسندم که در انتهای شبه جزیره رئوس الجبال واقع شده، به صورت منطقه‌ای کوچک و کوهستانی، با

ص: ۸۵

سواحل باریک همراه با ترکیبی از جزایر و شبه جزایر کوچک درآمده است و این وضع، همراه با جدایی آن از پیکر کشور، رعایت اصل تمرکز قوا را به خصوص در نیروی زمینی برایش ناممکن می‌سازد.<sup>۱۲۹</sup>

ولی در هر حال، در اختیار داشتن بخش جنوبی تنگه هرمز، به لحاظ استراتژیکی اهمیت دارد. به علاوه، در بخش جنوبی شبه جزیره المسندم، قسمت باریکی به پهنای حدود یک کیلومتر واقع شده که امکان حفر کانال بین دریای عمان و خلیج فارس را فراهم می‌کند. در صورت حفر چنین راه میانبری، به شدت از اهمیت تنگه هرمز کاسته خواهد شد.

هم چنین وجود تمام بنادر عمان در دریای عمان که به دور از اغتشاش‌های درون خلیج فارس قرار دارد، برای این کشور امتیازی محسوب می‌شود و امکان دارد کشورهای جنوبی خلیج فارس، به صادرات نفت خود از طریق بنادر عمان به وسیله احداث خط لوله تشویق شوند که در این صورت، از اهمیت خلیج فارس نیز کاسته خواهد شد.<sup>۱۳۰</sup>

اما به لحاظ منابع معدنی، اقتصاد این کشور نیز همانند دیگر کشورهای منطقه، به نفت وابسته است و افزون بر ذخایر نفت، میزان قابل توجهی از گاز و مس و سنگ کرومیت نیز در این کشور یافت می‌شود.

هم چنین، عمان دارای معادن زغال سنگ، سنگ مرمر، سنگ گچ و سنگ آهک می‌باشد. معادن زغال سنگ و منگنز در این کشور هنوز مورد بهره برداری قرار نگرفته‌اند. در فاصله سال‌های ۱۹۸۰ تا ۱۹۹۰، می‌انگین تولید ناخالص داخلی کشور از ناحیه معدن، به طور سالانه به ۹/۷ درصد افزایش یافته است.<sup>۱۳۱</sup>

### جغرافیای سیاسی مرزهای بین‌المللی

یکی از مهم‌ترین اختلافات این منطقه، اختلاف سه کشور عربستان سعودی، عمان و ابوظبی بر سر واحه‌های بوریمی است. این اختلافات که به سال ۱۹۵۲ برمی‌گردد، همچنان باقی مانده است.

ص: ۸۶

عمان در مرزهای شمال غربی، با امارات متحده عربی و امیرنشین‌های شارجه، ابوظبی و رأس الخیمه اختلافات دیرینه دارد. از یکسو، همان گونه که اشاره کردیم، با ابوظبی بر سر واحه‌های بوریمی اختلافات جدی وجود دارد و از سوی دیگر، هر از چندگاهی مشاجره با امیرنشین شارجه در منطقه العین بالا می‌گیرد. مناطق مرزی ربع، روضه و دبا نیز محل اختلاف عمان و رأس الخیمه هستند.

<sup>۱۲۹</sup> (۱). محمد رضا حافظنیا، پیشین، ص ۲۶۶.

<sup>۱۳۰</sup> (۲). عباس یگانه، ص ۱۴.

<sup>۱۳۱</sup> (۳). همان، ص ۳۷.

در منطقه جنوبی نیز گرچه پس از سال ۱۹۹۵ با توافق دو کشور عمان و یمن، علامت گذاری مرزها صورت گرفت، ولی این کشور هم چنان از تعدی به مرزهای جنوبی خویش بیم دارد.

در منطقه شرق و شمال شرقی نیز مرزهای دریایی را شاهدیم که بر اساس کنواسیون حقوق دریاها، دوازده مایل به عنوان دریای سرزمینی و دویست مایل انحصاری - اقتصادی تعیین شده است.

### جغرافیای سیاسی و عوامل جمعیتی

جمعیت این کشور بر اساس آمار جولای سال ۱۹۹۹، حدود ۲۴۴۶۶۴۵ نفر برآورد شده است که از این میزان، حدود ۴۱ درصد، زیر ۱۴ سال، ۵۶ درصد جمعیت فعال بین ۱۵ تا ۶۴ سال و ۳ درصد جمعیت پیر و بالای ۶۵ سال می باشند.

[تصویر]<sup>۱۳۲</sup> جدول شماره ۴: جدول جمعیتی عمان

ص: ۸۷

بافت اجتماعی این کشور، به دو بخش مجزا تقسیم می شود، به گونه ای که می توان گفت کشور عمان، از دو زیرفرهنگ کلی تشکیل یافته است که ویژگی های فرهنگی متفاوتی دارند:

الف) ظفار: [که ایالت جنوبی عربستان محسوب می شود.] در سرزمین ظفار، طوایف گوناگونی از نسل «ودایی ها» دیده می شوند. اکثر ظفاری های اصیل در منطقه کوهستانی سکنی دارند. این گروه، از نظر مذهب با دیگر مردمانی که دارای عقاید شیعه، سنی و اباضی می باشند، تقریباً تفاوت دارند. اسلام در این منطقه تقریباً ضعیف مانده است.

مردم ظفار علاوه بر حفظ سنن فرهنگی قبل از اسلام، به زبانی سخن می گویند که در سراسر ناحیه جنوبی «جزیره العرب» قبل از رسوخ زبان عربی، رایج بوده است. این زبان، یکی از گویش های زبان عربی دوران قبل از حمیری ها بوده و به عربی شباهت ندارد. به طور کلی، از لحاظ فرهنگی بسیار شبیه یمنی ها بوده است و نسبت به منطقه خود، حس ناسیونالیستی قوی ای دارند.

ب) عمان و مسقط، اکثراً از اقوام مختلف تشکیل شده و شامل بلوچ ها، هندی ها، پاکستانی ها و آفریقایی ها (زنگبار) می باشند. به لحاظ مذهبی، اغلب اباضی بوده و همانند دروزی های لبنان، جامعه ای بسیار بسته می باشند و با اقوام دیگر تبادل فرهنگی ضعیفی دارند.<sup>۱۳۳</sup>

در کشور عمان، پیروان مذاهب اباضی، سنی، شیعه و شیعه اسماعیلی در حال حاضر در کمال آرامش و صمیمیت در کنار هم زندگی می کنند و هیچ گونه برخورد افکار و سیاست مذهبی بین آنها رخ نمی دهد.<sup>۱۳۴</sup>

<sup>۱۳۲</sup> (۱) ۲۰۰۳. dc. salta dlrow.

<sup>۱۳۳</sup> (۱). عباس یگانه، پیشین، ص ۲۰.

<sup>۱۳۴</sup> (۲). همان، ص ۱۶.

شاید بتوان این عدم برخورد اعتقادی و مذهبی را، به ناآگاهی و جهل فرهنگی آنان نسبت داد؛ چراکه بیش تر مردم عمان، آگاهی اندکی از مذهب خود دارند و اعتقادات خود را به صورت ارثی حفظ نموده اند و عموماً به لحاظ فرهنگی، از خارج از مرزها تغذیه می‌شوند.

### شبکه‌های ارتباطی

تا پیش از روی کار آمدن سلطان قابوس، هیچ روزنامه‌ای در این کشور وجود نداشت. پس از

ص: ۸۸

بر تخت نشستن سلطان قابوس به جای پدر، او برای جلوگیری از افزایش اعتراض های مردمی و محدود کردن شرایط خفقان آور موجود، روزنامه‌ای به نام «عمان» منتشر ساخت.

پس از آن، مجله «العقیده» منتشر گردید .... در سال ۱۹۷۰، رادیوهای «مسقط و صلاله» راه‌اندازی شدند و چند سال بعد، اولین ایستگاه تلویزیون رنگی در مسقط شروع به کار نمود. در حال حاضر، اکثر نقاط عمان زیر پوشش رادیو و تلویزیون این کشور است.

در حال حاضر، روزنامه های عمان و الوطن به زبان عربی و عمان آبرور به زبان انگلیسی، حاوی مطالب سیاسی- خبری با تیراژهای بالا منتشر می شوند و دارای موضع رسمی دولتی هستند .... [هم‌چنین در این کشور] هفته‌نامه‌های «تایمز» به زبان انگلیسی و الاضاء و العقیده به زبان عربی منتشر می شوند که حاوی مطالب سیاسی- اجتماعی و اقتصادی هستند. مجلات الاسرة، النضة و الجريدة، الرسمية نیز به طور ادواری و به زبان عربی منتشر می شوند. «الاسرة» دارای مطالب اقتصادی و اجتماعی می باشد و «الجريدة الرسمية» فصلنامه فرامین سلطان و دیگر مندرجات روزنامه‌های رسمی کشورها را منتشر می کند. هم‌چنین «التجاری» به زبان‌های عربی و انگلیسی برای تبلیغات تجاری منتشر شده و ماهنامه نظامی عمان به زبان عربی انتشار می‌یابد.<sup>۱۳۵</sup>

اما در هر حال، تمامی رسانه های گروهی اعم از دولتی و خصوصی، تحت نظارت و کنترل دولت قرار دارند و بنابراین، هرگونه فعالیت علیه دولت در نطفه خفه می‌شود و اجازه انتشار نمی‌یابد.

شبکه حمل و نقل عمان، به شبکه راه‌های زمینی، دریایی و هوایی تقسیم شده است.

جاده‌های مواصلاتی عمان، کلیه مراکز اصلی جمعیتی کشور را به یکدیگر متصل می کند؛ البته این امر، شامل بعضی از روستاهای دامنه کوه‌ها نمی‌شود. تا سال ۱۹۹۲ حدود ۴/۹۴۸ کیلومتر از جاده‌های عمان دارای روکش آسفالت شده و ۲۱۰۰۰ کیلومتر جاده در این کشور ساخته شده است.<sup>۱۳۶</sup>

### جغرافیای نظام اجرایی

<sup>۱۳۵</sup> (۱). همان، صص ۲۷ و ۲۸.

<sup>۱۳۶</sup> (۲). همان، ص ۴۲.

این کشور نیز همانند شیخ‌نشین‌های منطقه، یک سلطنت‌نشین است که به سنت

ص: ۸۹

قبیله‌ای اداره می‌شود. هیچگونه قانون اساسی بر روابط سیاسی حاکم نیست و فرامین شخص پادشاه قانون محسوب می‌شود. آنچه به عنوان قوه مقننه، مجریه و قضاییه مطرح است، ظاهری بوده و همه در کنترل و نظارت پادشاه می‌باشد.

به لحاظ شکل سازمان دهی داخلی، این کشور کشوری بسیط محسوب می‌شود که از سال ۱۹۵۱، بر اساس قرارداد دوستی که با کشور انگلستان منعقد گردید، به استقلال کامل رسید.

فقدان راه زمینی مستقل بین سرزمین اصلی عمان و شبه جزیره مسندم، در صورت بروز بحران می‌تواند مانعی بر اعمال حاکمیت مطلقه رژیم عمان بر این بخش از کشور باشد. به علاوه، به خاطر همین جدایی سرزمین، چنان چه در شرایط خاص قدرت‌های خارجی حاکمیت عمان را بر بخش تنگه هرمز به مصلحت خود ندانند، به راحتی می‌توانند وسیله جدا شدن این بخش را از سرزمین عمان فراهم آورند؛ به خصوص در صورتی که رژیمی مخالف با منافع این قدرت‌ها در این کشور زمام امور را به دست گیرد.<sup>۱۳۷</sup>

#### جغرافیای سیاسی امارات متحده عربی جغرافیای سیاسی سرزمین و ویژگی‌های فیزیکی آن

کشور امارات متحده عربی، با مساحتی حدود ۸۳۶۰۰ کیلومتر مربع، بین عرض جغرافیایی ۲۲ تا ۲۶ درجه و ۳۰ دقیقه، و ۵۱ تا ۵۶ درجه و ۳۰ دقیقه طول شرقی واقع شده است و بخشی از منطقه خلیج فارس به شمار می‌آید که

با کشورهای عمان در شمال شرقی، عربستان در جنوب و غرب، و قطر در شمال غربی مرز مشترک دارد. این کشور سرزمینی است کم ارتفاع که قسمت اعظم آن را بیابان‌ها و صحراها پوشانده و تنها در قسمت کناره ای دریای عمان، ازجمله رشته کوه اخضر مرتفع یافت می‌شود. از مهم‌ترین جزایر آن می‌توان از: داس، سربنی یاس، دلما و مقیشط نام برد. آب و هوای آن عمدتاً گرم و خشک و کم باران است.<sup>۱۳۸</sup>

ص: ۹۰

پوشش گیاهی منطقه، غالباً از گیاهان خاردار است. انبوه‌ترین این گیاهان خاردار و خارزارهای دشت های غرب در سلسله جبال حجر واقع است .... مهم‌ترین پوشش گیاهی ناحیه، بدین قرار است: خرما، کهوز، اکاسیا، گز، گل ابریشم، تمر، گل کاغذی، یاس، رازقی، خرزهره و سایر گیاهان گرمسیری و بیابانی.<sup>۱۳۹</sup>

به لحاظ جغرافیایی، این کشور از هفت امیرنشین ابو ظبی، دوبی، شارجه، ام القوین، عجمان و فجیره و رأس الخیمه متشکل شده است که از میان آن‌ها، امیرنشین‌های ابوظبی و دبی اهمیت بیش تری دارد.

<sup>۱۳۷</sup> (۱). همان، ص ۱۴.

<sup>۱۳۸</sup> (۲). فرامرز پآوری، گیتاشناسی جغرافیای طبیعی، سیاسی و اقتصادی و تاریخی محبوب، ص ۳۷.

<sup>۱۳۹</sup> (۱). دونالد هاوولی، دریای پارس و سرزمین‌های متصالح، ترجمه: حسن زنگنه، ص ۳۲۴.

شیخ‌نشین ابوظبی که پایتخت امارات متحده عربی نیز به شمار می‌آید، مهم‌ترین امیرنشین این کشور است که هم به لحاظ ثروت و هم از لحاظ نظامی اهمیت دارد.

ابوظبی، وسیع‌ترین و از لحاظ نظامی، نیرومندترین «نه شیخ‌نشین»<sup>۱۴۰</sup> در حاشیه پایینی خلیج فارس است و مهم‌ترین عضو امارات متحده عربی به شمار می‌رود .... برحسب درآمد سرانه، ابوظبی ثروتمندترین دولت جهان است و ثروت ابوظبی به تنهایی، مقام منحصر به فرد آن را در حکومت فدرال توجیه می‌کند.<sup>۱۴۱</sup>

## دبی

دومین شیخ‌نشین امارات متحده که به لحاظ تجاری و جمعیتی اهمیت دارد، امیرنشین دبی است که از جنبه جمعیتی، پرجمعیت‌ترین شهر امارات و از بعد تجاری، شهر بندری و پروتق امارات متحده و منطقه آزاد تجاری به شمار می‌آید. حاکمان این کشور با توسل به بازرگانی و سیاست تجارت آزاد، به رغم درآمدهای اندک حاصل از فروش نفت و وسعت و مساحت کم، این امیرنشین را به یکی از پروتق‌ترین مناطق تبدیل نموده‌اند. این امارت

ص: ۹۱

دارای یک منطقه آزاد تجاری به نام «جیل علی» است. در «جیل علی» سرمایه‌گذاران سال‌هاست که به دادوستد کالا می‌پردازند. این بندر آزاد، دروازه ورود کالاهای ساخته شده شرق آسیا و مرکز صادرات مجدد این گونه کالاها به کشورهای حوزه خلیج فارس است. دبی با جمعیتی بالغ بر ۷۵۰ هزار نفر، به عمده‌فروشی و خرده‌فروشی بیش از نفت متکی است.<sup>۱۴۲</sup>

دیگر شیخ‌نشین‌ها به لحاظ امکانات شهری و مدنیت بسیار عقب افتاده‌تر از این دو شیخ‌نشین هستند. مهم‌ترین صنایع این کشور، پالایش نفت و سیمان بوده و در زمینه تولید نفت، ابوظبی از دیگر امیرنشین‌ها موفق‌تر عمل نموده است.

تا پیش از کشف نفت، اقتصاد شیخ‌نشین‌ها یا امارات بر اساس صید مروارید، ماهی‌گیری، تجارت و کشاورزی به طور محدود استوار بود. از سال ۱۹۵۸، هنگامی که نفت برای اولین بار در سواحل ابوظبی کشف شد و خصوصاً از ژوئن ۱۹۶۲، یعنی هنگامی که برای اولین بار نفت به خارج صادر گردید، اقتصاد این منطقه تغییر کلی یافت.<sup>۱۴۳</sup>

به نقل از دایرة المعارف اینکارتا، این کشور حدود سه درصد ذخایر گاز طبیعی کل جهان را دارا می‌باشد و در مجموع، نود درصد ذخایر نفت و گاز کشور در دو امیرنشین ابوظبی و دبی قرار دارد.

<sup>۱۴۰</sup> (۲). نه شیخ‌نشین: بحرین و قطر را نیز جزء آنها حساب کرده است.

<sup>۱۴۱</sup> (۳). مهدی مظفری، امارات خلیج فارس، پژوهش اقتصادی، سیاسی و اجتماعی، ترجمه مهدی مظفری، ص ۸۶.

<sup>۱۴۲</sup> (۱). «اقتصاد دبی از کاهش شمار گردشگران روس آسیب دیده است» نشریه بررسی‌های بازرگانی، ش ۱۴۲، ص ۱.

<sup>۱۴۳</sup> (۲). امارات متحده، از سری انتشارات نظری اجمالی به کشورها، شماره ۷ دی‌ماه ۱۳۶۴، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، ص ۶۹.

از مسایل و مشکلات مهمی که این کشور همواره با آن دست به گریبان بوده،

اختلافات مرزی میان شیخ نشین های هفتگانه از یک طرف، و میان هر یک از آن ها با دیگر کشورهای همسایه می باشد که حتی موجب درگیری های مرزی بین شیخ نشین ها و همسایگان شده است.<sup>۱۴۴</sup>

ص: ۹۲

البته به اعتقاد برخی صاحب نظران، امارات متحده برای حفظ هویت فدرالی، حل اختلافات داخلی و جلوگیری از تجزیه کشورش، نیازمند گسترش اختلافات مرزی و تهدیدات خارجی است.

از مهم ترین اختلافات منطقه ای، ادعای ارضی این کشور بر جزایر سه گانه تنب بزرگ، تنب کوچک و ابو موسی است که اینک در کنف حاکمیت جمهوری اسلامی ایران هستند. این ادعا، هر از چندگاهی از سوی امارات متحده در مجامع بین المللی و همایش های منطقه ای مطرح می شود و البته جمهوری اسلامی ایران نیز طرح چنین ادعایی را بی مورد و بی اساس تلقی می کند.

هم چنین بین سه کشور عمان، امارات متحده و عربستان سعودی، همواره بر سر واحه «بوریمی» منازعه و کشمکش وجود داشته است؛

«بوریمی» واحه ی پرآب و سرسبز و دارای ذخایر نفتی است و در فاصله یکصد مایلی جنوب شرق امارات ابوظبی واقع شده و شامل چند دهکده مصفا و فلات نسبتا پرآب و نخل است. اختلافات بر سر حاکمیت «بوریمی» به سال ۱۹۵۲ برمی گردد و به تدریج ابعاد بین المللی به خود گرفت.<sup>۱۴۵</sup>

گرچه در سال ۱۹۷۴ این اختلافات با توافق نامه ای که بین سه کشور منعقد گردیده، به ظاهر فیصله پیدا کرد، اما همواره به عنوان یک منبع بالقوه تنش و درگیری بین سه کشور باقی ماند.

از سوی دیگر عمان و امارات متحده عربی علاوه بر واحه بوریمی که شرح آن گذشت، در منطقه «العین» در امارات شارجه و مناطق مرزی «ربع، روضه و دبا» در امارات الخیمه اختلافات دیرینه دارد.<sup>۱۴۶</sup>

## جغرافیای سیاسی و عوامل جمعیتی

بر اساس آخرین سرشماری در سال ۱۹۹۹، میزان جمعیت این کشور حدود ۲۳۴۴۴۰۲ نفر

ص: ۹۳

<sup>۱۴۴</sup> (۳). غلامرضا محمدی، «امارات با بحران زنده است»، رسالت، ۲۹ فروردین ماه ۱۳۷۸.

<sup>۱۴۵</sup> (۱). سید محسن توکلی، «نگاهی به اختلافات عمان و امارات متحده عربی»، نشریه دیدگاه ها و تحلیل ها، ش ۱۲۸.

<sup>۱۴۶</sup> (۲). همان، ص ۲.

برآورد شده است که از این میزان، حدود ۳۱ درصد زیر ۱۴ سال، ۶۷ درصد جمعیت فعال (بین ۱۵ تا ۶۴ سال) و ۲ درصد جمعیت پیر و بالای ۶۵ سال هستند.

[تصویر]<sup>۱۴۷</sup> جدول شماره ۵: جدول جمعیتی امارات متحده

بافت اجتماعی این کشور نیز به صورت قبیله‌ای است. در واقع، نظام اجتماعی این کشور و جهت‌گیری حاکمان آن، تحت تأثیر فرهنگ عربی، ارزش‌های اسلامی و آداب و رسوم قبیله‌ای قرار دارد.

### ابوظبی

این امیرنشین که پایتخت امارات نیز می‌باشد، بیش از سایر شیخ‌نشین‌ها قبایل پراکنده دارد که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از: بنی یاس که از پانزده قبیله تشکیل شده، قبیله مناصر و قبیله ظواهر که آن‌ها هم از پانزده قبیله دیگر تشکیل شده است.

### دبی

یکی از شاخه‌های قبیله بنی یاس، آل بوفله نام دارد که در دویی زندگی می‌کنند و خانواده

ص: ۹۴

شیخ راشد، حاکم دبی نیز از این قبیله است. بحارینه، قبیله دیگری است که در دبی ساکن‌اند و مذهب تشیع را پذیرفته‌اند. هم‌چنین قبایل سوران و شاوی‌هین نیز در این شهر مسکن گزیده‌اند.

### شارجه

خاندان قاسمی، خاندان حاکم این شیخ‌نشین هستند و پس از آنان، دو خاندان آل مدفع و طریم با در اختیار گرفتن برخی مشاغل دولتی، در این حکومت سهیم شده‌اند. افزون بر این‌ها، خاندان‌های عباد الله، العلی، حواله، مارا، شادی هین، سودان و طنیج نیز در این شهر زندگی می‌کنند.

### رأس الخیمه

خاندان حکومتی، خاندان بنی محمد هستند که پرنفوذترین خاندان این امیرنشین به شمار می‌آیند. پس از آنان، بنی سلطان، رقیب سیاسی خاندان حکومتی است که البته این دو قبیله، در اصل متعلق به قبیله قاسمی هستند. افرادی از قبایل دیگری چون طنیج، غفاله و بنی شمیل نیز در این شیخ‌نشین زندگی می‌کنند.

### عجمان و ام القوین و فجیره

<sup>۱۴۷</sup> (۱) ۲۰۰۳. dc .salta dlrow.

جوامع عجمان، ام القوین و فجیره، مانند شیخ نشین‌های دیگر و حتی کمی بیش از آن‌ها حالت و خصوصیت قبیله‌ای دارند. حتی آن‌ها را می‌توان از جهاتی، سنتی‌ترین جوامع قبیله‌ای دانست.<sup>۱۴۸</sup>

قبایل مسلط این امیرنشین‌ها، به ترتیب عبارت‌اند از: قبیله نعیم در عجمان، قبیله نعیم در ام القوین و قبیله الشرقی در فجیره.

نکته قابل توجه آن است که:

ص: ۹۵

همه این قبایل، از لحاظ جغرافیایی در شیخ نشین متبوع خود زندگی نمی‌کنند و در سراسر امارات متحده عربی پراکنده‌اند.<sup>۱۴۹</sup>

که این پراکندگی، مشکلات بسیاری را برای این شیخ‌نشین‌ها به وجود آورده است.

وجود چنین تنوع قومی - قبیله‌ای در امارات متحده عربی، چه به لحاظ مذهبی چه فرهنگی، تبعات سیاسی گوناگونی به همراه دارد که اتحاد کنفدراسیون را قدری با مشکل مواجه می‌سازد. آن‌چه این گسستگی را مانع می‌شود، وجود دشمن خارجی مشترک است. به ویژه آن‌که در برخی مرزهای شیخ‌نشین‌ها، قبیله‌های مختلفی که با کشورهای همسایه سنخیت قومی - مذهبی دارند، تعارضات و گرایش‌های گریز از مرکزی به بار آورده‌اند.

از سوی دیگر، با وجود آن‌که حدود ۹۶ درصد از ساکنین این کشور مسلمان هستند، ولی شاهد مذاهب مختلفی چون حنبلی‌ها، شافعی‌ها، مالکی‌ها، شیعیان و گروه اقلیت وهابی‌ها می‌باشیم که این تنوع مذهبی، می‌تواند تأثیر فراوانی بر بافت اجتماعی و سیاسی آن داشته باشد.

### شبکه‌های ارتباطی

حمل و نقل کالا برای بنادر آزاد و نیز سایر بنادر عمده امارات متحده عربی در خلیج فارس، از طریق تنگه هرمز انجام می‌پذیرد. امارات متحده در ساحل خلیج فارس، بنادر مهمی را چون بندر زاید در ابو ظبی، بندر راشد و جبل علی در دبئی، بندر خالد در شارجه، عجمان و بندر سقر در رأس الخیمه در اختیار دارد. ناگفته نماند که امارات، در ساحل دریای عمان نیز دو بندر عمده فجیره و خورفکان را جهت تخلیه و بارگیری کالا در اختیار دارد که در دوران جنگ عراق علیه ایران و به خصوص جنگ نفتکش‌ها در خلیج فارس، فعالیت گسترده‌ای داشت. دو بندر خورفکان و فجیره، به وسیله شبکه راه زمینی اتوبان به ساحل غربی - یعنی شارجه و دبئی - متصل می‌شود و از کشش و ظرفیت خوبی برخوردار

<sup>۱۴۸</sup> (۱). مهدی مظفری، پیشین، ص ۱۱۵.

<sup>۱۴۹</sup> (۱). همان، ص ۱۵۷.

است. هرچند حمل و نقل هوایی و زمینی در بیلان حمل و نقل کالا و مواد نقش دارد، ولی نسبت به حمل و نقل دریایی سهم ناچیزی را به خود اختصاص می‌دهد.<sup>۱۵۰</sup>

ص: ۹۶

در این کشور هشت روزنامه فعالیت می‌کنند که مهم‌ترین آن‌ها «الاتحاد» است.

### جغرافیای سیاسی نظام اجرایی

این کشور به لحاظ شکل سازمان‌دهی داخلی، به صورت کنفدراسیونی و متشکل از هفت شیخ‌نشین است که در رأس هر کدام از آن‌ها امیری حکومت می‌کند.

نظام حکومتی در این شیخ‌نشین‌ها آمرانه و پدرسالاری است. در واقع حکومت پادشاهی به شمار می‌آید و همان‌گونه که یک کنفدرال اداره می‌شود، امیرنشین‌های امارات نیز به رغم این‌که به لحاظ سیاسی، اقتصادی، اداری و ... مستقل هستند، توسط اتحادی که در سال ۱۹۷۱ بین آن‌ها بسته شد، یک کنفدراسیون را تشکیل می‌دهند.

البته از آن‌جا که این کشور از هفت امیرنشین جداگانه تشکیل شده که در هر یک از آن‌ها، ساختارهای اجتماعی و سیاسی مجزایی حکمفرماست و هم‌چنین به دلیل وجود بافت اجتماعی متنوع، کنترل سیاسی تمام سرزمین‌ها، برای پایتخت، به یک میزان و هم‌سطح امکان‌پذیر نیست.

### جغرافیای سیاسی قطر جغرافیای سیاسی سرزمین و ویژگی‌های فیزیکی آن

کشور قطر با وسعتی حدود ۱۱۴۳۷ کیلومتر مربع و طولی برابر ۱۶۰ کیلومتر و عرضی بین ۵۵ تا ۹۰ کیلومتر، چهارمین کشور حاشیه جنوبی خلیج فارس است که به دلیل موقعیت جغرافیایی، اهمیت ژئوپولیتیکی خاصی دارد. این کشور، از شرق با کشورهای امارات متحده و عمان مرز مشترک دارد، بخش‌های جنوبی و قسمت‌هایی که از بخش‌های غربی آن با کشور عربستان هم‌مرز است و در غرب نیز با کشور کوچک بحرین همسایه بوده، نزدیک‌ترین فاصله را دارا می‌باشد.

قطر در مجموع دارای زمین مسطح و پوشیده از ریگزار است. با این حال، چندین تپه و ارتفاعات شنی در آن وجود دارد که ارتفاع آن‌ها در منطقه دخان و جبل فویریط، در

ص: ۹۷

بخش‌های شمالی و غربی کشور به چهار صد متر بالاتر از سطح دریا می‌رسد. سرزمین قطر هم‌چنین دارای ویژگی‌های منحصر به فرد در میان مشخصه‌های جغرافیایی ساحل غربی خلیج فارس می‌باشد. این ویژگی‌ها هم‌چنین شامل خورها و پوشش‌های گیاهی است که با فرورفتگی‌ها و حوضچه‌های سطحی ناشی از آب باران ایجاد شده و به نام «الریاض» یا باغات معروف می‌باشد و مهم‌ترین آن‌ها، المجیده، اشحانیه و اسلیمی است که در قسمت‌های شمالی و مرکزی قرار

<sup>۱۵۰</sup> (۲). محمد رضا حافظنیا، خلیج فارس و نقش استراتژیک تنگه هرمز، ص ۲۴۷.

گرفته‌اند. مناطق شمالی و مرکزی قطر، در حقیقت به دلیل زمین حاصلخیز و نمو گیاهی فصلی و طبیعی مناسب تری نواحی برای کشاورزی محسوب می‌گردد.<sup>۱۵۱</sup>

از مهم‌ترین بلندی‌های سرزمین، می‌توان به سلسله کوه‌های جساسیه اشاره کرد که در سواحل شمال شرقی گسترده شده است.

در آب‌های شرقی و غربی قطر، جزایری قرار گرفته است که مهم‌ترین آن‌ها، فشت الدیبل و حواری می‌باشد. این جزایر، به دلیل موقعیت استراتژیک و منابع نفتی کشف شده در سال‌های اخیر، از اهمیت فراوان برخوردار می‌باشند. برخی از این جزایر، نزدیک کرانه‌های قطر و پاره‌ای از آن‌ها دور از سواحل این کشور واقع شده است.

حواری، بزرگ‌ترین این جزایر است که بلافاصله بعد از ساحل غربی شبه جزیره قطر و مقابل سرزمین اصلی بحرین قرار گرفته و موضوع اصلی اختلاف و بحران بین این دو کشور می‌باشد.<sup>۱۵۲</sup>

بندر بازرگانی دوحه، از مجهزترین بنادر قطر محسوب می‌شود که در کنار شهر دوحه واقع گردیده است. دو بندر مهم دیگر، زکریه در ساحل غربی و ام سعید در شرق این کشور هستند که پس از کشف نفت توسعه یافتند. زکریه، بندری مناسب جهت واردات کالا از بحرین توسط کشتی‌های کم‌عمق می‌باشد، در حالی که ام سعید، لنگرگاهی برای تانکرها و کشتی‌های اقیانوس پیماست. توسعه ام سعید، کاملاً مرتبط با کشف نفت بوده و این بندر، اساساً برای صادرات نفتی تأسیس شده است.<sup>۱۵۳</sup>

ص: ۹۸

از یکسو، موقعیت جغرافیایی این کشور و قرار گرفتن آن در قلب منطقه خلیج فارس و همسایگی با کشورهای مهم منطقه و از سوی دیگر، کشف نفت و برخورداری از منابع عظیم گاز، به لحاظ سیاسی و اقتصادی برای قطر موقعیت ویژه استراتژیکی آفریده است. گرچه کمی وسعت و جمعیت، تا حدی از عمق استراتژیک آن کاسته است، ولی در هر حال اهمیت منابع طبیعی، به ویژه منابع سرشار گاز طبیعی، این نقصان را تا حدی جبران می‌کند، به گونه‌ای که قطر، بعد از روسیه و ایران، بزرگ‌ترین ذخایر گاز طبیعی جهان را در اختیار دارد.

پایتخت قطر، دوحه است که به لحاظ سیاسی، مرکز حکومت به شمار می‌آید و تقریباً تمامی ادارات دولتی و مؤسسات مالی در این شهر قرار دارد. به لحاظ موقعیت جغرافیایی، شهر دوحه

در وسط ساحل شرقی شبه جزیره قطر واقع می‌باشد. این شهر، یک مرکز مهم فرهنگی و بازرگانی نیز محسوب می‌شود که از طریق بندر بازرگانی مجهز و فرودگاه بین‌المللی، دارای ارتباطات وسیع با جهان خارج می‌باشد.<sup>۱۵۴</sup>

<sup>۱۵۱</sup> (۱). حسن علوی، قطر (کتاب سبز)، ص ۲.

<sup>۱۵۲</sup> (۲). همان، صص ۲ و ۳.

<sup>۱۵۳</sup> (۳). همان، ص ۳.

<sup>۱۵۴</sup> (۱). همان، ص ۴.

از شهرهای مهم دیگر آن می‌توان به الریان، ام سعید، الخور، الوکره، دخان و زبارة اشاره نمود.

### جغرافیای سیاسی مرزهای بین‌المللی

در روابط قطر با عربستان سعودی، از لحاظ جغرافیایی، مذهبی، سیاسی و ایدئولوژی و نیز اندازه و وسعت جهان بینی خاندان‌های حاکم این دو کشور، نزدیک تر از هر کشور دیگر خلیج فارس است. صرف‌نظر از اختلافات اتفاقی، اکثر مناقشات دو طرف صلح‌آمیز حل و فصل شده‌اند. در سال‌های اخیر، ادعای قدیمی و رسمی عربستان بر منطقه‌ای در شبه جزیره قطر، پس از حصول توافق بین دو طرف به فراموشی سپرده شد.<sup>۱۵۵</sup>

ص: ۹۹

در مقابل، رابطه این کشور با همسایه غربی خود یعنی بحرین، قدری متشنج است که البته این اختلافات ریشه در گذشته دارد؛ یعنی زمانی که این کشور در اشغال حاکمان بحرین قرار گرفت. اما در واقع دلیل عمده این اختلافات، قومی-قبیله‌ای است.

عدم اتحاد دو کشور را می‌توان تا حدود زیادی ناشی از رقابت‌های خانوادگی ایشان دانست که در حاشیه سفلی خلیج فارس از رقابت‌های بسیار ریشه‌دار است.<sup>۱۵۶</sup>

به لحاظ مرزی نیز بین این دو کشور، بر سر کنترل دهکده زبارة و جزایر هاوار که در ساحل غربی قطر قرار دارند، منازعه و اختلاف هست که این اختلاف را می‌توان یکی از عمده‌ترین اختلافات منطقه دانست.

اما رابطه قطر با دیگر امیرنشین‌های منطقه مسالمت‌آمیز است. گرچه این ارتباط با امارات متحده عربی چندان وسیع نیست، ولی در هر حال این کشور

به دلیل قوم‌گرایی عربی، هماهنگی با سیاست‌های غربی و ترس ناشی از تهدیدات خارجی و داخلی، دارای وجه اشتراک با کشورهای عربی منطقه بوده است.<sup>۱۵۷</sup>

که عامل بسیار مهمی در راه ایجاد روابط دوستانه با کشورهای منطقه می‌باشد و به رغم اختلافات ارضی با کشورهای نظیر امارات متحده، عربستان، بحرین و ...، در راه تحکیم روابط با کشورهای عرب و مسلمان گام برمی‌دارد.

### جغرافیای سیاسی و عوامل جمعیتی

بر اساس آخرین سرشماری‌ها در سال ۱۹۹۹، جمعیت این کشور حدود ۷۲۳۵۴۲ نفر تخمین زده شده است که از این میان، ۲۷ درصد زیر ۱۴ سال و ۷۱ درصد جمعیت فعال می‌باشند.

<sup>۱۵۵</sup> (۲). مهدی مظفری، پیشین، ص ۸۱.

<sup>۱۵۶</sup> (۱). همان، ص ۸۲.

<sup>۱۵۷</sup> (۲). حسن علوی، پیشین، ص ۸۷.

[تصویر]<sup>۱۵۸</sup> جدول شماره ۶: جدول جمعیتی قطر

جمعیت اصلی قطر، در واقع اقوام عربی هستند که در طول قرون هفدهم، هیجدهم، نوزدهم میلادی و حتی قبل از آن نیز از مناطق اطراف، به ویژه نجد، الاحساء و عمان به این سرزمین مهاجرت کرده‌اند. هم‌چنین بیش‌تر اهالی بومی قطر، از اعراب بنی عتوب هستند که خود شعبه‌ای از بنی تمیم محسوب می‌شود و در قرن هیجدهم میلادی، از منطقه الاحساء در عربستان به قطر مهاجرت نموده‌اند. به علاوه، عده زیادی از اعراب سایر سرزمین‌های عربی مانند سوریه، مصر، لبنان، یمن، اردن، عمان و فلسطین نیز به این کشور مهاجرت کرده‌اند.<sup>۱۵۹</sup>

به لحاظ بافت اجتماعی، این کشور به دلیل مهاجرپذیر بودن، از اقوام مختلف تشکیل شده و بنابراین، دارای فرهنگ‌های مختلف و متنوعی است که البته نقطه تلاقی این تنوع فرهنگ‌ها، دین مشترک بیش‌تر آنهاست و آن‌گونه که آمار نشان می‌دهد، حدود ۹۵ درصد جمعیت این کشور را مسلمانان تشکیل می‌دهند که البته به دلیل وهابی بودن حاکمیت، بیش‌ترین نفوذ سیاسی و فرهنگی از آن‌ها فرقه است. اما در هر حال،

جامعه قطر، یک جامعه آرام و خالی از برخورد و خصومت می‌باشد. این امر حتی در میان اتباع سایر کشورها که با فرهنگ‌های مختلف به این کشور آمده‌اند نیز مشهور است. بر این اساس، روابط پیروان و ادیان و مذاهب مختلف با یکدیگر آرام و مسالمت‌آمیز و عاری از تنش و درگیری می‌باشد.<sup>۱۶۰</sup>

نخبگان قطر، اساساً متشکل از خانواده وسیع آل ثانی و خدمت‌گذاران متعدد ایشان، جامعه خارجیان، عده‌ای از بازرگانان ثروتمند و نیز رهبران مذهبی است. آل ثانی از لحاظ قدرت، موقع و حیثیت، به طور کلی گروه مسلط را تشکیل می‌دهند.<sup>۱۶۱</sup>

### شبکه‌های ارتباطی

روزنامه‌های قطر در مقایسه با مطبوعات کشوری چون عربستان، از آزادی خوب‌تری برخوردار بوده و نسبت به مسایل مختلف منطقه‌ای اظهار نظر می‌کنند. روزنامه‌های قطر به دنبال امضای موافقت‌نامه غزه- اریحا بین رژیم صهیونیستی و سازمان آزادی‌بخش فلسطین در سال ۱۹۹۳، شدیدترین حملات را به این موافقت‌نامه نموده و حتی آن را به مثابه عزای اعراب دانستند.<sup>۱۶۲</sup>

<sup>۱۵۸</sup> (۱) ۲۰۰۳. dc salta dlrow.

<sup>۱۵۹</sup> (۲). همان، صص ۹ و ۱۰.

<sup>۱۶۰</sup> (۱). همان، ص ۱۶.

<sup>۱۶۱</sup> (۲). مهدی مظفری، پیشین، ص ۷۱.

<sup>۱۶۲</sup> (۳). حسن علوی، پیشین، ص ۳۶.

دولت قطر نیز همانند دیگر کشورهای منطقه، بر عملکرد و فعالیت های رسانه های گروهی نظارت دارد، ولی این کنترل به نسبت دیگر کشورها کم تر بوده و رسانه های این کشور، آزادی عمل بیش تری دارند. بر اساس ادعای خود قطری ها، خطمشی کلی این رسانه ها، گسترش و ترویج فوهورنگ عربی - اسلامی و دفاع از ارزش ها و هنجارهای مذهبی است. از مهم ترین این مطبوعات، می توان به هفته نامه «العروبة» که نخستین هفته نامه قطر به شمار می آید، اشاره نمود. هم چنین روزنامه «العرب»، ماهنامه «دوحه»، هفته نامه «العهد»، «الجوهر»، «الرایه»، «گلف تایمز»، «اسوق الخلیج»، «این قطر است»، «المرشد»، «الحوری»، «اخبار الاسبوع»، «الخلیج الیوم»، «الشرق»، «شباب الیوم»، «مشاغل»، «قطر العالانشاء»، «قوس قزح» و «التربیه»، از نمونه های دیگر این رسانه هستند.

ص: ۱۰۲

از سوی دیگر،

با توجه به اهمیت روبه رشد شبکه ارتباطات جهانی، سیستم ارتباطات در قطر نیز طی سال های اخیر، شاهد توسعه قابل توجهی بوده است. قطر هم اکنون از یک شبکه ارتباطی مدرن برخوردار است. وزارت ارتباطات و ترابری، مسئولیت خدمات دریایی، زمینی و حمل و نقل هوایی و هواشناسی را بر عهده دارد.<sup>۱۶۳</sup>

این کشور،

با توجه به کمی مساحت، از شبکه راه آهن برخوردار نمی باشد، لکن دارای ۱۰۸۰ کیلومتر راه زمینی است. این راه ها، دوحه و مراکز نفتی دخان و ام سعید را به بخش شمالی شبه جزیره متصل می سازند. در سال ۱۹۷۰، یک جاده ۱۰۵ کیلومتری از دوحه به سلوی تکمیل گردید. این جاده، با اتصال به بزرگراهی در الحفوف عربستان، سرزمین قطر را نهایتاً به دریای مدیترانه وصل می کند. یک بزرگراه ۴۱۸ کیلومتری نیز دو کشور قطر و امارات را به یکدیگر متصل کرده است.<sup>۱۶۴</sup>

### جغرافیای سیاسی و سیستم اجرایی

این کشور نیز همانند دیگر کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس، سلطنت نشین است که خاندان آل ثانی حاکمیت آن را در اختیار دارند؛ با این تفاوت که پادشاهی وراثتی نبوده و توسط اجماع بزرگان خاندان تعیین می شود. به لحاظ شکل سازمان دهی داخلی،

قطر کشور یکپارچه ای است که واحدهای فرعی سیاسی ندارد. این کشور هم چنین به نه منطقه (شهرداری)، ۸۸ ناحیه و ۲۳۵۶ بلوک تقسیم شده است.<sup>۱۶۵</sup>

<sup>۱۶۳</sup> (۱). همان، ص ۵۴.

<sup>۱۶۴</sup> (۲). همان، ص ۵۵.

<sup>۱۶۵</sup> (۳). حسن علوی، پیشین، ص ۷۱.

به دلیل کوچک بودن سرزمین، کنترل بر تمام مناطق آن به راحتی امکان پذیر است و بنابراین، میزان نظارت بر تمام مناطق یکسان می باشد.

تا به حال، هیچ گونه سیستم انتخاباتی عمومی و آزاد وجود نداشته و حتی نمایندگان مجلس نیز توسط امیر مشخص می شدند و در حقیقت،

ص: ۱۰۳

سیستم بسته قطر، اجازه شکل گیری و رشد هرگونه طرز تفکر و مشی مخالف با سیاست های رسمی نظامی این کشور را نداده و این اجازه را صرفا به پرورش افکار موافق در چارچوب اهداف و خطمشی خود می دهد. بر این اساس، اغلب مقامات مهم مملکتی، یا از میان خاندان آل ثانی و یا منسوب به آن ها، و یا از میان افرادی که به حکومت کاملاً وفادار هستند، انتخاب می شوند.<sup>۱۶۶</sup>

البته دولت قطر برای نخستین بار خود را برای برگزاری انتخابات پارلمانی آماده می کند و امیر قطر، چندی پیش از برگزاری انتخابات پارلمانی خبر داد.

#### جغرافیای سیاسی بحرین جغرافیای سیاسی سرزمین و ویژگی های آن

بحرین با وسعتی حدود ۶۹۵/۲۶ کیلومتر مربع، متشکل از ۳۵ جزیره می باشد. در برخی منابع ۳۳ جزیره عنوان شده و دلیل این تفاوت عددی، به خاطر وجود جزایر مرجانی غیر مسکونی است که هر از چندگاه ی به هنگام مد، کاملاً در آب محو می شوند. با این توضیح، جای تعجب نیست که در برخی کتاب ها، وسعت آن ۶۷۶ کیلومتر عنوان شده است. این کشور، از شرق در همسایگی کشور قطر و به فاصله هشت کیلومتری آن قرار دارد، از سمت غرب با عربستان هم مرز است که در فاصله ۲۴ کیلومتری ساحل شرقی آن واقع شده و در شمال نیز با فاصله به نسبت دوری، ایران را در همسایگی خود دارد.

قرار گرفتن این جزیره کوچک در بین ۵/۲۵ درجه عرض شمالی و ۵۰ درجه و ۵۲ درجه طول شمالی، در تابستان هوایی گرم و در زمستان هوایی معتدل و مطلوب برای این کشور به ارمغان آورده است و موقعیت جزیره ای آن، آب و هوایی مرطوب ایجاد نموده است.

از لحاظ میزان بارش سالانه، کشوری خشک محسوب می شود و لذا مسأله کم آبی و لزوم صرفه جویی در مصرف آن، برای این منطقه بسیار حائز اهمیت است. کم ارتفاع بودن بحرین و مجاورت آن با بیابان ها و شنزارهای عربستان سعودی، باعث وزش بادهای موسمی در این سرزمین می شود.<sup>۱۶۷</sup>

ص: ۱۰۴

<sup>۱۶۶</sup> (۱). همان، ص ۷۵.

<sup>۱۶۷</sup> (۲). معصومه سیف افجادی، بحرین (کتاب سبز)، ص ۵.

مناطق شمالی و شمال غربی بحرین، پوشیده از درخت های خرما و مزارع کوچک است که با کوشش دولت و یا مالکین بومی ایجاد شده و این منطقه را سرسبز نموده است . مناطق غیر قابل سکونت صخره ای، ماسه ای و خشک، در مرکز و همه بخش جنوبی جزیره سی مایلی اصلی پراکنده است . بلندترین نقطه در بحرین که تقریباً از هر جایی قابل مشاهده است، جبل دوخان است که یک دماغه صخره ای ۴۵ متری می باشد.<sup>۱۶۸</sup>

مهم ترین شهر بحرین، منامه، پایتخت آن است . این شهر، حدود ۱/۵ مایل خط ساحلی دارد و تقریباً پنج درصد کل مساحت مجمع الجزایر بحرین را تشکیل می دهد. چاه های نفت و پالایشگاه و قسمتی از سرزمین های حاصلخیز کشاورزی در این شهر قرار دارد.<sup>۱۶۹</sup>

موقعیت جغرافیایی و قرار گرفتن این کشور در قلب منطقه خلیج فارس، به آن جانگاه استراتژیک خاصی بخشیده است.

اگرچه بحرین از نظر جمعیت و وسعت، کوچک ترین کشور حاشیه خلیج فارس است، ولی نزدیکی آن به سواحل ایران و اکتشاف چاه های نفت و وجود چشمه های آب شیرین، از دیرباز بر اهمیت موقعیت جغرافیایی و استراتژیکی آن افزوده است.<sup>۱۷۰</sup>

در گذشته، صید مروارید مهم ترین عامل رونق اقتصادی بحرین بود که با کشف نفت از اهمیت آن کاسته شد، اما با توجه به وسعت محدود، این کشور کم ترین ذخیره نفتی کشورهای این حوزه را در اختیار دارد.

امیرنشین بحرین که استخراج نفت را از دهه سی میلادی آغاز کرده، جزو اولین کشورهای این ناحیه است که ذخایر آن تقریباً رو به اتمام است و تنها مقدار ناچیزی حدود چهل هزار بشکه در روز تولید دارد . طبق تخمین هایی که زده می شود، منابع نفتی بحرین تا سال ۲۰۲۴ به اتمام خواهد رسید؛ زیرا مجموع ذخایر کشف شده در بحرین، ۲۳۳ میلیون بشکه یا به عبارتی کم تر از یک درصد مجموع ذخایر نفتی کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس تخمین زده شده است.<sup>۱۷۱</sup>

ص: ۱۰۵

به دلیل کمبود ذخایر نفتی، دولت می کوشد گاز را به جای نفت در صنایع جایگزین کند.

منابع گاز در بحرین، شامل منطقه خوف می شود که منطقه وسیعی در خلیج فارس است و به طوری که تخمین زده شده، حاوی ۲۶۳ میلیارد متر مکعب گاز می باشد که جوابگوی شصت سال تولید با سطح فعلی است. از این رو، طول عمر منابع گاز، بیش از دو برابر طول عمر ذخایر نفت برآورد شده است.<sup>۱۷۲</sup>

<sup>۱۶۸</sup> (۱). جفری نوگت و تتودور توماس، بحرین و خلیج فارس، ترجمه همایون الاهی، ص ۵.

<sup>۱۶۹</sup> (۲). معصومه سیف افجایی، پیشین، ص ۸.

<sup>۱۷۰</sup> (۳). همان، ص ۲۲.

<sup>۱۷۱</sup> (۴). همان، ص ۸۵.

<sup>۱۷۲</sup> (۱). همان، ص ۸۶.

پس از نفت و گاز، صنعت آلومینیوم از اهمیت خاصی در بحرین برخوردار است.

### جغرافیای سیاسی مرزهای بین المللی

روابط بحرین و عربستان سعودی، به طور کلی روابط بسیار حسنه و عالی تلقی شده است . همبستگی نزدیک میان خانواده‌های حکومتی دو کشور، به طور عمده از روابط قبیله ای و اجدادی ریشه گرفته است . اصل و منشأ آل خلیفه و آل سعود، به قبیله بنی عتیب، یکی از مشهورترین کنفدراسیون‌های قبایل شمال مرکزی عربستان می‌رسد.

همجواری دو کشور، در گسترش روابط نزدیکشان مؤثر بوده است .... نخبگان بحرینی، به طور کلی حالت پدرمنشانه عربستان را نسبت به بحرین کاملاً پذیرفته‌اند ....

روابط بحرین با شیخ‌نشین‌های شرقی خود، به استثنای ابوظبی و تا حدی کم تر شارجه، چندان نزدیک نبوده است . دلیل عمده آن، شهرت و اعتباری است که آل خلیفه برای خود قائل هستند و خود را از حکام اکثر امارات برتر می‌دانند.<sup>۱۷۳</sup>

همان‌گونه که در مبحث قطر اشاره کردیم، اختلافات مرزی بحرین و قطر بر سر مناطق زباره و مجمع الجزایر حواری (هاواری) جدی است. افزون بر آن، دو کشور بر سر تعیین مبدأ عرض دریایی سرزمینی بین خود نیز اختلافاتی دارند که بحث مفصلی دارد و مجال پرداختن به جزئیات آن نیست.

حس ناسیونالیستی عربی این کشور، باعث شده که روابط حسنه ای با کشورهای عرب منطقه برقرار کند . علاوه بر آن، برای برقراری روابط حسنه با کشورهای غربی، به ویژه آمریکا

ص: ۱۰۶

و انگلستان، گام‌های مؤثری برداشته شده، به گونه ای که بحرین یکی از مهم ترین پایگاه‌های نظامی آمریکا به شمار می‌آید.

با پیروزی انقلاب اسلامی ایران، این کشور نیز همانند دیگر کشورهای منطقه، از صدور انقلاب اسلامی بیم داشت. این طرز تلقی، باعث تیره شدن روابط دو کشور گردید، به ویژه آن که این شبه جزیره، زمانی متعلق به ایران بوده و بیش تر جمعیت آن را هم‌کیشان ایرانی تشکیل می‌دهند و این انقلاب، شیعیانی را که سالیان طولانی تبعیض را تجربه کرده اند، به گرایش‌های گریز از مرکز کشانده است. اما پس از پایان جنگ تحمیلی و آتش‌بس، روابط دو کشور رو به بهبودی نهاد و این روند، پس از اشغال کویت توسط عراق سرعت گرفت.

### جغرافیای سیاسی و عوامل جمعیتی

بحرین، کم‌جمعیت‌ترین کشور منطقه است. بر اساس آمار سال ۱۹۹۹، جمعیت آن ۶۲۹۰۹۰ نفر تخمین زده شده است. از این میان ۳۱٪ جمعیت زیر ۱۴ سال، ۶۷٪ جمعیت فعال ۱۵ تا ۶۴ سال و ۲٪ باقیمانده بالای ۶۵ سال دارند.

<sup>۱۷۳</sup> (۲). مهدی مظفری، پیشین، ص ۶۵.

[تصویر].<sup>۱۷۴</sup> جدول شماره ۷: جدول جمعیتی بحرین

ص: ۱۰۷

ساکنان این جزیره، اعرابی هستند که به لحاظ تاریخی، متعلق به نژاد سامی می باشند و قبل از فتوحات اسلامی، اکثر ساکنان مناطق بحرین از قبایل عدنان، قحطان، ربیعہ، وائل و عبد قیس بوده اند که حاکمیت این کشور را به عهده داشتند. از طرفی، برخی از تاریخ‌نویسان، فنیقی‌ها را نخستین ساکنین جزایر بحرین می‌دانند.<sup>۱۷۵</sup>

و از آن‌جا که این کشور زمانی متعلق به ایران بوده و تعداد زیادی از ساکنان این سرزمین از نژاد ایرانی هستند، به لحاظ مذهبی نیز همان‌گونه که در جدول اشاره شده، ۷۵ درصد جمعیت این کشور شیعه می باشند. هرچند اقلیت سنی همواره حاکمیت این کشور را به طور سنتی در اختیار داشته اند، ولی همواره سعی بر آن بوده که نوعی تعادل میان دو مذهب برقرار گردد و اخیراً نیز سعی شده شیعیان را در مشاغل بالای دولتی سهیم کنند. از سوی دیگر، گسترش روابط این کشور با کشورهای منطقه و جهان و موقعیت مناسبی که برای جهانگردی داراست، عامل مهمی برای ورود فرهنگ‌های بیگانه و غیربومی به شمار می‌آید.

از این‌رو، بافت اجتماعی کشور بحرین، با بافت اجتماعی دیگر کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس که بیش تر پای‌بند سنت‌های قبیله‌ای می‌باشند، تفاوت دارد.<sup>۱۷۶</sup>

### شبکه‌های ارتباطی

بحرین به دلیل موقعیت خاص جغرافیایی خود، سال‌هاست به عنوان مرکز خبری، مورد توجه اکثر سازمان‌های خبری دنیا قرار داشته و برخی از بنگاه‌های خبری، مرکز منطقه‌ای خود را در این کشور مستقر نموده‌اند. همین عامل، سبب شده تا رسانه‌های گروهی بحرین در مقایسه با وسایل ارتباطی جمعی سایر کشورهای عرب خلیج فارس، از موقعیت برتری برخوردار شوند.<sup>۱۷۷</sup>

در واقع باید گفت در مقایسه با وسعت کم، تعداد روزنامه‌ها و رسانه‌هایی که در آن منتشر

ص: ۱۰۸

می‌شود، قابل توجه است. البحرين، نخستین روزنامه‌ای است که حدود سال ۱۹۳۹ در بحرین منتشر شد و پس از آن، مجلات دیگری چون صورۃ البحرين، القافله، الکفاح، هنا البحرين، النجمه و ... به چاپ رسیدند. برخی مطبوعاتی که اینک در بحرین به چاپ می‌رسند، عبارت‌اند از: اخبار الخلیج، الایام، الجریده الرسمیه، بولتن اخبار، البحرين، الاضواء، اخبار، اخبار هفتگی، البحرين، المواقف، اخبار نفت و گاز، صدی الاسبوع و ....

<sup>۱۷۴</sup> (۱) ۲۰۰۳. saltA dlrow. DC.

<sup>۱۷۵</sup> (۱) معصومه سیف افجه‌ای، پیشین، ص ۱۷.

<sup>۱۷۶</sup> (۲) همان، ص ۲۷.

<sup>۱۷۷</sup> (۳) همان، ص ۵۷.

دولت بحرین بر کلیه رسانه‌های گروهی داخلی کنترل داشته و جریان خبررسانی را زیر نظر خود دارد.<sup>۱۷۸</sup>

و از هر گونه فعالیتی که بر ضد حکومت صورت گیرد، به شدت جلوگیری می‌نماید.

از بندرهای مهم بحرین، می‌توان به منامه، محرق، ستره، مصفا و بندر سلمان اشاره کرد.

مهم‌ترین جاده بحرین و تنها راه زمینی این کشور به خارج، پلی است که بین بحرین و عربستان سعودی در اواخر ۱۹۸۶ توسط یک شرکت هلندی ساخته شد. عربستان سعودی کل هزینه ساخت این پل ۲۵ کیلومتری را که معادل ۶۰۰ میلیون دلار بود، به عهده گرفت. این پل، منطقه «الجسره» واقع در شمال غربی بحرین را، به منطقه «الغزیره» واقع در شهر «الخبره» در منطقه شرقی عربستان سعودی به هم متصل می‌سازد.<sup>۱۷۹</sup>

جزیره اصلی بحرین، با پل‌هایی به جزایر اطراف آن مرتبط است. از جمله پلی به طول ۱/۵ مایل، منامه را به محرق متصل می‌سازد. هم‌چنین پل دیگری، منامه را به جزیره ستره متصل می‌کند. جزیره بنی صالح که در شرق بحرین واقع شده، به وسیله راهی فرعی به پل ارتباطی منامه - ستره متصل می‌شود.<sup>۱۸۰</sup>

اما با توجه به موقعیت جغرافیایی و شکل جزیره‌ای این کشور، حمل و نقل دریایی در آن اهمیت ویژه‌ای دارد، به گونه‌ای که به عنوان یک ایستگاه مهم دریایی مورد توجه است و بنابراین، حمل و نقل خارجی این کشور ارتباط نزدیکی با تنگه هرمز دارد.

ص: ۱۰۹

هرچند امکان انتقال کالا از مسیرهای خشکی (عربستان و یا امارات) برای آن وجود دارد، ولی بعد مسافت و هزینه‌های سنگین حمل و نقل خشکی، زندگی اقتصادی این کشور را برای مدت‌ها به حمل و نقل دریایی وابسته خواهد داشت.<sup>۱۸۱</sup>

### جغرافیای سیاسی سیستم اجرایی

کشور بحرین نیز یکی از امیرنشین‌های منطقه است که با حاکمیت آل خلیفه اداره می‌شود و حاکم فعلی آن، شیخ عیسی بن سلمان آل خلیفه می‌باشد. به لحاظ شکل سازمان دهی داخلی، کشوری بسیط است و به دلیل کوچکی این مجمع الجزایر، کنترل حکومت مرکزی بر همه مناطق آن به صورت یکپارچه و به یک میزان اعمال می‌شود.

### جغرافیای سیاسی عراق جغرافیای سیاسی سرزمین و ویژگی‌های فیزیکی آن

کشور عراق با وسعتی حدود ۴۳۷۰۷۲ کیلومتر، یکی از هفت کشور حاشیه جنوبی خلیج فارس است که

<sup>۱۷۸</sup> (۱). همان، ص ۶۶.

<sup>۱۷۹</sup> (۲). همان، ص ۱۲۴.

<sup>۱۸۰</sup> (۳). همان، ص ۱۲۵.

<sup>۱۸۱</sup> (۱). محمد رضا حافظنیا، پیشین، ص ۲۵۷.

در بخش جنوب غربی آسیا، در همسایگی کشورهای ایران، ترکیه، سوریه، اردن هاشمی، کویت و عربستان سعودی قرار دارد و به علت ویژگی های خاص جغرافیایی، نقش مهمی را در بین کشورهای حوزه خلیج فارس ایفا می کند .... از لحاظ وسعت، تقریباً ۱/۴ خاک کشور ایران است. شکل این کشور، تقریباً مثلث مختلف الاضلاعی است که رأس آن متوجه اردن هاشمی است و قاعده بزرگ آن به طرف ایران است. از لحاظ وضعیت ناهمواری ها و ترکیب زمین، این کشور به چهار منطقه تقسیم می شود:

الف. منطقه کوهستانی که از لحاظ وسعت، ۵/۲ درصد خاک عراق را فراگرفته است. این ارتفاعات، دنباله ارتفاعات توروس در ترکیه و زاگرس در ایران است که با شیب ملایم، به داخل عراق کشیده شده اند و جهت عمومی آن ها، شمال غربی - جنوب شرقی است.

ص: ۱۱۰

۱۸۲

#### ۱۲۳۴۳ جغرافیای سیاسی شیعیان منطقه خلیج فارس؛ ص ۱۱۰

ب. منطقه الجزیره؛ این منطقه که بخش مشخصی است، از اطراف توسط دو رودخانه دجله و فرات و از جنوب توسط کانال های رودخانه هایی که این دو رود را به هم وصل می کند، احاطه شده است. این منطقه، وسعت زیادی را اشغال می کند و در بخش شمال غربی عراق قرار دارد. از مشخصات این منطقه، وادی ها و دره های خشک است.

پ. سومین منطقه، فلات باختری است که شامل منطقه صحرا و سرزمین های غرب رودخانه فرات بوده و در جنوب غربی، با کشورهای عربستان و اردن همسایه می باشد.

بیشترین بخش این منطقه را صحرا تشکیل می دهد.

ت. چهارمین بخش، سرزمین های جلگه ای و پست بین النهرین است که اگر از شهر هیت به بلد و ابی عباس، که در شصت کیلومتری شمال شرقی بغداد قرار دارد، خطی رسم می کنیم، ناحیه ای جلگه ای شروع می شود و تا دلتای شط العرب ادامه می یابد.

منطقه جلگه ای، از لحاظ انسانی و اقتصادی حائز اهمیت است و به همین علت، به اسواد معروف شده است.<sup>۱۸۳</sup>

<sup>۱۸۲</sup> متقی زاده، زینب، جغرافیای سیاسی شیعیان منطقه خلیج فارس، ۱ جلد، شیعه شناسی - قم، چاپ: اول، ۱۳۸۴ ه.ش.

<sup>۱۸۳</sup> (۱). عزت الله عزتی، پیشین، صص ۱۰۶-۱۰۸.

عراق گرچه در منطقه معتدل است، ولی اختلاف سالیانه و روزانه درجه حرارت آن زیاد می باشد و این پدیده، به آب و هوای خشک اختصاص دارد. گرچه مناطق شمال آن به علت وجود ارتفاعات، دارای زمستان های طولانی، سرد و شدید می باشد، ولی نواحی مرکزی و تا حدودی جنوبی آن، زمستان هایی معتدل و تابستانه ایی گرم، خشک و طولانی دارد.<sup>۱۸۴</sup>

به طور کلی، این کشور به دلیل موقعیت نامطلوبی که در خلیج فارس دارد، به لحاظ جغرافیایی، از عمق استراتژیک مناسبی برخوردار نیست. طول سواحل این کشور در خلیج فارس، حدود ۵۵ کیلومتر است که نسبت به دیگر کشورهای این منطقه، کم ترین ساحل را داراست به علاوه، آب این مناطق بسیار کم عمق بوده و بنابراین، موقعیت مطلوبی را برای کشتی رانی و حمل و نقل فراهم نمی آورد.

این کشور نیز همانند دیگر کشورهای منطقه، ذخایر فراوان نفتی دارد. شاید بتوان گفت که حدود ۱۵ / ۵ درصد کل ذخایر منطقه را در اختیار دارد و بعد از عربستان و ایران، سومین کشور غنی جهان به شمار می آید.

ص: ۱۱۱

عراق می تواند پس از بازسازی صنایع هیدروکربون، روزانه شش میلیون بشکه نفت تولید کند.<sup>۱۸۵</sup>

و بنابراین، به لحاظ منابع معدنی، منطقه ای استراتژیک محسوب می شود.

مهم ترین شهر عراق، شهر بغداد است که پایتخت آن بوده و به لحاظ سیاسی، اقتصادی و ...، اهمیت فراوانی دارد.

### جغرافیای سیاسی مرزهای بین المللی

این کشور به دلیل موقعیت استراتژیکی نامطلوبی که دارد، همواره مطامع ارضی به خاک کشورهای همسایه خود داشته و تقریباً با تمامی همسایگان خود اختلافات ارضی داشته است و رهبران این کشور، از دیرباز توسعه ارضی را در سر می پرورانده اند.

حدود سال ۱۹۶۹ بود که عراق برای نخستین بار، ادعای حاکمیت مطلق بر اروندرود را مطرح کرد و درگیری با ایران آغاز شد. گرچه در سال ۱۹۷۵ با انعقاد قرارداد صلح الجزیره، اختلافات ارضی دو کشور به مدت کوتاهی خاتمه یافت، اما پنج سال پس از آن، در سال ۱۹۸۰ بار دیگر این کشور با لغو یک جانبه عهدنامه الجزیره، تجاوز گسترده ای به ایران آغاز نمود. این جنگ که حدود هشت سال طول کشید، سرانجام با ناکامی عراق در سال ۱۹۸۹ به پایان رسید.

عراق همواره دو هدف عمده استراتژیک و بلندمدت را در خلیج فارس تعقیب کرده است: یکی از این اهداف تجزیه خوزستان و ضمیمه کردن آن به عراق، و دیگری اشغال کویت و الحاق آن به عراق می باشد.<sup>۱۸۶</sup>

<sup>۱۸۴</sup> (۲). همان، ص ۱۰۸.

<sup>۱۸۵</sup> (۱). بهروز ترک زاده، «جنگ عراق: نقش حقوق بین الملل»، مجله اطلاعات سیاسی-اقتصادی، ش ۱۹۲-۱۹۱، مرداد و شهریورماه ۱۳۸۲، ص ۷۷.

<sup>۱۸۶</sup> (۲). اصغر جعفری ولدانی، کانون های بحران در خلیج فارس، ص ۳۱۱.

در واقع، درست از زمان تأسیس عراق، این کشور نسبت به کویت ادعای ارضی داشته است.

ص: ۱۱۲

ضروری‌ترین مسأله مورد اختلاف بین عراق و عربستان سعودی، به منطقه بی طرف و تحدید حدود مرزهای بین دو کشور مربوط بود که بر اساس موافقت‌نامه‌های قبلی، تعیین شده بود که مرزهای دو کشور، به موجب معاهده ۱۹۲۲ که با تلاش‌های بریتانیا منعقد شد، تعیین شده بود که دو کشور را در طول ۲۵۰ مایل از یکدیگر جدا می‌کرد. این منطقه، در باریکه‌ای نزدیک مرز کویت واقع شده و به شکل لوزی است. هدف از ایجاد این منطقه این بود که قبیله‌های بدوی، از مرزهای بین‌المللی عبور نکنند و موجب بروز اختلاف بین کشورهای مذکور نشوند .... در ۱۹۳۸ نیز موافقت‌نامه‌ای بین دو کشور برای اداره مشترک این منطقه منعقد شد.<sup>۱۸۷</sup>

البته ادعاهای ارضی عراق، به این سه کشور محدود نمی شد و رهبران عراق، همواره با این ادعا که مرزهای بین کشورهای عربی ساخته استعمار است، سعی در حاکمیت بر کل کشورهای منطقه داشته‌اند.

اما در مورد مرزهای آبی باید گفت:

مرزهای دریایی میان عراق - ایران، عراق - کویت و ایران - کویت در خلیج فارس نیز تاکنون تمدید نشده و به صورت یک منبع بالقوه تهدید صلح و امنیت منطقه باقی مانده است. اهمیت تهدید مرزهای دریایی خلیج فارس، به علت وجود ذخایر نفت و گاز می‌باشد.<sup>۱۸۸</sup>

### جغرافیای سیاسی و عوامل جمعیتی

آخرین سرشماری‌ها، حاکی از آن است که جمعیت این کشور در سال ۱۹۹۹، حدود ۲۲۴۲۷۱۵۰ نفر می‌باشد. از این میان، حدود ۴۴٪ جمعیت زیر ۱۴ سال و ۵۳٪ جمعیت فعال بین ۱۵ تا ۶۴ سال و ۳٪ بالای ۶۵ سال سن دارند.

ص: ۱۱۳

[تصویر]<sup>۱۸۹</sup> جدول شماره ۸: جدول جمعیتی عراق

به لحاظ ساختار، اجتماعی باید گفت بافت اجتماعی این کشور قابل توجه و بحران‌زاست.

در بین انسان‌های ساکن این کشور، دو گروه اصلی وجود دارند: یکی کردها که در مناطق مرتفع و نفت خیز عراق متمرکزند و محل سکونت آنان، تقریباً از مدار ۳۶ درجه عرض شمالی در عراق شروع شده و حدود ۷/۰ درصد از کل مساحت و ۲۰ درصد جمعیت عراق را دربرمی‌گیرد؛ و دیگری ساکنین جلگه‌های جنوبی عراق است که از لحاظ مذهبی

<sup>۱۸۷</sup> (۱). اصغر جعفری ولدانی، روابط عراق و کویت، ص ۱۸۵.

<sup>۱۸۸</sup> (۲). اصغر جعفری ولدانی، کانون‌های بحران در خلیج فارس، ص ۳۱۷.

<sup>۱۸۹</sup> (۱). DC .saltA dlroW. ۲۰۰۳.

با ایران وجه مشترک دارند . این دو گروه، هم در استراتژی های جهانی در مورد خاورمیانه و هم در استراتژی های منطقه‌ای و محلی حائز اهمیت می‌باشند.<sup>۱۹۰</sup>

به گواه تاریخ،

کردها در اصل، بخشی از اقوام آریایی هستند که در کوهستان های غربی ایران، عراق و ترکیه و بخش کوچکی از سوریه شمالی زندگی می کنند. آن‌ها تیره‌ای از نژادهای قدیم ایران اند که از چندین قرن پیش، در کوه های زاگوس مسکن گزیده‌اند. بعد از ساسانیان

ص: ۱۱۴

که ایران به چنگ اعراب افتاد، کردها از آنان اطاعت نکرده و به کوهستان های غرب رفتند که منطقه‌ای صعب العبور بود و آن را به صورت پناهگاه خوبی برای خود درآوردند .... کشور عراق، ریشه‌دارترین مشکل را در رابطه با کودها دارد؛ چرا که کردها، سالیان درازی برای احراز خودمختاری با حکومت‌های وقت دشمنی داشته‌اند.<sup>۱۹۱</sup>

و آن‌که بیش از همه از این عداوت و دشمنی سود برد، استعمار انگلستان بود . با فروپاشی شوروی، ترس از اتحاد ترکیه، آذربایجان ایران، انگلستان را واداشت از جامعه کرد به ع نوان ابزار اعمال سیاست خویش استفاده کند . پراکندگی کردها در سه کشور ایران، عراق و ترکیه، می‌توانست مانع بسیار مهمی برای استقرار چنین اتحادی باشد.

کردهای عراق، ترکیه و ایران از نظر وضع استقرار، نسبت به حکومت های مرکزی حالتی حاشیه‌ای و پیرامونی دارند. این حالت سبب شده است تا این حکومت ها، در گذشته به دلیل دوری و کوهستانی بودن این مناطق، نه تنها نتوانند تابعیت سیاسی آن‌ها را به دست بیاورند، بلکه برای استقرار سلطه نیز دچار مشکل باشند . کردهای شمال عراق تحت تأثیر انشعابات خویشاوندی شاخه شاخه نشده‌اند و این ارتباط خویشاوندی است که در مناطق کردنشین بر آن ها حکومت دارد.<sup>۱۹۲</sup>

اما دلیل اصلی این همگرایی چه می‌تواند باشد. شواهد نشان می‌دهد که

علاوه بر هم زبانی و هم کیشی، کردها خود را قربانی تقسیم نادرست استعمار انگلیس می دانند ... در مقابل این عوامل همگرایی، عوامل بسیار زیادی نیز در جهت واگرایی کردها نسبت به حکومت های مرکزی کمک کرده است، از جمله : زبان، فرهنگ، اقتصاد، فراهم نبودن زمینه مناسب جهت مشارکت کردها در اداره کشور و سرنوشت سیاسی آن، عدم وجود شبکه‌های ارتباطی، وضعیت بد معیشتی و اقتصادی به دلیل سرمایه گذاری حکومت‌های وقت و بخش‌های مختلف، و بالاخره ریشه‌های تاریخی.<sup>۱۹۳</sup>

<sup>۱۹۰</sup> (۲). عزت الله عزتی، پیشین، ص ۱۱۱.

<sup>۱۹۱</sup> (۱). همان، ص ۱۱۳.

<sup>۱۹۲</sup> (۲). همان، ص ۱۱۵.

<sup>۱۹۳</sup> (۳). همان.

به طور کلی باید گفت این کشور، فاقد یک انسجام ملی و همبستگی نژادی و قومی و مذهبی است و بنابراین، حس منافع مشترک ملی در آن ها قدری ضعیف است. گرچه حضور آمریکا در یک سال گذشته و وجود دشمنی مشترک، در تقویت این حس ملی مؤثر بوده است. به هر حال، با توجه به وضعیت کنونی عراق و عدم تثبیت حاکمیتی مقتدر در این کشور، هم چنین پافشاری مردم در برقراری حکومتی دموکراتیک، استقرار یک دولت دایمی در آینده، تا حد بسیاری تحت تأثیر بافت اجتماعی این کشور و عوامل جمعیتی آن خواهد بود.

### شبکه‌های ارتباطی

عراق سه بندر بصره، ام القصر و خاوه دارد:

الف. بندر بصره، در شمال اروندرود و در ۱۲۰ کیلومتری خلیج فارس واقع شده است و تنها راه دسترسی به آن، اروندرود می‌باشد.

ب. بندر ام القصر در کنار خور ام القصر که خوری پر از جزر و مد است، واقع شده است. راه دسترسی به بندر مذکور نیز خور عبد الله و خور شطنه می باشد که آب های آن، میان عراق و کویت مشترک است. به عبارت دیگر، جزایر وره و بومیان کویت، مشرف بر بندر ام القصر می باشند. به همین جهت، عراق اظهار می داشت به راحتی نمی تواند به آب های خلیج فلوس دسترسی داشته باشد، مگر این که دو جزیره وره و بومیان را تصرف کند. هم چنین راه های دسترسی به بنادر مذکور، باریک و نگهداری آن ها بسیار پرهزینه است ....

ج. سومین بندر عراق، بندر خاوه می باشد که در دهانه اروندرود واقع شده است. این بندر هم برای کشتی رانی مناسب نمی باشد؛ زیرا سواحل دو طرف آن باتلاقی و رسوبی است. به همین جهت، عراق ناگزیر بوده که اسکله شناوری به صورت جزایر مصنوعی در فاصله نزدیکی با این بندر احداث کند. در این مورد، می توان از اسکله های البکر و الامیه نام برد.<sup>۱۹۴</sup>

بندر معروف خاوه بندر صادراتی بوده است که به وسیله خط لوله پنجاه میلیون تنی، نفت حوزه های رمایله و الزبیر و حتی کرکوک را صادر می نمود. خطوط لوله عمده نفتی عبارت اند از:

۱. دو خط لوله از منطقه کرکوک به ساحل اسکندرون در ترکیه؛

۲. خط لوله نفتی کرکوک - رمایله - خاوه؛

۳. خط لوله نفتی کرکوک به بایناس در سوریه و تریپولی در لبنان؛

<sup>۱۹۴</sup> (۱). دکتر اصغر جعفری ولدانی، کانون های بحران در خلیج فارس، ص ۲۹۱.

۴. خطوط لوله نفتی بصره به بندر ینبوع در عربستان.<sup>۱۹۵</sup>

به نقل از روزنامه شرق (۳ دی ماه ۱۳۸۲) در حال حاضر، حدود ۱۱۰ تا ۱۲۰ روزنامه و نشریه در این کشور منتشر می‌شود.

### جغرافیای سیاسی سیستم اجرایی

با تهاجم گسترده آمریکا به این کشور در مارس سال ۲۰۰۳ (۲۱ اسفندماه ۱۳۸۱) و تصرف آن توسط نیروهای آمریکایی - انگلیسی، دولت صدام حسین سقوط کرد و پس از آن، حکومت عراق به حاکم غیر نظامی آمریکایی، بلر واگذار گردید. گرچه به صورت فرمایشی حکومت انتقالی عراق وامدار حاکمیت عراق شد، ولی در اصل این آمریکا بود که بر عراق حکومت می‌کرد تا این که در مارس سال ۲۰۰۴ (اسفندماه ۱۳۸۲) و پس از حوادث روز عاشورای کربلا و کاظمین و بمب‌گذاری‌های متعدد در نقاط مختلف عراق، مجلس اعلای این کشور پس از ماه‌ها جدال و بحث و منازعه، بالاخره با فدرالی شدن عراق به صورت موقتی موافقت نمود و این کشور، در حال حاضر (در زمان نگارش این نوشتار) شاهد حکومتی فدرالی است که البته موقتی می‌باشد. به دلیل حوادثی که در یک سال گذشته رخ داده است، هنوز حکومت مقتدری بر عراق حاکم نشده و ناامنی و بی‌نظمی بر این کشور حاکم است و دولت مرکزی، نتوانسته کنترل کاملی بر تمامی نقاط کشور داشته باشد.

### جغرافیای سیاسی کویت جغرافیای سیاسی سرزمین و ویژگی‌های فیزیکی آن

این کشور در منتهی الیه شمال غربی خلیج فارس، میان سه کشور قدرتمند منطقه‌ای؛

ص: ۱۱۷

ایران، عربستان و عراق قرار دارد که این موقعیت، به لحاظ جغرافیایی اهمیت خاصی بدان بخشیده است.

کشور کویت با مساحت ۱۷۸۱۷ کیلومتر مربع [و به روایتی ۱۷۸۱۸ کیلومتر مربع] و جمعیت حدوداً دو میلیون نفر [و به روایتی ۲/۳۰ میلیون نفر]، جزو کشورهای کوچک طبقه بندی می‌شود. از آن‌جا که فعالیت‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و غیره پیرامون شهر (کویت) می‌چرخد، از نظر مساحت و جمعیت می‌توان مفهوم دولت - شهر را بر کویت اطلاق کرد. از طرفی، موقعیت جغرافیایی کویت و هم‌مرزی با کشورهای بزرگ منطقه چون ایران، عربستان و عراق، مشکل بقا و امنیت را، به صورت بزرگ‌ترین و مهم‌ترین مشکل مبتلا به کویت درآورده است.<sup>۱۹۶</sup>

در واقع، از یکسو کویت به دلیل وسعت کم، از موقعیتی آسیب‌پذیر برخوردار است؛ چراکه امکان پراکندگی جمعیت و مراکز صنعتی برای این کشور فراهم نیست و دشمن می‌تواند به راحتی آن را تصرف کند، آن‌گونه که عراق در جنگ دوم خلیج فارس چنین کرد و از سوی دیگر، داشتن همسایگان پر قدرتی چون ایران، عراق و عربستان، همواره نوعی تهدید برای این کشور به شمار می‌آید و به همین دلیل، کویت فاقد عمق استراتژیکی مطلوب است.

<sup>۱۹۵</sup> (۱). محمد رضا حافظنیا، پیشین، ص ۲۵۹.

<sup>۱۹۶</sup> (۱). لواء فیلی رودباری، پیشین، ص ۱۷.

قرار گرفتن بین ۸ و ۳۰ درجه عرض و ۴۶ و ۴۸ درجه طول شرقی، آب و هوایی گرم برای این کشور به ارمغان آورده است.

کویت سرزمینی است مسطح و بیابانی که سطح آن را ماسه پوشانده است. این وضعیت، با شیب تدریجی از بیشترین ارتفاع یعنی سیصد متر در دورترین ناحیه غربی، از سوی «السالمی و التقایا» تا ساحل شرقی خلیج فارس امتداد دارد. ناحیه شمالی کشور با تپه‌ای که به صورت پراکنده در آن وجود دارد، متمایز می‌شود. این تپه‌ها با نزدیک شدن به ساحل، شکل زنجیره‌ای متصل در طول ساحل شمالی به خود می‌گیرند که نام «جان الزور» بر آن اطلاق می‌شود. ارتفاع این تپه‌های زنجیره‌ای شکل، به حدود ۱۴۵ متر می‌رسد و به بیابان «ام الرم» ختم می‌شود. در کویت عوارض طبیعی چون کوه و رود وجود ندارد.<sup>۱۹۷</sup>

ص: ۱۱۸

اقتصاد این کشور، در گذشته همانند بحرین به صید مروارید متکی بود، ولی با کشف نفت، تحولی عمیق در آن رخ داد، به گونه‌ای که هم‌اینک پس از عربستان، ایران و عراق، کویت چهارمین کشور منطقه خلیج فارس از نظر ذخیره نفتی است. کویت با وجود وسعت کم، یکی از بزرگ‌ترین کشورهای تولیدکننده نفت جهان است.

ذخایر نفتی این کشور، هفتاد میلیارد بشکه تخمین زده می‌شود که بیش از سه برابر ذخایر نفتی ایالات متحده آمریکا و ده درصد کل ذخایر نفتی جهان است.<sup>۱۹۸</sup>

به نقل از خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، با افزایش قیمت نفت در سال جاری (۲۰۰۴ م)، درآمد نفتی کویت به بیش از بیست میلیارد دلار رسیده است که در مجموع، درآمد این کشور را به ۲۳ میلیارد دلار رسانده است.

ذخیره گاز این کشور نیز از اهمیت شایانی برخوردار است. «ذخایر گاز طبیعی شناخته شده در کویت، ۱۴۹۸ میلیارد متر مکعب تخمین زده می‌شود».<sup>۱۹۹</sup>

پایتخت این کشور، شهر کویت است که از جنبه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی و ... حائز اهمیت می‌باشد.

### جغرافیای سیاسی مرزهای بین‌المللی

همان‌گونه که در بحث عراق نیز اشاره شد، عراق همواره نسبت به کویت ادعای ارضی داشته و کویت را بخشی از کشور خود دانسته و آن را دنباله استان بصره به شمار می‌آورده است.

---

<sup>۱۹۷</sup> (۲). همان، ص ۱.

<sup>۱۹۸</sup> (۱). همان، ص ۴۱.

<sup>۱۹۹</sup> (۲). همان، ص ۴۶.

عربستان سعودی نیز همانند عراق، نسبت به کویت مطامع توسعه طلبانه داشته است. این کشور، چندین مرتبه درصدد ضمیمه کردن کویت به خاک خود برآمده است. حتی یک بار در ۱۸۰۳، آن را به اشغال خود درآورد. عربستان سعودی دوبار در جریان جنگ جهانی اول و دوم درصدد تصرف کویت برآمد، اما با مخالفت بریتانیا روبه رو شد. مرزهای کویت و عربستان سعودی تا ۱۹۲۲ نامعلوم بود و این امر، موجب درگیری‌های

ص: ۱۱۹

شدیدی بین قبیله‌های متخاصم بر سر حقوق چراگاه‌های واقع میان دو کشور شده بود .... (مذاکرات دو کشور به انعقاد قرارداد عقیر در سال ۱۹۲۲ انجامید). به موجب این معاهده، مرزهای دو کشور تعیین و یک «منطقه بی طرف» نیز به وسعت ۲۲۰۰ مایل مربع (۵۶۹۸ کیلومتر مربع) ایجاد شد. منطقه بی طرف به خاطر دسترسی آزادانه قبیله‌های دو کشور به منابع آب و چراگاه‌های این منطقه به وجود آمد. اما بعدها به علت کشف نفت، بر اهمیت آن افزوده شد.<sup>۲۰۰</sup>

و بنابراین در سال ۱۹۶۵، موافقت‌نامه ۱۹۲۲ لغو و این منطقه، به تساوی بین دو کشور تقسیم شد، ولی هم چنان پتانسیل بحران در بین آن‌ها وجود دارد. هم‌چنین آن گونه که پیش تر نیز مطرح کردیم، مرزهای آبی کویت - عراق و کویت - ایران، هم‌چنان مورد مناقشه این کشورهاست و به عنوان یک منبع بالقوه تهدید در منطقه به شمار می‌آید.

به طور سنتی، روابط کویت با بلوک غرب به ویژه آمریکا گسترده بوده است.<sup>۲۰۱</sup>

همان گونه که اشاره کردیم، این کشور همواره برای فرار از تهدیدهای منطقه ای، به آمریکا و کشورهای اروپایی متوصل می‌شده است. البته کویت به دلیل وضعیت اقتصادی مطلوب، همواره سعی نموده تهدیدها را با پول بخرد.

رابطه این کشور با جمهوری اسلامی ایران، ارتباط نزدیک با تحولات منطقه ای دارد. گرچه این کشور جزو نخستین کشورهای منطقه بود که جمهوری اسلامی ایران را پس از انقلاب به رسمیت شناخت، ولی با آغاز جنگ ایران و عراق، اگرچه اظهار بی طرفی کرد، جانب کشور عربی عراق را گرفت و روابط دو کشور رو به سردی نهاد. اما پس از پایان جنگ و به ویژه با آغا ز اشغال کویت از سوی عراق و حمایت ایران از این کشور، روند جدیدی در روابط دو کشور ایجاد شد.

### جغرافیای سیاسی و عوامل جمعیتی

بر اساس آخرین سرشماری‌ها در اطلس جهانی، جمعیت این کشور حدود ۱۹۹۱۱۱۵ نفر

ص: ۱۲۰

اعلام شده است. البته در برخی کتاب‌ها، این میزان ۲/۳۰ میلیون نفر هم برآورد شده که حدود ۳۲ درصد از آنان زیر ۱۴ سال، ۶۶ درصد جمعیت فعال بین ۱۵ تا ۶۴ سال و بقیه بالای ۶۵ سال دارند.

<sup>۲۰۰</sup> (۱). اصغر جعفری ولدانی، روابط عراق و کویت، ص ۱۸۷.

<sup>۲۰۱</sup> (۲). لواء قبلی رودباری، پیشین، ص ۱۴۸.

تنوع قومیتی در بافت اجتماعی این کشور، امکان برقراری انسجام ملی را دشوار ساخته است.

مردم کویت از نژاد سفید و از تیره آریایی و سامی بوده و در میان آن‌ها، سایر نژادهای عرب مانند عدنانی‌ها (که نخستین گروه مهاجر از نجد به این سرزمین در جمع قبیله عنره بوده اند) و قحطانی‌ها نیز یافت می‌شود. تقسیم‌بندی قبیله‌ای در جامعه امروزی کویت، بر اثر اختلاط و امتزاج‌ها به شدت پیچیده شده است. عشایر و قبایل کویت را می‌توان به دو دسته کلی عشایر منسوبه (عشایر معلومه النسب) و عشایر غیر منسوبه (عشایر مجهول النسب) تقسیم کرد .... عشایر دیگری چون بنو هاجر، بنی خالد، اسبعی، دو امیر، بنی مره و جوالر نیز در کویت حضور دارند.<sup>۲۰۳</sup>

تقریباً همه مردم این کشور مسلمان اند و به استثنای سی درصد جمعیت شیعه [برخی دایره المعارف‌ها شیعیان را چهل درصد تخمین زده‌اند] که شامل ایرانیان، احساسی‌ها و برخی از بحرینی‌ها است، بقیه پیرو مذهب تسنن می‌باشند که اکثر مالکی‌اند، ولی در میان آنان، پیروان مذاهب شافعی، حنبلی و حنفی هم دیده می‌شوند.<sup>۲۰۴</sup>

ص: ۱۲۱

### شبکه‌های ارتباطی

جامعه کویت، در سال ۱۹۴۰ با مطبوعات آشنایی پیدا کرد و از آن پس، روزبه روز بر نقش مطبوعات در این کشور افزوده شد .... مطبوعات کویت از نظر محتوا، تنوع و تیراژ، نسبت به سایر کشورهای منطقه برتری دارد. مطبوعات این کشور به صورت روزنامه، مجلات هفتگی و ماهنامه، به دو زبان عربی و انگلیسی و گاهی با ضمیمه‌های اردو و فرانسه منتشر می‌شود. بیش‌تر مطبوعات، به نوعی وابسته به جناح‌های مختلف حاکم در کویت می‌باشند که در نهایت، سیاست دولت را مدنظر دارند.<sup>۲۰۵</sup>

رسانه‌های مهم کویت عبارت‌اند از الراى العام، السياسه، الانباء، الوطن، القبس، کویت تایمز، عرب تایمز، العربی، مجله دراسات الخلیج و الجزیره العربیه.<sup>۲۰۶</sup>

رادیو کویت از سال ۱۹۵۱ فعالیت خود را آغاز نمود و قبل از اشغال این کشور از سوی رژیم عراق، با چهار فرستنده برنامه‌های خود را به زبان‌های عربی، انگلیسی، فرانسه و فارسی پخش می‌کرد. پس از آزادسازی کویت، پخش برنامه‌های فارسی رادیو کویت قطع شد. رادیو کویت به طور ۲۴ ساعته، علاوه بر زبان عربی، برنامه‌هایی نیز به زبان‌های انگلیسی و فرانسه پخش می‌کند .... در کویت، فرستنده رادیویی یا تلویزیونی خصوصی وجود ندارد و این رسانه گروهی، در کنترل کامل دولت است و سیاست‌های حکومت، در کلیه برنامه‌های آن اعمال و اخبار رسمی و مورد تأیید

<sup>۲۰۲</sup> (۱) ۲۰۰۳. dc .salta dlroW.

<sup>۲۰۳</sup> (۲). لواء فیلی رودباری، پیشین، صص ۱۳ و ۱۴.

<sup>۲۰۴</sup> (۳). همان، ص ۱۹.

<sup>۲۰۵</sup> (۱). همان، ص ۲۷.

<sup>۲۰۶</sup> (۲). لواء فیلی رودباری، پیشین، صص ۲۷-۲۹.

مقامات کویتی از این طریق پخش می شود .... کویت دارای یک سازمان خبری به نام سازمان خبرگزاری کویت [می باشد] که نام اختصاری آن «کونا» است.<sup>۲۰۷</sup>

شاید بتوان گفت کویت، تمامی صادرات به ویژه صادرات نفتی خود را از طریق تنگه هرمز انجام می دهد و بنابراین، این نکته در حمل و نقل خارجی کویت اهمیت ویژه ای دارد.

اصولا کویت دارای چهار بندر عمده است . دو بندر قدیمی، یعنی مینا احمدی و مینا عبد الله اختصاص به صدور نفت کویت دارد .... کویت دارای دو بندر جدید نیز به نام های شوینخ و شعبیه است.<sup>۲۰۸</sup>

ص: ۱۲۲

تجارت خارجی کویت، از طریق بنادر مهم شعبیه و شوینخ و ترمینال نفتی الاحمدی صورت می پذیرد.<sup>۲۰۹</sup>

### سیستم اجرایی

این شیخ نشین نیز همانند دیگر کشورهای منطقه، به صورت سنتی و قبیله ای اداره می شود و حاکمیت در اختیار خاندان آل صباح است در قانون اساسی این کشور آمده که

کویت دولتی عرب، مستقل و دارای حاکمیت و بخشی از امت عرب معرفی شده است.

دین رسمی کشور اسلام و زبان رسمی آن عربی است.<sup>۲۱۰</sup>

حکومت بر این کشور، در خاندان «مبارک الصباح» موروثی است و ولیعهد نیز باید ظرف یک سال پس از تعیین امیر، با پیشنهاد وی و تصویب مجلس ملی، از میان افراد ذی صلاحیت همین خاندان انتخاب گردد.<sup>۲۱۱</sup>

به لحاظ شکل سازمان دهی داخلی، کویت کشور بسیطی است که به دلیل کمی وسعت، کنترل حکومت بر تمام بخش های آن به راحتی صورت می گیرد.

اما به طور کلی ساختار سیاسی این کشور به گونه ای است که می توان گفت:

از بین کشورهای منطقه، در یک چارچوب عربی و خلیجی به الگوی سیاسی دموکراسی غربی نزدیک تر است و در عین حال، این ساختار ارزش های محلی و چارچوب های سنتی را در سایه نبود احزاب سیاسی مرعی داشته است . علاوه بر مجلس امت، کویت با داشتن صدها دیوانیه (نوعی اماکن عمومی است که در آن جلسات مردمی برگزار می شود) از

<sup>۲۰۷</sup> (۳). همان، ص ۳۰.

<sup>۲۰۸</sup> (۴). اصغر جعفری ولدانی، روابط عراق و کویت، ص ۲۳۱.

<sup>۲۰۹</sup> (۱). محمد رضا حافظنیا، پیشین، ص ۲۷۴.

<sup>۲۱۰</sup> (۲). لواء فیلی رودباری، پیشین، ص ۱۱۶.

<sup>۲۱۱</sup> (۳). همان.

زیربنای وسیعی از نهادهای جامعه مدنی برخوردار است. از سوی دیگر، انجمن‌های عام المنفعه گروه‌هایی تأثیرگذار در شکل‌گیری تصمیم‌های سیاسی به شمار می‌آیند.<sup>۲۱۲</sup>

ص: ۱۲۳

### نتیجه‌گیری

خلیج فارس از جنبه‌های مختلف سیاسی، از مهم‌ترین مناطق جهان به شمار می‌آید، به ویژه آن‌که بیش از ۳/۴ مخازن نفتی جهان در آن قرار دارد. در واقع وقتی از اهمیت استراتژیک خلیج فارس سخن به میان می‌آید، چهار ویژگی این منطقه مورد توجه است.

نخست این‌که خلیج فارس به عنوان حلقه ارتباطی سه قاره، از گذشته‌های دور جایگاه ویژه‌ای را در ارتباطات بین قاره‌ای به خود اختصاص داده و هم‌چنین وجود تنگه هرمز که یکی از سه تنگه مهم بین‌المللی است، موقعیت خاصی را برای منطقه فراهم آورده است.

دومین ویژگی، وجود ذخایر عظیم نفت و گاز و منابع طبیعی موجود می‌باشد. هم‌چنین این حوزه، بازار مصرف خوبی برای کالاهای لوکس خارجی است و بدین وسیله، نگاه نیازمندان جهانی به این منطقه معطوف گشته است. از سوی دیگر، به لحاظ ایدئولوژیکی به عنوان مرکز جهان اسلام تلقی می‌گردد، به گونه‌ای که می‌توان از آن به عنوان رهبری جهان اسلام نام برد.

این چهار مؤلفه، مهم‌ترین فاکتورهای اهمیت خلیج فارس است و از این رو، توجه قدرت‌های بزرگ، بیش از هر نقطه دیگر جهان به این منطقه جلب شده، به طوری که هر نوع تغییر و تحولی در آن، بازتاب‌های گسترده‌ای در سطح جهانی بر جای می‌گذارد.

ص: ۱۲۵

### فصل سوم جغرافیای سیاسی شیعیان خلیج فارس

ص: ۱۲۷

#### مقدمه

زندگی سیاسی - اجتماعی شیعیان خلیج فارس را باید در دو منطقه سواحل شمالی و جنوبی به صورت جداگانه بررسی کرد. شیعیان که در سواحل شمالی به سر می‌برند، جایگاه و موقعیت مطلوبی دارند. این بخش از خلیج فارس که در کنف حاکمیت جمهوری اسلامی ایران قرار دارد، هم به لحاظ جمعیتی و آماری و هم از حوزه فرهنگی و مذهبی، حائز اهمیت است. از یکسو، بیش از ۹۸ درصد جمعیت این کشور را شیعیان تشکیل می‌دهند و از سویی دیگر، تشیع مذهب رسمی

<sup>۲۱۲</sup> (۴). همان، ۱۲۳.

آن قلمداد شده که جایگاه ویژه ای را برای شیعیان منطقه و جهان فراهم آورده است. به واقع باید گفت شیعیان در این بخش خلیج فارس، هم به لحاظ سیاسی، هم جمعیتی، و هم اجتماعی و فرهنگی از جایگاه برتری به نسبت شیعیان منطقۀ برخوردارند و این برتری، تنها در حوزه منطقه ای خلاصه نمی‌شود. به یقین، ایران پایگاه مهمی برای جهان تشیع به شمار می‌آید و از جنبه‌های مختلف، می‌تواند راهی برای تغذیه شیعیان دیگر نقاط جهان باشد.

در سواحل جنوبی خلیج فارس که از آن به شبه جزیره عربستان نیز یاد می‌شود، اوضاع قدری پیچیده تر است. شیعیان که به عنوان یک اقلیت مذهبی هستند، بزرگ ترین مشکل ژئوپولیتیکی را برای بیش تر کشورهای این بخش فراهم آورده‌اند.

از بعد داخلی، این گروه مذهبی گرچه در برخی کشورهای منطقه به لحاظ جمعیتی در اکثریت به سر می‌برند، ولی در تمام این کشورها، به لحاظ سیاسی اقلیتی طرد شده هستند که در طول سالیان طولانی، از محرومیت های سیاسی، اقتصادی و حتی اجتماعی رنج برده‌اند.

نکته قابل تأمل این است که بیش تر آنان، در مناطق حساس ژئوپولیتیکی، به ویژه مناطق نفت خیز سکنی گزیده‌اند که این حضور، از جنبه‌های مختلف برای دولت‌های منطقه مشکل ساز و گاه خطرآفرین است.

ص: ۱۲۸

از بعد خارجی یا منطقه ای، حضور ایران شیعی در سواحل شمالی که خود را هدایتگر و نجات بخش محرومان جهان به طور عام و شیعیان به طور خاص قلمداد می‌کند، مشکل دیگری برای دولت های منطقه فراهم آورده است. این آرمان که در برخی برهه‌های زمانی، گرایش‌های گریز از مرکز را سبب شده، بیش از دیگر عوامل، منافع ملی این کشورها را تهدید می‌کند.

نخستین استراتژی این دولت ها در قبال شیعیان، در انزوا قرار دادن هرچه بیش تر این اقلیت ها بوده است، به گونه‌ای که آنان برای رهایی از فشار گروه های سنی، به مناطق دورافتاده و ساحلی پناه بردند. مناطقی که آنان برای سکونت خود اختیار کردند، دو ویژگی عمده داشت: اول آن‌که از مراکز سیاسی کشور دور بوده و آنان می‌توانستند فارغ از جنجال‌های سیاسی، قومی و مذهبی، زندگی گروهی خاص خود را داشته باشند؛ دوم آن که دسترسی به دریا، امکان ارتباط با هم‌کیشان خود، به ویژه شیعیان ایرانی را فراهم می‌آورد.

آن‌ها در زندگی روستایی خود، در انزوا به سر می‌بردند و تنها تماس‌های تجاری آنان با هم‌کیشان ایرانی‌شان، از شدت این انزوا می‌کاست.<sup>۲۱۳</sup>

این انزوا، باعث شد تا آنان از جنبه‌های مختلف سیاسی - اقتصادی و اجتماعی جامعه عقب‌نگه داشته شوند، به گونه‌ای که

<sup>۲۱۳</sup> (۱). جوزف کاستیز، «ناآرامی شیعیان در خلیج فارس»، تشیع و مقاومت و انقلاب، ص ۲۳۸.

در هیچ یک از کشورهای عربی خلیج (فارس)، شیعیان سمت های عمده ای را در ارتش، نیروهای امنیتی یا مؤسسات خارجی و دفاعی بر عهده ندارند. بدین سان، آنان از ایفای هر نقشی در تدوین سیاست در سطح عالی کشور برکنار هستند.<sup>۲۱۴</sup>

به لحاظ اقتصادی، در برخی از این کشورها شیعیان در تلاش بوده اند ضعف سیاسی خود را با مشارکت در اقتصاد کشور جبران نمایند، اما در برخی مناطق، آنان حتی از فعالیت مؤثر در اقتصاد نیز عقب رانده شده اند و در مناطق روستایی و دورافتاده به کشاورزی و دامپروری

ص: ۱۲۹

مشغول اند. این گونه محرومیت ها به طور عمد از سوی دولت ها به این اقلیت تحمیل شده که البته خواست قدرت های فرامنطقه ای نیز در این خطمشی ها بی اثر نبوده که در فصل چهارم به آن اشاره خواهیم کرد.

اما در هر حال،

شیعیان خلیج فارس، اینک در یک خط ساحلی که از لحاظ استراتژیکی و اقتصادی دارای اهمیت است، سکنی گزیده اند. این خط ساحلی، دارای منابع غنی نفت است و در سال های اخیر، به سرعت مدرنیزه شده و سیل کثیری از بیگانگان به آن جا آمده اند.

در نتیجه، جوامع شیعه س اکن خلیج (فارس)، در معرض نفوذهای متفاوت و حتی متضادی قرار گرفته اند. از یکسو، هم چنان محرومیت نسبی و تبعیض را تجربه می کنند و از سوی دیگر، سیاست دروازه های باز کشورهای خلیج (فارس)، فرصت ها و امکانات عظیم و نوینی را برای بهبود وضع سکنه فراهم آورده است. این عوامل، تا حدی با یکدیگر تعارض پیدا کرده اند و موازنه ای با ثبات در داخل جوامع شیعه پدید آورده اند.<sup>۲۱۵</sup>

همان گونه که در مقدمه اشاره کردیم، از آن جا که وضعیت سیاسی - اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی شیعیان ایران بدیهی و ملموس است، برای گریز از طولانی شدن بحث، به زندگی سیاسی - اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی شیعیان دیگر کشورهای منطقه می پردازیم و وضعیت مطلوب شیعیان ایران را، مفروض خویش قرار می دهیم.

### شیعیان عمان

حدود ۲۳ درصد جمعیت کل این کشور را شیعیان تشکیل می دهند. این آمار، گرچه بر اساس اطلس جهانی ارائه شده، ولی باز هم تخمینی است. در هر حال، تقریباً ۱/۴ جمعیت عمان شیعه هستند که قابل توجه است. شیعیان عمان، تقریباً در تمامی شهرهای مسقط، باطنه، مطرح، سویق، خابوره، مسندم، صور و ... پراکنده اند، ولی بیش تر آنان در مسقط و شهرهای استان ساحلی باطنه متمرکز شده اند.

<sup>۲۱۴</sup> (۲). همان، ص ۲۴۰.

<sup>۲۱۵</sup> (۱). همان، ص ۲۳۸.

بخشی از آن‌ها با نام خوجه شناخته می‌شوند که در اصل هندی بوده و به نام حیدرآبادی شهرت دارند. دسته‌ای دیگر، بحارنه هستند که مهاجرین بحرین و مناطق شمالی خلیج فارس هستند، دسته‌ای نیز عجم‌اند.<sup>۲۱۶</sup>

به نظر می‌رسد گروه سوم، در یکصد سال گذشته از شهرهای جنوبی ایران به عمان رفته‌اند.

بنابراین، ظاهراً تمامی این افراد از مهاجرانی هستند که در طول سالیان طولانی به عمان مهاجرت کرده‌اند و از این‌رو به اعتقاد برخی، عمانی الاصل نیستند؛ در حالی که برخی دیگر نظری متفاوت ارائه می‌دهند. به اعتقاد آنان، همان‌گونه که در فصل یک نیز اشاره کردیم، این گروه‌ها در اصل عمانی‌هایی هستند که پس از سال‌ها مهاجرت به کشورهای بحرین، هند و ...، به وطن خویش بازگشته‌اند.

حیدرآبادی‌ها (خوجه‌ها) به سبب آشنایی با زبان انگلیسی و نیز آگاهی از اصول جدید تجارت، به سرعت پیشرفت کردند و بخش مهمی از بازار مسقط و عمان را در دست گرفتند. هم‌چنین، افرادی از آن‌ها در دستگاه سلطنت کارهای دولتی به عهده دارند.

وضع نسبتاً مرفه لواتیا<sup>۲۱۷</sup> که آن‌ها را بخش متمایز جامعه ساخته است، به آنان امکان می‌دهد که سفر کنند و با خویشاوندان خود در هندوستان تماس یابند، و نیز از امکان مقدسه شیعیان در عراق و ایران بازدید کنند و پیوسته آگاهی بیش‌تری به مسایل جهان و اوضاع روز به دست آورند و از خود طبقه آگاه و کارآمدی به وجود آورند. کوچک بودن عمان و نزدیکی محل زندگی لواتیا در مطرح به دربار خانواده‌های درباری در مسقط قدیم، رابطه ویژه‌ای بین دو طرف ایجاد کرده است. در تحولات سیاسی- اجتماعی عمان، هم‌چون جنگ‌های داخلی بین طرفداران سلطنت و طرفداران امامت و جنگ‌های خارجی، مانند جنگ بریمی بین عمان و عربستان سعودی در سال ۱۹۵۶ و نیز در مشکلات و مسایل اقتصادی کشور، حمایت دوجانبه سلطان و لواتیا در کار بوده. شاید انگیزه اصلی حمایت لواتیا از سلطان، جلب پشتیبانی او در برخوردهای قبیله‌ای و اعتقادی لواتیاست که اقلیت بودن آنان ضروری می‌داشت.<sup>۲۱۸</sup>

بحارنه، گرچه کوچک‌ترین جامعه شیعیان عمان را تشکیل می‌دهد، به سبب وجود افراد ذی نفوذی که در دستگاه دولت دارد و نیز اعتبار تجار بزرگ آن، از معروفیت و موقعیتی مشابه با شیعیان لواتی برخوردار است. اما عجم‌ها علی‌رغم تعداد زیادشان، عمدتاً به اموری هم‌چون دست‌ورزی و یا کاسبی جزء و پیشه‌وری اشتغال دارند.

<sup>۲۱۶</sup> (۱). رسول جعفریان، پیشین، ص ۴۹.

<sup>۲۱۷</sup> (۲). بزرگ‌ترین جامعه شیعیان عمان (همان حیدرآبادی‌ها) و بیش‌ترشان از تاجران معروف این کشور هستند.

<sup>۲۱۸</sup> (۳). محمد عرب، آشنایی با مذهب اباضی، ص ۷۴ و ۷۵.

عجم‌ها در گذشته محل خاصی در کنار کوی لواتیا در مطرح داشتند که پس از واقع شدن آن در طرح توسعه شهری از سوی دولت، به منطقه دورافتاده الخوض انتقال داده شدند.<sup>۲۱۹</sup>

افزون بر این سه گروه که وصف آنان شد، گروه‌های شیعی دیگر از مناطقی چون لبنان، سودان، عراق، عربستان، بحرین، پاکستان و ... در جستجوی کار به این کشور روی آورده‌اند که برای خود تشکیلات خاصی دارند.

البته خوجه‌ها به نسبت دیگر گروه‌های شیعه، زودتر به این کشور وارد شده‌اند و توانسته‌اند در بخش‌های اقتصادی و حتی برخی از دستگاه‌های دولتی نفوذ کنند. از میان آن‌ها، می‌توان برخی را یافت که جزو ثروتمندترین افراد عمان هستند و نفوذ قابل توجهی را از آن خود کرده‌اند. این گروه، عموماً از شیعیان دوازده‌امامی هستند که در مطرح ساکن‌اند. آنان،

سنت و آداب و رسوم و فرهنگ خود را حفظ کرده‌اند و اغلب این هندی‌ها، مذهب شیعه اسماعیلی داشتند و کم‌کم با تبلیغات مبلغین ایرانی که هر ساله از قدیم الایام به این کشور می‌رفتند، مذهب شیعه اثنی‌عشری را انتخاب کردند و هم‌اکنون قشر بزرگی را در این مملکت تشکیل می‌دهند.<sup>۲۲۰</sup>

خوجه‌ها در سواحل مطرح، محله‌های شیعه‌نشین بنا کرده و مدرسه، حسینیه و مسجدهای خاصی برای خود ساخته‌اند.

عجم‌ها نیز

مردمان متمدن و دارای فرهنگ‌های گوناگون بوده‌اند. بیش‌تر آن‌ها اهل بندرعباس، لار، رودون، راوند و بلوچستان هستند. یادآور می‌شویم که سیل مهاجرت عجم‌ها، به

ص: ۱۳۲

مناسبات دو کشور ایران و عمان در آن زمان سخت بستگی داشته‌است؛ چنان‌که هر بار روابط چه مثبت و چه منفی، به نهایت خود می‌رسید، اینان می‌توانسته‌اند در مهاجرنشین خود بمانند و دیگر بازنگردند. عجم‌ها در پایتخت کشور، مسقط، و در مطرح و حومه آن و در باطنه ساکن‌اند. کسانی از آنان نیز در مسندم و در شهر ساحلی صور اقامت دارند .... در بیش‌تر شهرهای باطنه و مسقط، مساجد و حسینیه و مؤسسات خیریه مانند اوقاف نیز دارند. قبیله عجم‌ها، اکنون به صورت یکی از مهم‌ترین قبایل شیعه عمان درآمده‌اند.<sup>۲۲۱</sup>

در مجموع به نظر می‌رسد موقعیت اجتماعی شیعیان عمان، نسبتاً رضایت‌بخش باشد.

فشارهای سیاسی کاهش یافته و اینک شیعیان از وضع مطلوبی به نسبت شیعیان منطقه برخوردارند و روابط مذاهب مختلف با یکدیگر، مسالمت‌آمیز و به دور از تنش است.

<sup>۲۱۹</sup> (۱). همان، ص ۷۵.

<sup>۲۲۰</sup> (۲). عباس یگانه، پیشین، ص ۱۱.

<sup>۲۲۱</sup> (۱). محمد عرب، پیشین، ص ۸۳.

در حال حاضر، پیروان مذاهب مختلف در عمان با کمال تفاهم و دوستی در کنار یکدیگر زندگی می‌کنند.<sup>۲۲۲</sup>

گرچه برخی، عدم تنش میان مذاهب مختلف را به ناآگاهی و جهل از مذهب خود نسبت می‌دهند و معتقدند بیش‌تر این گروه‌ها، مذهب خود را به صورت ارثی حفظ کرده‌اند و اطلاعات کمی از آن دارند، ولی به هر حال این عدم تنش، فرصت خوبی به شیعیان داده تا به فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی خود سروسامانی داده و با مسافرت به کشورهای شیعی چون ایران و استفاده از مدارس مذهبی این کشورها، وضعیت مطلوب‌تری برای خود فراهم کنند. برخی از این افراد پس از بازگشت

امامت مساجد شیعیان را در برخی از شهرهای عمان عهده‌دار گردیده‌اند.<sup>۲۲۳</sup>

ظاهراً برخی دیگر نیز به آموزش تعالیم مذهبی در مدارس علمیه که به تازگی احداث گردیده، مشغول می‌شوند.

ص: ۱۳۳

بیش‌تر شیعیان این کشور، به لحاظ اقتصادی در وضع مطلوبی به سر می‌برند و شاید همین امر سبب شده نسل جدید آنان، به تحصیل در سطوح بالای علمی مبادرت ورزند و در زمینه‌های علمی، از جایگاه ویژه‌ای برخوردار گردند که می‌تواند در آینده‌ای نه‌چندان دور، تأثیر شگرفی بر وضعیت سیاسی-اجتماعی آنان بر جای گذارد.

به لحاظ سیاسی، به طور کلی در این کشور نیز همانند دیگر کشورهای منطقه، از هرگونه تحرکات سیاسی جلوگیری می‌شود؛ چه این تحرکات شیعی باشد و چه غیر شیعی. اما از آن‌جا که مذهب رسمی، مذهب ابااضی (یکی از فرق اهل سنت) است، به یقین فعالیت‌های سیاسی شیعیان، حساسیت‌های بیش‌تری را برمی‌انگیزد. گرچه وضع سیاسی شیعیان این کشور در مقایسه با دیگر کشورها مطلوب‌تر است، ولی ردّپایی از تبعیض و بی‌عدالتی در این بعد، کاملاً مشهود است. البته شیعیانی هم که نفوذ بالایی دارند و توانسته‌اند به مراکز و دستگاه‌های حکومتی قدم گذارند، به بیش از پست معاونت وزیر دست نیافته‌اند و اگر هم تا سطح وزارت پیش رفته باشند، به رغم صلاحیت‌های آنان، وزارت دستگاه‌هایی به آن‌ها محول گردیده که چندان حساس و کلیدی نیست، مثل وزارت خدمات و عمران یا وزارت بهداشت؛ البته تعداد افرادی که توانسته‌اند به این سمت‌ها برسند، انگشت‌شمار است.

شیعیان عربستان

الف) فرقه وهابیت

بهتر است برای شناخت وضعیت شیعیان این منطقه، ابتدا آموزه‌های فرقه وهابیت را که مذهب رسمی این کشور است، بررسی کنیم. طرز تلقی وهابی‌ها از شیعه، در رفتارها و کنش‌هایی که در برابر شیعیان از خود نشان می‌دهند، تأثیر می‌گذارد.

<sup>۲۲۲</sup> (۲). عباس یگانه، پیشین، ص ۱۲.

<sup>۲۲۳</sup> (۳). محمد عرب، پیشین، ص ۷۷.

بنیانگذار فرقه وهابیت، محمد بن عبد الوهاب است و شعار اصلی این فرقه، بازگشت به اسلام سلف، با رد هرگونه شرک و خرافات می باشد. وهابی ها خود را الموحدون می دانند و بنابراین، هیچ کدام از گرایش ها و فرقه های اسلامی دیگر را نپذیرفته، همه آن ها را مشرک برمی شمارند. آنان با عقل (در فهم تعالیم اسلامی) مخالفت نموده، فلسفه، اجتهاد و تفسیر

ص: ۱۳۴

قرآن را رد می کنند و بیش از فرقه های دیگر به شیعیان عناد می ورزند. به اعتقاد آنان، احترام شیعیان به اماکن مقدس، شرک به شمار آمده، آن را تکفیر می کنند و همواره با تعدی به آرامگاه ائمه اطهار، خشم شیعیان را برمی انگیزند.

تجاوز از ظواهر دین به هر صورت و عنوان که انجام گیرد، از نظر آن ها محکوم است. از این رو، هم مخالف جدی عرفا، صوفیه و فلاسفه اند، و هم مخالف شیعه.<sup>۲۲۴</sup>

دکترین توحیدی خشک و انعطاف ناپذیر وهابی ها، احترام شیعیان به اعقاب حضرت علی علیه السلام و حضرت فاطمه زهرا علیها السلام و زیارت شیعیان از مزار شهدا برای درخواست شفاعت از آن ها را تحمل نمی کرد. وهابی ها، این قبیل مراسم را گناه کبیره «شرک» تلقی می کردند.<sup>۲۲۵</sup>

اما،

گرایش ضد شیعی بسیاری از مخالفین کنونی، خصوصا وهابیون و سلفیه، نتیجه فهم نادرست پیشینیان آن هاست (در یکسان انگاشتن باطنیان و اسماعیلیان با کل شیعه)؛ و متأسفانه این سوءفهم، هنوز هم ادامه دارد. جالب این جاست که اکثر این مخالفان، هنوز درک نکرده اند که شیعه را فرقه های مختلفی است که برخی از آن ها به شدت انحرافی اند و نه تنها مورد قبول اثنی عشریه نیستند، بلکه مورد طعن و لعن و تکفیر نیز هستند که بهترین نمونه اش، غلات اند که فقهای شیعه به نجاست آن ها فتوا داده اند ....

محکومیت شیعه در بعد سیاسی، از نظر آنان این است که شیعه به پیروی از احکام قرآن و سنت رسول صلی الله علیه و اله و ائمه اطهار علیهم السلام، در برابر قدرت حاکم که مجری احکام اسلام نیست و حاکمیت کشور اسلامی را در دست دارد و آن را غصب نموده است، ایستاده اند.<sup>۲۲۶</sup>

به واقع می توان گفت آموزه های سیاسی - مذهبی تشیع، بیش از هر فرقه دیگر، تعالیم وهابیت را به چالش می کشد. بر این اساس، تضادها و تناقضات دیدگاهی، در بعد اجتماعی با محرومیت ها و آزار و اذیت شیعیان، نمود عینی پیدا کرده است.

ص: ۱۳۵

<sup>۲۲۴</sup> (۱) داود آقایی، پیشین، ص ۴۹.

<sup>۲۲۵</sup> (۲) جوزف کاستیز، پیشین، ص ۲۳۸.

<sup>۲۲۶</sup> (۳) داود آقایی، پیشین، صص ۴۹ - ۵۱.

## ب) وضعیت شیعیان

به این ترتیب، شیعیان عربستان به نسبت دیگر شیعیان منطقه، از محرومیت بیش تری برخوردارند. آنان به جرم شیعه بودن، به گونه‌های مختلف مورد آزار و اذیت اکثریت اهل تسنن قرار می‌گیرند. افزون بر این محرومیت‌ها، حتی در برخی برهه‌ها، به جان و مالشان نیز تعرض می‌شده و مفتی‌های وهابی، حکم ارتداد و قتلشان را صادر می‌کردند. این آزار و اذیت‌ها، باعث شده شیعیان این کشور تا آن جا که ممکن است، راه تقیه را در پیش گیرند، به ویژه در شهر مکه، شیعیان بدترین وضع ممکن را شاهدند. آنان مجبور بوده‌اند مراسم مذهبی خود را در خانه‌ها، دور از انظار و پشت درهای بسته انجام دهند و در محافل عمومی، خود را سنی نشان دهند و این سبک زندگی، باعث شده که آمار دقیق جمعیتی آنان بر ما پوشیده بماند. برخی کتاب‌ها تعداد آن‌ها را در مجموع ۳۰۰ هزار نفر اعلام کرده و بعضی دیگر، تعداد شیعیان امامی را به تنهایی ۲۵۰ هزار نفر برآورد کرده‌اند.

شیعه‌ها در عربستان سعودی در اقلیت‌اند: پنج درصد از کل جمعیت عربستان را تشکیل می‌دهند و تعداد کل آن‌ها حداقل از ۲۰۰۰۰۰ نفر تا حداکثر ۴۰۰۰۰۰ نفر برآورد می‌شود. شیعه‌ها عمدتاً در ایالت شرقی متمرکز شده‌اند؛ همان جایی که ۳۳ درصد از جمعیت آن را شیعیان تشکیل می‌دهند (عمدتاً در آبادی‌ها و واحه‌های قطیف و الاحساء متمرکز یافته‌اند).<sup>۲۲۷</sup>

برخی منابع و دایرة المعارف‌ها هم، از جمعیتی بین ۸ تا ۲۵ درصدی خبر داده‌اند. در حال حاضر، شیعیان عربستان حدود هشت درصد و به نقلی پانزده درصد جمعیت را تشکیل می‌دهند.<sup>۲۲۸</sup>

در مورد پراکندگی جغرافیایی آنان، می‌توان به طور کلی دو منطقه مهم را به عنوان مناطق تمرکز شیعیان عربستان شناسایی کرد. گروه اول شیعیانی هستند که در منطقه حجاز (شامل مکه و مدینه) ساکن‌اند و آن گونه که از روایات بر می‌آید، از فرقه زیدیه می‌باشند و قبایل مختلفی را چون قبایل بنو جهم، بنو علی، بعض بنی عوف و نخا و له تشکیل داده‌اند.<sup>۲۲۹</sup>

ص: ۱۳۶

مهم‌ترین این قبایل، قبیله نخاوله می‌باشند. این گروه از گذشته‌های دور در اطراف مدینه زندگی می‌کرده‌اند و به نسبت شیعیان مکه، از وضع مطلوب تری برخوردارند، اما در مجموع این گروه نیز همواره مورد آزار و اذیت اهل تسنن بوده‌اند.

شمار نخاوله فراوان، و مردان رزمجویی هستند. با این حال مردم شهر، آن‌ها را تحقیر می‌کنند هم به این دلیل که آن‌ها آشکارا خود را رافضی می‌دانند و هم از آن روی که مرتبت اجتماعی آن‌ها پایین است. آن‌ها به رغم آن‌که احکام قاضی

<sup>۲۲۷</sup> (۱) eeS. :duaS :aibarA :ni aihS :moC .REFERLLA

<sup>۲۲۸</sup> (۲). امیر عباس اکبری، «شیعه در عربستان»، پرتو سخن، س ۵، ش ۲۴۹، چهارشنبه ۱۵ مهرماه ۱۳۸۲، ص ۱۱.

<sup>۲۲۹</sup> (۳). محمد جواد مغنیه، پیشین، ص ۳۴۷.

سنی شهر را می‌پذیرند، اما روحانیون مخصوص به خود و عقاید ویژه خویش را دارند. آن‌ها ازدواج درون‌گروهی داشته و مشاغل پستی دارند.<sup>۲۳۰</sup>

آقای رسول جعفریان در کتاب جغرافیای تاریخی و انسانی شیعه در جهان اسلام می‌نویسد:

طبق آنچه نقل شده، آن‌ها در نقطه‌ای در فاصله چهل فرسنگی مدینه زندگی می‌کرده و در دهه‌های اخیر، به تدریج به مدینه هجرت کرده‌اند. این افراد در گذشته با نام نخاله شهرت داشته و فعلاً تعدادشان ده‌ها هزار نفر است.<sup>۲۳۱</sup>

وی در ادامه می‌نویسد:

اکنون در مدینه تعداد سه حسینیّه وجود دارد که شیعیان، حضوری فعال در آن‌ها دارند و این علی‌رغم وجود فشارهای وهابیون به آن‌هاست. در مکه نیز چندین هزار نفر شیعه امامی زندگی می‌کنند که آزادی کم‌تری نسبت به شیعیان مدینه داشته، بیش‌تر در حال تقیه به سر می‌برند.<sup>۲۳۲</sup>

به رغم این فشارها، آنان همواره به سنت‌های خود پای‌بند بوده و استقلال مذهبی خویش را حفظ کرده‌اند. آن‌گونه که در فصل یک نیز اشاره شد، حضور آنان در این منطقه، به قرن‌های اول و دوم هجری بازمی‌گردد. زمانی این منطقه تحت سیطره فاطمیان و سپس زیدیان بود و اوضاع این فرقه مذهبی، تا قبل از حکومت وهابی‌ها بدین منوال نبود. البته در سال‌های اخیر

ص: ۱۳۷

و با آغاز سیاست تنش‌زدایی از سوی هر دو کشور ایران و عربستان، وضع شیعیان این منطقه رو به بهبود است، ولی شیعیان تا رسیدن به وضعیت مطلوب، راهی طولانی در پیش دارند.

گروه دوم، در منطقه شرقیه ساکن و بیش‌تر در استان‌های حساء (الهفوف و العمران) و قطیف متمرکز شده‌اند. آنان نیز از دیرباز مورد آزار و اذیت وهابی‌ان قرار داشته‌اند و نزدیکی به سواحل شمالی و آشنایی با اندیشه‌های انقلابی شیعیان ایران، باعث شده تا کم‌تر تقیه کنند.

البته وضعیت آنان به نسبت شیعیان مکه و مدینه مناسب‌تر است ولی به هر حال آنان نیز مورد نکوهش وهابیت بوده و هستند.

شیعیان این ناحیه نسبت به شیعیان مدینه، در سطوح مطلوبی از حیث فرهنگی قرار دارند و به دلیل ارتباط فرهنگی خود با سایر نواحی، در موقعیت بهتری به سر می‌برند.

<sup>۲۳۰</sup> (۱). ورنراند، جامعه شیعه نخاله در مدینه منوره، ترجمه رسول جعفریان، ص ۱۷.

<sup>۲۳۱</sup> (۲). رسول جعفریان، پیشین، ص ۴۴.

<sup>۲۳۲</sup> (۳). همان، ص ۴۵.

در سال های گذشته، همواره تعدادی از این شیعیان در مراکز علمی شیعه در نجف و قم مشغول تحصیل بوده اند و چهره های علمی سرشناسی در میان خود داشته و دارند ....

استقلال شیعیان منطقه شرقی و اصرار آن ها بر معتقداتشان، سبب شده است تا آن ها از تقیه خودداری کنند و حتی در کنار بقیع نیز به طور مکرر به صورت جمعی به خواندن دعا مشغول شوند.<sup>۲۳۳</sup>

شاید بتوان گفت انقلاب اسلامی ایران، سبب شده این گروه ها نیز روحی تازه یابند.

روایت شده حدود نیمی از جمعیت منطقه احساء، شیعه هستند که عموماً در شهر الهفوف و به ویژه در محله نعامل و در شهر العمران متمرکز می باشند. هم چنین می گویند بیش تر مردمان قطیف شیعه هستند.

افزون بر این گروه ها، در جنوب و نزدیک مرز یمن نیز گروه کوچکی از شیعیان زندگی می کنند که آنان نیز وضع مشابهی دارند. در هر حال، بیش تر این شیعیان

از فرقه دوازده امامی ها می باشند؛ همانند شیعیان ایران و بحرین که از همین فرقه هستند.<sup>۲۳۴</sup>

ص: ۱۳۸

موج اصلاح طلبی موجود در عربستان، در حال حاضر باعث شده است که مسئولین عربستان در قبال شیعیان نیز به نرمش های ظاهری بپردازند .... هم چنین به دنبال تشدید اختلاف های داخلی میان مقامات رژیم سعودی، شیعیان از آزادی عمل بیش تری برخوردار شده اند و سخت گیری کم تری در مورد آنان صورت می گیرد.<sup>۲۳۵</sup>

البته این نرمش ها، در سطح و مسئولان و مقامات دولتی است و فرهنگ جامعه که مبتنی بر مذهب وهابیت است، بر تعالیم خود پای بند می باشد و شیعیان هم چنان با تبعیض های فراوانی روبه رو هستند، به گونه ای که گاه «به شیعیان، احساس شهروند درجه دوم دست می دهد».<sup>۲۳۶</sup>

ولی علی رغم این سخت گیری ها هرگز نتوانستند احساس شیعه بودن و شیعه ماندن و محب خانواده عصمت و طهارت بودن را از دل آنان بیرون کنند . آنان هر سال محروم و با فرارسیدن ایام سوگواری ابا عبد الله علیه السلام، علی رغم اشکال تراشی ها و مخالفت ها تاکنون سعی کرده اند با برگزاری مراسم ویژه و عزاداری های حسینی، جلوه ای از خشم خودشان را به نمایش بگذارند . آل سعود همواره به این دلیل که برگزاری این گونه مراسم، احتمالاً سبب تحرک وهابیان

<sup>۲۳۳</sup> (۱) . بهرام اخوان کاظمی، مروری بر روابط ایران و عربستان در دو دهه اخیر، ص ۱۲۷.

<sup>۲۳۴</sup> (۲) . moC . REFELLA :ni aihS :cibarA :iduaS eeS.

<sup>۲۳۵</sup> (۱) . بهرام اخوان کاظمی، پیشین، ص ۱۲۸.

<sup>۲۳۶</sup> (۲) . داود آقایی، پیشین، ص ۸۴.

می‌شود، رسماً آن‌ها را ممنوع کرده‌اند، ولی هرگز نتوانسته‌اند این احساس را در آن‌ها بخشکانند و شیعیان به نوعی به عقده‌گشایی پرداخته‌اند.<sup>۲۳۷</sup>

از بعد سیاسی، این گروه‌ها هیچ جایگاهی در حکومت ندارند و از دید حاکمان سعودی، تفکر شیعه ایدئولوژی ای خطرناک برای تداوم حاکمیت آنان به شمار می‌آید.

با توجه به طرز تلقی شیعیان از حکومت و نوع برخورد آن‌ها با حاکمان که برخلاف اهل سنت، هر حاکمی را اولی الامر نمی‌دانند و مبارزه با حاکم ظالم را، وظیفه شرعی خویش می‌شناسند، می‌تواند خطر بالقوه‌ای برای رژیم سعودی به حساب آید. این خطری است که سردمداران حکومت عربستان نیز متوجه آن شده‌اند و به همین جهت، در زمینه کاستن از تعداد شیعه در مشاغل حساس، مانند سایر کشورهای حوزه خلیج فارس اقدام کرده‌اند.<sup>۲۳۸</sup>

ص: ۱۳۹

البته این محدودیت فقط برای شیعیان نبوده و آن گونه که در بحث عربستان نیز اشاره شد، حاکمان سعودی تمام مشاغل کلیدی را در انحصار خاندان خود دارند. در این میان، شیعیان از سایر فرقه‌ها محروم‌ترند. نه تنها از حضور آن‌ها در ارتش، نیروهای امنیتی و مؤسسات خارجی و دفاعی جلوگیری می‌کنند، بلکه حتی برای استخدام در شرکت‌ها و بخش‌های مهم دولتی یا شغل‌هایی چون خلبانی، با موانع متعددی دست به گریبان‌اند.

از جنبه اقتصادی هم، علی‌رغم این که شیعیان بر روی بزرگ‌ترین ذخیره نفت جهان در منطقه شرقیه زندگی می‌کنند، لکن به دلایل عدیده‌ای، این ناحیه از محروم‌ترین نواحی عربستان به شمار می‌رود. شیعیان معتقدند اگر ایالات شرقی به دست خاندان سعودی فتح نمی‌شد، ثروت سرشار نفت این منطقه، آن را ایالتی بسیار ثروتمند می‌ساخت؛ یعنی آبادتر و ثروتمندتر از هر کشوری در اطراف خلیج فارس. سیصد هزار نفر مسلمانان شیعه این منطقه، در مقایسه با شرایط زندگی سایر نقاط سلطان‌نشین، در فقر نسبی به زندگی ادامه می‌دهند. عملاً بخش اعظم کارهای اجرایی نفت را شیعیان انجام می‌دهند تا جایی که چهل درصد کارگران آرامکو شیعه هستند و سرنوشت حکومت سعودی، یعنی تولید ثروت سلطان‌نشین در دست شیعیان رقم می‌خورد، ولی عدم توزیع عادلانه ثروت در مناطق شرقی نسبت به سایر مناطق، مظهری از خشم و غضبی است که وهابیان نسبت به شیعیان اعمال کرده‌اند.<sup>۲۳۹</sup>

البته کتاب ژئوپولیتیک شیعه، میزان کارکنان شیعه میادین نفتی عربستان را حدود هفتاد درصد کل کارکنان برآورد کرده که رقم قابل توجهی است. اگر این آمار درست باشد، تبعیض‌های ناروایی بر شیعیان شاهدیم.

<sup>۲۳۷</sup> (۳). همان، ص ۸۴.

<sup>۲۳۸</sup> (۴). نصرت الله آشتی، پیشین، صص ۶۸ و ۶۹.

<sup>۲۳۹</sup> (۱). داود آقایی، پیشین، ص ۸۵.

در حالی که شهرهای سعودی «دمام» و «الخبر» (واقع در الاحساء) طی پانزده سال اخیر، به مراکز پررونق صنعتی مبدل شده است، شهرک‌های شیعه‌نشین مجاور آن‌ها واقع در «قطیف» و «هفوف»، به حال خود رها شده است.<sup>۲۴۰</sup>

آری، این همان منطق وهابیت در بازگشت اسلام سلف و شعار برقراری اسلام ناب می باشد که در نحوه برخورد با شیعیان، نمود پیدا کرده است.

ص: ۱۴۰

نظر به این که منابع و میدان های عمده نفتی عربستان در شرق این کشور و در میان شیعیان قرار دارد و علاوه بر این، اکثریت کارگران شرکت نفت آرمکو عربستان، شیعه هستند و با توجه به علاقه مسلمانان رنج دیده به انقلاب اسلامی ایران، می توان چنین پنداشت که این اقلیت در شرایط فعلی، عامل تهدیدکننده ای برای قدرت رژیم عربستان به حساب می آید.<sup>۲۴۱</sup>

### شیعیان بحرین

بیش تر جمعیت بحرین شیعه هستند . این میزان، در اطلس جهانی ۷۵ درصد کل جمعیت برآورد شده است و آن گونه که در تاریخ آمده، آن ها در گذشته گرایش اسماعیلیه داشته و در طی هفت قرن گذشته، به سمت شیعه امامی متمایل شده اند. البته در کتاب های مختلف، درصد شیعیان از ۵۰ تا ۷۵ درصد متغیر است، ولی به یقین، بیش از نیمی از ساکنان این سرزمین را شیعیان تشکیل می دهند.

امروزه اکثریت جمعیت بحرین شیعه هستند، اما به دلایل اقتصادی و زندگی در مناطق دور از شهر، کار سیاسی به دست حکام اهل تسنن افتاده است؛ امری که بی ارتباط با سیاست های استعمارگران نیز نبوده است . بهترین مناطق شیعه نشین جد حفص و سنابس ذکر شده است . شیعیان بیش تر روستائین هستند. در یک آمار رسمی که طبعا قابل اعتماد نیست . نزدیک به ۷۲ درصد مردم بحرین شیعه ذکر شده اند.<sup>۲۴۲</sup>

بیش تر این شیعیان، دور از مناطق شهری و در فقر به سر می برند و جز عده معدودی که توانسته اند با کسب برخی پست های دولتی، به وضعیت مطلوب اقتصادی دست یابند، بقیه در وضعیت نابسامانی به سر می برند.

اکثریت پیروان شیعه، به طور سنتی به ماهی گیری و حرفه های کشاورزی مشغول اند و در نواحی ساحلی و دورافتاده زندگی می کنند. تنها در دهه های اخیر، عده ای از آنان در منامه و المحرق و تأسیسات نفتی سیترا و الاولى به صفوف کارگری پیوسته اند.<sup>۲۴۳</sup>

ص: ۱۴۱

<sup>۲۴۰</sup> (۲). جوزف کاستیز، پیشین، ص ۲۴۰.

<sup>۲۴۱</sup> (۱). نصرت الله آشتی، پیشین، ص ۶۹.

<sup>۲۴۲</sup> (۲). رسول جعفریان، پیشین، ص ۴۸.

<sup>۲۴۳</sup> (۳). مهدی مظفری، پیشین، ص ۵۵.

به یقین این رویکردهای اقتصادی - سیاسی، با خطمشی حاکمان سنی بی‌ارتباط نیست.

شیعیان این کشور با وجود آن که از اکثریت برخوردارند، ولی همواره در جایگاه «شهروند درجه دوم» قرار داشته‌اند. این‌گونه محرومیت‌های تحمیلی، به همراه موج اصلاح طلبی که در خلیج فارس در دهه‌های اخیر رخ داده، این گروه‌ها را نیز به شورش و اعتراض واداشته است.

اولین زورآزمایی با حکومت، در اگوست ۱۹۷۹ انجام گرفت. حدود ۱۸۰۰ نفر از شیعیان «بحرین» در بازار قدیمی پایتخت، شهر «منامه» دست به تظاهرات وسیعی زدند. عکس العمل دولت در مقابل این تظاهرات، اخراج یک شیخ شیعی در اکتبر همان سال از کشور بود.<sup>۲۴۴</sup>

همگی آنان به اتهام «مأمور نفوذی ایران بودن» بازداشت می‌شدند، مورد شکنجه و آزار قرار می‌گرفتند و سرانجام تبعید می‌شدند؛ در حالی که آنان، بحرینی‌هایی بودند که خواهان احیای مجلس منحل شده و احقاق حقوق حقّه خویش به عنوان یک شهروند معمولی بودند.

به طور کلی تا قبل از آن که «شیخ حمد» امیر جدید بحرین شود، وضعیت خفقان آوری بر بحرین حاکم بود. هرگونه اعتراض از سوی هر کس به شدت سرکوب می‌شد، زندان‌ها پر از زندانیان سیاسی شده بود و حتی زنان و کودکان شکنجه می‌شدند. این سرکوب‌ها در سال ۱۹۹۶ به اوج خود رسید؛ البته بار اصلی این فشارها بر دوش اکثریت شیعیان سنگینی می‌کرد و روستاهای شیعه نشین، در فقر و فلاکت به سر می‌بردند. آقای چنگیز پهلوان در مقاله‌ای، از قول خانم روزنامه‌نگار انگلیسی که سال ۱۹۹۶ به این کشور مسافرت کرده، می‌نویسد:

به روستاهای شیعه نشین بروید، بحرینی‌هایی را ببینید که سخت محروم‌اند. جوانان بسیاری در کنار کافه‌ها بیکار و سرگردان نشسته‌اند و می‌گویند که مشاغل حکومتی، به غیر شیعیان و بحرینی‌های مقیم خارج از کشور واگذار می‌شود. از درون این جوانان سرخورده، نسلی سر برمی‌آورد که خشمگین و عصبی به رویدادهای کشورش می‌نگرد.

... نارضایتی در بحرین به جوانان محدود نمی‌شود. نارضایتی در این کشور، امری است گسترده و عمومی. تجار شیعی بسیاری که برای تأسیسات متعلق به امیر کار کرده

ص: ۱۴۲

بودند، هیچ‌گاه نتوانسته‌اند دستمزد خود را دریافت کنند. از این گذشته، هیچ حقوق دانی جرأت نمی‌کند از این مردم به دفاع برخیزد و شکایت‌هایشان را در دادگاه مطرح کند.

یک خلبان هواپیما که پیش‌تر در اروپا و آمریکا کار می‌کرده است، به این خبرنگار گفته بود که به سبب شیعی بودن، او را استخدام نکردند. این مردمان نیز خود را محروم می‌دانند و احساس می‌کنند که شهروندان دست دوم به حساب

می آیند. این قبیل مردم به علت چنین رفتارهایی، به ناچار سیاسی می شوند و برخی هم با وجود داشتن معلومات مفید، دست به ترک کشور خود می زنند.<sup>۲۴۵</sup>

جالب این جاست که کشورهای شورای همکاری خلیج فارس نیز از روند سرکوبی ها در بحرین حمایت می نمودند. آقای پهلوان در ادامه مقاله اش به نقل از «راجر هاردی» می نویسد:

به نظر قدرتمندان شورای همکاری خلیج فارس، جنبش مردمی بحرین، جنبشی است شیعی و به همین لحاظ، می بایست با آن به مقابله برخاست. اینان از خطر گسترش جنبش شیعی در منطقه سخن می گویند و با حمایت و هابیان، به سرکوب این جنبش مردمی در بحرین علاقه نشان می دهند. بحرین در میان کشورهای عضو خلیج فارس، تنها کشوری است که اکثریت شیعی دارد. در بقیه کشورها، شیعیان در اقلیت اند. به این اعتبار، به باور حکومتگران شورای خلیج فارس، شیعیان در این منطقه هم چون «اسب ترویا» می مانند که باید با احتیاط با آنان رفتار کرد و اجازه نداد که نیرومند شوند. . در تمامی دهه هشتاد میلادی، چنین تصورات و عقایدی در منطقه خلیج فارس در میان حکومتگران رواج داشته و در عمل، بر ضد مردم بحرین به کار رفته است.<sup>۲۴۶</sup>

حاکمان بحرین با اتکا به این قضاوت ها، نه تنها در صدد اصلاح خویش نبودند، بلکه حتی از دیگر کشورهای منطقه نیز در سرکوب آشوبگران (به تعبیر خودشان) بهره می جستند.

اکثریت شیعیان بحرین، وضعیت اجتماعی و مذهبی بسیار آشفته ای دارند. برای مهار این آشفستگی، بحرین بر همسایه سعودی خود تکیه می کند، اما سرکوب فقط راه حلی کوتاه مدت است.<sup>۲۴۷</sup>

ص: ۱۴۳

۲۴۸

### ۱۲۳۴۳ جغرافیای سیاسی شیعیان منطقه خلیج فارس ؛ ص ۱۴۳

شیعیان نه تنها از محرومیت رنج می برند، بلکه همواره مورد اهانت و تعدی نیز قرار می گیرند.

چپاول و غارت مساجد شیعی و بی حرمتی به شیعیان و اماکن مذهبی آنان، امری عادی به شمار می رود .... تبعیض علیه شیعیان در حوزه عمومی و خصوصی، به ویژه در زمینه آموزش عالی هم چنان ادامه دارد. حکومت بحرین به قصد مقابله با شیعیان و اصولاً مخالفان، شهروندان کشورهای دی گر را در نیروهای امنیتی به کار می گیرد و با شتاب هرچه تمام تر،

<sup>۲۴۵</sup> (۱). جنگیز پهلوان، «بحران در بحرین، ایران و سرنوشت شیعیان»، نشاط ۳ و ۱۱ اسفندماه ۱۳۷۷.

<sup>۲۴۶</sup> (۲). همان.

<sup>۲۴۷</sup> (۳). فرانسوا توال، پیشین، ص ۱۰۰.

<sup>۲۴۸</sup> متقی زاده، زینب، جغرافیای سیاسی شیعیان منطقه خلیج فارس، ۱ جلد، شیعه شناسی - قم، چاپ: اول، ۱۳۸۴ ه.ش.

تابعیت بحرین را به آنان اعطا می‌کند. خاندان حکومتگران بحرین می‌خواهد با استخدام نیروهای بیگانه، به اصطلاح یک «نوار امنیتی» به دور خود بکشد تا بتواند در موقع بحران، مخالفان بومی را از خود دور سازد و سرکوب کند. در حالی که شهروندان کشورهای دیگر می‌توانند به منظور حراست از حکومتگران به تابعیت بحرین درآیند، افرادی که وابسته به «جامعه عجم» هستند؛ یعنی بازماندگان ایرانیان مهاجر، از دهه بیست میلادی به این سو نمی‌توانند تابعیت بحرین را کسب کنند و یا حتی از دیگر حقوق اجتماعی مانند آموزش، تهیه مسکن و اشتغال بهره‌مند شوند.<sup>۲۴۹</sup>

این وضعیتی بود که شیعیان تا قبل از روی کار آمدن شیخ حمد هر روزه شاهد آن بودند، اما هنگامی که امیر جدید حکومت را در دست گرفت، اوضاع قدری تغییر یافت. حکمرانان بحرینی به این نتیجه رسیده بودند که اگر به این روند ادامه دهند و اکثریت مذهبی را همواره از قدرت دور نگاه دارند، روزی فرا خواهد رسید که خواسته های مردم چیزی فراتر از آنچه هست خواهد بود و ممکن است در آن صورت، تنها به تغییر نظام راضی شوند. به این ترتیب، اصلاحات ظاهری از سطوح بالا آغاز شد. شیخ حمد که تا قبل از آن، ریاست ارتش را بر عهده و به نوعی در سرکوب شیعیان نقش داشت، اینک

به وضوح سعی دارد به شیعیان محروم و ناراضی کشور که اکثریت مسلمانان بحرین را تشکیل می‌دهند، نزدیک شود. مثلاً کمی پس از آن که به امیری رسید، روز عاشورا بود و شیخ حمد برای تمامی دسته‌های عزاداری، گوسفند و برنج فرستاد .... او به شیعیان اجازه داد که وارد ارتش شوند .... امیر جدید بحرین، صدها زندانی شیعه را آزاد کرده

ص: ۱۴۴

است و از آن جمله، می‌توان از آزادی شیخ عبد الامیر الجمری، برجسته‌ترین ناراضی بحرین نام برد.<sup>۲۵۰</sup>

اما ناراضیان شیعه و سنی، چیزی بیش از ژست‌های خیرخواهانه می‌خواهند .... جای تعجب نیست که بسیاری از مردم، رفتار و سلوک شیخ حمد را تنها یک ظاهر سازی تلقی می‌کنند.<sup>۲۵۱</sup>

به هر حال، اینک وضعیت شیعیان قدری بهبود یافته است. دولت می‌کوشد با درگیر کردن آنان در اقتصاد، دل‌مشغولی دیگری به آن‌ها بدهد تا کم‌تر به مسایل سیاسی بپردازند و از اعتراض‌های سیاسی‌شان کاسته شود. در واقع دولت سعی دارد با مشارکت اقتصادی شیعیان در امور اقتصادی کشور، عدم مشارکت سیاسی آنان را جبران کند. بنابراین در چند سال اخیر، تجارت به ممری عمده برای شیعیان تبدیل شده است. حدود هفتاد درصد کسانی که شرکت‌های تجاری را اداره کرده یا به استخدام آن‌ها درآمده‌اند، شیعه هستند. قریب همان درصد از افراد شهرنشین بحرین نیز که تحصیل کرده بوده و به حرفه‌های مختلف اشتغال دارند، شیعه هستند. بدین ترتیب، امکانات اقتصادی، بخشی از تبلیغات مذهبی و سیاسی را که علیه شیعیان اعمال می‌شود، جبران کرده است.<sup>۲۵۲</sup>

<sup>۲۴۹</sup> (۱). جنگیز پهلوان، پیشین، ص ۳.

<sup>۲۵۰</sup> (۱). ف. درّی، «وضعیت شیعیان بحرین»، ترجمان سیاسی، ش ۳۵ خاورمیانه، ص ۲.

<sup>۲۵۱</sup> (۲). همان، ص ۲.

<sup>۲۵۲</sup> (۳). جوزف کاستیز، پیشین، ص ۲۴۱.

در نهایت می‌توان گفت در این جا نیز همانند دیگر کشورهای منطقه، شیعیان تا رسیدن به وضعیت مطلوب، راهی طولانی در پیش دارند.

### شیعیان عراق

عراق در رأس خلیج فارس، و یکی از پرجمعیت ترین کشورهای منطقه است که بیش تر جمعیت آن را شیعیان تشکیل می‌دهند. البته در این کشور نیز همانند دیگر کشورهای حاشیه خلیج فارس، آمار دقیقی از جمعیت شیعیان موجود نیست و در بیش تر کتاب‌ها و دایرة المعارف‌ها، جمعیت آنان بین ۶۰ تا ۶۵ درصد تخمین زده شده است.

ص: ۱۴۵

کشور عراق هیجده استان دارد که شیعیان تقریباً در دوازده استان آن پراکنده اند. این مکان‌ها که استان‌های جنوبی و مرکزی را در بر می‌گیرد، شامل شهرها و استان‌های بصره، ناصریه، عماره، کوت، دیوانیه، حله، کربلا، نجف، بغداد، کاظمین، بابل، قادسیه، ذی‌قار، سماوه و واسط است. هم‌چنین در سه استان کرکوک، دیالی و سامرا نیز اقلیتی از شیعیان زندگی می‌کنند. نکته قابل توجه آن است که از میان تقریباً شش میلیون جمعیت بغداد، حدود چهار میلیون شیعه هستند که سه میلیون آن‌ها در شهرک صدر زندگی می‌کنند. «هم‌چنین یک سوم از جمعیت دو میلیون نفری ترکمان‌ها و نیز بخشی از کردهای عراق موسوم به «اکراد فعلی»، شیعه می‌باشند».<sup>۲۵۳</sup>

از بعد جامعه‌شناختی، شیعیان عراق به عکس هم کیشان ایرانی خود، گرایش‌های ملی‌قوی دارند و به نوعی میان علقه‌های مذهبی - ملی خود سرگردان مانده‌اند.

به لحاظ تاریخی، حضور آنان در این کشور به گذشته‌های دور باز می‌گردد؛ حتی قبل از آن که امام علی علیه السلام به کوفه بیاید و مرکز خلافت را در آن جا مستقر سازد. و پس از آن، دوره‌های مختلف حکومت‌های شیعی را شاهدیم که به تقویت تشیع در منطقه انجامید.

اما تشدید شیعی‌گری در سال‌های اخیر، به نقل از نقّاش به سال‌های ۱۸۳۱ میلادی باز می‌گردد و

تخریب اماکن متبرکه شیعی در ۱۸۴۳، به احساس هویت شیعیان دامن زد. نقّاش دلیل آورد که تغییر زندگی از شبانی به کشاورزی، بحرانی هویتی در مردم پدید آورده بود که تعریفی جدید از هویت جمعی را ضروری می‌ساخت. در این مجموعه فکری، او به بخش اعظمی از مردم که به ناچار از عربستان آمده بودند، اشارت دارد. مهاجرت از عربستان و تلاش برای یافتن هویت جدی در قالب نظام اقتصادی - کشاورزی به جای شبانی، به نظر نقّاش، ساکنان تازه وارد را به دینی متضاد با وهابیت علاقه‌مند ساخت.<sup>۲۵۴</sup>

ص: ۱۴۶

<sup>۲۵۳</sup> (۱). سیروس برنا بلداجی، «شیعیان عراق؛ بررسی وضعیت جامعه‌شناختی»، فصلنامه تخصصی شیعه‌شناسی، س ۲، ش ۷، پاییز ۱۳۸۳، ص ۱۵۰.

<sup>۲۵۴</sup> (۲). سید حسین سیف‌زاده، عراق - ساختارها و فرایند گرایش‌های سیاسی، ص ۸۰.

گرچه درستی و نادرستی این تحلیل بحث برانگیز است، ولی در اصل مهاجرت هایی که از دیرباز به این کشور صورت می پذیرفته، شکی نیست. وجود بارگاه شش امام معصوم در این کشور و هم چنین وجود مدارس علمیه، به ویژه در شهرهای نجف، حله و کاظمین، همواره عامل مؤثری در مهاجرت شیعیان به این کشور بوده است. از سوی دیگر، غالب حکومت های عراق تا قبل از حکومت بعث، مهاجردوست بوده و به نسبت کشورهای منطقه، برخورد تهاجمی چندانی با شیعیان مهاجر نداشتند؛ گرچه به دلایل سیاسی، با مهاجران ایرانی رفتاری متفاوت بروز می دادند. این رویکردها باعث شده بود تا شیعیان منطقه به این کشور رو آورند و شمار بسیاری از شیعیان را، شیعیان کشمیری، عربستانی، پاکستانی، هندی، لبنانی، ایرانی و شیعیان دیگر کشورهای حوزه خلیج فارس تشکیل دهند که دلیل روشنی بر مهاجرپذیر بودن عراق است. البته نباید فراموش کرد که اسناد به جای مانده از تاریخ این منطقه، گویای آن است که شیعیان، سالیانی بس طولانی در این منطقه زندگی کرده اند، به گونه ای که حتی قبل از حکومت علی علیه السلام نیز در این سرزمین ها ساکن بوده اند و پس از حادثه کربلا، گروهی به خونخواهی ایشان برخاسته و حکومت های شیعی بسیاری مستقر گشتند.

به هر حال، هم اینک اکثریت با شیعیان است و بیش تر آن ها شیعه دوازده امامی هستند و همانند دیگر شیعیان منطقه، به لحاظ سیاسی گروه منزوی و طردشده ای به شمار می آیند.

پس از آن که عراق براساس توافق نامه سایکس- پیکو (تقسیم عثمانی) در سال ۱۹۲۰ تأسیس گردید،

انتظار می رفت که آن ها (شیعیان) به نسبت کثرت و اهمیتشان، نقش عظیم یا برجسته ای داشته باشند. با این همه، همان طور که همه می دانند، شیعه مذهب های عراقی، نه تنها موفق به ایفای چنین نقشی نشده اند، بلکه هم چنین از آغاز حکومت سلسله هاشمی تا به امروز، از نظر سیاسی، یک گروه از یاد رفته و منزوی بوده اند.<sup>۲۵۵</sup>

آن گونه که می دانید، تحولات اخیر عراق، آینده این کشور را در هاله ای از ابهام فرو برده است،

ص: ۱۴۷

به گونه ای که هیچ کس به درستی نمی داند حکومت آینده این کشور چگونه خواهد بود و چه گروه هایی در دولت آینده نفوذ بیش تری خواهند داشت. تا پیش از این، شیعیان به طور کلی از سیاست طرد شده و گروه اقلیت سنی، تمام شغل های حکومتی را در انحصار خود گرفته بودند؛ آن گونه که می نویسند:

شیعیان عراق به طور سازمان یافته ای از نیل به منصب و مراکز قدرت محروم می شوند.

به گفته علوی و بنجیر، از سال ۱۹۲۱ تا ۱۹۵۸، ۵۹ دولت در عراق تشکیل شده که صرفاً پنج نفر از شیعیان از میان صدها نفری که به منصب وزارت و نخست وزیری رسیده اند، توانسته بودند در منصب نخست وزیری به تشکیل دولت دست زنند و حدود سه سال، زمام امور کشور را به عهده داشته باشند. با عنایت به این که بین ۶۰ تا ۶۵ درصد مردم عراق را شیعیان تشکیل می دهند، این تبعیض ناروا برای شیعیان عراق بسیار آزاردهنده است. از سال ۱۹۵۸ تا ۱۹۹۰، صرفاً یک شیعی به نخست وزیری برگزیده شد که مدت ده ماه صدارت داشت. تبعیض بر ضد شیعیان، در دی گر

<sup>۲۵۵</sup> (۱). الی کدوری، «شیعه های عراق و سرنوشت آن ها»، «تشیع، مقاومت و انقلاب»، ص ۱۸۷.

عرصه‌های زندگی نیز وجود دارد؛ از جمله آن که شیعیان در پارلمان، فرهنگ، مطبوعات، اوقاف، آموزش و پرورش، آموزش عالی و تجارت و بازرگانی حضور کم‌رنگی دارند.<sup>۲۵۶</sup>

البته بیش‌تر فشار بر شیعیان، به دوران حکومت بعث باز می‌گردد. در حالی که در ۱۹۶۳، شش تن از سیزده تن عضو فرماندهی منطقه‌ای بعث شیعه بودند، در ۱۹۷۰ هیچ عضو شیعی در آن وجود نداشت .... پس از ۱۹۶۴، شیعیان رفته‌رفته تمام منافع سیاسی را که در دهه‌های ۱۹۴۰ و ۱۹۵۰ و در دوران کوتاه رژیم عبد‌الکریم قاسم در سال‌های ۱۹۵۸ تا ۱۹۶۳ به‌دست آورده بودند، از دست دادند. پس از ۱۹۶۹ حکومت جدید بعثی، به ایجاد محدودیت‌هایی فراوان در زندگی مذهبی و فرهنگی شیعیان پرداخت که مصادره موقوفات، تعطیل کردن مدارس علمیه و ممانعت از اجرای مراسم مذهبی، نمونه‌ای از آن‌هاست.<sup>۲۵۷</sup>

ص: ۱۴۸

ابتدا شیعیان کوشیدند با حضور در امور آموزشی، جای پای خود در نظام سیاسی عراق باز کنند، اما چون بعضی از مراجع عظام شیعی، استخدام در ادارات دولتی عراق و پذیرفتن مناصب سیاسی را مکروه اعلان کرده بودند، حضور شیعیان در دستگاه دولتی ضعیف می‌نمود. دولت از این فتواهای شیعیان استقبال می‌کرد. گروه‌هایی که چندان به این فتواها پای‌بند نبودند، مشارکت بیش‌تر در دولت را می‌خواستند، اما اقدامات حکومت علی‌جودت‌الایوبی در حذف شیعیان و سپردن مشاغل دولتی به اهل تسنن، زمینه‌ساز شورش‌های سال ۱۹۳۵ شد. شدت سرکوب و عدم تلاش برای راهجویی، موجب شد تا بعضی از شیعیان عرب‌گرای مذهبی، به ترتیب در قالب احزاب کمونیستی و یا مذهبی فعال گردند. سنی‌مذهبان از این عامل بهره‌جسته و شیعیان را به ارتداد متهم می‌کردند.<sup>۲۵۸</sup> با اوج‌گیری اصول‌گرایی اسلامی، فعالیت ضد رژیم در برابر فعالیت‌های ضد مشارکتی رژیم اوج تازه‌ای گرفت. احزاب سیاسی جدید چون حزب الدعوه، با گرایش شیعی، از جمله این گرایش‌های سیاسی شده شیعیان عراق است. با تشکیل این احزاب، از فشار اتهامات پیشین مبتنی بر الحادگری شیعیان کاسته شد، ولی سیاسی شدن شیعیان، به سیاسی شدن گروه رقیب سنی نیز دامن زد.<sup>۲۵۹</sup>

با روی کار آمدن حزب بعث، روند شیعه‌آزاری تشدید شد.

با آن‌که برخی از رهبران حزب بعث شیعی مذهب بودند، جنگ فرقه‌ای تمام‌عیاری بر ضد شیعیان آغاز شد و تحت عنوان شعوبی‌گری توجیه گردید.<sup>۲۶۰</sup>

<sup>۲۵۶</sup> (۱). سید حسین سیف‌زاده، پیشین، صص ۸۳ و ۸۴.

<sup>۲۵۷</sup> (۲). گراهام، فولر و رند رحیم فرانکه، «شیعیان عراق»، ترجمه: خدیجه تبریزی، فصلنامه تخصصی شیعه‌شناسی، تابستان ۱۳۸۳، ص ۱۷۰.

<sup>۲۵۸</sup> (۱). پس از تشکیل حزب الدعوه، اندیشمندان شیعی و به ویژه علما، در صدد مقابله با افکار کمونیستی برآمده و عضویت شیعیان را در این حزب ممنوع اعلام کردند و معتقدان به آن را تکفیر نمودند؛ برای مثال، آیت‌الله حکیم در سال ۱۹۶۰ فتوای معروف خود را مبنی بر تکفیر ارتباط با حزب کمونیستی صادر نمود.

<sup>۲۵۹</sup> (۲). عراق ساختارها و فرآیند گرایش‌های سیاسی، ص ۸۲.

<sup>۲۶۰</sup> (۳). همان، ص ۸۴.

اما صدام، هر از چندگاهی که تمامیت ارضی کشورش به خطر می افتاد، سعی می نمود تا از شیعیان دلجویی کند و به روایت برخی، صدام در قبال شیعیان سیاست «نیش و نوش» را برگزیده بود. او به خوبی و بهتر از دیگر رهبران عراق از مذهب برای اثبات حاکمیتش استفاده می کرد.

ص: ۱۴۹

پس از سال های دهه ۱۹۷۰، صدام حسین که قصد مشارکت دادن شیعیان در دولت عراق را داشت، روش های عملی متعددی را انتخاب کرد. مهم ترین آن ها، صنعتی کردن مناطق شیعی جنوب و سرعت بخشیدن به تغییرات درون روستاها بود. دومین اقدام عبارت بود از نظارت بسیار شدید بر محافل شیعی، خصوصا پس از سال ۱۹۷۹ و پیروزی انقلاب اسلامی در تهران. صدام حسین هم چنین سعی کرد با به استحاله کشاندن تشیع، خود را به عنوان دوست شیعیان معرفی کند و این کار را به ویژه با انجام حرکات احترام آمیز نسبت به زعمای دین انجام می داد.<sup>۲۶۱</sup>

اما این مسأله، هرگز موجب نشد نقش سیاسی به شیعیان داده شود و نهایت ارفاقي که در قبال شیعیان قائل می شدند، در زمینه اقتصادی بود. البته خود شیعیان هم هنگ امی که از ایفای نقش های سیاسی ناامید شدند، درصدد برآمدند تا با مشارکت در اقتصاد و تجارت، ضعف سیاسی خویش را جبران کنند؛ گرچه در برخی برهه ها، حتی از مشارکت اقتصادی آنان نیز جلوگیری به عمل می آمد و با در پیش گرفتن سیاست های اقتصادی که به ضرر آنان تمام می شد، مانع قدرت گرفتن شیعیان در بعد اقتصادی می گردیدند.

فشار بر ضد شیعیان، این گروه اجتماعی - فرهنگی را به سمت و سوی فعالیت اقتصادی سوق داد. به دنبال مهاجرت یهودیان عراق به اسرائیل در سال ۱۹۴۸، شیعیان به سرعت سعی کردند در زمینه های اقتصادی و تجارت استعداد و توان خویش را به کار گیرند. اما با رسیدن عبد السلام عارف به قدرت و اعمال برنامه های ملی سازی، به شدت آسیب دیدند. در تعمیق فشار بر شیعیان، سیاست های خاصی در پیش گرفته شد؛ از جمله این که سهمیه شیعیان در زمینه واردات و صادرات کاهش یافت و در عوض، سهمیه های کسر شده، در اختیار عرب های سنی، به ویژه افسران بازنشسته قرار گرفت.<sup>۲۶۲</sup>

گرچه نباید فراموش کرد که دوره حکومت برادران عارف (عبد السلام و عبد الرحمن) به نسبت دوران حکومت بعث، دوران آرامش نسبی برای آنان به شمار می آید، به جهت آن که هر دو برادر، تا حدودی به آزادی سیاسی معتقد بودند و شیعیان در این زمان کوشیدند تشکلهای

ص: ۱۵۰

خود را سازمان دهی نمایند؛ ولی پس از آن ها، به ویژه در زمان حاکمیت حزب بعث، محرومیت های سیاسی و اقتصادی به اوج خود رسید.

<sup>۲۶۱</sup> (۱). فرانسوا توال، پیشین، صص ۹۲ و ۹۳.

<sup>۲۶۲</sup> (۲). سید حسین سیف زاده، پیشین، ص ۸۴.

شاید بتوان سال ۱۹۷۱ را، آغاز فجایع انسانی در عراق دانست. در این سال، بیش از ۱۶۰ هزار نفر از شیعیان دستگیر، اعدام و اخراج شدند و این دستگیری‌ها، در طول دهه هفتاد هم چنان ادامه داشت. البته جنایات واقعی بر ضد شیعیان، با روی کار آمدن صدام حسین صورت گرفت. وی که در سال ۱۹۷۹ حاکمیت سیاسی عراق را به چنگ آورده بود، از همان سال‌های اولیه ریاست جمهوری‌اش، وحشی‌ترین جنایات خود را در شهرهای جنوبی و مرکزی مرتکب شد. در سال ۱۹۸۰، موج جدیدی از جنایات به وقوع پیوست و این بار به بهانه سرکوب شورشیان و بیش از همه، عوامل حزب الدعوة اسلامی، دستگیری‌ها و اعدام‌های فراگیری آغاز شد. بیش از دویست هزار نفر از شیعیان دستگیر و اعدام شدند، عده زیادی از کشور اخراج شده و تعداد زیادی هم گریختند.

در دسامبر ۱۹۸۸، حکومت عراق طرح بسیار محرمانه " عملیات در باتلاق‌ها" را به اجرا گذاشت که به موجب آن، محاصره‌ای اقتصادی بر منطقه [شیعی‌نشین جنوب] تحمیل می‌گشت، روستاها و محصولات کشاورزی به آتش کشیده می‌شدند و مظلومان توقیف می‌گشتند.<sup>۲۶۳</sup>

چندی بعد، جنگ دوم خلیج فارس به وقوع پیوست؛ جنگی که به صورت گسترده نیروهای آمریکایی را به طور مستقیم وارد منطقه خلیج فارس نمود. در این حین، شیعیان جنوب که سال‌ها سختی و مصیبت را تجربه کرده بودند، سر به شورش و اعتراض برآوردند؛ ولی دیری نپایید که دوباره قربانی تعامل آمریکا و صدام حسین شدند.

به گفته علی حسن المجید پسر عموی صدام، رژیم در عملیات سه هفته‌ای‌اش برای سرکوب شورش، سیصد هزار نفر را کشت.<sup>۲۶۴</sup>

ص: ۱۵۱

بدین ترتیب، شیعیان عراق بیش از سه دهه مورد آزار و اذیت وحشیانه حزب بعث قرار گرفته‌اند و بنابراین، بیش از همه از سرنگونی حزب سیاه بعث و به ویژه صدام حسین شادمان شده‌اند؛ ولی خاطرات گورهای دسته جمعی و پشته‌های کشته، آنان را از تکرار تاریخ می‌هراساند. از این رو،

با عنایت به ظلم تاریخی موجود در عراق به جهت عدم حضور در هرم قدرت، این بار در تلاش‌اند بر خلاف حرکت سال ۱۹۲۰ که در سایه چالش با قدرت خارجی، یعنی انگلیسی که به حذف سیاسی آن‌ها منجر شد، در شرایط فعلی با درک موقعیت منحصر به فرد و داشتن اکثریت جمعیتی و سیاسی، در آینده سیاسی عراق نقش سازنده‌تری ایفا نمایند.<sup>۲۶۵</sup>

گرچه نیروهای اشغالگر، افراطی‌های سنی و کشورهای عرب منطقه، از قدرت گرفتن شیعیان عراق خرسند نخواهند شد. هفته‌نامه صبح صادق به نقل از روزنامه الوطن عربستان می‌نویسد:

<sup>۲۶۳</sup> (۱). همان، ص ۱۸۰.

<sup>۲۶۴</sup> (۲). همان، ص ۱۸۱.

<sup>۲۶۵</sup> (۱). هفته‌نامه شما، پنج‌شنبه ۳۰ مهرماه ۸۳، س ۷، ش ۳۸۳.

بسیاری از مقامات کشورهای عربی در تماس های فشرده با دولت بوش، نگرانی خود را از روی کار آمدن حکومت شیعیان در عراق ابراز کرده‌اند.<sup>۲۶۶</sup>

از سوی دیگر، بوش چندی پیش در یکی از مصاحبه‌های خود ابراز نمود که

ممکن نیست، یک دولت شیعه مذهب در عراق بر سر کار آید که ایران بر آن تسلط داشته باشد.<sup>۲۶۷</sup>

اما به هر حال، شیعیان به رغم موانع خارجی و اختلافات جدی درون گروهی، هم‌چنان درصدد بازسازی خوبی را در صحنه سیاسی کشور ارائه دهند؛ گرچه میزان موفقیت آنان، بسته به تحولات آینده این کشور دارد.

در تشکیل کنگره ملی یک هزار نفری عراق، شیعیان توانستند ۶۵ درصد کرسی‌ها را به خود اختصاص دهند، ولی این میزان در طی درگیری‌های داخلی نجف، توسط آمریکایی‌ها تا ۵۵ درصد به نفع سنی‌ها تعدیل شد. در تشکیل کابینه جدید، آنان توانستند حدود پانزده

ص: ۱۵۲

وزارتخانه را در اختیار گیرند و به علاوه، کرسی نخست‌وزیری نیز برای شیعیان تثبیت شده است؛ گرچه در برخی برهه‌ها به دلیل اختلافات، فرصت‌ها را از دست داده‌اند؛ برای مثال در جریان انتخاب نخست‌وزیر، تعلل آنان به روی کار آمدن «ایاد علاوی» انجامید. وی که پایه‌گذار «جنبش وفاق ملی عراق» و عضو سابق حزب بعث است، به عنوان یک شیعه سکولار شناخته شده است. اما نکته مهم قابل توجه آن است که

پست نخست‌وزیری برای شیعیان تثبیت گردید. مدیریت اجرایی کشور، بیش‌تر در اختیار نخست‌وزیر است؛ گرچه هنوز به طور دقیق، مرزبندی قدرت میان رئیس‌جمهوری و نخست‌وزیر روشن نشده، اما چارچوب اختیارات شورای ریاست جمهوری از نخست‌وزیر خیلی کم‌تر است. از فضای کلی می‌شود این را فهمید که شورای ریاست جمهوری، علی‌القاعده باید اختیارات کمتری پیدا بکند، مگر این که تحول خاصی به وجود بیاید. ضمناً قرار است که شیعیان یک وضعیت حداکثری را در همه سازمان‌های دولتی و همه ساختارهای مرتبط با دولت در اختیار داشته باشند؛ اعم از ارتش، وزارت دفاع، وزارت کشور، نیروهای امنیتی - که در حال حاضر در اختیار سنی‌ها هستند - و همین‌طور در دیگر وزارتخانه‌ها. این‌که تا چه میزان این تصمیم اجرا شود، بستگی به کارکرد شیعه دارد. اگر شیعه از ابزارهای فشار خود به خوبی استفاده کند و شیعیان به این درک بالا برسند ... که اکنون زمان طرح اختلافات درونی نیست و در حال حاضر، با چالش‌های عظیم‌تری مواجه هستند و اکنون باید یک رابطه تکاملی را با هم تعریف کنند تا همه شیعیان بتوانند در کنار هم در جهت رسیدن به آن هدف که احقاق حقوق شیعه است، به حرکت درآیند، اگر چنین باشد، یقیناً می‌توانند این وعده‌ها را به انجام برسانند و حتی بیش از آن را نیز تحقق بخشند.<sup>۲۶۸</sup>

<sup>۲۶۶</sup> (۲). هفته‌نامه صبح صادق، دوشنبه ۴ آبان‌ماه ۱۳۸۳، س ۵، ش ۱۷۴، ص ۱۶.

<sup>۲۶۷</sup> (۳). چشم‌انداز، ویژه‌نامه عراق در آئینه مطبوعات دنیا، پاییز ۱۳۸۳، ص ۴۸.

<sup>۲۶۸</sup> (۱). علی اصغر محمدی، «شیعیان عراق آرمان‌ها، واقعیت‌ها و چالش‌ها»، فصلنامه تخصصی شیعه‌شناسی، س ۲، ش ۷، پاییز ۱۳۸۳، ص ۲۰۳.

به هر حال، باید منتظر ماند و دید تحولات نظام سیاسی عراق تا چه میزان در راه منافع شیعیان به وقوع خواهد پیوست . به یقین قدرت یافتن آنان، نه تنها پیامدهای مثبتی برای شیعیان عراق، بلکه برای هم‌کیشانان در منطقه به همراه خود خواهد داشت؛ به ویژه آن‌که آنان به لحاظ قومیتی، عرب بوده و پیوند مشترکی با اعراب منطقه دارند.

ص: ۱۵۳

اگر شیعیان در عراق به جایگاهی سیاسی دست یابند، بی‌تردید هم‌چون شیعیان لبنان، خواستار تداوم فعالیت‌های فرهنگی و سیاسی عراق در جهان عرب خواهند بود و البته درصدد تغییر دادن برخی از تلقی‌های متداول در این جهان نیز برخوانند آمد؛ به ویژه تعصباتی که به شیعیان لطمه زده اند. پیشنهادی که شیعیان در عراق به جا می‌گذارند، شدیداً مورد توجه مردم و حکومت‌های تمامی کشورهای منطقه قرار خواهد گرفت. با وجود نگرانی‌های نخبگان سنی در جهان عرب، شیعیان احتمالاً با این اعتقاد جزمی که حکومت‌های عربی ضرورتاً باید سنی باشند، مخالفت می‌کنند و به عرفی که عربیت را با سنی‌گرایی یکی می‌داند و مدت‌هاست در فرهنگ جهان عرب نهان است، پشت پا می‌زنند. به بیانی جسورانه‌تر، شیعیان عراقی می‌توانند گذشته را نیز تحت تأثیر قرار دهند؛ آن‌ها می‌توانند تاریخ‌نگاری عربی را به گونه‌ای بازسازی کنند که تشیع، به عنوان مؤلفه‌ای اساسی از این تاریخ درآید. مثبت یا منفی بودن پیامدهای احیای سیاسی شیعه در عراق، برای شیعیان عرب به عنوان یک کل، بسته به عوامل ذیل است: حل تنش‌های درونی و نیز تنش‌های میان شیعیان و سنیان، چگونگی تصمیم‌گیری آن‌ها در مورد مسایل داخلی، و نحوه ارتباط آن‌ها با کشورهای منطقه.<sup>۲۶۹</sup>

### شیعیان قطر

رشد تشیع در قطر نیز عموماً به دهه‌های اخیر و مهاجرت اتباع بحرینی، ایرانی و لبنانی به این کشور برمی‌گردد.<sup>۲۷۰</sup>

در قطر نیز همانند عربستان سعودی، حکومت تحت نفوذ مذهب وهابی است، ولی از آن‌جا که جامعه قطر، جامعه‌ای آرام و بدون تنش می‌باشد و روابط مذاهب مختلف، به نسبت مسالمت‌آمیز است شیعیان در این کشور، به نسبت عربستان از جایگاه مناسب‌تری برخوردارند.

شیعیان قطر، از آزادی رضایت بخشی برخوردار بوده و با محدودیتی روبه‌رو نمی‌باشند. شیعیان دارای ۲۳ حسینیه و چندین مسجد هستند که به مناسبت‌های مختلف، اقدام به برپایی مجالس دینی در آن‌ها می‌نمایند.<sup>۲۷۱</sup>

ص: ۱۵۴

برای مثال، می‌توان از حسینیه‌های لاری‌ها، گرایش‌ها، صفار، بکشیته، بحارنه، جهرمی‌ها، پاکستانی‌ها، بیرمی‌ها و مسجد جامع (سلمان صاعق) نام برد. البته اکثر شیعیان این کشور، از گروه اخباری‌ها هستند.

<sup>۲۶۹</sup> (۱). گراهام‌ای. فولر و رند رحیم فرانکه، پیشین، ص ۱۵۹.

<sup>۲۷۰</sup> (۲). حسن علوی، پیشین، ص ۱۴.

<sup>۲۷۱</sup> (۳). همان، ص ۱۶.

فعالیت‌های مساجد و حسینیه‌های شیعیان، به دلیل تأثیر از فرهنگ ایرانی، تا حدود زیادی م‌ شابه فعالیت‌های مساجد ایران می‌باشد. نظارت دولت بر این فعالیت‌ها، از طریق شیخ سلیمان حیدر که نماینده شیعیان می‌باشد، صورت می‌گیرد. مشار الیه موظف به مذاکره با ارگان ذیربط دولتی، در خصوص مسایل مورد اهمیت می‌باشد.<sup>۲۷۲</sup> هم‌چنین یک فرد شیعه به نام حسین صلات، معاون یکی از وزرای این کشور بود.

شیعیان قطر هم‌چنین نفوذ قابل توجهی در بازار این کشور دارند.<sup>۲۷۳</sup>

البته نباید فراموش کرد که در این کشور نیز همان دیگر کشورهای این حوزه، شیعیان از دسترسی به مشاغل بالای دولتی و شغل‌های کلیدی محروم گشته‌اند؛ به ویژه آن‌که قطر به لحاظ مذهبی، تحت تأثیر عربستان است.

### شیعیان امارات متحده عربی

در خصوص شیعیان امارات متحده، اطلاعات چندانی در اختیار نیست و متأسفانه تلاش نگارنده برای کسب اطلاعاتی در این زمینه، بی‌نتیجه ماند. آمار ارائه شده در مورد جمعیت شیعیان این کشور نیز متفاوت است. به گفته اطلس جهانی، حدود ۱۶ درصد از کل جمعیت این کشور شیعه هستند؛ در حالی که در برخی منابع، جمعیت آنان بین ۶ تا ۲۰ درصد تخمین زده شده است. به هر حال، بیش تر این شیعیان در امارات دبی ساکن اند که از مهم ترین و در عین حال، یکی از پرجمعیت ترین امیرنشین‌های امارات متحده به شمار می‌آید.

دبی، شهر بندری و پررونق امارات متحده عربی، منطقه آزاد تجاری می‌باشد که اکثریت شیعیان این کشور در این شهر ساکن می‌باشند.<sup>۲۷۴</sup>

ص: ۱۵۵

در برخی مقالات، مطرح شده که بیش از ۳۳ درصد جمعیت دبی را شیعیان تشکیل می‌دهند.

این تمرکز در مهم ترین امیرنشین امارات متحده عربی، مسائلی از همان نوع را ایجاد می‌کند که در دیگر امیرنشین‌ها به وجود آورده است، ضمن آن‌که در دبی نیز مانند بحرین، نفوذ شدید ایران وجود دارد.<sup>۲۷۵</sup>

اصولاً کشور امارات متحده عربی، کشوری مهاجرپذیر است، به گونه‌ای که می‌گویند حدود ۴/۵ جمعیت آن را مهاجران تشکیل داده‌اند و بنابراین، این که گفته می‌شود بیش تر شیعیان این کشور ایرانی اند، دور از انتظار نیست. بعضی‌ها هم می‌گویند شیعیان این کشور، متعلق به قبیله بحارینه می‌باشند که

---

<sup>۲۷۲</sup> (۱). همان، ص ۱۷.

<sup>۲۷۳</sup> (۲). همان، ص ۱۵.

<sup>۲۷۴</sup> (۳). همان، ص ۲۲۴.

<sup>۲۷۵</sup> (۱). رسول جعفریان، جغرافیای تاریخی و انسانی شیعه در جهان اسلام، ص ۱۰۱.

ممکن است این قبیله در حدود سیصد سال پیش، با قبول مذهب تشیع از قبای ل نعین - از قبیله عرب - به وجود آمده باشد؛ گرچه بعضی ها معتقدند این مردمان، از ساکنان اصلی و بومیان ناحیه هستند که به دست اعراب شکست یافته اند. تمام مردم قبیله شیعه مذهب اند و به تجارت و کشاورزی اشتغال دارند.<sup>۲۷۶</sup>

شیعیان این کشور نیز نفوذ چندانی در ساختار سیاسی کشور نداشته و عموماً به تجارت و بازرگانی مشغول اند.

### شیعیان کویت

کویت نیز از جمله کشورهای این منطقه است که جمعیت قابل توجهی از شهروندان آن را شیعیان تشکیل می دهند. بر اساس آمارهای رسمی و هم چنین بر اساس سرشماری سال ۱۹۹۹ و اطلاعات داده شده در دایرة المعارف ها، حداقل چهل درصد از جمعیت این کشور را شیعیان تشکیل می دهند که در مقایسه با جمعیت ۴۵ درصدی اهل تسنن که اکثریت محسوب می شوند، میزان قابل توجهی بوده و بنابراین، به کار بردن عنوان اقلیت برای این جمعیت به دور از انصاف است.

ص: ۱۵۶

کویت از مناطق دیگر است که جمعیت آن، ترکیبی از مردم بومی منطقه و مهاجرین ایرانی و غیر ایرانی است. طبق آماری رسمی، بیش از چهل درصد و بر اساس برخی از مآخذ، بیش از پنجاه درصد از مردم آن شیعه هستند. همان طور که بارها تذکر داده ایم، به دلایل متعددی نمی توان به این آمارهای رسمی توجه کرد.<sup>۲۷۷</sup>

نکته قابل تأمل آن است که اکثریت شیعیان این کشور را شیعیان دوازده امامی تشکیل می دهند و از این لحاظ، از هم کیشان ایرانی ها محسوب می شوند و

دارای حسینییه های متعددی می باشند. از عراق، ایران و جبل عامل، عده ای اهل علم جهت ارشاد و تعلیم احکام به سوی کویت می روند.<sup>۲۷۸</sup>

به لحاظ سیاسی نیز وضعیت آنان مانند دیگر کشورهاست. این شیعیان، عموماً

به دنبال پیشرفت و بهره برداری از نفت به آن جا مهاجرت کرده اند. شیعیان کویت نیز همانند شیعیان عربستان، همان نوع مسایل را برای امیر کویت ایجاد می کنند؛ گرچه کویت حقوق سیاسی به این اقلیت اعطا کرده است.<sup>۲۷۹</sup>

در گزارش سال ۲۰۰۳ وزارت خارجه ایالات متحده آمریکا آمده است:

---

<sup>۲۷۶</sup> (۲). دونالد هاوولی، پیشین، ص ۳۲۵.

<sup>۲۷۷</sup> (۱). رسول جعفریان، پیشین، ص ۴۹.

<sup>۲۷۸</sup> (۲). محمد جواد مغنیه، پیشین، ص ۳۴۴.

<sup>۲۷۹</sup> (۳). فرانسوا توال، پیشین، ص ۱۰۰.

وضعیت و موقعیت کلی جامعه شیعیان، طی دوره ای که این گزارش تهیه شده بهبود یافته است. دولت با ساخت سه مسجد جدید شیعیان، علاوه بر سه مسجد دیگری که در ۲۰۰۱ به تصویب رسیده بود، موافقت کرده است. بدین ترتیب، شیعیان در مجموع، ۳۶ مسجد در این کشور دارند. به تازگی دولت در حال بررسی تقاضای تشکیل و تأسیس «دیوان عالی شیعیان» برای برخورد با مسایل و موضوعات مربوط به حقوق خانواده می باشد. هم‌اینک دولت به شیعیان اجازه می‌دهد که در موضوعات و مسایل فردی، در رسیدگی نخست و در موارد تجدیدنظر، حاکمیت و صلاحیت قضایی خود را اعمال نمایند (اما از چنین صلاحیت قضایی، در سطح نقض حکم برخوردار نیستند). رهبران شیعه، دیگر نگرانی خود را از این بابت که قانون پیشنهادی در مجلس ملی، اعتقادات و باورهای آن‌ها را در نظر نگرفته، ابراز نمی‌کنند.<sup>۲۸۰</sup>

ص: ۱۵۷

نکته مهم قابل ذکر آن است که در انتخابات پارلمانی ۱۵ تیرماه ۱۳۸۲، شیعیان توانسته‌اند پنج نماینده به مجلس بفرستند.

جریان‌های شیعه، پنج نماینده به مجلس پنجاه نفری کویت فرستادند که کسب پنج کرسی از پنجاه کرسی پارلمان از سوی شیعیان، پیروزی سیاسی بزرگی در تاریخ حیات سیاسی کویت محسوب می‌شد و این، نگرانی مقام‌های کویتی را به دنبال داشت و این پیروزی که نتیجه نزدیکی و اتخاذ وحدت رویه جریان‌های شیعه در این کشور بود، مقام‌های کویتی را بر آن داشت تا تبلیغات از پیش برنامه‌ریزی شده ادعای دخالت ایران در امور داخلی آن کشور را مطرح کنند و مدعی شوند که ایران با تلاش در ایجاد وحدت میان جریان‌های شیعه، در صدد اخلال در امور جاری کویت است.<sup>۲۸۱</sup>

#### مراکز شیعه‌نشین منطقه خلیج فارس

نحوه توزیع و پراکندگی جمعیت‌های شیعی کشورهای حوزه خلیج فارس، از جنبه‌های مختلف اهمیت دارد. در برخی از این کشورها همانند امارات متحده عربی، عربستان، عراق و عمان، حضور آن‌ها را به صورت متمرکز در برخی شهرها شاهدیم که این تمرکز، از جنبه‌های مختلف می‌تواند برای این کشورها خطرآفرین باشد. از یکسو زندگی در کنار یکدیگر، به حس مشترک محرومیت دامن زده و زندگی جمعی، جسارت و شهادت مبارزه را تقویت نموده، احتمال شورش و اغتشاش آنان را افزایش می‌دهد. از سوی دیگر، مسائلی از قبیل جدایی طلبی و گرایش‌های گریز از مرکز، به ویژه در شهرهای مرزی مطرح می‌شود. نیز در برخی از این کشورها، تجمع آنان در مناطق استراتژیک و به ویژه مراکز نفتی، سبب شده نفوذ قابل توجهی در اقتصاد کشورها داشته باشند و این مسأله، از جنبه‌های مختلف برای دولت‌ها بحران‌زاست.

حضور آن‌ها در کارخانه‌ها، پالایشگاه‌ها، مراکز تجاری و ...، درصد بالای احتمال اعتصاب و امکان فلج نمودن اقتصاد کشور را به همراه دارد و یا حتی دور و نزدیکی به پایتخت، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. نزدیک بودن محل تمرکز آنان به مراکز سیاسی، از

ص: ۱۵۸

<sup>۲۸۰</sup> (۴). «گزارش سال ۲۰۰۳ درباره آزادی‌های مذهبی در جهان»، وزارت خارجه آمریکا، ۱۸ دسامبر ۲۰۰۳، به نقل از سایت‌های اینترنتی.

<sup>۲۸۱</sup> (۱). علی حسن حیدری، «شیعیان در کویت»، روزنامه صبح صادق، ش ۴، ۱۵۲، خردادماه ۱۳۸۳، ص ۱۱.

یکسو میزان آگاهی سیاسی آنان را از حقوق شهروندی خویش بالا برده و از سوی دیگر، بازتاب شورش و اعتراض آنان را گسترش داده، احتمال انتشار آن را به مراکز دیگر افزایش می دهد. در مجموع، محل تجمع شیعیان منطقه خلیج فارس، ممکن است از چند جهت قابل توجه و استراتژیک باشد:

۱. به لحاظ دور و نزدیکی به پایتخت

۲. به لحاظ دور و نزدیکی به مرزها

۳. قرار گرفتن در مراکز نفتی و استراتژیک

۴. واقع شدن در مراکز زیارتی و مهاجرپذیر

۵. قرار گرفتن در مراکز تجارتي

برای مثال در کشور عمان، تعداد زیادی از شیعیان در نزدیکی شهر مسقط، پایتخت سیاسی این کشور زندگی می کنند و بنابراین، این حضور می تواند برای دولت سنی عمان بسیار خطرآفرین باشد. همچنین در پایتخت عراق نیز شاهد چنین تمرکزی در محله های کرخ و براثا هستیم و آن گونه که در کتاب های تاریخی آمده، حضور این شیعیان به گذشته های دور باز می گردد.

کرخ در سمت غربی دجله واقع و از محله های دیگر آبادتر و محل سکناي بازرگانان ثروتمند بوده است. این محله از آغاز بنای بغداد، شیعه نشین بوده و جزء محله های کوچک تری که ویژه شیعیان بوده نیز وجود داشته است. این محله ها، عموماً مرکز درگیری میان شیعه و سنی بوده است. با اشاراتی که این جوی به شورش های محله ای دارد، می توان گفت که علاوه بر کرخ در غرب بغداد، محله های مسکونی دیگری در همان منطقه در نهر الطابق و در شهر بغداد، محل های سوق السلاح باب الطاق، سوق یحی، قلابین، ثلاثاء، اسکنه و اهل درب سلیمان مرکز شیعیان بوده است.<sup>۲۸۲</sup>

حضور در مراکز سیاسی و پایتخت ها افزون بر اهمیت سیاسی، به لحاظ اقتصادی نیز می تواند حائز اهمیت باشد. برای مثال، یکی از بزرگ ترین بازارهای بغداد، بازار بزرگ کرخ بوده که به

ص: ۱۵۹

دلیل قرار گرفتن در محله شیعیان، همواره در انحصار این گروه بوده است و بیش تر کسبه آن را شیعیان تشکیل می دهند. به واقع،

می توان گفت تجارت بغداد در دست همین بازاریان شیعه مذهب بوده است.<sup>۲۸۳</sup>

<sup>۲۸۲</sup> (۱). حسن موسوی، زندگی سیاسی و فرهنگی شیعیان بغداد، ص ۳۵.

<sup>۲۸۳</sup> (۱). همان، ص ۴۰.

از سوی دیگر، مراکز سیاسی کشورها موقعیت مرکزی دارند، هم به لحاظ تمرکز مهم ترین تشکیلات دولتی و سازمان‌های اداری و شرکت‌های تجاری داخلی و بین‌المللی، و هم به لحاظ وجود رسانه‌های گروهی و فضای باز سیاسی و تبادل اطلاعات و ارتباطات گسترده در سطح داخلی و بین‌المللی. بنابراین، تمرکز شیعیان در پایتخت‌ها یا حتی در حواشی آن‌ها، همواره به عنوان عاملی تنش‌زا از سوی دولت‌های سنی منطقه تلقی شده است. این طرز تلقی، باعث شده تا دولت‌مردان برخی از این کشورها هم چون عربستان سعودی، همواره بکوشند از تمرکز شیعیان در پایتخت‌ها و حواشی آن جلوگیری کنند. البته حاکمان سعودی، درگیر مشکل ژئوپولیتیکی بزرگ تری شده‌اند؛ چرا که شیعیان، در محل‌هایی زندگی می‌کنند که یکی از استراتژیک‌ترین مناطق عربستان است. مناطقی که اینک عمیق‌ترین میادین نفتی خلیج فارس را دربر دارد؛ یعنی مناطق الاحساء و قطیف واقع در استان شرقیه عربستان.

عمده ذخایر نفتی عربستان سعودی، دقیقاً در این منطقه واقع است و هفتاد درصد کارکنان شاغل در این میدان‌های نفتی، اعراب شیعی هستند. وجود جمعیت‌های شیعی، مشکل دائمی حاکمیت ریاض است.<sup>۲۸۴</sup>

چرا که آنان ناخواسته بر شاه‌رگ حیات اقتصادی عربستان سایه انداخته‌اند.

گرچه حاکمان سعودی با فشارهای روزافزون و محرومیت‌ها در طول تاریخ، همواره این اقلیت مذهبی را تضعیف نموده‌اند، ولی وجود آنان، واقعیت این سرزمین هاست و خواه ناخواه باید پذیرفته شود. این حقیقتی است که سیاست‌مداران سعودی نیز بدان آگاهی یافته و به این نتیجه رسیده‌اند که برای برقراری امنیت منطقه، به ناچار باید از جمعیت‌های محلی و به ویژه

ص: ۱۶۰

شیعیان بهره برد. افزون بر عربستان، در کشورهای عمان، عراق، بحرین، امارات، کویت و قطر نیز شیعیان در مناطقی زندگی می‌کنند که از مهم‌ترین مراکز نفت‌خیز منطقه به شمار می‌آید.

برای مثال، در عراق

شیعیان در جاهایی قرار دارند که اهمیت آن‌ها فوق‌العاده استراتژیک است. در جنوب، علاوه بر سیطره بر حوزه‌های مهم نفتی عراق، بر گلوگاه ارتباط دریایی عراق تسلط دارند.... در تمام حاشیه دجله، شیعیان ساکن هستند و سنی‌ها دورتر سکونت دارند. در کرکوک هم که بالاترین نقطه نفتی عراق است و کردها به آن چشم دوخته‌اند، شیعیان نیز حضور فعال دارند.<sup>۲۸۵</sup>

به لحاظ فرهنگی نیز منطقه جنوب حائز اهمیت است. این منطقه که محل تلاقی دو رود دجله و فرات در آن واقع است،

<sup>۲۸۴</sup> (۲). فرانسوا توال، پیشین، ص ۹۸.

<sup>۲۸۵</sup> (۱). علی اصغر محمدی، پیشین، ص ۲۰۹.

محل افسانه‌ای سومر - اولین تمدن بین النهرین - است. دو رودخانه مذکور، پس از منطقه باتلاقی، به مصب گسترده ای جریان می‌یابند که وسیع‌ترین مناطق نخلستانی عراق است. منطقه سرسبز و پرآب بین النهرین جنوبی، به اندازه شهرهای مقدس نجف و کربلا، در خودآگاهی فرهنگی شیعی نقش دارد.<sup>۲۸۶</sup>

در برخی از این کشورها نیز تجمع شیعیان را در مراکز تجاری شاهدیم. برای مثال، در امارات متحده عربی، بیش تر شیعیان در امیرنشین دبی زندگی می کنند و جالب این جاست که این شیخ نشین، پس از ابوظبی مهم ترین شیخ نشین امارات است و از بعد تجاری، یکی از پر رونق ترین شهرهای منطقه به شمار می آید و به لحاظ جمعیتی نیز از پرجمعیت ترین امیرنشین‌های امارات است.

بارزترین ویژگی این شیخ نشین، موقعیت آن به عنوان یک مرکز تجارتی پیشرو در میان بقیه شیخ نشین‌های متحده عربی است.<sup>۲۸۷</sup>

ص: ۱۶۱

گرچه دبی به لحاظ منابع معدنی، پس از ابوظبی مهم ترین منابع نفتی کشور امارات را در بردارد، ولی رونق واقعی این شیخ نشین، مرهون تجارت و بازرگانی است.

دبی با جمعیتی بالغ بر ۷۵۰ هزار نفر، به عمده‌فروشی و خرده‌فروشی کالاها، بیش از نفت متکی است. حضور گردشگران خارجی و تجار و سرمایه‌گذاران ملل مختلف که از مالیات کم بهره‌جسته و به تجارت کالا در دبی می‌پردازند، به اقتصاد این امیرنشین در سال‌های گذشته رونق زیادی بخشیده بود.<sup>۲۸۸</sup>

این شهر

دارای یک منطقه آزاد تجاری به نام «جبل علی» است. در جبل علی، سرمایه‌گذاران سال‌هاست که به داد و ستد کالا می‌پردازند. این بندر آزاد، دروازه ورود کالاهای ساخته شده شرق آسیا و مرکز صادرات مجدد این گونه کالاها به کشورهای حوزه خلیج فارس است.<sup>۲۸۹</sup>

بندر جبل علی، یکی از بزرگ ترین بندرهای منطقه است و مکان جذابی برای فعالیت های صنعتی و تجاری به شمار می‌آید.

با این اوصاف، این مهم ترین امیرنشین امارات متحده عربی که مرکز تجمع بازرگانان و تاجران سراسر منطقه آسیای شرقی و خاورمیانه است، محل تمرکز شیعیان این کشور می باشد و بنابراین، شیعیان نیز از موقعیت خاص تجاری و مرکزی این شهر استفاده و بهره لازم را می‌برند.

<sup>۲۸۶</sup> (۲). گراهام‌ای. فولر و رند رحیم فرانکه، پیشین، ص ۱۶۱.

<sup>۲۸۷</sup> (۳). مهدی مظهري، پیشین، ص ۱۱۳.

<sup>۲۸۸</sup> (۱). «اقتصاد دبی از کاهش شمار گردشگران روس آسیب دیده است»، نشریه بررسی‌های بازرگانی، ش ۱۴۲، ص ۱.

<sup>۲۸۹</sup> (۲). همان، ص ۱.

تعداد دیگری از این شهرها، از جنبه های مذهبی مورد توجه هستند. شهرهای مکه و مدینه در عربستان و کربلا، نجف، کاظمین و سامرا در عراق، از این دسته می باشند. برای مثال کربلا، به دلیل وجود مرقد مطهر امام حسین علیه السلام برای تمامی مسلمانان به ویژه شیعیان جهان اهمیت دارد. از این رو، هر ساله شاهد هزاران زائر هستیم که برای زیارت مرقد مطهر

ص: ۱۶۲

ایشان مشتاقانه به این مکان مسافرت می کنند. نجف نیز میزبان قبر مطهر امام علی علیه السلام است. به علاوه، این شهر از دیرزمان، مرکز تجمع هزاران طلبه شیعه بوده و همواره مدارس علمیه در آن دایر بوده است.

مرکز علمی شیعه در این شهر، برای قرن ها، صدها عالم شیعی را پرورش داده که محقق حلی و بعداً علامه حلی، از بزرگ ترین این عالمان به شمار می رفتند.<sup>۲۹۰</sup>

خلاصه کلام آن که، شیعیان زیادی از کشورهای کشمیر، لبنان، افغانستان، هندوستان و کشورهای حاشیه خلیج فارس، به ویژه بحرین و عربستان برای تحویل علوم دینی به این حوزه آمده و مدارج علمی را در آن می گذرانند. البته مدارس علمیه در کاظمین و سامرا و برخی شهرهای دیگر عراق نیز برقرار است، ولی در این میان، نجف اشرف موقعیت ویژه ای دارد و توجه تمام شیعیان جهان به این خطه دوخته شده است.

همچنین باید دانست که کربلا و سایر عتبات شیعی در بغداد و به ویژه نجف، تأثیر فراوانی در کوچ دادن شیعیان نقاط دیگر به این دیار داشته و این خود در رواج تشیع تأثیر فراوانی داشته است.<sup>۲۹۱</sup>

بارگاه شش امام بزرگ شیعیان در شهرهای مختلف عراق قرار دارد و همین رفت و آمد زائران و طلبه ها، شیعیان این کشور را با سراسر جهان تشیع مرتبط می سازد.

در عربستان نیز عده زیادی از شیعیان این کشور در حواشی دو شهر مهم و زیارتی، یعنی مکه و مدینه سکنی گزیده اند و بنابراین، از موقعیت مرکزی این شهرها بهره مند می شوند.

ملاحظه فرمودید که تمامی شهرهای شیعی نشین خلیج فارس، از موقعیت استراتژیک و مرکزی برخوردارند و از این رو، حائز اهمیت می باشند. نکته دیگر قابل تأمل آن است که تقریباً در همه این کشورها، شیعیان در یک خط ساحلی، مرزهای آبی خلیج فارس را در انحصار خویش دارند. این خط ساحلی، مهم ترین منابع نفتی را در خود دارد.

ص: ۱۶۳

حضور در این سواحل، از جنبه های دیگر، مشکلات ژئوپولیتیکی فراوانی را به بار می آورد.

<sup>۲۹۰</sup> (۱). رسول جعفریان، پیشین، ص ۵۵.

<sup>۲۹۱</sup> (۲). همان، ص ۵۴.

برای مثال، مسائلی چون جدایی طلبی این گروه‌ها و فعالیت‌های گریز از مرکز را موجب می‌شود، به ویژه آن‌که مهم‌ترین همسایه شمالی خلیج فارس یعنی ایران اسلامی، هم‌کیش این اقلیت است.

### نتیجه‌گیری

بر اساس آن‌چه در این فصل بدان پرداختیم، شیعیان حاشیه خلیج فارس در یک خط ساحلی که تقریباً تمامی سواحل خلیج فارس را دربر دارد، ساکن بوده و با توجه به نفت خیز بودن این سرزمین‌ها، به طور کلی می‌توان گفت به لحاظ جغرافیایی، مهم‌ترین بخش‌های خلیج فارس در انحصار شیعیان است. این بخش‌ها که هم شامل سواحل شمالی (سواحل ایران) و هم سواحل جنوبی است، در بخش جنوب، سواحل عراق، کویت، استان‌های شرقی عربستان سعودی، سواحل بحرین و قسمت‌هایی از سواحل قطر و بندر دویی را در امارات متحده در بر می‌گیرد و حتی تا سواحل باطنه دریای عمان نیز امتداد می‌یابد. به بیان دیگر،

خلیج فارس از نظر جغرافیای مذهبی، تحت سلطه شیعیان است.<sup>۲۹۲</sup>

از بعد جمعیتی نیز کشورهای ایران، عراق و بحرین، اکثریت قابل توجهی از شیعیان را در خود جای داده‌اند که از میان این سه کشور، ایران و عراق از پرجمعیت‌ترین کشورهای منطقه هستند. افزون بر آن، کشور کویت نیز با جمعیت چهل درصدی شیعیان خود مورد توجه است.

حتی بر اساس آمارهای رسمی ارائه شده - گرچه در صحت و سقم آنان شک و تردید وجود دارد - این منطقه از نظر جمعیتی نیز تحت سلطه شیعیان است و تقریباً حدود هفتاد درصد جمعیت منطقه شیعی مذهب هستند.

اما از بعد اقتصادی، گرچه شیعیان همواره در تلاش بوده‌اند تا جایگاه ویژه‌ای را در این حوزه به خود اختصاص دهند و در برخی کشورها تا حدودی نیز موفق عمل کرده‌اند، ولی از

ص: ۱۶۴

آن‌جا که به لحاظ سیاسی همواره تحت سیطره اقلیت سنی مذهب بوده و می‌باشند، در بیش تر موارد ناکام مانده‌اند. محرومیت‌های اقتصادی که تماماً تحمیلی بوده و بر مبنای سیاست‌های اقتصادی حاکمان سنی اعمال شده، در کشورهایی چون عربستان و عراق بیش از دیگر کشورها به چشم می‌خورد.

اما محرومیت‌های این گروه مذهبی از بعد سیاسی اسف‌بارتر است. آنان نه تنها از دسترسی به شغل‌های کلیدی و حساس بازداشته شده‌اند، بلکه حتی در برخی کشورها چون عربستان سعودی، از حداقل آزادی‌ها و حقوق سیاسی نیز محروم گشته‌اند، به گونه‌ای که اطلاق شهروند درجه دوم به آن‌ها، بر اساس وضعیتی که در آن به سر می‌برند، توصیف به جایی است.

<sup>۲۹۲</sup> (۱). فرانسوا توال، پیشین، ص ۱۰۲.

تأسف‌برانگیز است در دنیایی که در آن حتی حیوانات از حقوق و آزادی‌هایی برخوردارند و کوچک‌ترین تعدی به آن‌ها، اعتراض عده‌ای را برمی‌انگیزد، در حق شیعیان تا به این حد اجحاف صورت می‌گیرد و در حالی که آن‌ها حتی از حداقل حقوق انسانی نیز محروم گشته‌اند، هیچ‌کس حتی منادیان حقوق بشر هم، سری به علامت تأسف تکان نمی‌دهند.

ص: ۱۶۵

## فصل چهارم رستاخیز شیعی

ص: ۱۶۷

### مقدمه

در فصل پیشین دیدیم که چگونه شیعیان با در اختیار داشتن اکثریت جمعیت منطقه، از جایگاه نامطلوبی در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی برخوردارند. بر این اساس، با آگاهی روزافزون آنان از موقعیت خویش و افزایش سطح تحصیلات و گسترش فناوری ارتباطات، کم‌کم آنان نیز به «خودآگاهی جمعی» رسیده‌اند. بدین ترتیب، با شکل‌دهی احزاب، گروه‌ها و سازمان‌های مخفی و نیمه‌مخفی، تشکّل‌های خویش را سازمان‌دهی نموده و در راستای رسیدن به جایگاه حقیقی خویش، دست به فعالیت‌های سیاسی زده‌اند.

شیعیان با امید به ظهور منجی آخر الزمان و در راستای «اصل‌آمادگی برای ظهور»، جهاد را ابزاری برای این استراتژی می‌دانند. هم‌چنین به لحاظ سازمانی، با وجود اصل مرجعیت و رهبری مذهبی - سیاسی، از جایگاه و موقعیت مناسب یک جنبش سیاسی برخوردارند. بر همین اساس است که حساسیت قدرت‌های خارجی و غرب را برانگیخته و به واکنش واداشته‌اند. رویکردهای جهان غرب در طول تاریخ، گویای این حساسیت‌هاست.

در این فصل، در پی بررسی ریشه‌ها، اهداف و پیامدهای رستاخیز شیعه هستیم. که در ذیل عناوینی چون «جنبش‌های شیعی» و «تشیع رویاروی غرب» به آن‌ها اشاره خواهیم کرد.

## جغرافیای سیاسی شیعیان خلیج فارس و جنبش‌های شیعی

در یک تعریف کلی،

جنبش اجتماعی و سیاسی، به رفتار گروهی برای نیل به یک هدف اجتماعی یا مقاومت در برابر دگرگونی در یک جامعه اطلاق می‌شود. در بیان دیگر، جنبش به معنای هیجان، حرکت مردمی، ناآرامی، کوشش جمعی برای رسیدن به هدفی روشن و به ویژه دگرگونی در بعضی نهادهای اجتماعی است که در برابر حزب یا گروه فشار قرار گرفته است.<sup>۲۹۳</sup>

ص: ۱۶۸

<sup>۲۹۳</sup> (۱). حسین کاظمی کهرودی، ریشه‌های تاریخی و اجتماعی جنبش‌های اسلامی معاصر، ص ۱۳.

اما جنبش‌های شیعی که نوع خاصی از جنبش‌های اسلامی به شمار می‌آیند، از جمله فراگیرترین و مؤثرترین حرکت‌های مردمی هستند که در راستای احیا و استقرار اندیشه‌های تشیع و مبارزه با حکومت‌های فاسد زمان که آنان را غاصب حاکمیت اسلامی می‌دانند، به پا خواسته‌اند و آن‌گونه که در فصل پیشین نیز بدان اشاره کردیم، محرومیت‌های اقتصادی و سیاسی که بر شیعیان اعمال شده، عاملی مهم در تسریع این حرکت‌ها به حساب می‌آید.

گرچه از سوی دیگر، موج بیداری اسلامی در منطقه خلیج فارس به دنبال حرکت‌های استقلال‌طلبانه و ناسیونالیسم در جهان غرب، شیعیان منطقه را نیز تحت تأثیر هر چه بیش تر قرار داده است، اما نباید فراموش کرد تشیع ماهیتا پویا و انقلابی بوده و عوامل محیطی، تنها نقش کاتالیزور را در فعال کردن آتش زیر خاکستر بر عهده داشته‌اند.

به‌هر حال دشواری‌های اجتماعی که همواره بر زندگی شیعیان حکمفرما بوده است، هیچ‌گاه نتوانست تأثیر آنان را بر سیر وقایع سیاسی و اجتماعی خنثی کند. حضور شیعه در محیط اجتماعی پیرامون خود، فعالانه و تأثیرگذار بوده است، به‌گونه‌ای که موضع‌گیری‌های آنان (اعم از رهبری‌های دینی و پایگاه‌های مردمی)، نیرویی بنیادی در زندگی سیاسی و اجتماعی به شمار می‌رفته است.<sup>۲۹۴</sup>

این جنبش‌ها که خواهان تغییرات بنیادین در ساختار سیاسی - اجتماعی جوامع خویش می‌باشند، از یکسو در تقابل با حکومت‌های داخلی و از سوی دیگر، در تضاد با امپریالیزم غرب ظاهر می‌شوند.

در حقیقت این جنبش‌ها در دو جبهه می‌جنگند. از یک طرف برای پاک کردن جامعه خویش می‌کوشند و به سازمان‌ها و تشکیلات موجود که به نظر آن‌ها شایسته اسلام راستین نیستند، حمله می‌کنند و از طرف دیگر، بر ضد حکومت استعماری که به طور کلی مخالف آن بودند، دست به جنگ مسلحانه می‌زنند.<sup>۲۹۵</sup>

ص: ۱۶۹

به لحاظ ساختاری، جنبش‌های شیعی، به دلیل عامل مرجعیت و رهبری فرهمند مراجع تقلید، از سازمان‌دهی و تشکّل منظم‌تری به نسبت دیگر جنبش‌های اسلامی برخوردارند.

از آن‌جا که شیعیان طی مراحل مختلف تاریخ خود، همواره جناح مخالف و معارض نظام بودند و آن را مشروع و قانونی نمی‌دانستند، بر سرنگونی آن و جای‌گزینی نظام امامت تلاش می‌کردند. از این‌رو، سازمان‌دهی و تشکیلات نزد آن‌ها یک اصل کلی و ضرورت گریزناپذیر بود و تقریباً در هر مرحله، رهبر واحدی داشتند که به هدایت و ارشاد آنان می‌پرداخت. به همین علت، در بین شیعیان برخلاف اهل سنت، حرکت‌های تک‌روانه و فردی کم‌تر دیده می‌شود.<sup>۲۹۶</sup>

بنابراین در این حرکت‌ها، عامل رهبری اهمیت قابل توجهی دارد. همین عامل رهبری، باعث شده تا جهان تشیع، مرز مشخصی نداشته باشد و گاه حرکت‌های شیعی کشوری، توسط رهبران مذهبی در کشور دیگر هدایت و رهبری شود.

<sup>۲۹۴</sup> (۱). همان.

<sup>۲۹۵</sup> (۲). رادولف پیترز، اسلام و استعمار، ترجمه: فرقانی، ص ۸۲.

<sup>۲۹۶</sup> (۱). حسین کاظمی کرهرودی، پیشین، ص ۷۶ و ۷۷.

نمود بارز این ه م آوایی را، در نهضت مشروطیت ایران که توسط آخوند خراسانی و شیخ عبد الله مازندرانی از مراجع نجف، و سید عبد الله بهبهانی و سید محمد طباطبایی از علمای تهران رهبری می شد، می بینیم. البته مثال هایی از این قبیل فراوان اند.

هم چنین از آن جا که یکی از اهداف اساسی این جنبش ها، براندازی نظام سیاسی کشورها و تغییر وضع موجود است، فعالیت آن ها از نظرگاه حکومت ها غیر قانونی است. از این رو، فعالیت تمامی این احزاب، تشکل ها و جنبش ها، مخفیانه و زیرزمینی یا نیمه پنهان است و از اساس بسیاری از کشورهای منطقه، این چنین تشکل هایی را «ستون پنجم» تهران قلمداد می کنند.

نکته دیگر آن که جنبش های شیعی، درست برخلاف نوع سنی آن ها، کم تر بر اصلاح جامعه تأکید داشته و بیش تر بر انقلاب نظر دارند. تأکید این جنبش ها بر «جهاد» به عنوان یکی از مهم ترین ابزارهای استقرار حکومت اسلامی، مؤید این مطلب است. با این تعبیر، آنان با تأکید بر اصل «آمادگی برای ظهور منجی»، جهاد را مهم ترین راه برای رسیدن به این آمادگی برمی شمارند.

ص: ۱۷۰

در جهان تشیع، سخن [از] اصلاح کم تر به میان آمده و طرح اصلاحی کم تر داده شده و درباره این که «چه باید کرد؟» کم تر تفکر به عمل آمده است، اما علی رغم همه این ها، در شیعه نهضت های اصلاحی، مخصوصاً نهضت های ضد استعماری بیش تر و عمیق تر و اساسی تر صورت گرفته است. در تاریخ جهان تسنن، جنبشی مانند جنبش ضد استعماری تنباکو به رهبری رهبران دین که منجر به لغو امتیاز انحصار تنباکو در ایران شد و استبداد داخلی و استعمار خارجی، هر دو به زانو درآمدند، و یا انقلابی مانند انقلاب عراق که علیه قیمومت انگلستان بر کشور اسلامی عراق بود و منجر به استقلال عراق شد، و یا قیامی مانند مشروطیت ایران که رژیم سلطنتی استبدادی ایران را مبدل به رژیم مشروطه کرد، و یا نهضتی اسلامی به رهبری رهبران دینی مانند آن چه در ایران امروز می گذرد، مشاهده نمی کنیم.<sup>۲۹۷</sup>

در حوزه اهداف، تمامی آن چه نهضت های اسلامی به طور اعم دنبال می کنند و جزء آموزه های اسلامی قلمداد می شود، از جمله مبارزه با استعمار نو، تغییر و اصلاح حاکمیت های سیاسی، ردّ سازش با اسرائیل، مبارزه با تسلط فرهنگ و اندیشه های غربی، احیای اندیشه های دینی اسلامی و اجرای آن در سطح جامعه و اتحاد جهان اسلام، اهداف نهضت های شیعی نیز به شمار می آیند؛ چرا که

یک نهضت اسلامی، نمی تواند از نظر هدف محدود باشد؛ زیرا اسلام در ذات خود یک «کلّ تجزیه ناپذیر» است.<sup>۲۹۸</sup>

اما برخی اهداف خاص که در برنامه جنبش های شیعی نهفته و از رویکردهای مذهبی این فرقه برخاسته، عبارت اند از:

[برخی اهداف خاص که در برنامه جنبش های شیعی نهفته است]

<sup>۲۹۷</sup> (۱). مرتضی مطهری، نهضت های اسلامی در صد ساله اخیر، صص ۶۲ و ۶۳.

<sup>۲۹۸</sup> (۲). همان، ص ۷۵.

## الف) تغییر حاکمیت سیاسی

شیعه، همواره به عنوان رقیب حکومت و یک اقلیت معترض و مورد ظلم در طول تاریخ اسلام، در پی نفی حکومت ظالمانه بوده و حرکت‌های اصلاحگرانه زیادی داشته و از پویایی خاصی برخوردار بوده است.<sup>۲۹۹</sup>

ص: ۱۷۱

## ب) احیای ارزش‌های اسلامی بر مبنای رهنمودهای ائمه اطهار

مصلحان شیعی، عموماً بر سیره ائمه معصومین علیهم السلام تکیه می‌کنند و قول، فعل و تقریر آنان را تکمیل‌کننده و مفسر سنت پیامبر صلی الله علیه و اله می‌دانند. در عین حال، تأکید آن‌ها بر سنت گذشته، به مفهوم نفی امروز و ردّ خلف به حساب نمی‌آید.<sup>۳۰۰</sup>

## ج) بهبود وضعیت اقتصادی شیعیان منطقه

با بررسی جغرافیای سیاسی شیعیان خلیج فارس و وضعیت اقتصادی آنان، جای تعجب نیست که بهبود وضعیت اقتصادی شیعیان، یکی از ضروری‌ترین اهداف این جنبش‌ها تلقی شود. این عامل که به عنوان یکی از عوامل مهم در رستاخیز شیعه نیز شمرده می‌شود، بیش از دیگر عوامل حالت عینی به خود گرفته است.

## د) آمادگی برای ظهور منجی که تقریباً تمامی جنبش‌های شیعی قائل بدان هستند

آمادگی برای ظهور حضرت مهدی (عج)، یکی از مهم‌ترین اهداف آنان است. این نهضت‌ها با وعده ظهور مصلح کل، همواره اصلاح تمامی جامعه انسانی را نوید داده است. این اعتقاد، شیعیان را بر آن داشته که خویشتن را در مقابل فساد اجتماعی مسؤول ببینند و برای آماده‌سازی مقدمات انقلاب مهدی (عج) و اصلاح جهانی، کوشش کنند.<sup>۳۰۱</sup>

اما ریشه‌های رستاخیز شیعه چیست؟ برای پاسخ به این پرسش، از دو بعد جامعه شناختی و اندیشه شناختی می‌توان به مسأله نگاه کرد. از بعد جامعه‌شناختی، آن‌گونه که از نظریه آقای دکم‌جیان نیز برمی‌آید، جنبش‌های اسلامی به طور اعم و جنبش‌های شیعی به صورت خاص، همواره در پاسخ به یک بحران حادث و فراگیر اجتماعی جلوه می‌کنند. این بحران‌ها که در خصوص شیعیان خلیج فارس در محرومیت‌های همه جانبه سیاسی - اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی رخ می‌نماید، به همراه دیگر عوامل تنش‌زا در منطقه، هم‌چون نابسامانی‌های

ص: ۱۷۲

<sup>۲۹۹</sup> (۳). حسین کاظمی کرهرودی، پیشین، ص ۷۱.

<sup>۳۰۰</sup> (۱). عبد الوهاب فراتی، پیشین، ص ۱۹۴.

<sup>۳۰۱</sup> (۲). حسین کاظمی کرهرودی، پیشین، ص ۹۸.

داخلی، استبداد حاکمان، استعمار، و نیز ورود فرهنگ غرب و گستره ارزش های غربی در منطقه، شیعیان را نیز به واکنش و تحرک وامی دارد.

از بعد اندیشه شناختی، آن گونه که در فصل یک نیز اشاره شد، آموزه های مکتب تشیع، پیروان خود را همواره انقلابی و ناراضی تربیت می کند. از این منظر می توان گفت شیعه به چهار دلیل همواره اصلاح طلب و خواهان تحول ریشه ای در جوامع اسلامی بوده است:

### [دلایل اصلاح طلبی در جوامع اسلامی]

#### الف) عقیده به غصب خلافت الاهی

شیعه معتقد است که ولایت و جانشینی رسول خدا صلی الله علیه و اله، امری است الاهی و امام علی بن ابی طالب علیه السلام به حق و به دستور خداوند در روز هجدهم ذیحجه سال دهم هجرت (عید غدیر) به وسیله پیامبر گرامی صلی الله علیه و اله بدین سمت نص ب شده است، ولی آن بزرگوار از حق خود محروم شد و سبب جنگ های جمل، صفین و نهروان و پیامدهای فاجعه آمیز آن ها نیز غصب همین حق بود؛ ازاین رو، هرگز هیچ حکومتی را که بدین اصل معتقد نیست، به رسمیت نمی شناسد.<sup>۳۰۲</sup>

#### ب) فاجعه کربلا

شهادت امام حسین علیه السلام و فرزندان و یارانش در سال ۶۱ ق. به فرمان یزید بن معاویه، خود از همان روز، انگیزه قیام و انقلاب ها شد یادآوری خاطره آن که از سال ۳۵۲ ق. به وسیله آل بویه نوحه خوانی و عزاداری امام حسین در بغداد آزاد و رایج شد، پیوسته شیعه را به گفته دکتر علی وردی در وعاظ السلاطین، ب ه صورت یک آتشفشان خاموش درآورده است. شیعه پیوسته امام حسین علیه السلام را مظهر یک پرچم سرخ در اهتزاز، به عنوان پایان نیافتن جنگ با دشمن و گرفته نشدن انتقام خون اهل حق از باطل و به عنوان اسوه و نمونه زیر بار ظلم و نپذیرفتن حکومت غاصبان در نظر داشته است.<sup>۳۰۳</sup>

#### ج) چشم انتظار فرج و ظهور مهدی موعود (عج)

امام زمان، امام غایب است که با قیام خود، زمین را از داد و حق سرشار می کند؛

ص: ۱۷۳

<sup>۳۰۲</sup> (۱). علی اصغر حلبی، تاریخ نهضت های دینی - سیاسی معاصر، ص ۲۸۳.

<sup>۳۰۳</sup> (۲). همان، ص ۲۸۴.

هم‌چنان‌که پیش از آمدن او، از بیداد و باطل پر خواهد بود . این انتظار، پرتویی همیشه درخشان از امید در دل شیعیان تائیده و چشم به آینده تابناک دوخته است؛ تن به ذلت تسلیم و پذیرش وضع موجود نمی دهند و برای آنان، نوعی از «مذهب اعتراض» به شمار می‌آید.<sup>۳۰۴</sup>

#### د) اجتهاد در فقه

اجتهاد در فقه نیز یک عامل پویا و پرتحرک است که از زمان امام صادق علیه السلام به شکل روشن نظام یافت و به ویژه از عصر غیبت (۳۲۹ ق) به وسیله مجتهدان جامع شرایط (و از جمله عالم به کتاب و سنت و عالم زمان) به اجرا در آمد. این عامل در برخی از موارد، بعد از شیخ طوسی تا روزگاران اخیر جز استثناهایی، تنها به مسایل خاص عبادی و فقه فردی منحصر گردید که تحرک لازم را برای دادن پاسخ به مسایل و مشکلات اجتماعی و اداره مجتمع نداشته است، ولی در روزگار جدید، شکلی عام و سیاسی به خود گرفته است.<sup>۳۰۵</sup>

#### سیر تاریخی جنبش‌های شیعی

برای شناخت بهتر و جامع تر جنبش‌های شیعی معاصر، لازم است شناختی هرچند کوتاه از پیشینه تاریخی حرکت های شیعی و حتی چگونگی ظهور و زمینه پیدایش این حرکت‌ها داشته باشیم.

پس از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله، شیعیان به جز مقطع کوتاه خلافت حضرت علی علیه السلام، همواره با حاکمیت قلمرو اسلامی سر ستیز داشتند. آنان معتقد بودند:

از آن‌جا که رسالت امری الهی است، ادامه آن هم با هدایت و دستورات الهی صورت می گیرد و تکلیف خلافت و امامت جامعه را پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله بر اساس امر الهی مشخص کرده است . بر این اساس با رحلت پیامبر صلی الله علیه و اله، امامت جامعه به علی علیه السلام و سپس یازده نفر از فرزندان منتقل می‌شود.<sup>۳۰۶</sup>

ص: ۱۷۴

بنابراین، شیعیان پس از خلفا (به جز علی علیه السلام)، با حکومت بنی امیه نیز مخالفت اصولی داشتند.

مهم‌ترین عکس العمل که در این ایام علیه حکومت بنی امیه به وجود آمد، قیام گروهی از شیعیان و فرزندان عباس عموی پیامبر صلی الله علیه و اله علیه بنی امیه بود که با فرصت طلبی بنی عباس، به رهبری ابو العباس سفاح منجر به سرنگونی بنی امیه شد.<sup>۳۰۷</sup>

<sup>۳۰۴</sup> (۱). همان، ص ۲۸۴ و ۲۸۵.

<sup>۳۰۵</sup> (۲). همان، ص ۲۸۵.

<sup>۳۰۶</sup> (۳). حسین کاظمی کهرودی، پیشین، ص ۲۷.

<sup>۳۰۷</sup> (۱). همان، ص ۲۸.

گرچه بنی عباس با حمایت و همراهی شیعیان به حکومت رسیدند، ولی به رغم وعده‌هایشان، نتوانستند رضایت شیعیان را جلب نمایند و

حکومت عباسیان در اوج قدرت و ثروت، حمایت شیعیان را از دست داد و به یک امپراتوری جهان گرایی سنی تبدیل شد .... آزار بی‌رحمانه شیعیان که سهم مهمی در روی کار آمدن عباسیان داشتند، بحران بزرگ تری را برای آن‌ها به وجود آورد و اساس مشروعیت آن‌ها را زیر سؤال برد .... لذا با مقاومت و قیام‌های متعدد شیعیان علیه حکومت عباسیان مواجه گردیدند [و] با رخنه و نفوذ عناصر شیعی - ایرانی در دستگاه خلافت و قیام‌های علنی، مخالفت علیه عباسیان به اوج خود رسید.<sup>۳۰۸</sup>

که ادامه همین جنبش‌ها، منجر به روی کار آمدن حکومت شیعی فاطمیان در مصر شد، اما دیری نپایید که این حکومت نیز توسط عباسیان به شکست انجامید و پس از چندی، داستان حکومت عباسیان نیز با حمله مغول، توسط هلاکوخان به پایان رسید.

بعد از سقوط فاطمیان در مصر و زوال و انحطاط عباسیان، حرکت اصلاحی شیعی در عراق و ایران ظاهر گردید . این حرکت‌ها، عکس العملی بود به وضعیت سرکوبگرانه علیه شیعه و حکومت‌های ظالم و ستمگر موجود که از دیدگاه شیعه، غاصب حکومت بودند .... قرن پانزدهم، شاهد ظهور جنبش مشعشعیون<sup>۳۰۹</sup> تحت رهبری محمد بن فلاح المشعشع (۱۴۶۲ م) در اهواز بود. این مظاهر رستاخیز شیعه، زمینه طرح شیعه اثنی عشری را به عنوان مذهب رسمی دولت ایران توسط شاه اسماعیل صفوی (۱۵۲۴ م) آماده کرد.<sup>۳۱۰</sup>

ص: ۱۷۵

در آن سوی قلمرو اسلامی، عثمانی‌ها حکومت می‌کردند. ترکان عثمانی که حدود سال ۱۶۹۹ م حکومت را از اعراب غصب نموده بودند، در سال ۱۹۲۰ به دلیل شورش‌های داخلی و عوامل خارجی چون کنفرانس برلین و توافق کشورهای خارجی بر سر تجزیه آن، به زوال انجامید . به این ترتیب، کشورهای کوچکی چون ترکیه، عراق، سوریه، لبنان، اردن و فلسطین موجودیت یافتند، اما به دلیل ناکارآمدی و ضعف و بهانه قیومیت، تحت کنترل و استعمار قدرت‌های خارجی قرار گرفتند. این در حالی بود که وجدان بیدار مسلمانان و به ویژه شیعیان، سلطه و نفوذ کافران را نمی‌پذیرفت. از این رو، حضور استعمار و بحران‌های درون حاکمیت اسلامی و فاکتورهای بحران زای دیگر، باعث شد تا جنبش‌های اسلامی به طور اعم، و جنبش‌های شیعی به طور خاص، برای دست‌یابی به استقلال در این سرزمین‌ها سر برآورد.

### جنبش‌های شیعی عراق

با شکست عثمانی و تقسیم و تجزیه آن، سرزمین‌های جدا شده، تحت قیمومیت انگلستان در آمدند و عراق یکی از مهم‌ترین این کشورها به شمار می‌آمد. بنابراین، از همان نخستین سال‌های تأسیس، قیام‌های مردمی بر ضد استعمار شکل

<sup>۳۰۸</sup> (۲). همان، صص ۲۸ و ۲۹.

<sup>۳۰۹</sup> (۳). البته جنبش مشعشعیون، با گذشت زمان به انحراف کشیده شد

<sup>۳۱۰</sup> (۴). همان، ص ۳۱.

گرفت و از آن جا که اکثریت این منطقه را شیعیان تشکیل می دادند، روحانیت شیعه، رهبری مبارزه را در دست داشتند . حدود سال ۱۹۲۰، قیام شیعیان به رهبری آیت الله محمد تقی شیرازی را شاهدیم که توسط کارگزاران خارجی به شکست انجامید.

در سال ۱۹۲۰، محمد تقی شیرازی، مجتهد شیعه، رهبری قیامی ناموفق را برای کسب استقلال به عهده گرفت.<sup>۳۱۱</sup>

پس از آن، با موافقت انگلیسی ها که همواره از اهل تسنن در مقابل اکثریت شیعه عراق حمایت می کردند، ملک فیصل به حکومت رسید. گرچه وی تلاش کرد با دادن نقش های حاشیه ای به شیعیان، آنان را ساکت نگاه دارد، ولی هرگز نتوانست آتش قیام مردم عراق را

ص: ۱۷۶

۳۱۲

#### ۱۲۳۴۳ جغرافیای سیاسی شیعیان منطقه خلیج فارس ؛ ص ۱۷۶

خاموش سازد و سرانجام در سال ۱۹۵۸، حکومت هاشمی توسط سرتیپ عبد الکریم قاسم سرنگون شد . وی دارای اصلیت شیعه بود، ولی هرگز تظاهر به آن نمی کرد؛ زیرا افسران عراقی، همگی گرایش به ناصر داشتند و موج پان عربیسم ناصر، طرفداران زیادی داشت. البته قاسم می کوشید تا آن جا که ممکن است، دست شیعیان را در امور باز گذارد. وی

برای مقابله با درخواست های افسران طرفدار ناصر برای پیوستن به جمهوری متحده عربی، همکار خود و مرد شماره دو فرماندهی عراق، سرهنگ عبد السلام عارف را زندانی کرد و اجازه داد احزاب سیاسی تشکیل شوند . در نتیجه، حزب الدعوة الاسلامیه، به عنوان تجلی سیاسی جامعه شیعه تأسیس شد.<sup>۳۱۳</sup>

دیری نیاید که حکومت قاسم نیز توسط بعثی ها سرنگون شد و عبد السلام عارف، در سال ۱۹۶۳ و پس از او برادرش در سال ۱۹۶۶ به حکومت رسیدند.

برادران عارف، جهت گیری ناصری داشتند و این برای شیعیان بدشگون بود . این طرز تفکر، از این جا ناشی می شد که شیعیان می ترسیدند در یک حکومت پان عربیست به رهبری ناصر، در اقلیت قرار گیرند . در اوایل ۱۹۶۴، تظاهرات معترضان شیعه سرکوب شد؛ زیرا دولت یک شاخه امنیتی ویژه برای مقابله با فعالیت های آنان به وجود آورده بود.<sup>۳۱۴</sup> در

<sup>۳۱۱</sup> (۱) . هرایر دکمبجیان، پیشین، ص ۲۲۶.

<sup>۳۱۲</sup> متقی زاده، زینب، جغرافیای سیاسی شیعیان منطقه خلیج فارس، ۱ جلد، شیعه شناسی - قم، چاپ: اول، ۱۳۸۴ ه.ش.

<sup>۳۱۳</sup> (۱) . همان.

<sup>۳۱۴</sup> (۲) . البته دوران حکومت برادران عارف، به نسبت حکومت بعث، دوران آرامی برای شیعیان به شمار می آید.

همان سال، آیت الله خمینی، روحانی برجسته ایرانی که به عنوان یک معلم مذهبی، طرفداران بسیاری را به خود جذب کرد، وارد عراق شد. قدرت یافتن بعث در ۱۹۶۸، موقعیت شیعه را بیش تر به مخاطره انداخت.

نظام جدید، از چهار ویژگی رفتاری و سیاسی برخوردار بود:

۱. جهت گیری ناسیونالیستی عربی غیر مذهبی؛

۲. تصمیم قاطع برای پیش گیری از سقوط؛

۳. گرایش به تأمین پست های کلیدی حکومتی از تکریت، زادگاه رئیس جمهور احمد حسن البکر و معاون رئیس جمهور صدام حسین، و به ویژه از خویشاوندان وی (صدام) از بخش العوجاء تکریت؛

ص: ۱۷۷

۴. سیاست های اقتصادی که در مورد جمعیت کشور، باعث سوء توزیع درآمد و بروز مشقت و سختی در میان طبقات فقیر به ویژه شیعیان شد.

هر یک از سیاست های چهارگانه بعثی فوق، باعث بیگانه ساختن رهبری مذهبی شیعه، بازرگانان و مردم از رژیم شد. جهت گیری غیر مذهبی و عربی رژیم، خطر دوگانگی ایجاد کرد: رژیم به عنوان یک حکومت غیر مذهبی کافر قلمداد شد، و طرح های بعث برای وحدت عربی برای موقعیت اکثریت شیعه، خطرناک تشخیص داده شد. علاوه بر این، ترس عمیق بعث از ضد انقلاب و تعهد ایدئولوژیک غیر مذهبی اش، آن را واداشت که سیاستی دوگانه در پیش گیرد؛ به این معنا که از یکسو برنامه های وسیع آموزشی طرح کرد و از طرف دیگر، دشمنان مورد نظرش را قلع و قمع نمود. از این لحاظ، شیعیان یک هدف طبیعی به شمار می آمدند، به ویژه که اساس فرقه ای رژیم بر جامعه سنی استوار بود. در حالی که شیعیان نیز در حزب ارتش استخدام می شدند، اما قدرت مالی به نحو مؤثری در دست الیگارشسی سنی تکریتی متمرکز بود که اطراف صدام حسین گرد آمده بودند. در نتیجه، سیاست های اجتماعی اقتصادی بعث بیش تر در جهت سوق داده می شد که اقتصاد جامعه شیعه را زیر دست قرار می داد. علی رغم ثروت و وفور روبه رشد عراق در اثر صدور نفت، گروه بی شماری از شیعیان جنوب و بغداد در حالت فقر و محرومیت نسبی به سر می بردند. این عوامل بحرانی، علت ظهور بنیادگرایی شیعه در دهه ۱۹۷۰ بود.<sup>۳۱۵</sup>

اما در همسایگی عراق، کشور شیعی ایران قرار داشت که حدود ۱۹۷۹ به رهبری امام خمینی رحمه الله، جنبش مردمی شیعی آن به پیروزی رسید.

از آن جا که همواره میان شیعیان ایران و عراق همدلی وجود داشت و هر جنبشی که در ایران به پیروزی می رسید، به عراق نیز سرایت می نمود، مبارزات امام خمینی رحمه الله که از ده سال قبل از آن شروع شده بود، شیعیان عراق را نیز تحت تأثیر خود قرار داد. گرچه مبارزات مردمی شیعیان عراق تا قبل از آن و حتی در همان سال های اولیه تأسیس

<sup>۳۱۵</sup> (۱). هرایر دکمچیان، پیشین، صص ۲۲۷ و ۲۲۸.

عراق نیز صورت می گرفت، به گونه ای که ما شاهد تحركات بسيارى به ویژه در سال هاى ۱۹۷۰، ۱۹۶۴، ۱۹۴۵، ۱۹۲۰، ۱۹۷۴، ۱۹۷۵، ۱۹۷۷، ۱۹۷۹ و ۱۹۸۵ مى باشيم؛ ولى پيروى انقلاب ايران، روحى

ص: ۱۷۸

تازه به کالبد جنبش های شیعی بخشید. بدین ترتیب کانون های شیعی عراق نیز فعال تر از قبل به مبارزه پرداختند.

گروه های متعددی به عنوان نماینده مقاومت شیعی در برابر قدرت بعثی به وجود آمدند که اکثر آن ها، تماس هایی با ایران داشته اند. برای مثال، حزب الفاطمی به رهبری الخراسانی، روشنفکران و افسران شیعه عرب و ایرانی الاصل را به منظور سرنگونی رژیم بعثی در اوایل دهه ۱۹۷۰ گرد هم آورد. اما پیشروترین گروه انقلابی، «حزب الدعوة الاسلامیه» بود که هسته محوری مقاومت شیعه به حساب می آمد. در مورد ریشه های حزب الدعوة، اختلافات وجود دارد. ظاهراً حزب در ۹-۱۹۵۸ توسط آیت الله سید محمد باقر صدر تأسیس شد.<sup>۳۱۶</sup> الدعوة، یک حزب بزرگ به رهبری روحانیون تحصیل کرده جوان بود که از پیشروترین مجتهد فرهمند عراق، یعنی محمد باقر صدر الهام می گرفتند. اعضای آن، غالباً طبقه متوسط و متوسط به پایین بودند که بیش تر در بغداد و شهرهای مقدس جنوب عراق تمرکز داشتند. تبلیغات حزب از طریق مساجد و مدارس مذهبی، تحت راهنمایی حوزه علمیه نجف صورت می گرفت.

اعضای فعال حزب با استحکام تمام در «حلقات» سازمان دهی می شدند که خود از هسته هایی تشکیل می شد که بر اساس اصل «سازمان دهی نخی» تشکیلات سازمانی (تنظیم الخیطی) فعالیت می کردند و شناخت هر عضو از همکاران سازمانی خودش محدود بود. از سال ۱۹۶۸ و ظهور بعث بود که حزب، به فعالیت خشونت آمیز متوسل شد؛ زیرا سیاست های غیر مذهبی دولت را ضد اسلامی می دانست. فروختن گوشت خوک، کنترل مدارس مذهبی توسط دولت، جلوگیری از انتشارات مذهبی، ممانعت از تعمیر مساجد و تعقیب و آزار روحانیت شیعه، از جمله نمودهای این سیاست ها بود.

این سیاست ها، بزرگ ترین انگیزه شیعیان عراق شد تا پشت سر حزب الدعوة متحد شوند و در یکسری رویارویی های خشونت بار علیه رژیم شرکت جویند. در ۱۹۷۴، مراسم عزاداری حسینی به مناسبت قتل امام حسین علیه السلام به اعتراضات سیاسی خشونت بار تبدیل شد. دولت با دستگیری و سرکوب افراد مورد نظر، به این

ص: ۱۷۹

اعتراضات پاسخ داد. در اوایل محرم ۱۹۷۷ که نیروهای امنیتی سعی کردند در مراسم عزاداری (مسیره یا موکب) شیعیان در نیمه راه نجف و کربلا دخالت کنند، تحریکات حزب الدعوة به اوج خود رسید. انبوه شیعیان با خشم به یک دستگاه پلیس حمله ور شدند و شعارهای ضد رژیم سر دادند. به دنبال این حادثه، دستگیری های گسترده جوانان و افراد مسن شیعه شروع شد؛ عده ای محاکمه و اعدام، و یا در زندان ناشناخته شماره یک محبوس شدند.

<sup>۳۱۶</sup> (۱). این حزب، در واقع مولود اصلی «جماعة العلماء» است که چند سال قبل از آن شکل گرفته بود

سیروس برنا بلداجی، «شیعیان عراق بررسی وضعیت جامعه شناختی»، فصلنامه شیعه شناسی، س ۲، ش ۷، پاییز ۸۳، ص ۱۵۶.

در سال‌های آخر دهه، حزب الدعوة و جامعه شیعه، تحت تأثیر انقلاب اسلامی در ایران، رادیکال شدند. در ۱۹۷۸، آیت الله خمینی - رهبر مذهبی ایران - در نتیجه نزدیکی میان ایران و عراق در سال ۱۹۷۵، پس از سال‌ها تبعید در نجف، از عراق اخراج شد. در مورد روابط و پیوندهای خویشاوندی و همکاری نزدیک میان آیت الله و رهبران بلندپایه شیعه عراق، جای شک و تردید وجود نداشت. پیروزی انقلاب اسلامی در ۱۹۷۹، موج جدیدی از ناآرامی‌های شیعه به وجود آورد. تظاهرکنندگان در مراسم محرم ۱۹۷۹، خواستار اصلاحات اجتماعی و استقرار یک حکومت اسلامی شدند. دولت عراق، با توجه به تشویق علنی پیکارجویی شیعه از سوی آیت الله خمینی رحمه الله، حزب الدعوة را هم چون «ستون پنجم» می‌دانست که هدفش، ادغام ایران و عراق بود. دولت در پاسخ، محمد باقر صدر را در ژوئن ۱۹۷۹ دستگیر کرد و تظاهرات وسیع ناشی از آن در محله شیعی الثوره بغداد را، به شدت درهم کوبید. عظمت و گستردگی سرکوب، باعث بروز شکاف در شورای فرماندهی انقلاب (عراق) شد و همین باعث گردید تا اندکی پس از روی کار آمد [آمدن] صدام حسین در ژوئیه ۱۹۷۹، ۲۲ مقام بلندپایه بعثی اعدام شوند.<sup>۳۱۷</sup>

پس از چندی، محمد باقر صدر نیز به همراه خواهرش به اتهام خیانت به کشور، در سال ۱۹۸۰ به دار آویخته شد. در همین سال بود که موج جدید دستگیری‌ها و اعدام‌ها به وقوع پیوست.

رژیم بیش از همه، به فعالیت حزب الدعوة حساس شده و هرگونه ارتباط و فعالیت در راه اهداف حزب به شدت سرکوب می‌شد.

اما به رغم فشارهایی که از سوی نیروهای بعثی بر شیعیان تحمیل می‌شد، گروه‌های

ص: ۱۸۰

شیعی هم‌چنان به فعالیت‌های زیرزمینی خود ادامه می‌دادند. این گروه‌ها و احزاب شیعی که در کنار احزاب سنی از سال ۱۹۲۰ میلادی تا کنون مشغول مبارزه هستند، عبارت‌اند از:

۱. سازمان الشباب المسلم (جوانان مسلمان) به رهبری عز الدین الجزائری که در سال ۱۹۵۰ شروع به فعالیت کرد و در نیمه دهه هشتاد فروپاشید؛

۲. حزب الجعفری که یک سال بعد از تأسیس، در ۱۹۵۲ منحل شد؛

۳. جنبش العقائیین؛

۴. جنبش جند الامام. دو جنبش اخیر، در دهه شصت تشکیل شدند که از تشکیلات اولیه حزب دعوت الاسلام هستند؛

۵. سازمان العمل الاسلامی که در نیمه دهه هفتاد تشکیل شد و از اوایل دهه هشتاد فعالیت خود را آغاز کرد. این حزب، دارای تشکیلات فراوانی است. از برجسته‌ترین مؤسسان آن، می‌توان آقای شیرازی، تقی مدرسی و هادی مدرسی را نام برد؛

<sup>۳۱۷</sup> (۱). هرایر دکمجان، پیشین، صص ۲۲۹ - ۲۳۲.

۶. جنبش المجاهدين العراق، در اوایل دهه هشتاد ایجاد شد که بازوی نظامی منسوب به مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق است؛

۷. المجلس الاعلى للثورة الاسلامية. جمهوری اسلامی ایران در ایجاد و گسترش آن تلاش فراوانی کرد تا تمام گروه‌های مخالف رژیم عراق در آن حضور داشته باشند.

ریاست اکثر دوره‌های آن را آقای محمد باقر حکیم به عهده داشته است. این مجلس در حال حاضر از موقعیتی قوی برخوردار نیست؛ زیرا اغلب گروه‌ها از آن جدا شدند و فقط آقای حکیم و پیروانش اعضای آن هستند؛

۸. حزب الدعوة الإسلامية، از بزرگ‌ترین و قوی‌ترین احزاب سیاسی در عراق است.

این حزب را شخصیت‌های علمی برجسته‌ای چون سید محمد باقر صدر، علامه سید مرتضی عسکری، سید محمد مهدی حکیم و حاج محمد صادق قاموسی در سال ۱۹۵۸ تأسیس کردند.

حزب از زمان تأسیس، حقیقت زندگی مردم و نقش استعمار را در زدودن هویت اسلامی تشخیص داد. این حزب با علم به این‌که حکومت‌ها در انحراف امت و جهل و نادانی آنان تلاش بسیار می‌کنند، تمام تلاش خود را برای آگاهی مردم و ارتباط دادن آن‌ها با اسلام ناب و مقابله با استعمار و جنبش‌های ضد دینی قرار داد. در این راستا، حزب الدعوة اسلامی توانست در مقابل تشکلهای ضد دینی بایستد و ده‌ها هزار نفر از علاقه‌مندان را به خود جذب کند.<sup>۳۱۸</sup>

ص: ۱۸۱

اما به دلایلی چند، این موفقیت‌ها همانند مورد ایران به پیروزی نینجامید. از یکسو، حزب بعث به دلیل انسجام درونی و رهبری مقتدر صدام حسین، توانست سیاست‌های مؤثری در قبال شورش‌ها و اعتراض‌ها در پیش گیرد و از سوی دیگر، عدم انسجام احزاب شیعی و رهبری آن‌ها در پیشبرد انقلاب، عاملی دیگر در راه عدم پیروزی این انقلاب‌ها به شمار می‌رود.

شکست شیعه، نتیجه سیاست‌های صدام حسین بود که سرکوب گسترده و شدید، و سیاست تشویق را نسبت به رهبری شیعه و وفاداران به آن‌ها به هم آمیخت. بعث در تبلیغات خود، به احساسات عربی جمعیت شیعه متوسل می‌شد و عقیده خود به «روح اسلام» را، به جای جنبه‌های تشریفاتی آن مکرراً مورد تأکید قرار می‌داد....

تأثیر سیاست‌های سازگاران و سرکوبگرانه حکومت، با حمله عراق به ایران در سپتامبر ۱۹۸۱، مخالفت شیعه را دچار ضعف اساسی کرد. تبلیغات رژیم و وجود جنگ، کشمکش‌ها و تضادهای عربی - فارسی را عمیق کرد و بعضی از شیعیان با بروز کدورت‌ها میان روحانیت شیعه عراق و ایران، با این امر مخالفت ورزیدند که آرمان خود را از طریق انقلاب ایران بشناسانند. در ضمن، سیاست صدام حسین در مورد اعطای پاداش‌های مادی، برخی از شیعیان برجسته، نظیر کلیددار سید حسن، تولید بارگاه حضرت علی علیه السلام در نجف، امام علی کاشف الغطاء از کربلا و شیخ علی الصغیر از نجف را به همکاری خود جلب کرد.... تلاش‌های صدام حسین در جهت کسب اطاعت شیعیان، در ترکیب

<sup>۳۱۸</sup> (۱) «وضعیت گروه‌های سیاسی عراق (گفتگو با استاد حسن حکیم)»، فصلنامه علوم سیاسی، س ۵، ش ۱۸، تابستان ۱۳۸۱، صص ۳۴۴ و ۳۴۵.

نخبگان سیاسی نمودار بود. مقایسه سابقه وزرای کابینه های ۱۹۷۹ و ۱۹۸۲، نشان می داد که حضور وزرای شیعه، تا حدی گسترش یافته بود. به علاوه، شیعیان در فرماندهی منطقه ای حزب بعث (القیاده و القیطره)، چهار عضو داشتند که برای نمونه، می توان از: نعیم حداد سخنگوی مجمع ملی، سعدون حمادی وزیر خارجه، و رمی خاروق کارمند بلندپایه حزب بعث نام برد.<sup>۳۱۹</sup>

البته نباید فراموش کرد که پست هایی که شیعیان متصدی آنان می شدند، عموماً غیر حساس و غیر کلیدی بودند. به رغم سیاست های به ظاهر حمایتی صدام حسین، وضعیت اقتصادی شیعیان تغییر نکرد و حتی به لحاظ سیاسی نیز فشارها افزایش یافت. این در حالی بود که

جنبش انقلابی از هم پاشیده شده و رهبری واحدی برای پر کردن جای خالی محمد باقر

ص: ۱۸۲

صدر ندارد. چندین سازمان جدید برای مبارزه با حزب بعث سر برآورده اند .... در ۱۹۷۹، گروه کوچکی به نام مجاهدین، از طریق اقدام مسلحانه، اعلام موجودیت کرد.

... جناح دیگری که در سال ۱۹۸۰ از حزب مشعب شد، «سازمان عمل اسلامی» (منظمة الاسلامی) به رهبری شیخ محمد شیرازی و هادی مدرسی بود. این گروه با ماجراجویی کوتاه مدت مخالف و طرفدار فعالیت درازمدت است. گروه سومی موسوم به جماعة العلماء، تحت رهبری آیت الله محمد باقر حکیم به عنوان چتر سازمان گروه های مختلف مبارز شیعی عمل می کرد.<sup>۳۲۰</sup>

با گسترش یافتن جریان جنگ ایران - عراق، سرنوشت جنبش شیعه در عراق به نتایج تلاش نظامی ایران وابسته شد. در واقع، اهداف نظامی و ایدئولوژیک ایران و اهداف انقلابی شیعیان عراق، در یک جا به هم رسید و موکول به شکست صدام حسین شد ....

سرکوب وحشیانه سال های دهه ۱۹۸۰،<sup>۳۲۱</sup> به الدعوة و جنبش شیعی ضربات سنگینی وارد ساخت و صدها رهبر و اعضای آن در تبعید به سر می بردند. علاوه بر اعدام آیت الله محمد باقر صدر، سید حسن شیرازی در ۱۹۸۰ در بیروت کشته شد. در مه ۱۹۸۳، نود نفر عضو خانواده حکیم دستگیر شدند و هنگامی که آیت الله باقر حکیم یکی از اعضای خانواده به اولتیماتوم بعضی ها مبنی بر قطع تبلیغات رادیویی خود از ایران توجه نکرد، شش تن از آنان اعدام شدند .... با وجود این، اغلب جمعیت شیعه عراق سکوت اختیار کردند و به هویت عربی خود اصرار ورزیدند.<sup>۳۲۲</sup>

<sup>۳۱۹</sup> (۱). هرایر دکمجان، پیشین، صص ۲۳۵ - ۲۳۷.

<sup>۳۲۰</sup> (۱). همان، صص ۲۳۷ و ۲۳۸.

<sup>۳۲۱</sup> (۲). در این سال، نامه ای از سوی انگلستان به صدام تسلیم می شود که بر اساس آن، اعلام شده بود آیت الله محمد باقر صدر باید اعدام گردد و هر کس با حزب الدعوة ارتباط دارد یا برای آنان تبلیغ می کند و یا متعاطف به آن هاست اعدام گردد که بر این اساس، دویست هزار نفر اعدام شدند و عده بسیاری از کشور گریختند.

<sup>۳۲۲</sup> (۳). هرایر دکمجان، پیشین، ص ۲۴۰.

اما با شروع جنگ دوم خلیج فارس، قیام‌های تازه‌ای آغاز شد و شیعیان، جانی دوباره یافته و این بار به همراه گروه‌های کرد شمال، جبهه‌ای متحد شکل دادند که البته با پایان یافتن جنگ و با موافقت نیروهای آمریکایی، به شکل وحشیانه‌ای سرکوب شد.

جنگ سوم خلیج فارس نیز، بار دیگر شیعیان معترض این کشور را وارد صحنه مبارزه کرد.

این بار شیعیان در صددند با اتحاد گروهی خود، به یک مبارزه سیاسی مسالمت‌آمیز دست زنند.

ص: ۱۸۳

مهم‌ترین گروه‌ها و احزاب شیعی که به نوعی درگیر این مبارزه سیاسی شده‌اند، عبارت‌اند از:

۱. حزب الدعوة الاسلامی؛

۲. مجلس اعلا؛

۳. سازمان عمل اسلامی؛

۴. حزب یا جنبش صدریون که در تاریخ ۱۹/۷/۲۰۰۳ تأسیس شد.

مورد چهارم، ازجمله جنبش‌های نوینی است که پس از حمله آمریکا به عراق و اشغال نظامی این کشور، ظهور و بروز پیدا کرده است.

این گروه که عمدتاً از جوانان پرشور تشکیل شده بود، هسته اولیه تشکلی شد که اکنون با عنوان «جماعت صدر ثانی»، به طرفداری از مقتدی صدر فعالیت می‌کنند .... پس از سقوط صدام، مقتدی صدر با برخی اقدامات گسترده، مؤسسات خیریه و دفاتر پدرش را در شهرهای مختلف عراق دوباره فعال ساخت و اشخاص مهم و تأثیرگذاری هم چون شیخ محمد یعقوبی را که مقلد صدر پدر بود، سازمان‌دهی کرد و اطراف خود جمع نمود. سپس با تدوین مرام‌نامه‌ای که در آن، به لزوم تشکیل حکومت بر اساس احکام اسلامی و اقامه حدود شرعی برای آینده عراق تأکید شده، وارد صحنه سیاسی و اجتماعی این کشور شد .... قبل از حمله آمریکا به عراق و سقوط صدام، مقتدی صدر و گروهش، نزد برنامه ریزان آمریکا از لحاظ توان سیاسی و حوزه نفوذش میان شیعیان عراق ناشناخته بود ... [دیگر گروه‌های معارض نیز] از وجود جنبش مقتدی صدر در داخل عراق که نماینده بخش اعظم شیعیان پرشور این کشور بود، غافل و بی‌خبر بودند .... از این‌روست که امروزه، هم آمریکایی‌ها و هم گروه‌های عراقی، با ظهور جنبش جوانان پرشور شیعه به رهبری مقتدی صدر غافلگیر شده و وی را مانع عمده برنامه‌ریزی‌های خود در عراق می‌دانند.<sup>۳۲۳</sup>

این گروه، خواستار خروج و عقب‌نشینی سربازان آمریکایی و نیروهای ائتلاف از عراق و به طور کلی، مخالف مدیریت آمریکایی در جریان دولت‌سازی عراق بوده‌اند. البته چندی پیش

<sup>۳۲۳</sup> (۱) «مقتدی صدر، نماد مقاومت شیعیان عراق علیه اشغالگران»، جمهوری اسلامی، س ۲۶، ش ۷۲۰۹، ۱۲ خردادماه ۱۳۸۳، ص ۶.

با وساطت آیت الله سیستانی، به تشکیل حزبی سیاسی و شرکت در مبارزات انتخاباتی و سیاسی کشور رو آورده‌اند.

### جنبش‌های شیعی عربستان

انحصار طلبی حاکمان سعودی در واگذاری مشاغل مهم و کلیدی به خاندان خویش، تمام طوایف و قبایل دیگر را به اعتراض و مبارزه واداشته؛ به ویژه شیعیان که بیش از دیگر گروه‌ها و قبایل، تحت فشار و سختی به سر می‌برند.

این شورش‌های سنی و شیعی، منعکس کننده شکاف‌های ایدئولوژیک اجتماعی، در جامعه ای بود که از ضربه فرهنگی ناشی از نوسازی سریع رنج می‌برند. به همین ترتیب، نکته مهم در این حقیقت نهفته است که این جوش و خروش‌های ضد رژیم، از دوران‌های پرکشمکش آغازین حکومت سعودی ریشه می‌گیرند.<sup>۲۲۴</sup>

البته در خصوص شیعیان، محرومیت‌های شدید اقتصادی و سیاسی نیز عاملی برای تسریع حرکت‌ها و مبارزات ضد حکومتی به شمار می‌رود. به هر حال، درست از زمان اشغال استان‌های شرقی توسط عبد العزیز در سال ۱۹۱۳، اعتراض‌ها و مخالفت‌ها، صورتی عملی به خود گرفت.

در سال ۱۹۵۲، یک مجمع مردمی به ریاست محمد الحبشی، برای بیان خواسته‌های محلی تشکیل شد، اما دولت آن را غیر قانونی اعلام کرد. با کشف نفت، ناحیه شرقی اهمیت جدیدی کسب کرد؛ چون بسیاری از شیعیان بومی، در صنعت نفت به کار گمارده شدند. این کارگران شیعی، که در دوران جنگ دوم و بعد از آن، آگاهی سیاسی کسب کرده‌اند، نارضایتی فزاینده‌ای در مقابل دولت و جامعه متمکن آمریکایی از خود نشان دادند. در سال ۱۹۴۸، با آغاز تظاهرات و بی‌نظمی‌های وسیع در منطقه القطیف به رهبری محمد بن حسین الحرج، ناآرامی شیعیان به اوج خود رسید. شورشیان که خواستار جدایی از پادشاهی بودند، به آسانی درهم کوبیده شدند. در سال ۱۹۴۹، دولت وجود یک جامعه انقلابی را در القطیف کشف کرد که تحت پوشش یک انجمن آموزشی به عملیات مشغول بود. جامعه منحل شد و یکی از رهبران چپ‌گرایش به نام

عبد الرؤف الخنیزی، در زندان مرد. این جنبش که تا جبیل گسترش پیدا کرده بود، سرانجام در ۱۹۵۰ درهم کوبیده شد. در ضمن، در سال‌های ۱۹۴۴، ۱۹۴۹ و ۱۹۵۳، در اعتراض به شرایط کاری تظاهراتی صورت گرفت. همچنین در سال‌های ۱۹۵۶ و ۱۹۶۷، تحریم قطع عرضه نفت به غرب به وقوع پیوست. در سال ۱۹۷۰، گارد ملی به قطیف فرستاده شد تا برای کنترل ناآرامی، به محاصره شهر بپردازد. ناآرامی‌های سال ۱۹۷۸ نیز دستگیری‌ها و تلفات گسترده‌ای به دنبال داشت.

شورش وسیع توده‌ای قطیف و سیحان در اواخر ۱۹۷۹، با دوران عزاداری مذهبی شیعه (عاشورا)، گروگان‌گیری دیپلمات‌های آمریکایی در تهران و اشغال مسجد بزرگ کعبه همزمان بود. وقوع هم‌زمان این حوادث به دنبال انقلاب

<sup>۲۲۴</sup> (۱). هرایر دکمچیان، پیشین، ص ۲۴۳.

ایران، برای سعودی ناخوشایند و بدشگون بود. در واقع، ندای آیت الله خمینی، از نظر ۴۴۰۰۰ شیعه استان شرقی، یک نوع دعوت به شورش به حساب می‌آمد.<sup>۳۲۵</sup>

این تحریک‌ها تا قبل از وقوع انقلاب اسلامی ایران، کم تر صورت عملی به خود گرفت. به بیان دیگر، با وقوع انقلاب اسلامی و شروع مبارزات مردم ایران، شیعیان این منطقه همانند دیگر مناطق، جانی دوباره یافتند که مهم ترین نمود این خودآگاهی را در مبارزات سال ۱۹۷۹ می‌توان مشاهده نمود.

تجلی پرشکوه این خشم برافروخته را می‌توان در محرم سال ۱۴۰۰ ق (نوامبر ۱۹۷۹ م) و چندی پس از قیام کعبه جستجو کرد. اریک رولو مفسر روزنامه معروف و پرتیراژ لوموند در این باره می‌نویسد: «شورشیان شیعه به دنبال پیروزی انقلاب اسلامی ایران و در پی حرکت در مکه، دل و جرأت بیش تری پیدا کردند و روز ۲۷ نوامبر ۱۹۷۹، مراسم روز عاشورا را که در عربستان سعودی ممنوع است، برگزار کردند. جمعیت که عکس‌های امام خمینی رحمه الله را در دست داشت، به سوی قطیف و احساء و دیگر آبادی های ایالت شرقی حرکت کردند و در درگیری های به وجود آمده با گارد ملی، ۳۶ تن از آنان کشته شدند. جمعیت، سه روز تمام در حال طغیان بود. آن‌ها بانک‌ها و مؤسسات دیگر را به آتش کشیدند و علیه رژیم سلطنتی شعار دادند و در اعلامیه ها، از مردم برای سرنگونی رژیم سعودی دعوت کردند. پس از بازداشت شدن

ص: ۱۸۶

صدها نفر، سرانجام آرامش در منطقه برقرار شد، اما درخواست های شیعیان پذیرفته نگردید و دولت سعودی، صرفا برای ظاهرسازی، دست به اقدام مزورانه زد تا اسلامی بودنش را ثابت کند؛ از جمله آرایشگاه های زنانه را تعطیل کرد و گویندگان زن را از تلویزیون دولتی اخراج نمود و چند تن از مقامات دولتی منطقه شرقیه را عزل کرد.<sup>۳۲۶</sup>

در حالی که شیعیان خواستار محرومیت زدایی از مناطق شرقیه و تقسیم عادلانه ثروت در این مناطق بودند، که به خواسته آن‌ها واقعی ننهاده.

برای مرتبه دیگر، در ۱۷ ژانویه ۱۹۸۰، هزاران نفر از شیعیان شهر قطیف در استان شرقی کشور، در یک راهپیمایی و تظاهرات شورشی و ضد دولتی شرکت کردند. ارتش سعودی این شهر را محاصره نمودند و کلیه تظاهرات کنندگان را به شدت سرکوب کرد و از پای درآورد.<sup>۳۲۷</sup>

با گسترش روابط جمهوری اسلامی ایران و سیاست تنش زدایی میان این کشور و کشورهای خلیج فارس به ویژه عربستان سعودی، وضعیت شیعیان این مناطق نیز روبه بهبودی نهاد. در واقع، عظمت مخالفت داخلی و خارجی شیعه با رژیم، به وضع سیاست‌های اصلاح طلبانه و نتیجه رویارویی ایران - سعودی بستگی دارد.<sup>۳۲۸</sup>

<sup>۳۲۵</sup> (۱). همان، صص ۲۵۵ - ۲۵۷.

<sup>۳۲۶</sup> (۱). داود آقایی، پیشین، ص ۸۵ و ۸۶.

<sup>۳۲۷</sup> (۲). ویلهم دیتل، پیشین، ص ۴۹۹.

از میان احزاب و ارگان های انقلابی شیعی شناخته شده در عربستان، می توان به سازمان انقلاب اسلامی شبه جزیره عربستان، حزب آزادی بخش شبه جزیره و حزب حجاز اشاره کرد که از آن میان، سازمان انقلاب اسلامی جزیره العرب، اهمیت بیش تری دارد.

این سازمان در ۱۹۷۵ میلادی تأسیس شد. با این حال پیش از آن، اعضایش به طور پراکنده فعالیت هایی داشته اند؛ لکن در این سال، تشکلی به وجود آوردند و فعالیت های خود را در منطقه شیعه نشین شرقیه متمرکز کردند. این سازمان پس از قیام کعبه، در منطقه شرقیه رسماً اعلام موجودیت کرد. سازمان مذکور از همان آغاز، هدف خود را نشر فرهنگ اسلامی و انقلابی بین مردم قرار داده است و با این که عناصری از برادران

ص: ۱۸۷

سنی مذهب نیز در آن عضویت دارند، لکن بیش تر کادرهایش شیعه هستند.

این سازمان معتقد است که مقطع کنونی، شیوه مبارزه مسلحانه را ایجاب نمی کند، بلکه اعتقاد دارد که آگاهی دادن مردم به فرهنگ انقلابی - اسلامی و مسایل سیاسی و زمینه سازی برای بازگشتن به خویشن خویش، در حال حاضر باید در اولویت برنامه قرار گیرد، تا در آینده مردم خواهان پذیرش یک نظام اسلامی باشند.

سازمان انقلاب اسلامی، در حیطه عمل فرهنگی - تبلیغی معتقد است باید با دو خطر عمده و جدی که فرهنگ اسلامی مردم شبه جزیره العرب را تهدید می کند و تا حد زیادی در منع آن موفق بوده است روبه رو شد:

الف) غربزدگی که به وسیله نشر فرهنگ آمریکایی تحقق می پذیرد؛

ب) فرهنگ ارتجاع که توسط عمال مذهبی رژیم و تحت پوشش اسلام بر مردم اعمال می گردد.

آن ها، بزرگ ترین مانع کنونی را، عدم شناخت مردم از ماهیت رژیم و عدم آگاهی آن ها برای دستیابی و پایه ریزی یک انقلاب می دانند. بنابراین، این سازمان فعالیت خود را در منطقه شرقیه که شیعه نشین بوده و به برکت انقلاب اسلامی ایران، از آگاهی های درخور توجهی برخوردارند، متمرکز نمود و در حال حاضر، بیش از هشتاد درصد تحصیل کرده های این منطقه، عضو همین گروه هستند و در بین مردم، از پایگاه گسترده ای برخوردار می باشند.

سازمان فوق الذکر، تمام مسلمانان را امت واحده می داند که باید برای رسیدن به هدف، از قیادت یک امام پیروی کنند و در زمان حیات رهبر عظیم الشأن انقلاب اسلامی، کسی جز امام خمینی رحمه الله را لایق این مقام نمی دانستند. این سازمان، هدف خود را برانداختن خاندان سعودی، بر چیدن بساط نظام سلطنت و استقرار جمهوری اسلامی در «شبه جزیره العرب» می داند.<sup>۳۲۹</sup>

و آنان در کل، مواضع ایران را پذیرفته و از آن الگوبرداری می کنند.

<sup>۳۲۸</sup> (۳). هرایر دکجیان، پیشین، ص ۲۵۸.

<sup>۳۲۹</sup> (۱). داود آقایی، پیشین، صص ۸۰ - ۸۲.

نکته قابل توجه آن است که بیش تر این سازمان‌ها، به صورت زیرزمینی و نیمه پنهان به فعالیت می‌پردازند و رهبری آن، به دست عالمان بزرگی چون شیخ حسین بن اسماعیل الکرّامی، سید هاشم شخص، عبد الهادی الفضلی، شیخ عمروی و شیخ حسن صفار است.

ص: ۱۸۸

### جنبش‌های شیعیان بحرین

بحرین، چه قبل و چه بعد از انقلاب ایران، کانون رستاخیز شیعی در کشورهای خلیج فارس بوده است. این امر به طور مستقیم از وضع جمعیتی و اجتماعی اقتصادی جزیره ناشی می‌شود. در مقایسه با سنی‌هایی که از نظر سیاسی بر این کشور مسلط هستند، شیعیان از اکثریت برخوردار می‌باشند.<sup>۳۳۰</sup>

و به همین دلیل، شیعیان اکثریت معترض را نیز تشکیل می‌دهند، به ویژه آن‌که نهادهای حاکمیت سیاسی در اختیار اقلیت سنی قرار دارد. بر این اساس،

به نظر قدرتمندان شورای همکاری خلیج فارس، جنبش مردمی بحرین، جنبش شیعی است و به همین لحاظ می‌بایست با آن به مقابله برخاست.<sup>۳۳۱</sup>

با پیروزی انقلاب اسلامی ایران، انعکاس صدای ایران در جای جای کشورهای منطقه، به ویژه کشورهایی که بیش تر جمعیت‌شان شیعه است، شنیده شد و شیعیان که بیش از دیگران در انزوا و فلاکت به سر می‌بردند، گویی نوید پیروزی شنیدند و درهم‌آوایی با این ندا به پا خواستند.

بنیادگرایی شیعه، به دنبال انقلاب ایران به عنوان یک جنبش نیرومند در صحنه ظاهر شد. با این همه، ناسیونالیسم عرب ابزار عمده اعتراض شیعیان بحرین در طول دهه ۱۹۵۰ بوده است؛ زیرا در آن، کارگران نفت بحرین در اعتصاب و تظاهرات علیه غرب به موج ناصریسم پیوستند. اما این وضع در سال‌های دهه ۱۹۷۰، با ظهور فعال‌گرایی شیعی در عراق، ایران و کشورهای خلیج فارس تغییر کرد. .... وسیله عمده پیکارجویی شیعه، جبهه اسلامی برای آزادی بحرین (الجبهة الإسلامية للتحرير البحرين) بود.

یکی از رهبران این جبهه به نام حجة الاسلام هادی مدرسی، در ۱۹۷۹ به خاطر این که ادعا می‌کرد نماینده آیت الله خمینی است، از این کشور تبعید شد ....

در ۱۶ دسامبر ۱۹۸۱، بحرین و عربستان سعودی اعلام کردند که ۶۵ توطئه‌گر شیعه را که توسط مدرسی در ایران آموزش دیده‌اند، دستگیر کرده‌اند. این حادثه، نگرانی جدی بحرین و عربستان سعودی را برانگیخت و به عقد یک پیمان امنیتی مشترک در ۲۰ دسامبر ۱۹۸۱ منجر شد.<sup>۳۳۲</sup>

<sup>۳۳۰</sup> (۱). هرایر دکمجان، پیشین، ص ۲۸۶.

<sup>۳۳۱</sup> (۲). چنگیز پهلوان، پیشین، ص ۲.

به طور کلی، مهم‌ترین جنبش‌های شیعی بحرین عبارت‌اند از:

## ۱. جبهه اسلامی برای آزادی بحرین

این تشکّل، ریشه در مبارزات اسلامی دهه ۱۹۷۰ و به خصوص، نهاد مذهبی صندوق الحسین دارد و مهم‌ترین بنیان‌گذاران و رهبران آن، دو تن از علمای شیعی بحرین هستند. در سال ۱۹۸۱، تعدادی از اعضای این جبهه (حدود هفتاد نفر) پس از کسب آموزش‌های نظامی و تخریبی، با قصد سرنگونی دولت وارد عمل شدند، اما بنا به دلایلی، اقدام آنان ناکام ماند و همگی بازداشت شدند. .... جبهه اسلامی برای آزادی بحرین، اهداف خود را چنین بیان کرده است: تأمین آزادی‌های سیاسی، عدالت، آزادی بازداشت‌شدگان، صدور اجازه برگشت به وطن برای افراد تبعیدی، احیای قانون اساسی، برگزاری انتخابات مجلس و بی‌لیاقت خواندن خانواده حاکم برای اداره کشور.

این تشکّل، تلاش برای رسیدن به این اهداف را، در قالب امر به معروف و نهی از منکر، یک واجب شرعی می‌داند و اعتقاد دارد که شیوه مبارزه در هر منطقه‌ای، متفاوت از دیگر مناطق است. از این‌رو، مردم بحرین باید شیوه خاص خود را دنبال کنند. این جبهه، دارای هفت کمیته است که عبارت‌اند از: کمیته تبلیغات انتفاضه؛ کمیته حمایت از خانواده شهدای انتفاضه؛ کمیته بزرگداشت شه‌دای انتفاضه؛ کمیته تنظیم راهپیمایی‌ها و تجمعات؛ کمیته هماهنگ‌کننده بین مناطق مختلف؛ کمیته دفاع از بازداشت‌شدگان؛ و کمیته جمع‌آوری کمک‌ها برای آسیب‌دیدگان انتفاضه.

ارگان تشکّل یاد شده، «الثورة الرسالية» و «البحرین؛ وجه الآخر» (که به نام «چهره دیگر بحرین» به فارسی هم چاپ می‌شود) و مجله «الانتفاضه» است.<sup>۳۳۳</sup>

## ۲. حزب الله بحرین

از سال ۱۹۷۸ به بعد، دولت بحرین بارها ادعا کرده است که گروهی به نام حزب الله بحرین، خواهان سرنگونی نظام اند. دولت بحرین مدعی شده که این گروه سه هزار نفری،<sup>۳۳۴</sup> تماماً نظامی‌اند و از لبنان تغذیه می‌شوند و مورد حمایت ایران‌اند. در ششم نوامبر ۱۹۸۹، دادگاه امنیت ملی بحرین نه نفر از جوانان کشور را به اتهام وابستگی به حزب الله بحرین محاکمه و به ده سال حبس محکوم کرد. در فوریه ۱۹۹۶ نیز دولت

بحرین اعلام کرد که گروهی از اعضای حزب الله بحرین را دستگیر و بازداشت کرده است. حرکت آزادگان بحرین، ضمن صدور بیانیه‌ای، وجود چنین گروهی را رد کرد و بیان داشت که این اقدام دولت، حربه‌ای برای ساختن دشمن فرضی است تا ناآرامی‌ها را به خارج منتسب کند و در سرکوب آن‌ها، حداکثر تلاش خود را به کار بندد. .... دولت بحرین اعلام

<sup>۳۳۳</sup> (۳). هرایر دکجیمان، پیشین، صص ۲۸۶ و ۲۸۷.

<sup>۳۳۴</sup> (۱). مرتضی بحرانی، جنبش‌های سیاسی - اجتماعی بحرین، صص ۶۹ و ۷۰.

<sup>۳۳۴</sup> (۲). به یقین این فقط یک ادعا نبوده؛ چرا که کاملاً بعید به نظر برسد این تشکیلات سه هزار نفر عضو داشته باشد.

کرد که افراد این گروه، همگی شیعه‌اند و به بعضی از سازمان‌های دولتی ایران وابسته‌اند و در دیگر نقاط جهان نیز فعالیت دارند. بعضی از این افراد، با ظاهر شدن بر صفحه تلویزیون، به عضویت در حزب الله بحرین و ارتباط با ایران اعتراف کردند. دولت ایران، این ادعا را به شدت رد کرد. حزب الله لبنان نیز از وجود چنین گروهی اظهار بی اطلاعی و هرگونه رابطه با آن را تکذیب کرد. طی این حادثه، دو کشور ایران و بحرین، سفیران خود را فراخواندند و روابط دیپلماتیک خود را تا سطح کاردار تنزّل دادند.<sup>۳۳۵</sup>

در سال ۱۹۹۷ شاهد بیشترین محاکمه‌های مخالفان در بحرین بودیم. در این سال، ۸۱ نفر محاکمه شدند؛ ۵۹ نفر حضوری و ۲۲ نفر غیابی. این عده که دولت بحرین آنان را در سوم ماه مه ۱۹۹۶ شناسایی و بازداشت کرد، متهم بودند که با جناح نظامی حزب الله بحرین رابطه داشته‌اند. اکثر این افراد به پنج تا پانزده سال حبس محکوم شدند. ۲۳ نفر از آنان هم که تبرئه شدند، به موجب قانون امنیت ملی، در بازداشت باقی ماندند. در ۱۷ مارس ۱۹۹۷ نیز دولت بحرین ادعای مشابهی کرد.

در آوریل ۱۹۹۷، دولت کویت اعلام کرد تعدادی از اتباع دولت بحرین را به اتهام عضویت در «حزب الله خلیج فارس» بازداشت کرده است. این افراد که در ۲۶ مارس دستگیر شده بودند، یک گروه یازده نفری را شامل می‌شدند ... روزنامه الایام نیز در دوم آوریل نوشت که این افراد، از اعضای حزب الله خلیج‌اند و متعلق به سازمانی شیعی‌اند که از طرف ایران حمایت می‌شود.<sup>۳۳۶</sup>

### ۳. حرکت هسته‌ای انقلابی

ازجمله حرکت‌های سرّی و زیرزمینی شیعی بحرین بود که پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران و تحت تأثیر آن در بحرین تشکیل شد. در ژانویه ۱۹۸۱، حکومت بحرین یکی از عالمان دینی به نام شیخ ناصر الحداد و حدود بیست نفر از جوانان

ص: ۱۹۱

بحرینی را به اتهام اقدام علیه امنیت ملی بازداشت کرد. این افراد، متهم بودند که در تشکیلات الخلايا الثوريه، به رهبری شیخ ناصر الحداد عضویت داشته‌اند. در دهم آوریل، طی محاکمه‌ای شیخ ناصر الحداد به هفت سال و بقیه افراد به یک تا چهار سال حبس محکوم شدند.<sup>۳۳۷</sup>

### ۴. حرکت اسلامی انصار الشهدا

<sup>۳۳۵</sup> (۱). مرتضی بحرانی، پیشین، ص ۷۳ و ۷۴.

<sup>۳۳۶</sup> (۲). همان، ص ۷۵.

<sup>۳۳۷</sup> (۱). همان.

حرکتی مخفی و سری بود که در اوایل دهه ۱۹۸۰ و تحت تأثیر انقلاب اسلامی به وجود آمد. رهبری این تشکل بر عهده شیخ جمال علی العصفور بود. این گروه را نیز دولت کشف کرد. شیخ عصفور نیز در سال ۱۹۸۰ دستگیر شد و تا سال ۱۹۸۱ در بازداشت به سر می‌برد که در همین سال و در بازداشت، ظاهراً بر اثر مسموم شدن از دنیا رفت.

##### ۵. حزب الدعوة

این تشکل در سال ۱۹۶۵ و تحت تأثیر حزب الدعوة عراق به وجود آمد و خواستار حل مسأله فلسطین شد. این حزب، ریشه در جمعیت بیدارگری اسلامی دارد. در سال ۱۹۸۳ اعضای این گروه، تحت تعقیب قرار گرفتند و در ۱ وایل سال ۱۹۸۴، پنجاه نفر به اتهام عضویت در این تشکل، دستگیر و طی محاکمه ای در ۲۴ دسامبر، به یک تا هفت سال حبس محکوم شدند.<sup>۳۳۸</sup>

البته در جنبش‌های دیگری هم که ماهیت ملی، اسلامی یا ناسیونالیسم عربی دارند، حضور شیعیان را شاهدیم. از اساس حضور اکثریت شیعه که در محرومیت به سر می‌برند، باعث شده تا بیش‌ترین مخالفان را شیعیان تشکیل دهند. برای مثال، از آن‌جا که اکثریت بیکاران را در این کشور شیعیان تشکیل می‌دهند، بسیاری از اعضای «جنبش اتحادیه کارگری» از این گروه می‌باشند؛ گرچه ماهیت این جنبش اسلامی نیست و بر مسایل کارگری و اقتصادی تأکید دارد.

در موارد زیادی، شیعیان اکثریت را در جنبش‌ها و ناآرامی‌ها به خود اختصاص داده‌اند که این خود دلایلی دارد: اولاً اکثریت جمعیت بحرین را شیعیان تشکیل می‌دهند؛ ثانیاً بیش‌ترین نرخ بیکاری در بحرین، متعلق به مناطق شیعه‌نشین است. شرکت آنان در

ص: ۱۹۲

ناآرامی‌ها، به خاطر شیعه بودن آن نیست، بلکه به خاطر بیکار بودن آنان است، ثالثاً بر هر فردی از شهروندان بحرین لازم است که در حرکت مشروع و قانونی خود برای احیای دموکراسی فعال باشد. حال، علمای بحرین در این زمینه بیش‌تر احساس وظیفه می‌کنند و از میان علما، علمای شیعه بیش‌از دیگران این بار را بر دوش می‌کشند و این امر، باز هم به خاطر شیعه بودن آنان نیست، بلکه به خاطر بحرینی بودن آنان است؛ رابعاً با توجه به اهمیت بیداری سیاسی مردم، علمای شیعه توانسته‌اند با استفاده از وسایل مهمی چون نماز جمعه، مساجد و حس‌ینیه‌ها، بیش‌از دیگران در این زمینه اقدام کنند.<sup>۳۳۹</sup>

هم‌چنین

بیش‌تر حوادث، در مناطق شیعه‌نشین اتفاق می‌افتد و بیش‌تر شرکت‌کنندگان در راهپیمایی شیعیان‌اند؛<sup>۳۴۰</sup>

زیرا این گروه، بیش‌از دیگران تحت ستم و فشار هستند.

<sup>۳۳۸</sup> (۲). همان، صص ۷۵ و ۷۶.

<sup>۳۳۹</sup> (۱). همان، ص ۶۰.

<sup>۳۴۰</sup> (۲). همان، ص ۶۰.

اما نکته قابل توجه آن است که بیش تر جنبش‌های بحرین، از جمله جنبش‌های شیعی، در سال‌های اخیر سعی کرده‌اند با حرکت آرام و دموکراتیک و از راه‌های قانونی، خواسته‌های خود را دنبال کنند؛ البته دولت نیز در تلاش است تا نقش بیش‌تری به شیعیان در اداره امور، و به ویژه بازرگانی بدهد.

### جنبش‌های شیعی در قطر، عمان، امارات متحده و کویت

در سه کشور نخست، شیعیان عموماً جمعیت‌های آرامی هستند که کم‌تر می‌توان تحرّکی از آنان دید؛ گرچه این گروه‌ها هم پس از انقلاب اسلامی ایران تا حدّی به تکاپو افتاده‌اند، ولی تعداد کم آن‌ها و وضعیت به نسبت مطلوبی که به نسبت دیگر شیخ‌نشین‌ها در این کشور؛ برای شیعیان فراهم است، باعث شده تا اقلیت شیعه، خطر جدّی‌ای برای حاکمان سنی

ص: ۱۹۳

محسوب نشوند. اما مهم‌ترین نکته‌ای که در این سه کشور مشهود است، گرایش‌های ایرانی شیعیان این کشورهاست، به ویژه آن‌که در بیش‌تر آن‌ها، شیعیان متعلق به فرقه اثنی عشری بوده و تحت تأثیر علمای قم می‌باشند. برای مثال در امارات متحده،

این شیعیان که در اصل به دعوت شیخ مکتوم برای خدمت به منافع بازرگانی او به دوبی آمدند، گاهی اوقات، چه در زمان شاه و چه در دوران جمهوری اسلامی، به طرفداری از ایران دست زده‌اند. مقامات فدرال، این شیعیان غالباً ساکت را «ستون پنجم» بالقوه ایران قلمداد می‌کنند. نکته مهم این جاست که شیخ مکتوم دوبی، در برقراری روابط دوستانه با رژیم‌های پهلوی و اسلامی بسیار دقیق عمل کرده است تا هم باعث تسکین شیعیان محلی باشد، هم با دیگر امارات تحت ریاست ابوظبی تعادل برقرار کند.<sup>۳۴۱</sup>

اما در کویت،

بنیادگرایی شیعه، برخلاف نوع سنی آن، جنبش اعتراض اقلیت بزرگ، اما محروم تر شیعیان اثنی عشری کویت است. در حالی که هم اعراب و هم ایرانی‌ها در این جنبش عضویت دارند، اما گروه اخیر، برای شرکت در تظاهرات و اظهار علاقه نسبت به تبلیغات ایران، مساعدتر است. مهم‌ترین تجلّی سازمانی و فکری شیعیان کویت، گروه دار التوحید است. این گروه، در نشر و تبلیغات فعالیت می‌کند و تا اندازه‌ای تبلیغاتش به نفع رژیم اسلامی ایران است.<sup>۳۴۲</sup>

البته از حق نگذریم به دلیل ساختار به نسبت دموکراتیک این کشور، به ویژه در مقایسه با دیگر کشورهای عرب منطقه، شیعیان خصوصاً در سال‌های اخیر، سعی نموده‌اند با سازمان‌دهی فعالیت‌های سیاسی خود و تشکیل احزاب، در ساختار سیاسی کشور ایفای نقش کنند که از مهم ترین این احزاب و گروه‌ها، می‌توان به حزب ائتلاف اسلامی الوطنی (حزب مؤتلفه اسلامی ملی) اشاره کرد.

<sup>۳۴۱</sup> (۱). هرایر دکمجان، پیشین، ص ۲۸۹.

<sup>۳۴۲</sup> (۲). همان، ص ۲۸۵.

که اکثر اعضای آن را، مهاجرین شرق عربستان تشکیل می دهند. رهبران آن، بارها خواستار اجرای قانون اساسی سال ۱۳۴۱ شده‌اند که در آن، حقوق آزادی مردم کویت

ص: ۱۹۴

تذکر داده شده است. این گروه که متهم به گرفتن دستور از بیرون است، هرگونه ارتباط با کشورهای دیگر را رد می‌کند، ولی بر داشتن تماس با شیعیان جهان تأکید دارد. گروه دار التوحید که به عنوان مهم ترین تجلی سازمانی و فکر شیعیان محسوب می‌شود، دیگر جریان سیاسی سازمان شیعه در کویت است که گرایش به ایران دارد. در کنار دو حزب فوق، حزب الدعوة نیز فعال است و بارها از سوی مقام‌های کویت، به ارتباط با ایران متهم شده است.<sup>۳۴۳</sup>

جنبش‌های شیعیان در کویت، مرکب از عرب زبان‌ها و ایرانیان مقیم این کشور هستند که تفاوت‌های نژادی و گرایش‌های سیاسی، موجبات اختلافات و بعضاً تضارب آرا در میان آن‌ها شده است که پس از تحولات کویت، به ویژه انتخابات دهمین دوره مجلس ملی، توانستند به وحدت نسبی برسند.<sup>۳۴۴</sup>

### تشیع، رویاروی غرب

به گواه تاریخ، سرزمین‌های اسلامی، همواره مورد استثمار جوامع غربی قرار داشتند؛ چه آن زمان که استعمار کهن بر این سرزمین‌ها حکمرانی می‌کرد، و چه اینک که استعمار نو، در قالب امپریالیزم بر آن‌ها سلطه و سیطره دارد. به واقع در قرن نوزدهم، تمامی کشورهای اسلامی، به ویژه کشورهای خلیج فارس، شاهد حضور نامیمون استعمار در سرزمین‌های خویش بودند.

این حضور که در ابتدا جلوه اقتصادی داشت، در قرون اخیر، ابعاد گسترده ای به خود گرفته که در بعد فرهنگی، ایدئولوژی اسلامی، به ویژه نوع شیعی آن را به چالش می‌کشد.

شکست مسلمانان به دست اروپاییان مسیحی، قبل از قرن نوزدهم اتفاق افتاد. هنگامی که بخش وسیعی از سرزمین اسلامی زیر سلطه و نفوذ کشورهای اروپایی قرار گرفت، «اندلس» و «سیسیل» در جنگ «تولوز» در ۱۲۱۳ م از دست مسلمانان خارج شد.

روس‌ها از قرن شانزدهم به سرزمین‌های مسلمانان در آسیای میانه لشکرکشی کرده و آن‌جا را ضمیمه خاک خود کردند. پرتغالی‌ها و هلندی‌ها از ۱۵۰۶ از راه دریا به وسیله نیروی دریایی قدرتمند خود، بنادر و جزایر مهم و استراتژیک را در خلیج فارس و

ص: ۱۹۵

<sup>۳۴۳</sup> (۱). علی حسن حیدری، پیشین، ص ۱۱.

<sup>۳۴۴</sup> (۲). همان، ص ۱۱.

اقیانوس هند به زیر سلطه خود درآوردند. انگلیس‌ها و فرانسوی‌ها از اوایل قرن نوزدهم راهی جهان اسلام شدند. بریتانیا، نیروی دریایی خود را که از سواحل غربی هند تا شیخ نشین‌های خلیج فارس گسترش داده بود، در بعضی بنادر و جزایر، مانند بندر «عدن»، «بوشهر» و ... اقدام به تأسیس پایگاه نظامی نموده و نیروی نظامی خود را مستقر کرده بود ... به دنبال شکست امپراتوری عثمانی در جنگ جهانی اول و فروپاشی آن، انگلیس اقدام به تأسیس نظام قیمومت و تحت‌الحمایگی برای کشورهای عراق، اردن و فلسطین نمود ....

بدین ترتیب، کشورهای استعمارگر اروپایی، بر مراکز استراتژیکی و سوق الجیشی جهان اسلام، مانند راه‌ها، اقیانوس‌ها، تنگه‌ها، خلیج‌ها و مراکز دارای معادن و منابع غنی زیرزمینی تسلط پیدا کردند. آن‌ها ضمن غارت ثروت‌های خدادادی جهان اسلام، به اعمال نظارت سیاسی بر آن‌ها و تلاش جهت تغییر فرهنگ و آداب و رسومشان اقدام کردند. محتوای فرهنگ اسلامی مردم و احکام و دستورات قرآن را، شاید بتوان یگانه عاملی دانست که تداوم حضور آن‌ها را در منطقه به مبارزه می‌طلبد و با خطر مواجه می‌سازد.<sup>۳۴۵</sup>

غریبان، متوجه این نکته شده بودند که برای استمرار سلطه خود بر مسلمانان، باید آن‌ها را نسبت به ارزش‌ها و اصول و مبانی فرهنگ اسلامی بی‌تفاوت کرده و مظاهر فرهنگی خود را بر آن‌ها دیکته کنند.<sup>۳۴۶</sup>

بدین ترتیب، تلاش برای بیگانه کردن آنان از فرهنگ و هویت اسلامی خویش آغاز گردید و با طرح عناوینی چون ناسیونالیسم و تبلیغ آن در جوامع اسلامی، برای خدشه‌دار کردن «وحدت اسلامی» تلاش کردند.

رواج اندیشه قومیت پرستی و ملیت پرستی و به اصطلاح «ناسیونالیسم» که به صورت‌های «پان عربیسم»، «پان ایرانیسم»، «پان ترکیسم»، «پان هندوئیسم» و غیره در کشورهای اسلامی با وسوسه استعمار تبلیغ شدند و هم چنین سیاست تشدید نزاع‌های مذهبی شیعه و سنی و هم چنین قطعه‌قطعه کردن سرزمین اسلامی به صورت کشورهای کوچک و قهرا رقیب، همه برای مبارزه با آن اندیشه ریشه‌کن‌کننده استعمار، یعنی «اتحاد اسلامی» بوده است.<sup>۳۴۷</sup>

ص: ۱۹۶

این موضوع، تأثیر نابودکننده‌ای بر امت اسلامی برجای گذاشت؛ بدین‌سان، قدرت سیاسی اسلام، دچار تزلزل شد.<sup>۳۴۸</sup>

از سوی دیگر، غرب با جذب افکار توده‌های مردم، به ظواهر فرهنگ خویش و پیشرفت‌های فناورانه، آنان را دچار نوعی از خودبیگانگی و بحران هویت نمود و قشر جوان و تحصیل کرده جامعه را، به سوی پیروی از الگوهای غربی سوق داد؛ اما دیری نپایید که

<sup>۳۴۵</sup> (۱). حسین کاظمی کرهرودی، پیشین، صص ۱۲۵ و ۱۲۶.

<sup>۳۴۶</sup> (۲). همان، ص ۱۲۷.

<sup>۳۴۷</sup> (۳). مطهری، پیشین، ص ۳۴.

<sup>۳۴۸</sup> (۱). حسین کاظمی کرهرودی، پیشین، ص ۱۰۵.

عدم سازگاری میان ارزش ها و هنجارهای غربی با فرهنگ بومی و اسلامی، باعث گرایش بیش تر مردم به ارزش های اسلامی و رشد اسلام گرایی شد.<sup>۳۴۹</sup>

این رویکرد که در جوامع شیعی به واسطه نفوذ علما و مراجع تقلید در میان توده ها بسیار به چشم می خورد، بیش از دیگران، علقه های مذهبی شیعیان را تهییج نمود. در واقع سیر تاریخی جوامع اسلامی، نمایانگر این نکته است که مسلمانان و به ویژه شیعیان، پس از یک دوره رخوت و سستی و از خودبیگانگی فرهنگی، بار دیگر در جستجوی «هویت اسلامی» خود در برابر هجوم فرهنگی غرب برآمده اند؛ گو آن که پس از سالیان طولانی خواب غفلت، دوباره بیدار گشته و به تکاپو پرداخته اند. البته پیروزی انقلاب اسلامی ایران، در هویت یابی این جوامع بسیار مؤثر بوده و با این پیروزی، رستاخیز شیعه، ابعاد گسترده تری به خود گرفته است و به عنوان

مهم ترین عامل رشد و گسترش گروه های اسلامگرا در جهان اسلام، خصوصا منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا در دهه هشتاد محسوب می شود. هرچند جنبش های اسلامی، قبل از انقلاب ایران به شکل سازمان یافته در بعضی کشورهای عربی وجود داشتند، ولی به دلیل سرکوب و عوامل دیگر، دچار انشعاب و شکاف گردیدند و موفقیت شایان توجهی کسب نکردند.<sup>۳۵۰</sup>

که البته این نفوذ، در میان جنبش های شیعی مشهودتر به چشم می خورد و نمونه های آن را

ص: ۱۹۷

می توان در ظهور احزاب شیعی «حزب الدعوة»، «سازمان عمل اسلامی»، «مجلس» و جنبش «الجیش المهدی» در عراق، «سازمان انقلاب اسلامی»، «جزیره العرب» و «حزب الله حجاز» در عربستان، و فعالیت های شیعیان در کشورهای کویت، بحرین، عمان و امارات متحده و هم چنین ناآرامی های استان های شرقی عربستان در همان سال های (۱۹۷۸ - ۱۹۸۰) مشاهده نمود. به هر حال، به رغم تلاش بی وقفه استعمار در حذف ارزش های اسلامی و هضم جوامع اسلامی در فرهنگ غرب، موج بیداری جوامع اسلامی آغاز گردید.

بدین ترتیب، جنگ ایدئولوژی ها به وقوع پیوست؛ جنگی که در مرزهای خاورمیانه و به ویژه خلیج فارس رخ می نماید و برخی، از آن به جنگ جهانی چهارم یاد می کنند و عده ای به استناد آن، مرزهای منطقه را، مرزهای خونین لقب می دهند.

به هر حال این رویارویی، شیعیان را نیز به صحنه نبرد کشاند. آنان از یکسو به لحاظ عقیدتی و از سوی دیگر به لحاظ سیر تاریخی حوادثی که بر آنان گذشته است، آن گونه که در سطور قبل نیز بدان اشاره شد، ماهیتا دارای فرهنگی انقلابی بوده و بنابراین، زمینه چنین قیام هایی را در خود دارا می باشند؛ به ویژه آن که تشیع افزون بر اعتقاد به غاصبانه بودن حاکمیت غیر معصوم، هرگونه تسلط غیر مسلمان بر مسلمان را نیز جایز نمی داند و از این رو، تنها اعتقاد به این باور، اساس استعمار را به چالش می کشد.

<sup>۳۴۹</sup> (۲). همان، ص ۱۰۷.

<sup>۳۵۰</sup> (۳). همان، ص ۱۱۸.

همچنین به قول آقای فرانسوا توآل، مخالفت جدی تشیع با غرب، به دلیل انقلاب فردیت یا تقدم وجدان بر وحی باعث گردیده که شیعه، به گونه ای در مقابل مدرنیته قد علم کند؛ رویارویی که خاص گروه اقلیت شیعه است و به تعبیر او،

در این جا پای یک مذهب اخروی در میان است که بر فرج ام تاریخ بشری تأکید دارد؛ در عین حال، از بدو ورودش به جهان، به صورت مذهبی انقلابی درآمده است. جمع این دو نظریه (ویژگی در اقلیت بودن شیعیان و دیدگاه بالقوه اخروی و انقلابی شان) موجب می شود که بازگشت تشیع، با عدم ثبات در نظم جهانی ظاهر شود.<sup>۳۵۱</sup>

ص: ۱۹۸

به ویژه آن که

تشیع، به ویژه تشیع ایران کنونی، ادعای سخنگویی محرومین جهان سوم و امید تازه «نفرین شدگان» زمین را دارد. به همین علت، شیعه، جهان غرب و ارزش هایش را رد می کند. از دید شیعه، ارزش های غربی، تنها مصنوعات هستند که در جهت فریب توده های فقیر در نظر گرفته شده اند. تشیع، کاپیتالیسم و کمونیزم را به یکسان رد می کند. انفجار تشیع، تنها به مواضع ژئوپلیتیکی اش در خاورمیانه برنمی گردد؛ بلکه در محتوا و پیام سیاسی آن نهفته است. تلقی این اراده انقلابی و امید به سخنگویی فقرا در جهان، به عنوان یک ویژگی سطحی، اشتباه است. این اراده، می تواند زمانی دارای قدرتی انفجارآمیز و سهمگین باشد.<sup>۳۵۲</sup>

البته نباید فراموش کرد که مکتب تشیع با پیشرفت های علمی و تکنیکی به مخالفت برنمی خیزد؛ بلکه رویارویی آن با غرب، به دلیل رویکردهای ایدئولوژیکی اش می باشد و همین رویکردها، باعث شده تا شیعه در مدرنیته حل نشود؛

زیرا مذهبی اخروی است که معتقد به روزهای پایانی این جهان است و از این جهت، هیچ کدام از مراحل تاریخ، او را نمی ترساند.<sup>۳۵۳</sup>

همچنین این مکتب،

با امیدهایی که ایجاد می کند و با انتظار جمعی برای اعاده حقیقت قرآنی و عمل به آن، مذهبی است که در مورد امور سیاسی هم چون اداره، سازمان و تحول جامعه دارای برنامه است.<sup>۳۵۴</sup>

وانگهی، آن چه تا پیش از این جهان غرب به عنوان اسلام شناخته، اسلام از نوع سنی آن بوده است و اینک با رویکرد جدیدی آشنا می گردد که از ابعاد بسیار پیچیده ای برخوردار و کاملاً ناشناخته است. برای مثال، رابطه مقلد و مقلد که هم رهبری دینی را شکل می دهد و هم رهبری سیاسی را، پدیده بسیار پیچیده ای را به نمایش می گذارد که کم تر بدان آگاه هستند.

<sup>۳۵۱</sup> (۱). فرانسوا توآل، پیشین، ص ۱۱.

<sup>۳۵۲</sup> (۱). همان، ص ۱۴۳.

<sup>۳۵۳</sup> (۲). همان، ص ۱۴۴.

<sup>۳۵۴</sup> (۳). همان، ص ۱۳۸.

### ۱۲۳۴۳ جغرافیای سیاسی شیعیان منطقه خلیج فارس؛ ص ۱۹۹

این واقعیت (رابطه میان امت و مرجع تشیع و پیروی شیعه از مرجعیت) که شیعه بدان ممتاز می شود، دشمنان اسلام را به فکر تضعیف رابطه مرجع و امت و ایجاد مانع در این میان واداشته، تا مرجعیت را در حوزه علم خاص خود، محدود کرده و شیعیان را از مراجع دور کند ....

این هجوم، در پی شکست های مستمری بود که استعمارگران در چهار دهه پایانی قرن نوزدهم، با آن روبه رو شده بودند. این مرحله ای جدید از یورش های استعمار به کشورهای اسلامی بود که طی آن، دستگاه های استعماری موفق شدند بسیاری از قدرت ها و شخصیت های دینی و سیاسی را به سوی خود کشیده و رضایت آنان را جل ب کنند؛ ولی از دستیابی به تمایل حتی یک نفر از مراجع شیعه به طور کامل ناموفق بودند؛ زیرا مراجع ابتدا، موضع گیری اصولی خود را تعیین کرده بودند که عبارت بود از لزوم مقاومت در مقابل استعمار و ایستادگی در برابر دخالت آن ها در کشورهای اسلامی و خودداری از هر انتخابی که با استقلال بلاد اسلامی در اصطحاک باشد.<sup>۳۵۶</sup>

هم چنین به لحاظ عینی، از آن جا که بیش تر جنبش ها و حرکت های شیعی از ایران الگوبرداری می کنند و رویکردهای استقلال طلبانه ایران، برای کشورهای چون آمریکا بسیار گران تمام شده است، آنان را به نوعی از نزدیکی به تشیع بازمی دارد؛ گرچه به نظر برخی تحلیلگران، جهان غرب و به ویژه آمریکا، در سال های اخیر سعی نموده اند فرصت های بیش تری در اختیار گروه های شیعی قرار دهند، اما نگاه بیش تر این گروه ها به غرب، هم چنان بدبینانه است.

### نتیجه گیری

مطالعه سیر تاریخی زندگی سیاسی - اجتماعی شیعیان خلیج فارس، مشخص می سازد آن چه اینک تحت عنوان «رستاخیز شیعه» رخ می نماید، در واقع یک واکنش و اعتراض به محرومیت هایی است که در طول تاریخ همواره بر آنان تحمیل شده است. البته نباید فراموش

ص: ۲۰۰

کرد که رستاخیز شیعی، نوعی واکنش تدافعی در برابر هجوم و سیطره فرهنگ غرب و فرا گستردن آن به دیگر نقاط جهان، به ویژه جوامع اسلامی نیز به شمار می آید.

<sup>۳۵۵</sup> متقی زاده، زینب، جغرافیای سیاسی شیعیان منطقه خلیج فارس، ۱ جلد، شیعه شناسی - قم، چاپ: اول، ۱۳۸۴ ه.ش.

<sup>۳۵۶</sup> (۱). سلیم حسینی، عالمان شیعه رویاروی استعمار، ترجمه محمد هادی باسخواه، ص ۱۲.

بدون تردید، این شیعیان نیز همانند دیگر مسلمانان، پس از یک دوره فترت و سستی، با ظهور انقلاب اسلامی ایران از خواب طولانی غفلت بیدار گشته اند؛ گویی پیروزی انقلابی این چنینی، آنان را با الگوی عینی یک جنبش شیعی آشنا نموده و امیدهای تازه ای به سوی آینده روشن گشوده است. این تحرک ها که در واکنش به بی عدالتی ها و فساد و ظلم حاکمان داخلی، نفوذهای بی سر و سامان خارجی و تزریق نامتناسب مدرنیته به جامعه خویش جلوه کرده است، از سوی قدرت های بزرگ اعلان جنگ ایدئولوژیکی قلمداد می شود؛ به ویژه آن که رویکردهای مذهبی مکتب تشیع، بیش از هر فرقه دیگر، ایدئولوژی غرب را به چالش می کشد.

اما، هم حاکمان محلی و هم عوامل خارجی، به ناچار باید با این واقعیت هرچند تلخ روبه رو شوند که با گسترش سطح آگاهی های اجتماعی و افزایش تعداد افراد تحصیل کرده در میان شیعیان، جنبش های شیعی نیز ابعاد گسترده تری به خود می گیرد و بنابراین، ارباب و سرکوب، به هیچ وجه راه حل مناسبی برای مقابله با آن ها به شمار نمی رود، به ویژه آن که تشیع در یک روند تاریخی، فرهنگی را شکل داده که بر اساس آن، چنین رویکردی، پیامدهای معکوسی در بر خواهد داشت.

ص: ۲۰۱

### خاتمه خلاصه و نتیجه گیری

قاعدتا جغرافیا، بازتاب هایی را بر مسایل سیاسی- اقتصادی دارد و مؤلفه های مثبت و منفی آن، می تواند تأثیرات مثبت و منفی بر سیاست و قدرت منطقه در پی داشته باشد. البته نباید فراموش کرد که این مسأله، حالت تئوریک دارد و نیرویی بالقوه به شمار می آید و دولت ها می توانند با اعمال سیاست های ممانعتی، از به فعلیت رسیدن آن جلوگیری کنند.

با این مقدمه، وضعیت شیعیان منطقه قدری روشن تر می گردد. در حالی که اکثریت جمعیت منطقه استراتژیک خلیج فارس را شیعیان تشکیل می دهند؛ منطقه ای که به عنوان شاهرگ حیات اقتصادی جهان شمرده می شود، و هم چنین با وجود آن که این شیعیان، در مهم ترین مراکز نفت خیز و تجاری منطقه سکونت دارند و بیش تر کارکنان تولید و توزیع نفت از این گروه می باشند، اما نگاهی کوتاه به وضعیت سیاسی- اقتصادی شیعیان منطقه، روشن می سازد که آنان نه تنها نقش قابل توجهی در سیاست و اقتصاد منطقه بر عهده ندارند، بلکه حتی در فقر و تنگدستی و در وضعیت نابسامان اجتماعی زندگی می کنند، به نحوی که حتی از داشتن یک زندگی معمولی محروم گشته اند و در بیش تر این مناطق، با شیعیان همانند شهروند درجه دوم رفتار می گردد و اقلیت اهل تسنن در یک روند تاریخی، حاکمیت سیاسی- اقتصادی منطقه را از آن خود ساخته و همواره شیعیان را در انزوا قرار داده اند.

گرچه در برخی کشورها چون امارات متحده، آنان توانسته اند در اقتصاد کشور نقش قابل توجهی را بر عهده گیرند یا در کشوری چون عراق، با دخالت آمریکا، ظاهرا به ساختار سیاسی کشور راه یافته اند، ولی واقع امر آن است که حتی تصاحب این موقعیت ها نیز تنها برای افرادی فراهم می گردد که از مواضع انقلابی عموم شیعیان عقب نشینی نموده اند؛ شیعیانی که

ص: ۲۰۲

در تقسیم بندی ها، جزو سکولارها یا لیبرال ها رده بندی می شوند به بیانی دیگر، رادیکال و انقلابی نیستند . البته برخی دیگر نیز با پنهان نمودن اندیشه های خود به این جایگاه ها راه یافته اند. در هر حال، حتی حضور این افراد هم در سیاست کشورهای منطقه، تاکتیکی مصلحت جویانه است که از سوی حاکمان، برای فرونشاندن اعتراض ها به کار گرفته می شود و تنها اقدامی صوری، برای دنبال کردن یک استراتژی فریبکارانه است.

همین محرومیت های همه جانبه ای که بر شیعیان منطقه اعمال می شود، به اعتراض این اقلیت مذهبی انجامیده است . این اعتراض ها که به دنبال بالا رفتن سطح آگاهی اجتماعی متبلور شده اند، روزه روز ابعاد گسترده تری به خود می گیرند. تاریخ این منطقه هم، بازتاب مبارزات مردمی، به ویژه شیعیان در راه رسیدن به آزادی، استقلال، حاکمیت اسلامی و مشارکت سیاسی و اقتصادی است و به مرور زمان و با گسترش ارتباطات و تحقق عصر اطلاعات، جنبش های شیعی نیز بیش از گذشته به فعالیت های خود ادامه می دهند. البته تحولات منطقه ای و بین المللی، همواره تأثیر فراوانی در استمرار این حرکت ها داشته اند. به ویژه با وقوع انقلاب اسلامی ایران و تحقق عینی حاکمیت تشیع در ایران، افق های تازه ای به روی شیعیان منطقه گشوده شد . این انقلاب با تکیه بر بعد معنوی خود، تأثیر به سزایی در راستای گرایش این نهضت ها به سوی تحقق اندیشه های اسلامی داشته است . به واقع این انقلاب، نه تنها الگوی عینی جنبشی مردمی برای نهضت های شیعی منطقه به شمار می آید، بلکه حتی به طور عام تر، نمونه ای واقعی از انقلاب اسلامی را برای تمام مسلمانان جهان به نمایش گذاشته است. به بیان دیگر، انقلاب اسلامی ایران، نقطه عطفی در تحولات و جنبش های اسلامی منطقه محسوب می شود. با این اوصاف، حاکمان محلی با اتهام هایی چون دخالت جمهوری اسلامی ایران در ناآرامی های منطقه ای، کوشیده اند تا به بهانه دخالت خارجی و وابستگی این نهضت ها به قدرتی خارجی، قیام مردمی شیعیان را سرکوب نمایند؛ در حالی که ناآرامی های موجود، تنها به دلیل تبعیض ها و بی عدالتی های ناروایی است که بی جهت بر آنان تحمیل گشته است.

گرچه در سال های اخیر، بیش تر کشورهای عرب منطقه، از جمله بحرین، امارات، کویت

ص: ۲۰۳

و ...، با در پیش گرفتن برخی اقدامات صوری، سعی در کنترل و مهار این نهضت ها داشته اند، ولی نباید فراموش کرد که ماهیت جنبش های شیعی و اهدافی که آنان دنبال می کنند، به نحوی است که این گونه اقدامات صوری، کم تر می تواند مؤثر واقع شود؛ گرچه ممکن است در کوتاه مدت، به کاهش ناآرامی ها بینجامد. برای مثال، یکی از خواسته های بر حق این مردم، مشارکت در امور سیاسی - اقتصادی کشور خویش است که البته با ساختار استبدادی حکومت های محلی، سنخیتی ندارد و نفوذ قابل توجه مذهبی - سیاسی اهل تسنن، چنین اجازه ای را به دولت نمی دهد.

اما جداسازی شیعیان از دیگر گروه ها و جمعیت ها و در انزوا قرار دادن و هم چنین عدم مشارکت آنان در قدرت و حاکمیت کشور، نمود بارز بی توجهی به جنبه های مختلف جغرافیای سیاسی از سوی دولت های منطقه به شمار می آید.

هنگامی که شیعیان به لحاظ اجتماعی طرد و از تلفیق با دیگر گروه ها منع می شوند، یا از مشارکت در سیاست کشور محروم می گردند، بدین معناست که دولت ها بی توجه به فاکتورهای جغرافیای سیاسی، از شیعیان، گروهی معترض و آماده شورش به وجود می آورند که هر روز بر نیروی ذخیره آنان افزوده می شود. برای مثال بی توجهی به وضعیت اقتصادی

شیعیان ساکن در مرزها، با وجود کشور همسایه شیعی (ایران) درک نادرست وضعیت جغرافیایی است؛ زیرا این رویکردها، بلعث تقویت گرایش های گریز از مرکز شده و کشش به سمت هم کیشان ایرانی افزایش می یابد. یا هنگامی که از آزادی بیان و ابراز عقیده آنان جلوگیری می کنند، اهمیت فاکتور شبکه های ارتباطی را نادیده می گیرند؛ زیرا با وجود تحولات نظام بین الملل در عصر ارتباطات، دیگر نمی توان از تبادل اطلاعات جلوگیری کرد و اگر آنان به طور رسمی فرصت و اجازه بیان عقاید خود را نیابند به یقین از شیوه های دیگری برای این حق خویش استفاده خواهند کرد . این گونه خطمشی ها، نه تنها راه به جایی نمی برند، بلکه بر نیروی اعتراض شیعیان می افزاید. بی توجهی به واقعیت های جغرافیای سیاسی موجود، در واقع نادیده گرفتن یکی از مهم ترین عوامل ثابت مؤثر بر سیاست داخلی و خارجی یک کشور است.

عملکرد دولت های عرب نشین منطقه خلیج فارس، روشن می سازد که این دولت ها، بیش

ص: ۲۰۴

از آن که به واقعیت های سیاسی توجه داشته باشند، به گرایش ها و تعصب های قومی - مذهبی متکی هستند . ادامه این خطمشی ها و عدم توجه به فاکتورهای جغرافیای سیاسی، در درازمدت، حاکمیت سیاسی این کشورها را با چالشی جدی روبه رو خواهد کرد.

در هر حال واقعیت های موجود، حاکی از آن است که شیعیان به دلایل گوناگون، از جمله حضور در مراکز مهم استراتژیک منطقه، مثل میدین نفتی و مراکز مهم تجاری، بالقوه، جایگاه ویژه ای را در معادلات منطقه ای به خود اختصاص داده اند. بنابراین، اگر شرایط تحقق این پتانسیل فراهم گردد، به یقین مؤلفه های مثبت جغرافیایی، ظرفیت های فراوانی برای ایفای نقش گسترده فراهم می آورد. برای مثال، حضور آنان در پالایشگاه های نفت، هرچند در سطوح پایین و به عنوان کارگر یا کارمند، می تواند تأثیر به سزایی در روند تولید و توزیع نفت داشته باشد و اعتراض و اعتصاب آنان، ممکن است صدمه های جبران ناپذیری بر اقتصاد کشورهای منطقه وارد آورد و یا روند انتقال انرژی را مختل سازد . بنابراین، گرچه در نگاهی کلان، آنان نقش قابل توجهی در سیاست گذاری ها ایفا نمی کنند، ولی از نیروی فراوانی برای ایفای نقش گسترده برخوردارند.

آگاهی از این واقعیت، توجه قدرت های بزرگ صنعتی را به این اقلیت مذهبی جلب نموده است. در واقع، صرف نظر از تعارض آموزه های مکتب تشیع با مدرنیته غرب، موقعیت جغرافیایی آنان نیز در تضاد با منافع جهان صنعتی بوده و بنابراین، بیش از پیش حساسیت این کشورها را برانگیخته است. براین اساس، آن ها در طول تاریخ کوشیده اند در همراهی با حاکمان داخلی، شیعیان را در انزوا قرار دهند و با اطلاق عناوینی چون تروریسم و بنیادگرایی به نهضت های اسلامی، به ویژه جنبش های شیعی منطقه، افکار عمومی را بر ضد آنان تحریک سازند.

البته به رغم تلاش های به عمل آمده، نهضت های شیعی به دلیل وجود فرهنگ سیاسی و انقلابی که تقویت کننده روحیه افراد آن است، نه تنها بر اثر فشارهای وارده تضعیف نمی گردد، بلکه حتی بیش از گذشته و با ایمانی راسخ تر از قبل، به مبارزه خویش ادامه می دهد. فریاد ملتّی که از مرگ هراسی به دل راه نمی دهد، چگونه ممکن است با فشار و ارباب خاموش گردد.

۱. آشتی، نصرت الله، ساختار حکومت عربستان سعودی، چاپ اول، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، ۱۳۶۶.
۲. آقا بخش، علی، با همکاری مینو افشار، فرهنگ علوم سیاسی، تهران، مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران، ۱۳۷۴.
۳. آقایی، داود، سیاست و حکومت در عربستان سعودی، تهران نشر کتاب سیاسی وابسته به مؤسسه خدمات فرهنگی انقلاب، ۱۳۶۸.
۴. احمد، ضیاء الدین، نگاهی بر جنبش ناسیونالیسم عرب، ترجمه : حیدر بوذر جمهر، چاپ اول، تهران، وزارت ارشاد اسلامی، ۱۳۶۵.
۵. اختری، عباسعلی، تبری و تولی، مهم ترین عامل تحرک‌ها، بی جا، واحد فرهنگی بنیاد شهید انقلاب اسلامی، ۱۳۶۵.
۶. اخوان کاظمی، بهرام، مروری بر روابط ایران و عربستان در دو دهه اخیر، چاپ اول، قم، مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۳.
۷. الصباح، سالم الجبیر، امارات خلیج فارس و مسأله نفت، ترجمه : دکتر علی بیگدلی، تهران، مؤسسه مطالعات و انتشارات تاریخی میراث ملل، ۱۳۶۸.
۸. العتیه مانع سعید، اوپک و اقتصاد نفت به همراه برخی از اسرار پشت پرده شرکت های بین المللی نفتی، ترجمه : دکتر اسماعیل آیتی، مشهد، دانشگاه فردوسی، آذرماه ۱۳۶۹.
۹. الاهی، همایون، خلیج فارس و مسایل آن، چاپ دوم، تهران، نشر قومس، ۱۳۷۰.
۱۰. امارات متحده، از سری انتشارات نظری اجمالی کشورها (شماره ۷)، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی، ۱۳۶۴.
۱۱. بحرانی، مرتضی، جنبش های سیاسی - اجتماعی بحرین، چاپ اول، تهران، مؤسسه مطالعات اندیشه سازان نور، ۱۳۸۱.
۱۲. برژینسکی، زی بیگنیو، خارج از کنترل اغتشاش جهانی در طلیعه قرن بیست و یکم، ترجمه : دکتر عبد الرحیم نوه ابراهیم، تهران، انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۲.

۱۳. پرسکات، جان رابت، گرایش‌های تازه در جغرافیای سیاسی، ترجمه: درّه میرحیدر، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۵۸.

۱۴. پیترز، رادولف، اسلام و استعمار، ترجمه: محمد خرقانی، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۶۵.

۱۵. تشیع مقاومت و انقلاب (مجموعه مقالات کنفرانس بین المللی دانشگاه تی‌آولو، بی‌جا، بی‌نا، ۱۹۸۴).

۱۶. تکمیل همایون، ناصر، مسایل خلیج فارس، تهران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، بی‌تا.

ص: ۲۰۶

۱۷. توال، فرانسوا، ژئوپولتیک شیعه، ترجمه: دکتر علیرضا قاسم آقا، تهران، نشر آمن، ۱۳۷۹.

۱۸. جعفریان، رسول، جغرافیای تاریخی و انسانی شیعه در جهان اسلام، قم، انتشارات انصاریان، ۱۳۷۱.

۱۹. جعفری ولدانی، اصغر، تحولات مرزها و نقش ژئوپولتیک آن در خلیج فارس، تهران، نشر قومس، ۱۳۷۴.

۲۰. -، روابط عراق و کویت، چاپ اول، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، ۱۳۶۹.

۲۱. -، کانون‌های بحران در خلیج فارس، چاپ اول، تهران، انتشارات کیهان، ۱۳۷۱.

۲۲. حافظنیا، محمد رضا، خلیج فارس و نقش استراتژیک تنگه هرمز، چاپ اول، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۷۱.

۲۳. حسینیان، روح الله، تاریخ سیاسی تشیع تا تشکیل حوزه علمیه (مقدمه‌ای بر تاریخ انقلاب اسلامی)، چاپ اول، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۰.

۲۴. حسینی، سلیم، عالمان شیعه رویاروی استعمار، ترجمه: محمد هادی باسخواه، چاپ اول، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۷۸.

۲۵. حلبی، علی اصغر، تاریخ نهضت‌های دینی - سیاسی معاصر، چاپ اول، بی‌جا، انتشارات بهبهانی، ۱۳۷۱.

۲۶. حیدری، سید جعفر، نهضت ابو سعید گناوه‌ای، تهران، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۶۰.

۲۷. دایرة المعارف تشیع، تشیع سیری در فرهنگ و تاریخ تشیع، تهران، نشر سعید محبی، ۱۳۷۳.

۲۸. دکمجیان، هرایر، اسلام در انقلاب جنبش های اسلامی معاصر، ترجمه: دکتر حمید احمدی، چاپ سوم، تهران، سازمان انتشارات کیهان، ۱۳۷۷.

۲۹. دیتل، ویلهلم، جهاد در راه خدا (بررسی روند خیزش های اسلامی معاصر)، ترجمه: دکتر جواد کرمانی و سکینه کرمانی، اصفهان، انتشارات دانشگاه اصفهان، ۱۳۷۶.

۳۰. رایت، رابین، شیعیان مبارزان راه خدا، تهران، نشر قومس، ۱۳۷۲.

۳۱. رهمی، عبد الحلیم، تاریخ جنبش های اسلامی در عراق ۱۹۰۰-۱۹۲۴، ترجمه: جعفر دلشاد، اصفهان، چهار باغ، ۱۳۸۰.

۳۲. زین عاملی، محمد حسین، شیعه در تاریخ، ترجمه: محمد رضا عطارئی، مشهد، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۷۰.

۳۳. سیف افجه‌ای، معصومه، بحرین (کتاب سبز)، چاپ اول، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، ۱۳۷۶.

۳۴. سیف‌زاده، سید حسین، عراق ساختارها و فرآیند گرایش‌های سیاسی، چاپ اول، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۹.

۳۵. صفی، محمد، ژئوپولتیک فرهنگی و مسأله امنیت ملی، تهران، شمسا، ۱۳۸۰.

۳۶. طباطبایی، محمد حسین، شیعه در اسلام، چاپ دهم، قم، انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۴.

۳۷. عربستان، تهران، مؤسسه مطالعات پژوهش‌های بازرگانی، ۱۳۶۵.

۳۸. عرب، محمد، آشنایی با مذهب ابامنی، چاپ اول، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۷.

۳۹. عزتی، عزت الله، جغرافیای سیاسی جهان اسلام، چاپ اول، قم، واحد تدوین کتب درسی، ۱۳۷۸.

ص: ۲۰۷

۴۰. عظیمی، رقیه السادات، عربستان سعودی (کتاب سبز)، چاپ اول، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، ۱۳۷۴.

۴۱. علوی، حسن، قطر (کتاب سبز)، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، ۱۳۷۴.

۴۲. عنایت، حمید، اندیشه سیاسی در اسلام، چاپ سوم، تهران، انتشارات خوارزمی، ۱۳۶۲.

۴۳. فراتی، عبد الوهاب، رهیافتی بر علوم سیاست و جنبش‌های اسلامی معاصر، چاپ اول، دفتر تحقیقات و تدوین متون درسی، ۱۳۷۸.

۴۴. فرشاد گهر، ناصر، بررسی قدرت اوپک در سیاست جهانی نفت، چاپ اول، مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه امام حسین علیه السلام، ۱۳۷۴.

۴۵. فیلی رودباری، لواء، کویت (کلب سبز)، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، ۱۳۳۵.
۴۶. قاسمی نراقی، علی اصغر، شورای همکاری خلیج فارس، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، ۱۳۷۸.
۴۷. کاظمی کرهودی، حسین، ریشه های تاریخی و اجتماعی جنبش های اسلامی معاصر، چاپ دوم، بی جا، انتشارات گویه، ۱۳۸۱.
۴۸. کریستال، جیل، نفت و سیاست در خلیج فارس حکومتگران بازرگانی در کویت و قطر، ترجمه : ناهید سلامی و شاپور جورکش، تهران بنیاد مستضعفان و جانبازان، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، ۱۳۷۸.
۴۹. لاکت، ایو، مسایل ژئوپولتیک اسلام، دریا، آفریقا، ترجمه: عباس آگهی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۸.
۵۰. مجتهدزاده پیروز، ایده های ژئوپولتیک و واقعیت های ایرانی، مطالعه روابط جغرافیا و سیاست در جهان دگرگون شونده، تهران، نشر نی، ۱۳۷۹.
۵۱. -، جغرافیای سیاسی تنگه هرمز، ترجمه: محسن صغیرا، انتشارات صغیر، ۱۳۷۱.
۵۲. -، جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۱.
۵۳. مجموعه مقالات سمینار بررسی مسایل خلیج فارس، چاپ دوم، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، ۱۳۶۹.
۵۴. محجوب، محمود، یاوری، فرامرز، گیتاشناسی کشورها، جغرافیای طبیعی، سیاسی و اقتصادی و تاریخی، چاپ اول، تهران، انتشارات گیتاشناسی، ۱۳۶۲.
۵۵. مدنی، امیر باقر، اوپک و اثرات تخریبی تطبیق قیمت نفت، چاپ اول، تهران، مرکز نشر فرهنگی رجاء، ۱۳۶۳.
۵۶. مشکور، محمد جواد، فرهنگ فرق اسلامی، چاپ دوم، مشهد، آستان قدس رضوی بنیاد پژوهش های اسلامی، ۱۳۶۸.
۵۷. مطهری، مرتضی، نهضت های اسلامی در صد ساله اخیر، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین قم، بی تا.
۵۸. مظفر، شیخ محمد رضا، مسایل اعتقادی از دیدگاه تشیع، ترجمه : محمد محمدی اشتهااردی، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۲.
- ص: ۲۰۸
۵۹. مظفر، محمد حسن، تاریخ شیعه، ترجمه : دکتر سید محمد باقر حجتی، چاپ دوم، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۴.

۶۰. مغنیه، محمد جواد، شیعه و تشیع، ترجمه: سید شمس الدین مرعشی، قم، مجمع ذخایر اسلامی، ۱۳۵۵.
۶۱. موثقی، احمد، جنبش‌های اسلامی معاصر، چاپ اول، تهران، سمت، ۱۳۷۴.
۶۲. موسوی، حسن، زندگی سیاسی و فرهنگی شیعیان بغداد، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۸۱.
۶۳. مویر، ریچارد، درآمدی نو بر جغرافیای سیاسی، ترجمه: درّه میر حیدری، با همکاری سید یحیی صفوی، تهران، انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، ۱۳۷۹.
۶۴. مظفری، مهدی، امارات خلیج فارس پژوهش اقتصادی، سیاسی و اجتماعی، ترجمه: دکتر مهدی مظفری، انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی، ۱۳۵۷.
۶۵. میر حیدری، درّه، اصول و مبانی جغرافیایی سیاسی، چاپ چهارم، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۵۷.
۶۶. -، درّه، مبانی جغرافیایی سیاسی، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۷۱.
۶۷. مینایی، مهدی، مقدمه‌ای بر جغرافیای سیاسی ایران، تهران وزارت امور خارجه، ۱۳۸۱.
۶۸. نامدار، مظفر، رهیافتی بر مبانی مکتب‌ها و جنبش‌های سیاسی شیعه در صد سال اخیر، چاپ اول، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۶.
۶۹. نفت از آغاز تا به امروز، چاپ دوم، تهران، وزارت نفت، روابط عمومی و ارشاد، بهمن ۱۳۶۴.
۷۰. نفت در آستانه قرن ۲۱، سیاست و تعامل نیروهای بازار، ترجمه: داود علمایی، چاپ اول، دوره عالی جنگ، ۱۳۷۸.
۷۱. نفیسی، عبد الله فهد، نهضت شیعیان در انقلاب اسلامی عراق، ترجمه: کاظم چایچیان، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۴.
۷۲. نیکسون، ریچارد، فرصت را دریابیم، وظیفه آمریکا در جهانی با یک ابر قدرت، ترجمه: حسین وفسی نژاد، چاپ اول، تهران، انتشارات صهبا، ۱۳۷۱.
۷۳. ورنراند، جامعه شیعه نخاوله در مدینه منوره، ترجمه: رسول جعفریان، چاپ اول، انتشارات نگارش، ۱۳۷۹.
۷۴. وزارت نفت، اوپک و استکبار جهانی، چاپ اول، تهران، روابط عمومی و ارشاد اسلامی وزارت نفت، ۱۳۶۴.
۷۵. ویلسون، آرنولد تالبوت، ترجمه: محمد سعیدی، خلیج فارس، تهران، وزارت فرهنگ و آموزش عالی، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۶.
۷۶. ویلی، جویسان، نهضت اسلامی شیعیان عراق، ترجمه: مهوش غلامی، تهران، انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۳.

۷۷. هاوولی، دونالد، دریای پارس و سرزمین های متصل، ترجمه: حسن زنگنه، قم، مرکز بوشهرشناسی، با همکاری انتشارات همسایه، ۱۹۲۱.

۷۸. هنری لطیف پور، ید الله، فرهنگ سیاسی شیعه و انقلاب اسلامی، چاپ اول، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۹.

۷۹. یگانه، عباس، عمان (کتاب سبز)، چاپ اول، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، ۱۳۷۴.

۸۰. یوسفی اشکوری، حسن، نقد و بررسی جنبش اسلامی معاصر، نوگرایی دینی، چاپ دوم، تهران، قصیده، ۱۳۷۷.

ص: ۲۰۹

## ۲. مقالات

۸۱. اسکات دورن، مایکل، «عبد الله در برابر وهابی ها»، ترجمه: مهرداد میردامادی، شرق، ش ۹۷، چهارشنبه ۳ دی ماه ۱۳۸۲.

۸۲. «اقتصاد امارات از نگاهی دیگر»، ترجمه: م. باهر، ترجمان اقتصادی، ش ۳۰، ۲ دی ماه ۱۳۸۰.

۸۳. «اقتصاد دبی از کاهش شمار گردشگران روس آسیا دیده است»، بررسی های بازرگانی، ش ۱۴۲.

۸۴. الصدیق، عبد العزیز، «چرا دبی موفق شد و دیگران شکست خوردند؟»، ترجمه: م. ادیب، ترجمان اقتصادی.

۸۵. اکبری، امیر عباس، «شیعه در عربستان»، پرتو سخن، س ۵، ش ۲۴۹، چهارشنبه ۱۵ مهرماه ۱۳۸۳.

۸۶. برنا بلداجی، سیروس، «شیعیان عراق، بررسی وضعیت جامعه شناختی»، فصلنامه تخصصی شیعه شناسی، س ۲، ش ۷، پاییز ۱۳۸۳.

۸۷. «بحرین مروارید خلیج فارس»، برگرفته از کتاب بحرین از دوران هخامنشی تا زمان حال، وهومن، س ۶، ش ۱۳.

۸۸. پهلوان، چنگیز، «بحران در بحرین ایران و سرنوشت شیعیان»، نشاط، ۳ و ۱۱ اسفندماه ۱۳۷۷.

۸۹. تابعی، نادر، «اطلس سیاسی جغرافیایی خلیج فارس»، صف، ش ۲۲۳، بی تا.

۹۰. ترک زاده، بهروز، «جنگ عراق: نقش حقوق بین الملل»، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، ش ۱۹۲ - ۱۹۱، مرداد و شهریورماه ۱۳۸۲.

۹۱. توکلی، محسن، «نگاهی به اختلافات عمان و امارات متحده عربی»، دیدگاه ها و تحلیل ها - ۱۲۸.

۹۲. «ویژه‌نامه عراق در آینه مطبوعات دنیا»، چشم‌انداز، پاییز ۱۳۸۳.

۹۳. حیدری، علی حسن، «شیعیان در کویت»، صبح صادق، ش ۱۵۲، ۴ خردادماه ۱۳۸۳.

۹۴. رفیعی، عبد الله، «بازنگری جایگاه استراتژیک خلیج فارس و جزایر ایران»، ابرار، ۲۰ آذرماه ۱۳۸۱.

۹۵. زارعی، بهادر، «جغرافیای سیاسی خلیج فارس»، رسالت، ۱۴ شهریورماه ۱۳۷۸.

۹۶. سیمون، استیوان، «استراتژی آمریکا در خلیج فارس»، ترجمه: ابو الفضل آقا محمدی، فرماندهی و ستاد، ش ۸، پاییز ۱۳۷۹.

۹۷. صادقی، سید شمس الدین، «نقش منابع ژئوپولیتیک ممالک نافذ خارجی در برخورد با مسایل خلیج فارس»، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، س ۸، ش ۲، تابستان ۱۳۸۰.

۹۸. صدرا، علیرضا، «ویژگی‌های فقه سیاسی شیعه»، فصلنامه علوم سیاسی باقر العلوم علیه السلام، س ۴، ش ۴، تابستان ۱۳۸۰.

۹۹. عزتی، عزت الله، «ژئوپولیتیک ایران و تأثیر آن بر تأمین امنیت خلیج فارس»، سیاست خارجی، س ۱۲، ش ۱، ۱۳۷۷.

۱۰۰. «قطر (گزارش کشوری)»، اقتصاد انرژی، ش ۶.

۱۰۱. کمپ، جفری، «خلیج فارس، منطقه‌ای همیشه استراتژیک»، ترجمه و تلخیص: غلامرضا عباسیان، نشریه سلام ۴ و ۶، ۸ اسفند ۷۷.

۱۰۲. کوزئیر، رومن، «جهانی شدن، جغرافیای سیاسی و سیاست خارجی»، ترجمه: ابوذر گوهری مقدم، چهارشنبه ۱۹ آذر، ۱۳۸۲.

۱۰۳. گراهام فولر و رند رحیم فرانکه، «شیعیان عراق»، ترجمه: خدیجه تبریزی، فصلنامه شیعه شناسی، س ۲، ش ۶، تابستان ۱۳۸۳.

ص: ۲۱۰

۱۰۴. «گفتگو با استاد حسن حکیم، وضع‌یت گردهمایی سیاسی عراق»، فصلنامه علوم سیاسی، س ۲، ش ۶، تابستان ۸۱.

۱۰۵. مجتهدزاده، پیروز، «اتحاد منطقه‌ای در خلیج فارس، روند تلاش گذشته و چشم‌اندازهای آینده»، سیاست خارجی، س ۱۲، ش ۳، پاییز ۱۳۷۷.

۱۰۶. مجیدی، هادی، «شورای حکومتی عراق»، کلام، ش ۴۴، سال ۱۳۸۲.
۱۰۷. محمدی، غلامرضا، «امارات با بحران زنده است»، رسالت، ۲۹ فروردین ماه ۱۳۷۸.
۱۰۸. «مذاکره نماینده شیعیان عراق با آمریکا»، آبادی، ۱۰ تیرماه ۱۳۸۱.
۱۰۹. مفتاح‌زاده، حسین، «شیخ ابوظبی و هفت پسران»، انتخاب، ۲ اردیبهشت‌ماه ۱۳۸۰.
۱۱۰. محمدی، علی اصغر، «شیعیان عراق؛ آرمان‌ها، واقعیت‌ها و چالش‌ها»، فصلنامه تخصصی شیعه‌شناسی، س ۲، ش ۷، پاییز ۱۳۸۳.
۱۱۱. «مقتدی صدر، نماد مقاومت شیعیان عراق علیه اشغالگران»، جمهوری اسلامی، س ۲۶، ش ۷۲۰۹، ۱۲ خردادماه ۱۳۸۳.
۱۱۲. مهاجرنیا، محسن، «حیات سیاسی شیعه در عصر غیبت»، فصلنامه تخصصی شیعه‌شناسی، سال ۱، ش ۲، تابستان ۱۳۸۲.
۱۱۳. «وضعیت شیعیان در بحرین»، ترجمه: ف. درّی، ترجمان سیاسی - ۱۹۱، ش ۳۵ خاورمیانه.
۱۱۴. هفته‌نامه صبح صادق، س ۵، ش ۱۷۴، ۴ آبان‌ماه ۱۳۸۳.

#### ب. انگلیسی

۲۰۰۳. ۱۱۵DC atracnE.
۲۰۰۳. ۱۱۶DC saltA droW.
۲۰۰۳. ۱۱۷DC uidepolcycnE acinatirB.
۲۰۰۳. ۱۱۸DC uidepolcycnE aaciremA.
- ۱۱۹moc. referLLA: ni aihs naibara aiduaS.
۱۲۰. گزارش سال ۲۰۰۳ درباره آزادی‌های مذهبی جهان، وزارت امور خارجه آمریکا، ۱۸ دسامبر ۲۰۰۳، به نقل از سایت‌های اینترنتی.

ص: ۲۱۱

#### فهرست اعلام

خليج فارس ۱، ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۲۰، ۲۱، ۲۳، ۲۷، ۴۲، ۴۷، ۴۹، ۵۰، ۵۱، ۵۲، ۵۳، ۵۴، ۵۵، ۵۶، ۵۷، ۵۸، ۵۹، ۶۰، ۶۱، ۶۲، ۶۳، ۶۴، ۶۶، ۶۷، ۶۹، ۷۰، ۷۲، ۷۳، ۷۵، ۷۶، ۷۸، ۸۱، ۸۳، ۸۴، ۸۵، ۸۹، ۹۰، ۹۱، ۹۵، ۹۶، ۹۷، ۹۸، ۹۹، ۱۰۲، ۱۰۴، ۱۰۵، ۱۰۷، ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۱۵، ۱۱۶، ۱۱۷، ۱۱۸، ۱۲۳، ۱۲۵، ۱۲۷، ۱۲۸، ۱۲۹، ۱۳۰، ۱۳۸، ۱۳۹، ۱۴۱، ۱۴۲، ۱۴۴، ۱۴۶، ۱۵۰، ۱۵۷، ۱۵۸، ۱۵۹، ۱۶۱، ۱۶۲، ۱۶۳، ۱۶۷، ۱۶۸، ۱۷۱، ۱۸۲، ۱۸۶، ۱۸۸، ۱۹۰، ۱۹۴، ۱۹۵، ۱۹۷، ۱۹۹، ۲۰۱، ۲۰۳، ۲۰۵، ۲۰۶، ۲۰۷، ۲۰۸، ۲۰۹، ۲۱۰

شيعة، ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۲۴، ۲۷، ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۳۴، ۳۵، ۳۶، ۳۷، ۳۸، ۳۹، ۴۰، ۴۱، ۴۲، ۴۳، ۴۴، ۴۵، ۴۶، ۸۳، ۸۶، ۸۷، ۹۳، ۱۰۶، ۱۰۷، ۱۱۳، ۱۲۰، ۱۲۹، ۱۳۱، ۱۳۲، ۱۳۳، ۱۳۴، ۱۳۵، ۱۳۶، ۱۳۷، ۱۳۸، ۱۳۹، ۱۴۰، ۱۴۱، ۱۴۳، ۱۴۴، ۱۴۵، ۱۴۶، ۱۴۷، ۱۴۸، ۱۵۱، ۱۵۲، ۱۵۳، ۱۵۴، ۱۵۵، ۱۵۶، ۱۵۷، ۱۵۸، ۱۵۹، ۱۶۲، ۱۶۷، ۱۶۸، ۱۷۰، ۱۷۱، ۱۷۲، ۱۷۴، ۱۷۵، ۱۷۶، ۱۷۷، ۱۷۸، ۱۷۹، ۱۸۱، ۱۸۲، ۱۸۳، ۱۸۵، ۱۸۶، ۱۸۷، ۱۸۸، ۱۹۰، ۱۹۱، ۱۹۲، ۱۹۳، ۱۹۴، ۱۹۵، ۱۹۶، ۱۹۷، ۱۹۸، ۱۹۹، ۲۰۶، ۲۰۸، ۲۰۹، ۲۱۰

ايران، ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۱۹، ۴۶، ۵۰، ۵۶، ۵۷، ۵۹، ۶۰، ۶۶، ۶۷، ۶۹، ۷۵، ۷۶، ۷۷، ۹۲، ۹۵، ۹۸، ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۰۶، ۱۰۷، ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۱۷، ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۲۷، ۱۲۸، ۱۲۹، ۱۳۰، ۱۳۲، ۱۳۷، ۱۴۰، ۱۴۱، ۱۴۲، ۱۵۱، ۱۵۴، ۱۵۵، ۱۵۶، ۱۵۷، ۱۶۳، ۱۶۹، ۱۷۰، ۱۷۴، ۱۷۷، ۱۷۸، ۱۷۹، ۱۸۰، ۱۸۱، ۱۸۲، ۱۸۵، ۱۸۶، ۱۸۷، ۱۸۸، ۱۸۹، ۱۹۰، ۱۹۲، ۱۹۳، ۱۹۴، ۱۹۶، ۱۹۸، ۱۹۹، ۲۰۰، ۲۰۲، ۲۰۳، ۲۰۵، ۲۰۷، ۲۰۸، ۲۰۹

عراق، ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۴۳، ۵۰، ۵۶، ۵۷، ۶۷، ۶۸، ۷۳، ۸۳، ۹۵، ۱۰۶، ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۱۵، ۱۱۶، ۱۱۷، ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۲۱، ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۴۴، ۱۴۵، ۱۴۶، ۱۴۷، ۱۴۸، ۱۴۹، ۱۵۰، ۱۵۱، ۱۵۲، ۱۵۳، ۱۵۶، ۱۵۷، ۱۵۸، ۱۶۰، ۱۶۱، ۱۶۲، ۱۶۳، ۱۶۴، ۱۷۰، ۱۷۴، ۱۷۵، ۱۷۶، ۱۷۷، ۱۷۸، ۱۷۹، ۱۸۰، ۱۸۱، ۱۸۲، ۱۸۳، ۱۸۴، ۱۸۸، ۱۹۱، ۱۹۵، ۱۹۷، ۲۰۱، ۲۰۶، ۲۰۸، ۲۰۹، ۲۱۰

شيعة، ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۲۰، ۲۳، ۲۷، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۳۴، ۳۵، ۳۶، ۳۸، ۳۹، ۴۰، ۴۱، ۴۲، ۴۳، ۴۴، ۴۵، ۴۶، ۴۹، ۸۰، ۸۳، ۹۵، ۱۰۷، ۱۲۰، ۱۲۷، ۱۲۸، ۱۲۹، ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۳۲، ۱۳۳، ۱۳۴، ۱۳۵، ۱۳۶، ۱۳۷، ۱۳۸، ۱۳۹، ۱۴۰، ۱۴۱، ۱۴۲، ۱۴۳، ۱۴۴، ۱۴۵، ۱۴۶، ۱۴۷، ۱۴۸، ۱۴۹، ۱۵۰، ۱۵۱، ۱۵۲، ۱۵۳، ۱۵۴، ۱۵۵، ۱۵۶، ۱۵۷، ۱۵۸، ۱۵۹، ۱۶۰، ۱۶۱، ۱۶۲، ۱۶۳، ۱۶۴، ۱۶۷، ۱۶۸، ۱۶۹، ۱۷۱، ۱۷۲، ۱۷۳، ۱۷۴، ۱۷۵، ۱۷۶، ۱۷۷، ۱۷۸، ۱۷۹، ۱۸۱، ۱۸۲، ۱۸۳، ۱۸۴، ۱۸۵، ۱۸۶، ۱۸۸، ۱۹۱، ۱۹۲، ۱۹۳، ۱۹۴، ۱۹۶، ۱۹۷، ۱۹۹، ۲۰۰، ۲۰۱، ۲۰۲، ۲۰۳، ۲۰۴، ۲۰۶، ۲۰۸، ۲۰۹

عربستان، ۱۴، ۴۵، ۵۰، ۵۶، ۵۷، ۵۹، ۶۰، ۶۳، ۶۶، ۶۸، ۶۹، ۷۰، ۷۱، ۷۲، ۷۳، ۷۴، ۷۵، ۷۶، ۷۷، ۷۸، ۷۹، ۸۰، ۸۱، ۸۲، ۸۳، ۸۵، ۸۷، ۸۹، ۹۲، ۹۶، ۹۸، ۹۹، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۰۳، ۱۰۵، ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۱۲، ۱۱۶، ۱۱۷، ۱۱۸، ۱۲۷، ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۳۳، ۱۳۵، ۱۳۷، ۱۳۸، ۱۳۹، ۱۴۰، ۱۴۵، ۱۵۱، ۱۵۳، ۱۵۴، ۱۵۶، ۱۵۷، ۱۵۹، ۱۶۰، ۱۶۱، ۱۶۲، ۱۶۳، ۱۶۴، ۱۸۴، ۱۸۵، ۱۸۶، ۱۸۸، ۱۹۳، ۱۹۷، ۲۰۵، ۲۰۶، ۲۰۷، ۲۰۹

آخر الزمان، ١٦٧

آرامكو، ١٣٩

آريا، ١١٣، ١٢٠

آسوري ها، ٨٠

آسيا، ١٨، ٥٢، ٥٧، ٨٤، ٩١، ١٦١، ٢٠٩

آشوري ها، ٦٣

آفريقا، ١٤، ١٨، ٥٢، ٨٧، ١٩٦، ٢٠٧

آفاخانيه، ٣٤

آل بوفله، ٩٣

آل بويه، ١٤، ٤٣، ٤٤، ١٧٢

آل ثاني، ١٠١، ١٠٣

آل خليفه، ١٠٥، ١٠٩

آل سعود، ٨٠، ١٠٥، ١٣٨

آل صباح، ١٢٢

آل علي، ٣١

آلمان، ٦٢

آل مدفع، ٩٤

آل مسيب، ٤٣

آمريكا، ٥١، ٥٢، ٥٦، ٥٧، ٥٨، ٦٢، ٦٥، ٦٧، ٧٣، ٧٥، ٧٧، ٧٨، ٨٤، ١٠٥، ١٠٦، ١١٥، ١١٦، ١١٨، ١١٩، ١٤٢، ١٥٠،  
١٥١، ١٥٦، ١٨٢، ١٨٣، ١٨٤، ١٨٥، ١٨٧، ١٩٩، ٢٠١، ٢٠٨، ٢٠٩، ٢١٠

آيت الله خميني، ١٧٦، ١٧٩، ١٨٥، ١٨٨

آیت اللہ سیستانی، ۱۸۴

ائمہ، ۳۶، ۳۹، ۴۱، ۴۵، ۱۳۴، ۱۷۱

اباضی، ۴۵، ۸۷، ۱۳۰، ۱۳۳

ابا عبد اللہ، ۱۳۸

ابان بن سعید، ۴۴

ابراہیم بن عبد اللہ، ۳۱

ابریشم، ۵۲، ۹۰

ابن خلدون، ۱۸

ابو الخطاب، ۳۴

ابو العباس سفاح، ۱۷۴

ابو بکر، ۱۳، ۲۸، ۳۰، ۳۱

ابو سعید، ۴۳، ۲۰۶

ابو ظبی، ۵۶، ۷۸، ۸۵، ۸۶، ۹۰، ۹۱، ۹۲، ۹۵، ۱۰۵، ۱۶۰، ۱۶۱، ۱۹۳، ۲۱۰

ابی عباس، ۱۱۰

اثنی عشری، ۳۳، ۱۳۱، ۱۷۴، ۱۹۳

اجتماع، ۲۹، ۳۸

اجتهاد، ۳۵، ۳۸، ۱۳۳، ۱۷۳

احسا، ۶۸، ۱۳۷، ۱۸۵

احمد حسن البکر، ۱۷۶

ارتش، ۱۲۸، ۱۳۹، ۱۴۳، ۱۵۲، ۱۸۶

اردن، ۶۸، ۱۰۰، ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۷۵، ۱۹۵

ارسطو، ۱۸

اروپا، ۱۸، ۵۲، ۵۶، ۷۵، ۸۲، ۸۴، ۱۱۹، ۱۴۲، ۱۹۴، ۱۹۵

اروپای غربی، ۵۷

اروند رود، ۱۱۱

اریک رولو، ۱۸۵

اساکنه، ۱۵۸

اسب ترویا، ۱۴۲

اسبی، ۱۲۰

اسپایکمن، ۱۹

استبدادی، ۳۶، ۱۷۰، ۲۰۳

استراتژیک، ۱۷، ۴۹، ۵۰، ۵۱، ۵۲، ۵۳، ۵۴، ۵۷، ۶۹، ۷۲، ۷۸، ۸۴، ۹۵، ۹۷، ۹۸، ۱۰۴، ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۲۳، ۱۵۷، ۱۵۸، ۱۵۹، ۱۶۰، ۱۶۲، ۱۹۴، ۲۰۱، ۲۰۴، ۲۰۶، ۲۰۹

استعمار، ۵۱، ۶۴، ۷۴، ۱۱۲، ۱۱۴، ۱۶۸، ۱۷۰، ۱۷۲، ۱۷۵، ۱۸۰، ۱۹۴، ۱۹۵، ۱۹۷، ۱۹۹، ۲۰۵، ۲۰۶

استعمارگر، ۱۴۰، ۱۹۵، ۱۹۹

اسرائیل، ۱۵، ۷۵، ۱۴۹، ۱۷۰

اسراف، ۶۱

اسکندرون، ۱۱۶

اسلام، ۱۳، ۱۴، ۱۸، ۲۹، ۳۱، ۳۷، ۴۰، ۴۳، ۴۵، ۶۳، ۶۴، ۶۵، ۶۶، ۷۰، ۸۷، ۱۲۲، ۱۲۳، ۱۳۴، ۱۳۶، ۱۳۹، ۱۵۵، ۱۶۸، ۱۷۰، ۱۸۰، ۱۸۱، ۱۸۷، ۱۹۵، ۱۹۶، ۱۹۸، ۱۹۹، ۲۰۵، ۲۰۶، ۲۰۷

اسلحه، ۶۲

ص: ٢١٣

اسليمي، ٩٧

اسماعيل، ٣٢، ٢٠٥

اسماعيليه، ٣٠، ٣٢، ٣٣، ٤٤، ١٤٠

اسواد، ١١٠

اسوق الخليج، ١٠١

اشحانيه، ٩٧

اطلس، ٥٢، ٤٣، ٨٠، ١١٩، ١٢٩، ١٤٠، ١٥٤، ٢٠٩

افريقيه، ١٤

افلاطون، ١٨

اقليت، ١٣، ٢١، ٣٦، ٤٢، ٤٣، ٤٦، ٧٩، ٨٠، ٩٥، ١٠٧، ١٢٧، ١٢٨، ١٢٩، ١٣٠، ١٣٥، ١٤٠، ١٤٢، ١٤٧، ١٥٥، ١٥٦،  
١٥٩، ١٦٣، ١٦٤، ١٧٠، ١٧٦، ١٨٨، ١٩٢، ١٩٣، ١٩٧، ٢٠١، ٢٠٢، ٢٠٤

اقيانوس، ٥٠، ٥٢، ٥٣، ٤٣، ٤٦، ٤٧، ٩٧، ١٩٥

اقيانوس هند، ٥٠، ٥٢، ٥٣، ٤٦، ٤٧، ١٩٥

اكراد، ١٤٥

الاحساء، ١٠٠، ١٣٥، ١٣٩، ١٥٩

الاسره، ٨٨

الاضواء، ٨٨، ١٠٨

الاميه، ١١٥

الانبياء، ١٢١

الانتفاضه، ١٨٩

الاولى، ١٤٠

الايام، ١٩٠

البكر، ١١٥

الثوره، ١٧٩

الثورة الرسالية، ١٨٩

الجيل، ٨١

الجريدة، ٨٨

الجزيرة، ٨١

الجيش المهدي، ١٩٧

الحيات، ٨١

الخراساني، ١٧٨

الخرج، ٨٢

الخور، ٩٨

الخوض، ١٣١

الخيبر، ١٣٩

الرايان، ٩٨

الرأى العام، ١٢١

الرسميه، ٨٨، ١٠٨

الرياض، ٨١، ٩٧

الزبير، ١١٥

السالمى و التقايا، ١١٧

الشباب المسلم، ١٨٠

الشرق الاوسط، ٨١

الشرقيه، ٨٤

الظاهره، ٨٤

العروبه، ١٠١

العزيره، ١٠٨

العسير، ٦٨

العقائدين، ١٨٠

العقيده، ٨٨

العلی، ٩٤

العمران، ١٣٧

العوجاء، ١٧٦

«العين»، ٩٢

القافله، ١٠٨

القامه، ٨١

القبس، ١٢١

القطيف، ١٨٤

القياده و القيطريه، ١٨١

الكبار، ٨١

الكفاح، ١٠٨

المجلس الاعلى، ١٨٠

المجيد، ٩٧

المحرّق، ١٤٠

المرشد، ١٠١

المسايه، ٨١

الموحّدون، ١٣٣

الندوه، ٨١

النهضة، ٨٨

ص: ٢١٤

الوكره، ٩٨

الهفوف، ١٣٧

اليغارشى، ١٧٧

امارات متحده، ٥٠، ٥٦، ٥٩، ٦٨، ٨٣، ٨٦، ٨٩، ٩٠، ٩١، ٩٢، ٩٣، ٩٥، ٩٩، ١٥٤، ١٥٥، ١٥٧، ١٦٠، ١٦١، ١٩٢، ١٩٣، ١٩٧، ٢٠١، ٢٠٥، ٢٠٩

امارت، ٤٣، ٩٠، ١٥٤، ١٦٣

ام الرمم، ١١٧

ام القصر، ١١٥

ام القوين، ٩٠، ٩٤

امامت، ٢٩، ٣٠، ٣١، ٣٢، ٣٣، ٣٤، ٣٦، ١٣٠، ١٦٩، ١٧٣

امام جعفر صادق، ٣١

امام شرف الدين، ٤٤

امام صادق، ٣١، ٣٢، ٣٤، ١٧٣

امام عصر، ٣٧

امام علي، ١٣، ٣١، ٣٢، ٣٤، ١٤٥، ١٦٢، ١٧٢، ١٨١

امام محمد باقر، ٣٠

امام موسى كاظم، ٣٢

اماميه، ٣٠، ٣٤، ٤٠

امپراتورى، ١٧٤، ١٩٥

امپرياليزم، ١٦٨، ١٩٤

امپرياليستى، ٦٥، ٦٧

امت واحده، ١٨٧

امر به معروف، ٤١، ١٨٩

ام سعيد، ٩٧، ٩٨، ١٠٢

اموى، ١٣، ٣١

امويان، ١٣

امير مؤمنان، ١٣

انتظار، ٣٣، ٣٥، ٣٦، ٣٧، ٤٠، ١٤٦، ١٥٥، ١٧٢،

١٧٣، ١٩٨

اندلس، ١٩٤

اندونزى، ٦٢

اندیشه، ۱۵، ۲۰، ۲۳، ۲۵، ۲۷، ۳۳، ۳۴، ۳۵، ۳۶، ۴۰، ۶۴، ۸۰، ۱۳۷، ۱۶۸، ۱۷۰، ۱۷۱، ۱۷۲، ۱۹۵، ۲۰۲، ۲۰۵، ۲۰۷

انصار، ۲۸، ۳۴، ۲۰۶

انصار الشهدا، ۱۹۱

انگلستان، ۶۶، ۶۷، ۷۸، ۸۹، ۱۰۶، ۱۱۴، ۱۷۰، ۱۷۵، ۱۸۲

انگلیس، ۶۲، ۱۱۴، ۱۹۵

اوپک، ۵۵، ۵۶، ۵۷، ۵۸، ۶۱، ۶۲، ۷۳، ۲۰۵، ۲۰۷، ۲۰۸

اولتیماتوم، ۱۸۲

اولی الامر، ۱۳۸

اهل بیت، ۵، ۱۴، ۲۸، ۳۵، ۳۹، ۴۴

اهل تسنن، ۸۰، ۱۳۵، ۱۳۶، ۱۴۰، ۱۴۸، ۱۵۵، ۱۷۵، ۲۰۱، ۲۰۳

اهل سنت، ۲۸، ۲۹، ۴۶، ۱۳۳، ۱۳۸، ۱۶۹

اهواز، ۱۷۴

ایاد علاوی، ۱۵۲

ایدئولوژی، ۳۹، ۹۸، ۱۳۸، ۱۹۴، ۱۹۷، ۲۰۰

ایدئولوژیک، ۱۷۷، ۱۸۲، ۱۸۴

ایدئولوژیکی، ۳۲، ۵۱، ۵۲، ۶۱، ۶۳، ۶۴، ۸۳، ۱۲۳، ۱۹۸، ۲۰۰

اینترنت، ۲۲

باب، ۳۳، ۱۵۸

باب المنذب، ۶۹

بابل، ۱۴۵

بابلی‌ها، ۶۳

باطنه، ۱۲۹، ۱۳۲، ۱۶۳

باطنیه، ۳۴

باور، ۱۶، ۲۰، ۲۳، ۲۵، ۲۷، ۳۳، ۶۶، ۱۴۲، ۱۵۶، ۱۹۷

بحارنه، ۱۳۰، ۱۵۴

بحارینه، ۹۴

بحر احمر، ۵۰

بحرین، ۱۴، ۴۴، ۴۶، ۵۰، ۶۸، ۷۹، ۸۲، ۸۳، ۹۰، ۹۶، ۹۷، ۹۹، ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۰۵، ۱۰۶، ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۱۸، ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۳۷، ۱۴۰، ۱۴۱، ۱۴۲، ۱۴۳، ۱۴۴، ۱۵۵، ۱۶۰، ۱۶۲، ۱۶۳، ۱۸۸

ص: ۲۱۵

۳۵۷

۱۲۳۴۳ جغرافیای سیاسی شیعیان منطقه خلیج فارس؛ ص ۲۱۵

۱۸۹، ۱۹۰، ۱۹۱، ۱۹۲، ۱۹۷، ۲۰۲، ۲۰۵، ۲۰۶، ۲۰۹، ۲۱۰

برادران عارف، ۱۴۹، ۱۷۶

برژینسکی، ۶۴، ۶۵، ۲۰۵

برنالد لوئیس، ۶۵

بریتانیا، ۵۱، ۶۶، ۱۱۲، ۱۱۸، ۱۹۵

بصره، ۱۴، ۱۱۵، ۱۱۶، ۱۱۸، ۱۴۵

بعلبک، ۴۵

بغداد، ۲۱، ۴۴، ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۴۵، ۱۵۸، ۱۵۹، ۱۶۲، ۱۷۲، ۱۷۸، ۱۷۹، ۲۰۸

بقیع، ۱۳۷

بقیق، ۸۲

بکایح، ۴۳

بکشیتیه، ۱۵۴

بلر، ۱۱۶

بلوچستان، ۱۳۱

بلوچ‌ها، ۸۷

بنجیر، ۱۴۷

بندر خالد، ۹۵

بندر دمام، ۸۲

بندر راشد، ۹۵

بندر سقر، ۹۵

بندر سلمان، ۱۰۸

بندر عباس، ۱۳۱

بنو جهم، ۱۳۵

بنو علی، ۱۳۵

بنو هاجر، ۱۲۰

بنیادگرا، ۶۶، ۱۷۷، ۱۸۸، ۱۹۳، ۲۰۴

بنی امیه، ۱۷۴

بنی تمیم، ۱۰۰

بنی حمدان، ۴۳

بنی خالد، ۱۲۰

بنی سلطان، ۹۴

بنی شاهین، ۴۳

بنی شمیل، ۹۴

بنی صالح، ۱۰۸

بنی عباس، ۴۵، ۱۷۴

بنی عتوب، ۱۰۰

بنی عتیب، ۱۰۵

بنی عوف، ۱۳۵

بنی محمد، ۹۴

بنی مره، ۱۲۰

بنی نخع، ۴۳

بوش، ۱۵۱

«بوشهر»، ۱۹۵

بومیان، ۱۱۵، ۱۵۵

بین الملل، ۵۵، ۱۱۱، ۲۰۳، ۲۰۹

بین النهرین، ۱۱۰، ۱۶۰

پادشاه، ۸۱، ۸۹

پادشاهی، ۷۱، ۹۶، ۱۰۲، ۱۸۴

پارس جنوبی، ۵۹

پاکستان، ۱۳۱

پالایشگاه، ۱۵۷، ۲۰۴

پان ایرانیسم، ۱۹۵

پان ترکیسم، ۱۹۵

پان عربیسم، ۱۷۶

پان هندوئیسم، ۱۹۵

پست مدرن، ۲۱

پیامبر، ۱۳، ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۳۴، ۳۵، ۳۷، ۴۳، ۴۴، ۶۳، ۶۶، ۷۰، ۱۷۱، ۱۷۲، ۱۷۳، ۱۷۴

تبری، ۲۹، ۴۱، ۲۰۵

تبئریه، ۳۲

ترکمان، ۱۴۵

تروریسم، ۲۰۴

تریپولی، ۱۱۶

تشیع، ۵، ۱۵، ۱۷، ۲۳، ۲۷، ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۳۴، ۳۵، ۳۶، ۳۹، ۴۰، ۴۱، ۴۲، ۴۳، ۴۴

ص: ۲۱۶

۴۵، ۴۶، ۸۳، ۹۴، ۱۲۷، ۱۲۸، ۱۳۴، ۱۴۵، ۱۴۶، ۱۴۹، ۱۵۳، ۱۵۵، ۱۶۲، ۱۶۷، ۱۶۸، ۱۶۹، ۱۷۰، ۱۷۲، ۱۹۷، ۱۹۸

۱۹۹، ۲۰۰، ۲۰۲، ۲۰۴، ۲۰۵، ۲۰۶، ۲۰۷، ۲۰۸

تقی مدرسی، ۱۸۰

تقیه، ۳۱، ۳۳، ۳۹، ۴۰، ۱۳۵، ۱۳۶، ۱۳۷

تکريت، ١٧٦

تکنولوژی، ١٩، ٢٢

تگزاس، ٥٦

تنباکو، ١٧٠

تنگه هرمز، ٥٠، ٥٢، ٥٣، ٦٩، ٨٤، ٨٥، ٨٩، ٩٥، ١٠٨، ١٢١، ١٢٣، ٢٠٦، ٢٠٧

توروس، ١٠٩

توسط شاه اسماعيل صفوی، ١٧٤

توکیو، ٦١

تولوز، ١٩٤

تولی، ٢٩، ٤١، ٢٠٥

توماس استوفر، ٥٦

تونس، ١٤

ثلاثاء، ١٥٨

جاده ابریشم، ٥٢

جارودیه، ٣٢

جاکسون، ١٩

جان الزور، ١١٧

جاهلیت، ٣٧

جبال سروات، ٦٨

جبل الخضر، ٨٤

جبل عامل، ١٥٦

جبل على، ٩١، ١٦١

جبل فويريط، ٩٦

جيبيل، ٨١، ١٨٥

جد حفص، ١٤٠

جزاير هاوار، ٩٩

جزيره، ١٤، ١٨، ٥٠، ٦٣، ٦٨، ٧٠، ٨٣، ٨٤، ٨٥، ٨٧، ٨٩، ٩٧، ٩٨، ١٠٢، ١٠٣، ١٠٤، ١٠٦، ١٠٧، ١٠٨، ١١٥، ١٢٧، ١٨٦، ١٨٧، ١٨٨

جزيرة العرب، ٤٣، ٤٥، ١٨٦

جغرافيا، ١٧، ١٨، ١٩، ٢٠، ٢١، ٢٢، ٢٣، ٤٢، ٤٣، ٤٥، ٤٩، ٥٠، ٥٢، ٦٣، ٦٤، ٦٨، ٦٩، ٧٠، ٧٨، ٨٣، ٨٤، ٨٩، ٩٠، ٩٥، ٩٦، ٩٧، ٩٨، ١٠٤، ١٠٧، ١٠٨، ١٠٩، ١١٠، ١١٧، ١٣٥، ١٣٦، ١٥٥، ١٦٣، ١٧١، ٢٠١، ٢٠٣، ٢٠٤، ٢٠٥، ٢٠٦، ٢٠٧، ٢٠٨، ٢٠٩

جلاترى، ٤٣

جمال على العصفور، ١٩١

جمعيت، ١٧، ١٨، ١٩، ٢١، ٢٢، ٣٤، ٤٩، ٦٢، ٧١، ٧٤، ٧٩، ٨٠، ٨٦، ٩٠، ٩٢، ٩٣، ٩٨، ٩٩، ١٠٠، ١٠٤، ١٠٦، ١٠٧، ١١٢، ١١٣، ١١٧، ١١٩، ١٢٠، ١٢٧، ١٢٩، ١٣٥، ١٣٧، ١٤٠، ١٤٤، ١٤٥، ١٥٤، ١٥٥، ١٥٦، ١٥٧، ١٥٩، ١٦٠، ١٦٣، ١٦٧، ١٧٧، ١٨١، ١٨٢، ١٨٥، ١٨٨، ١٩١، ١٩٢، ٢٠١، ٢٠٣

جمل، ١٧٢

جمهورية اسلامى، ١٥، ٦٦، ٩٢، ١١٨، ١١٩، ١٢٧، ١٨٠، ١٨٣، ١٨٧، ١٩٣، ٢٠٢، ٢١٠

جنبش المجاهدين، ١٨٠

جند الامام، ١٨٠

جنگ، ٢٢، ٤٢، ٤٣، ٥١، ٥٤، ٦٧، ٧٥، ٩٥، ١٠٦، ١١٧، ١١٨، ١١٩، ١٣٠، ١٤٨، ١٥٠، ١٦٨، ١٧٢، ١٨١، ١٨٢، ١٨٤، ١٩٤، ١٩٥، ١٩٧، ٢٠٠

جوالر، ۱۲۰

جهاد، ۳۳، ۳۶، ۳۸، ۴۱، ۴۲، ۶۶، ۱۶۷، ۱۶۹، ۲۰۶

جيزان، ۶۸، ۸۱

چنگيز پهلوان، ۱۴۱، ۱۴۲، ۱۴۳، ۱۸۸

چين، ۵۷، ۷۶

حاج محمد صادق قاموسى، ۱۸۰

حارّه، ۸۴

حجاز، ۴۵، ۶۸، ۸۰، ۱۳۵، ۱۸۶

حجّت، ۳۳، ۱۸۸

ص: ۲۱۷

«حجر»، ۸۴

حجر شرقى، ۸۴

حجّة الوداع، ۲۸

حرض، ۸۲

حزب الجعفرى، ۱۸۰

حزب الدعوة، ۱۴۸، ۱۵۰، ۱۷۹

حزب الفاطمى، ۱۷۸

حزب الله، ۱۵، ۱۸۹، ۱۹۰

حزب بعث، ۱۴۸، ۱۵۰، ۱۵۱، ۱۸۱، ۱۸۲

حسن بن على، ۱۳، ۳۰

حسن صفّار، ۱۸۷

حسین بن اسماعیل، ۱۸۷

حسین بن علی، ۱۳، ۳۰، ۴۵

حسین صلات، ۱۵۴

حسینیّه، ۱۳۱، ۱۳۲، ۱۳۶، ۱۵۳، ۱۵۴، ۱۵۶، ۱۹۲

حلّه، ۴۳، ۱۴۵، ۱۴۶

حمیری ها، ۸۷

حنبلّی ها، ۹۵

حوار، ۹۷، ۱۰۵

حواله، ۹۴

حیدرآباد، ۱۳۰

خابوره، ۱۲۹

خالد بن ولید، ۴۴

خاندان قاسمی، ۹۴

خانه کعبه، ۷۰، ۷۱

خاورمیانه، ۱۶، ۵۲، ۵۹، ۶۷، ۷۵، ۱۱۳، ۱۴۴، ۱۶۱، ۱۹۶، ۱۹۷، ۱۹۸، ۲۰۹، ۲۱۰

خاوه، ۱۱۵

خدا، ۲۹، ۳۲، ۳۳، ۳۴، ۳۵، ۴۱، ۴۳، ۶۶، ۱۷۲، ۱۹۵، ۲۰۶

خلافت، ۱۳، ۱۴، ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۵، ۱۴۵، ۱۷۲، ۱۷۳، ۱۷۴

خلیج العربی، ۵۰

خمس، ۴۲

خمینی، ۱۵، ۱۷۷، ۱۸۵، ۱۸۷

خوارج، ۴۳، ۴۴

خوجه‌ها، ۱۳۱

خور شطنه، ۱۱۵

خور عبد الله، ۱۱۵

خورفکان، ۹۵

خوزستان، ۱۱۱

دار التوحید، ۱۹۳، ۱۹۴

داروینیست، ۱۸

دارین، ۸۱

داس، ۸۹

دبا، ۸۶، ۹۲

دبی، ۹۰، ۹۱، ۹۴، ۹۵، ۱۵۴، ۱۵۵، ۱۶۱، ۲۰۹

دجله، ۱۱۰، ۱۵۸، ۱۶۰

دخان، ۹۶، ۹۸، ۱۰۲

درب سلیمان، ۱۵۸

دروز، ۸۷

دروزیه، ۳۴

دریای سرخ، ۶۸، ۶۹، ۷۲، ۸۱

دریای عمان، ۶۴، ۸۹

دعای عهد، ۳۷

دکمجیان، ۱۷۱، ۱۷۵، ۱۷۷، ۱۸۱، ۱۸۲، ۱۸۴، ۱۸۸، ۱۹۳، ۲۰۶

دلما، ۸۹

دماغه امید نیک، ۵۲، ۶۶

دمام، ۸۱، ۸۲

«دمام»، ۱۳۹

دموکراتیک، ۶۰، ۸۳، ۱۱۵، ۱۹۲، ۱۹۳

دموکراسی، ۶۴، ۱۲۲، ۱۹۲

دوبی، ۹۰، ۹۳، ۱۶۰، ۱۶۳، ۱۹۳

دوحه، ۹۷، ۹۸، ۱۰۱، ۱۰۲

دهنا، ۶۸

دیالی، ۱۴۵

ص: ۲۱۸

دیبا، ۸۱

دپلی، ۸۱

دیوانیه، ۱۲۲، ۱۴۵

ذیحجه، ۱۷۲

ذی قار، ۱۴۵

رئوس الجبال، ۸۴

راتزل، ۱۸

راجر هاردی، ۱۴۲

رادیکال، ۲۰۲

رافضی، ۱۳۶

راوند، ۱۳۱

راه ادویه، ۵۲

رأس الحد، ۸۴

رأس الحیشاب، ۸۲

رأس الخفیجی، ۸۱

رأس الخیمه، ۹۰، ۹۵

رأس تنوره، ۸۱

ربع الخالی، ۶۸

ربیعہ، ۱۰۷

«ردّه»، ۴۴

رژیم، ۵۳، ۷۰، ۷۱، ۷۳، ۷۴، ۷۶، ۸۳، ۸۹، ۱۲۱، ۱۳۸، ۱۴۰، ۱۴۷، ۱۴۸، ۱۵۰، ۱۷۰، ۱۷۷، ۱۷۸، ۱۷۹، ۱۸۰، ۱۸۱،  
۱۸۴، ۱۸۵، ۱۸۶، ۱۸۷، ۱۹۳

رژیم صهیونیستی، ۱۰۱

رستاخیز، ۱۶۷، ۱۷۱، ۱۷۴، ۱۸۸، ۱۹۶، ۱۹۹، ۲۰۰

رمایله، ۱۱۵، ۱۱۶

رمی خاروق، ۱۸۱

رودون، ۱۳۱

روستا، ۲۱، ۷۹، ۸۸، ۱۲۸، ۱۴۰، ۱۴۱، ۱۴۹، ۱۵۰

روسیه، ۵۹، ۶۶، ۹۸

روضه، ۸۶، ۹۲

ریاض، ۶۹، ۸۱، ۸۲، ۱۵۹

ریودوژانیرو، ۶۱

زاگرس، ۵۰، ۱۰۹، ۱۱۳

زباره، ۹۸، ۹۹، ۱۰۵

زغال سنگ، ۵۹، ۸۵

زکات، ۴۴

زکریت، ۹۷

زنگبار، ۸۷

زهرا، ۱۳۴

زید، ۳۱

زیدیان، ۳۱، ۳۳، ۴۵، ۱۳۶

زیدیه، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۱۳۵

ژئواستراتژیک، ۵۱

ژئواکونومیک، ۵۱

ژئواکونومیکی، ۵۵، ۶۷

ژئوپولیتیک، ۲۰۶، ۲۰۷، ۲۰۹

ژئوپولیتیک، ۱۵، ۱۷، ۲۲، ۲۳، ۴۶، ۵۵، ۱۳۹، ۱۹۸، ۲۰۶، ۲۰۷، ۲۰۹

ژئوپولیتیکی، ۶۷، ۶۹، ۷۰، ۷۲

ژاپن، ۵۴، ۷۳، ۷۶، ۷۷

سادات، ۴۵

سازمان عمل، ۱۸۲، ۱۸۳، ۱۹۷

سامرا، ۱۶۱، ۱۶۲

سامی، ۷۹، ۱۰۷، ۱۲۰

سایکس - پیکو، ۱۴۶

ستره، ۱۰۸

سجاد، ۲۳، ۳۰، ۳۱

سر بنی یاس، ۸۹

سعدون حمادی، ۱۸۱

سعد بن عبادۀ، ۲۸

سعودت گازت، ۸۱

سعودی ریویو، ۸۱

سقیفه، ۱۳، ۲۸

سکولار، ۱۵۲، ۲۰۲

سکولاریزم، ۶۵

ص: ۲۱۹

سلطان قابوس، ۸۷، ۸۸

سلطان محمد خدابنده، ۴۳، ۴۴

سلطنت، ۴۳، ۸۳، ۸۸، ۱۰۲، ۱۳۰، ۱۸۷

سلفیہ، ۱۳۴

سلمانیہ، ۳۲

سلوی، ۱۰۲

سلیمان حیدر، ۱۵۴

سماوہ، ۱۴۵

سنابس، ۱۴۰

سنت، ۲۷، ۳۷، ۴۶، ۷۹، ۸۰، ۸۸، ۱۰۷، ۱۳۴، ۱۳۶، ۱۷۱، ۱۷۳

سنگ آہک، ۸۵

سنگاپور، ۶۱، ۷۷

سنگ کرومیت، ۸۵

سنگ گچ، ۸۵

سنگ مرمر، ۸۵

سنی، ۱۴، ۱۵، ۸۶، ۸۷، ۹۳، ۱۰۶، ۱۰۷، ۱۱۳، ۱۲۰، ۱۲۸، ۱۳۵، ۱۳۶، ۱۴۱، ۱۴۴، ۱۴۷، ۱۴۸، ۱۴۹، ۱۵۱، ۱۵۲،  
۱۵۳، ۱۵۸، ۱۵۹، ۱۶۰، ۱۶۴، ۱۶۹، ۱۷۴، ۱۷۷، ۱۸۰، ۱۸۴، ۱۸۷، ۱۸۸، ۱۹۲، ۱۹۳، ۱۹۵، ۱۹۸

سودان، ۹۴، ۱۳۱

سوران، ۹۴

سوق السلاح، ۱۵۸

سوق یحی، ۱۵۸

سومر، ۱۶۰

سومری‌ها، ۶۳

سویق، ۱۲۹

سیترا، ۱۴۰

سیحان، ۱۸۵

سید حسن شیرازی، ۱۸۲

سید عبد الله بهبهانی، ۱۶۹

سید محمد باقر صدر، ۱۷۸

سید محمد طباطبایی، ۱۶۹

سید محمد مهدی حکیم، ۱۸۰

سید مرتضی عسکری، ۱۸۰

سید هاشم شخص، ۱۸۷

سیسیل، ۱۹۴

شارجه، ۸۶، ۹۰، ۹۲، ۹۵، ۱۰۵

شافعی‌ها، ۹۵

شام، ۱۳

شامات، ۱۳

شاوی هین، ۹۴

شرک، ۱۳۳، ۱۳۴

شریعت، ۲۹، ۳۲، ۳۳، ۳۵

شطّ العرب، ۱۱۰

شعب رضوی، ۳۰

شعوبی گری، ۱۴۸

شعیبه، ۱۲۱، ۱۲۲

شلمغانی، ۳۴

شوروی، ۵۹، ۶۴، ۷۵، ۱۱۴

شویخ، ۱۲۱، ۱۲۲

شهادت، ۱۳، ۳۱، ۳۵، ۴۰، ۴۳

شهرک صدر، ۱۴۵

شهید، ۳۱، ۳۷، ۴۱، ۴۵، ۲۰۵

شیخ حسن جلائری، ۴۳

شیخ حمد، ۱۴۱، ۱۴۳، ۱۴۴

شیخ راشد، ۹۴

شیخ طوسی، ۱۷۳

شیخ علی الصغیر، ۱۸۱

شیخ عمروی، ۱۸۷

شیخ محمد شیرازی، ۱۸۲

شیخ محمد یعقوبی، ۱۸۳

شیخ مکتوم، ۱۹۳

شیعه جعفری، ۳۵

صیح صادق، ۱۵۱، ۱۵۷، ۲۰۹، ۲۱۰

صدام، ۱۶، ۱۱۶، ۱۴۸، ۱۴۹، ۱۵۰، ۱۵۱، ۱۷۶، ۱۷۷، ۱۷۹، ۱۸۱، ۱۸۲، ۱۸۳

ص: ٢٢٠

صدریون، ١٨٣

صفّار، ١٥٤

صفویه، ٤٤، ٤٦

صفّین، ١٧٢

صلاله، ٨٨

صندوق الحسین، ١٨٩

صور، ١٢٩، ١٣٢

صورة البحرین، ١٠٨

صوفیه، ١٣٤

ضیقّف، ٨١

طائف، ٨٢

طاغوتی، ٣٦

طبرستان، ١٤

طریم، ٩٤

طنیج، ٩٤

ظالمان، ٣٣

ظفار، ٨٧

ظهران، ٨٢

عاشورا، ٤٠، ٤٣، ١١٦، ١٤٣، ١٨٥

عباد الله، ٩٤

عبّاسي، ١٣، ١٤

عباسيان، ٤٣، ١٧٤، ٢٠٩

عبد الامير الجمري، ١٤٤

عبد الرئوف الخنيزي، ١٨٥

عبد السلام عارف، ١٤٩، ١٧٦

عبد العزيز، ١٨٤، ٢٠٩

عبد الكريم قاسم، ١٤٧، ١٧٦

عبد الله مازندراني، ١٦٩

عبد الهادي الفضلي، ١٨٧

عبد قيس، ١٠٧

عبيد الله، ٤٣

عتبات، ٨٠، ١٦٢

عثمان، ٣١، ٣٢، ٣٤

عثماني، ١٤٦، ١٧٥، ١٩٥

عجمان، ٩٠، ٩٤، ٩٥

«عدن»، ١٩٥

عدنان، ١٠٧

عدنانيها، ١٢٠

عرب، ١٦، ١٧، ٢١، ٢٣، ٤٥، ٤٧، ٧١، ٧٤، ٧٦، ٨٣، ٨٤، ٩٩، ١٠٥، ١٠٧، ١٢٠، ١٢٢، ١٥١، ١٥٢، ١٥٣، ١٧٨، ١٨٨،

١٩٣، ٢٠٢

عرب تايمز، ١٢١

عرب نيوز، ٨١

عز الدين الجزائرى، ١٨٠

عزت الله عزتى، ١٨، ٦٣، ٦٩، ٧٠، ٧٢، ١١٣

عقير، ١١٩

عكاظ، ٨١

علويان، ١٤

علويه، ٣٤

على، ٥، ١٣، ١٤، ٢٣، ٢٤، ٢٧، ٢٨، ٢٩، ٣٠، ٣١، ٣٢، ٣٥، ٤٤، ٥٦، ٩٥، ١٣٤، ١٤٦، ١٥٢، ١٥٧، ١٦٠، ١٧٢، ١٧٣، ١٧٤، ١٨١، ١٩٤، ٢٠٥، ٢٠٦، ٢٠٧، ٢٠٩، ٢١٠

على جودت، ١٤٨

عليحده، ٣٤

على حسن المجبى، ١٥٠

على وردى، ١٧٢

عمار، ١٤٥

عمان، ٤٤، ٤٥، ٥٠، ٥٣، ٦٦، ٧٨، ٨٣، ٨٤، ٨٥، ٨٦، ٨٧، ٨٨، ٨٩، ٩٢، ٩٥، ٩٦، ١٠٠، ١٢٩، ١٣٠، ١٣١، ١٣٢، ١٥٨، ١٦٣، ١٩٧، ٢٠٨، ٢٠٩

عمان آبرور، ٨٨

عمر، ٢٨، ٣١، ٥٦، ١٠٥

عنره، ١٢٠

عيد غدیر، ١٧٢

عيسى بن سلمان، ١٠٩

غاصبان، ٣٣، ١٧٢

غاصبانه، ٣٥، ٣٦، ١٩٧

ص: ٢٢١

غدیر خم، ٢٨

غرب، ٥٢، ٥٤، ٥٦، ٦١، ٦٢، ٦٤، ٦٥، ٦٦، ٧٠، ٧١، ٧٣، ٧٤، ٧٥، ٧٦، ٧٧، ٧٩، ٨٢، ٨٩، ٩٠، ١٠٣، ١١٠، ١١٤، ١١٩،  
١٦٧، ١٦٨، ١٧٢، ١٨٥، ١٨٨، ١٩٤، ١٩٦، ١٩٧، ١٩٨، ١٩٩، ٢٠٠، ٢٠٤

غزه، ١٠١

غفاله، ٩٤

غلات، ١٣٤

غلاء، ٣٠، ٣٤

غبييت، ٣٥، ٣٧، ٣٨، ١٧٣، ٢١٠

غبييت صغرا، ٣٤

فاراسان، ٨١

فاطمي، ١٤، ٣١، ٣٣، ٣٤، ٤٥

فاطميان، ١٤، ٣٣، ٤٥، ١٣٦، ١٧٤

فجيره، ٩٠، ٩٤، ٩٥

فتح، ٤٥

فدرال، ٩٠، ١٩٣

فرات، ١١٠، ١٦٠

فرانسوا توآل، ١٩٧

فرانسه، ۶۲، ۶۶، ۷۷، ۱۲۱

فرقه، ۱۴، ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۳۴، ۳۵، ۳۶، ۸۰، ۱۰۰، ۱۳۳، ۱۳۴، ۱۳۵، ۱۳۶، ۱۳۷، ۱۳۹، ۱۴۸، ۱۷۷، ۱۹۳، ۲۰۰

فرهنگ، ۱۴، ۲۱، ۲۷، ۲۸، ۳۵، ۳۸، ۴۰، ۴۱، ۵۴، ۶۰، ۶۳، ۶۴، ۶۵، ۷۴، ۷۹، ۸۰، ۸۷، ۹۳، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۷، ۱۱۴، ۱۳۱، ۱۳۸، ۱۴۷، ۱۵۳، ۱۵۴، ۱۷۰، ۱۷۲، ۱۸۷، ۱۹۵، ۱۹۶، ۱۹۷، ۲۰۰، ۲۰۴، ۲۰۵، ۲۰۶، ۲۰۷، ۲۰۸

فقه، ۳۶، ۱۷۳، ۲۰۹

فلسطین، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۷۵، ۱۹۱، ۱۹۵

فمنیسزم، ۲۲

فنیقی‌ها، ۶۳

قائم، ۳۳

قائم بالسیف، ۳۱

قادسیه، ۱۴۵

قاره، ۵۰، ۵۱، ۵۲، ۷۵، ۷۹، ۱۲۳

قاسطین، ۴۳

قحطان، ۱۰۷

قرآن، ۳۴، ۳۵، ۱۳۴، ۱۹۵

قرامطه، ۳۴، ۴۴

قرمطی، ۴۶

قشت ابو صفا، ۷۹

قصیم، ۸۲

قطر، ۵۰، ۵۶، ۵۹، ۶۰، ۶۸، ۷۸، ۸۹، ۹۰، ۹۶، ۹۷، ۹۸، ۹۹، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۰۳، ۱۰۵، ۱۵۳، ۱۵۴، ۱۶۰، ۱۶۳، ۱۹۲، ۲۰۷

قطر العلائشاء، ١٠١

قطيف، ٧٠، ٨٠، ١٣٥، ١٣٧، ١٣٩، ١٥٩، ١٨٥، ١٨٦

«قطيف»، ٧٠

قلايين، ١٥٨

قم، ١٣٧، ١٩٣

قوس قزح، ١٠١

قيامت، ٢٩

قيومت، ١٧٠، ١٧٥، ١٩٥

كاپيتاليسم، ١٩٨

كارخانه، ١٥٧

كاسپوسون، ١٩

كاشف الغطاء، ١٨١

كاظمين، ١١٦، ١٤٥، ١٤٦، ١٦١، ١٦٢،

كر بلا، ١٣، ١١٦، ١٤٥، ١٤٦، ١٦٠، ١٦١، ١٦٢، ١٧٢، ١٧٩، ١٨١

كرخ، ٢١، ١٥٨

كر كوك، ١١٥، ١١٦، ١٤٥، ١٦٠

كره جنوبي، ٥٧، ٧٧

كشاورزي، ٦١، ٩١، ٩٧، ١٠٤، ١٢٨، ١٤٠، ١٤٥، ١٥٠، ١٥٥

كشميري، ١٤٦

ص: ٢٢٢

کلدانی‌ها، ۶۳

کمپ دیوید، ۷۵

کمونیزم، ۱۹۸

کمونیستی، ۱۴۸

کمونیسم، ۶۴، ۷۵

کمیال بن زیاد، ۴۳

کنتانی‌ها، ۶۳

کنفدرال، ۹۶

کوت، ۱۴۵

کوریه، ۸۱

کوفه، ۱۴، ۳۱، ۳۴، ۱۴۵

کوه اخصر، ۸۹

کوه دروز، ۴۶

کوه زیدیه، ۴۶

کوه علوی، ۴۶

کویت، ۵۰، ۵۱، ۵۶، ۶۷، ۶۸، ۷۳، ۱۰۶، ۱۰۹، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۱۵، ۱۱۶، ۱۱۷، ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۵۵،  
۱۵۶، ۱۶۰، ۱۶۳، ۱۹۰، ۱۹۲، ۱۹۳، ۱۹۴، ۱۹۷، ۲۰۲، ۲۰۶، ۲۰۷، ۲۰۹

کویت تایمز، ۱۲۱

کیسانیه، ۳۰

گاتمن، ۲۰

گاز، ۵۱، ۵۲، ۵۴، ۵۵، ۵۹، ۶۰، ۷۳، ۷۵، ۸۵، ۹۱، ۹۸، ۱۰۵، ۱۰۸، ۱۱۲، ۱۱۸، ۱۲۳

گلف تایمز، ۱۰۱

لار، ۱۳۱

لبنان، ۱۵، ۸۷، ۱۱۶، ۱۳۱، ۱۵۳، ۱۶۲، ۱۷۵، ۱۸۹، ۱۹۰

لواتیا، ۱۳۰، ۱۳۱

لوکس، ۶۰، ۱۲۳

لوموند، ۱۸۵

لیبرال، ۶۴، ۲۰۲

لیبرال دمکراسی، ۶۴

مارا، ۹۴

ماکرو دیویژن، ۲۱

مالک بن اشتر، ۴۳

مالک بن نویره، ۴۴

مالکی‌ها، ۹۵

مایننگ، ۱۹

مبارک الصباح، ۱۲۲

مبارکیه، ۳۴

مجاهد، ۱۶، ۳۷، ۴۰، ۱۸۲

مجتهد، ۱۹، ۲۰، ۲۳، ۳۱، ۱۷۳، ۱۷۵، ۱۷۸، ۲۰۷، ۲۱۰

مجلس اعلا، ۱۱۶، ۱۸۰، ۱۸۳

محرّق، ۱۰۸

محمد الحبشي، ١٨٤

محمد باقر حكيم، ١٨٠، ١٨٢

محمد بن حسين الحرج، ١٨٤

محمد بن عبد الله، ٣١

محمد بن عبد الله، ٦٣

محمد بن عبد الوهاب، ١٣٣

محمد بن فلاح، ١٧٤

محمد تقى شيرازى، ١٧٥

محمود غازان، ٤٣

مختار، ٤٣

مدرنيته، ١٩٧، ١٩٨، ٢٠٠، ٢٠٤

مديترا، ٥٢، ٦٧، ١٠٢

مدينه، ١٣، ٢١، ٤٣، ٤٥، ٦٦، ٧٠، ٨٠، ٨٢، ١٣٦، ١٣٧، ١٦١، ١٦٢، ٢٠٨

مدينة النبي، ١٣

مذهب، ٢٧، ٢٩، ٣٠، ٣٨، ٤١، ٤٥، ٤٦، ٦٦، ٧٩، ٨٠، ٨٣، ٨٧، ١٠٦، ١٠٧، ١٢٠، ١٢٧، ١٣٠، ١٣١، ١٣٢، ١٣٣، ١٣٨،

١٤٨، ١٥٣، ١٥٥، ١٥٩، ١٦٤، ١٧٤، ١٩٧، ٢٠٦

مرجعيه، ١٥، ٢٩، ٣٥، ٣٨، ١٦٧، ١٦٩، ١٩٩

مرواريد، ٥١، ٥٢، ٩١، ١٠٤، ١١٨، ٢٠٩

مس، ٨٥

ص: ٢٢٣

مستعليه، ٣٤

مسجد، ۱۳۱، ۱۵۳، ۱۵۴، ۱۵۶، ۱۸۵

مسقط، ۸۴، ۸۷، ۸۸، ۱۲۹، ۱۳۰، ۱۳۲، ۱۵۸

مسندم، ۸۴، ۸۹، ۱۲۹، ۱۳۲

مسیحیت، ۶۴، ۸۶

مشروطه، ۱۷۰

مشروعیت، ۲۸، ۲۹، ۳۶، ۱۷۴

مشعشعین، ۱۷۴

مصر، ۱۴، ۴۵، ۷۵، ۱۰۰، ۱۷۴

مصرف‌گرایی، ۶۰، ۶۱

مصری‌ها، ۶۳

مصفا، ۹۲، ۱۰۸

مصلح، ۳۷، ۱۷۱

معاویة، ۱۳

معتزله، ۳۱

معصوم، ۲۹، ۳۵، ۳۶، ۳۹، ۴۰، ۱۴۶

مغول، ۴۳، ۱۷۴

مفاسد، ۳۵

مفتی، ۱۳۵

مقتدی صدر، ۱۸۳، ۲۱۰

مقنعه، ۳۴

مقیشط، ۸۹

مکران، ۵۳

مکه، ۴۵، ۶۶، ۷۰، ۸۰، ۸۲، ۱۳۵، ۱۳۶، ۱۳۷، ۱۶۱، ۱۸۵

مکیندر، ۱۸

ملک فهد، ۷۰، ۸۱

ملک فیصل، ۱۷۵<sup>۳۵۸</sup>

۱۲۳۴۳ جغرافیای سیاسی شیعیان منطقه خلیج فارس؛ ص ۲۲۳

ملکوت، ۴۰

منامه، ۱۰۴، ۱۰۸، ۱۴۰

منجی، ۳۶، ۳۷، ۳۸، ۴۰، ۱۶۷، ۱۶۹، ۱۷۱

منصور دوانیقی، ۳۴

منظمه الاسلامی، ۱۸۲

منگنز، ۸۵

موصل، ۴۳

مهدوی، ۳۳

مهدی، ۱۹، ۳۰، ۳۳، ۹۰، ۹۴، ۹۸، ۱۰۱، ۱۰۵، ۱۴۰، ۱۶۰، ۱۷۱، ۱۷۲، ۲۰۸

میکرو جیوگرافی، ۲۱

مینا احمدی، ۱۲۱

مینا عبد الله، ۱۲۱

---

<sup>۳۵۸</sup> متقی زاده، زینب، جغرافیای سیاسی شیعیان منطقه خلیج فارس، ۱ جلد، شیعه شناسی - قم، چاپ: اول، ۱۳۸۴ ه.ش.

ناسيوناليسم، ٢٠، ١٦٨، ١٨٨، ١٩١، ١٩٥، ٢٠٥

ناصر الحداد، ١٩٠، ١٩١

ناصريسم، ١٨٨

ناکئين، ٤٣

نامشروع بودن، ٣٥

نبوت، ٢٩، ٣٣، ٣٤

نجد، ٦٨، ٨٠، ١٠٠، ١٢٠

نجف، ١٣٧، ١٦٠، ١٦٢، ١٧٨، ١٧٩، ١٨١

نخاوله، ٢١، ١٣٥، ١٣٦، ٢٠٨

نزاريه، ٣٤

نژادى، ٢٢، ٧١، ١١٥، ١٩٤

نصيبين، ٤٣

نصيريه، ٣٤

نظام، ٤١، ٥٥، ٦٤، ٦٥، ٧٦، ٨٠، ٨٨، ٩٣، ٩٦، ١٤٣، ١٤٥، ١٤٨، ١٥٢، ١٦٩، ١٧٣، ١٨٧، ١٨٩، ١٩٥، ٢٠٣

نعائل، ١٣٧

نعيم حداد، ١٨١

نفت، ١٥، ٥١، ٥٢، ٥٣، ٥٤، ٥٥، ٥٦، ٥٧، ٥٨، ٥٩، ٦٠، ٦١، ٦٢، ٦٧، ٦٩، ٧٢، ٧٣، ٧٤، ٧٥، ٧٦، ٧٧، ٨٠، ٨٤، ٨٥

٩٠، ٩١، ٩٧، ٩٨، ١٠٤، ١٠٥، ١٠٨، ١١١، ١١٢، ١١٣، ١١٥، ١١٨، ١١٩، ١٢١، ١٢٣، ١٢٧، ١٢٩، ١٣٩، ١٤٠، ١٥٦

١٦٠، ١٦١، ١٦٣، ١٧٧، ١٨٤، ١٨٥، ١٨٨، ٢٠١، ٢٠٤، ٢٠٥، ٢٠٧، ٢٠٨

نفس زکيه، ٤٥

نماز جمعه، ١٩٢

ص: ۲۲۴

نوحه خوانی، ۱۷۲

نهر الطابق، ۱۵۸

نهر وان، ۱۷۲

نهی از منکر، ۴۱، ۱۸۹

نیل، ۴۳، ۷۰، ۷۳، ۱۴۷، ۱۶۷

نیویورک، ۶۱

وائل، ۱۰۷

واسط، ۱۴۵

وام، ۶۱، ۶۲، ۷۱

ودایی‌ها، ۸۷

وربه، ۱۱۵

وصایت، ۳۴، ۳۶

وصی، ۱۳، ۳۰، ۳۳، ۳۴

وعاظ السلاطین، ۱۷۲

ولایت، ۳۳، ۳۵، ۳۶، ۳۸، ۴۱، ۱۷۲

ولایت باطنی، ۱۴، ۳۵

ولید بن یزید، ۳۱

وهاپی، ۸۰، ۹۵، ۱۰۰، ۱۳۳، ۱۳۴، ۱۳۵، ۱۳۶، ۱۵۳، ۲۰۹

وهاپیت ۸۳، ۱۳۳، ۱۳۴، ۱۳۷، ۱۳۸، ۱۳۹، ۱۴۵

هادی مدرسی، ۱۸۰، ۱۸۲، ۱۸۸

هارتسون، ۱۹، ۲۰

هارتلند، ۱۸، ۱۹

هانتینگتن، ۶۵

هجرت، ۴۳، ۱۳۶، ۱۷۲

ص: ۲۲۵

هشام بن عبد الملک، ۳۱

هفوف، ۸۲، ۱۳۹

هلاکوخان، ۱۷۴

همدان، ۴۳

هند، ۱۴، ۵۷، ۷۷، ۸۷، ۱۰۰، ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۴۶، ۱۶۲، ۱۹۵

هیو غراتوس، ۱۸

هیت، ۱۱۰

هیتلر، ۱۸

یاقاری، ۸۱

یحیی، ۳۱، ۲۰۸

یزید بن معاویه، ۱۷۲

یملیوج، ۸۱

یمن، ۱۳، ۳۰، ۶۸، ۶۹، ۷۸، ۸۰، ۸۳، ۸۶، ۱۰۰، ۱۳۷

ینبع، ۸۱، ۸۲

ینبع، ۱۱۶، ۳۵۹

ص: ۲۲۶=PAGE ص: